

پنجاه هفت

آغاز یک انقلاب است...



ماهنامه‌ی تحلیلی - تبیینی پنجاه و هفت
mag57.ir

پنجاه هفت

نشریه تحلیلی-تبیینی ۵۷ / شماره سیزدهم / اسفند ۹۴

صاحب امتیاز: قرارگاه شهیدباقری سازمان بسیج دانشجویی کشور
مدیرمسئول: داود گودرزی
جانشین مدیرمسئول: صادق احمدی
سرمدبیر: محمدحسن صادق پور

تحریریه:

علی کاکادزفولی
پوریافرچی
سیدطاهر جلالی

مدیرهنری و طراح جلد:

علی کاکادزفولی

ناظر چاپ:

مرتضی گنجی

چاپ:

چاپخانه روزنامه جوان

با تشکر از:

بنیاد شعر و ادبیات داستانی ایرانیان، مرکز فرهنگی وارثین
دزفول، دکتر محمد مهدی مهدی، دکتر مجید بذرافکن و فردین
آریش که دلسوزانه در این شماره با ماهنامه ۵۷ همکاری داشتند

پایگاه اینترنتی: mag57.ir

پست الکترونیک: 57magz@gmail.com

نشانی:

تهران، خیابان آیت الله طالقانی، جنب مترو طالقانی،
مجتمع فرهنگی ۱۳ آبان، ساختمان شهید باقری

تلفن:

۰۲۱۸۸۳۸۱۵۵۹

■ مطالب نشریه بازتاب نظرات نویسندگان آن ها می باشد.

■ استفاده از مطالب ماهنامه ۵۷ با ذکر منبع مجاز است.

■ پنجاه و هفت مشتاق نظرات، مطالب و یادداشت های تولیدی

شما جهت انعکاس در شماره های بعد می باشد.



پنجاه و هفت سین!

با قصد قربت تفریح کنید

گفت و گو با حجت الاسلام قرائتی / ۳۲

سیاه، سفید و خاکستری

تعامل با سه قشر متفاوت از آدم‌ها / ۳۵

بهترین الگوی ارتباط با همه طیف‌ها خود «آقا» است

گفت و گو با حجت الاسلام زائری / ۳۸

شبهه‌هایی برای گعده‌های خانگی / ۴۲

کافی نیست!

تشریح پیشرفت صنایع دفاعی در سالی که گذشت / ۵۱

گزارشی از فعالیت‌های سازمان بسیج دانشجویی کشور در سال

۹۴ / ۵۲

خون انقلاب اسلامی در رگ‌های فلسطین

بازخوانی بخش‌هایی از گفت و گوی ۵۷ با غضنفر رکن

آبادی / ۵۷

۹۴x۵۷

منتخب مطالب ۵۷ در سال ۹۴ / ۵۸

گپ‌عیدانه

گفت و گوهای کوتاه با هنرمندان / ۶۴

معرفی بخش‌های قرارگاه شهید باقری / ۶۶

رسانه نیازمند تیم بر نامه‌ساز انقلابی و حرفه‌ای است

گفت و گو با محسن مقصودی تهیه‌کننده برنامه‌تیریا / ۷۰

خدا فقط در شلمچه نیست!

گفت و گو با حمید داودآبادی / ۷۲

مسئول باید مربی باشد

قسمتی از سند راهیان نور / ۷۴

تهران یک شهر استعمارزده است

تحلیل انتخابات ۷ اسفند در گفت و گو با ابراهیم فیاض / ۷۶

پیشنهاداتی برای کتابخوان‌ها!

معرفی کتاب / ۷۹

این فیلم‌ها را ببینید!

معرفی فیلم / ۸۵

جزوه‌های طلایی

معرفی جزوه / ۸۸



گزارشی از سال ۹۴

دانشگاه‌روی‌موج انتخابات

در روزهای انتخابات بر تشکیلات چه گذشت؟ / ۶

اعتراض اشتباه بهتر از سکوت و بی‌تفاوتی است!

گفت و گو با میثم امیری / ۸

سال ۹۴ در یک نگاه

اتفاقات مهم سال ۹۴ / ۱۱

شاهدی منفعل یا بازیگری فعال؟

بررسی وضعیت دیپلماسی ایران در سال ۹۴ / ۱۴

اقتصاد در ده پرده

گزارشی از وضعیت اقتصادی کشور در سال ۹۴ / ۱۶

موریانه‌هایی در قدرت

بررسی هشدار «نفوذ جریانی» در بیانات رهبر انقلاب در سال

گذشته / ۱۸

خدا حافظی با نظام تک قطبی

مروری بر وضعیت جهان در سالی که گذشت / ۲۱

برجام یک فرصت متوسط است

سیاست «ایران ۹۵» در گفت و گو با دکتر سعدالله زارعی / ۲۵

ترین‌های ۹۴

معرفی چهره‌های شاخص سال ۹۴ / ۲۴

محتوا بیش از تکنیک برایش مهم بود

گفت و گو با جعفر دهقان / ۲۸

هفت سین تشکیلات

محمدحسن صادق پور

برگه های تاریخ ورق خورد و یکسال دیگر هم در دفتر عمر ما ثبت شد. انتهای سال فرصت مناسبی است تا گذشته یک ساله خودمان را سبک و سنگین کنیم و ببینیم در سالی که گذشت چه چیزهایی به دست آورده ایم و چه چیزهایی را از دست داده ایم.

اصلا دانشگاه کارش همین است. چندسالی از عمر آدم را می گیرد تا در عوض چیزهایی را به ما بدهد. این که ما در عوض عمری که می دهیم چه می گیریم، در سرنوشت آینده مان تاثیر گذار است.

سال ۹۴ مثل هر سال دیگری شیرینی و تلخی های زیادی داشت. اما به عنوان یک ویژگی خاص می توان گفت؛ سال پردلهره ای بود سالی که گذشت. اول سال را با دلهره و غم مظلومان یمنی شروع کردیم. چند مدتی دلهره داشتیم که ببینیم آخر و عاقبت برجام و تحریم ها چه می شود، روز دیگر دلهره داشتیم که والیالیست های مان چندچند امریکا را شکست می دهند، چندروز هم از دلهره عاقبت عزیزان مان در فاجعه منا، غمباران شدیم. این آخر هم که دلهره نتایج انتخابات مهمی را داشتیم که سرنوشت کشور را تعیین می کرد.

این اما حاصل مرور سریع اتفاقات سال یک «من ایرانی» بود. حالا باید بنشینیم محاسبه کنیم که برای من دانشجوی، من بسیجی و من جوان در سال ۹۴ چه نتیجه ای داشته است؟ چه چیزهایی از دست داده ام و چه گرفته ام؟ شاید همچون من در این سال رفیقی را از دست داده باشید و شاید باز هم چون من - عزیزتری را به دست آورده باشید. دنیا محل داد و ستد است. مهم این است ببینیم در این معامله های خدا با انسان، چه قدر سود کرده ایم یا چقدر باخته ایم. راستی اگر بخواهیم در یک کلمه سال مان را توصیف کنیم چه کلمه ای را به زبان خواهیم آورد؟ سال تکامل یا افول؟ هر چه که هست؛ اینجا انتهای خط ۹۴ است...



این جا اول ایستگاه ۹۵ است. یک جوان تازه نفس می خواهد دوباره شروع کند. می خواهد از دعای سال مدد بگیرد و همه چیز را متحول کند. رفقایش را، خانواده اش را، و پیش از همه خودش را.

جوان دانشجوی ۹۵ یا به عبارتی یک فعال تشکیلات دانشجویی نود و پنچی اگر ز رنگ باشد؛ همین لحظه تحویل سال برای خودش یک هفت سین تشکیلاتی می چیند که در آن الزامات ایجاد تحول در دانشگاه آمده باشد. «هفت سین تشکیلاتی» به او می گوید بیشتر از همه باید روی خودش کار کند. خودش را که آماده کرد، می تواند بقیه را نیز بسازد:

-سین اول: سواد علمی

رهبری روی تحصیل تاکید خاص دارند. جوان مومن بسیجی نمی تواند بی سواد باشد و درعین حال بتواند نقش هدایتگری در پیرامونش ایفا کند. خلاء های یکسال گذشته را مرور کرده و با توکل به خدا برنامه یکسال آینده تحصیل مان را می چینیم کنار سین های هفت سین.

-سین دوم: سلامت جسم

تکدیگی و انزوا در مرام جوان بسیجی نیست، شادابی و سلامتی عنصر

مهمی است که خیلی از ما بسیجی ها ازش غفلت می کنیم. برنامه جدی از همین الان برای ورزش و سلامت در سال جدید را مکتوب کرده و داخل سفره هفت سین مان می گذاریم.

-سین سوم: سپاسگزاری و عبودیت

خدا را شاکریم که سال ۹۴ گذشته و سال ۹۵ را هستیم که ببینیم. بر هر ورزش شکر می واجب که چون سال پیشین می رود ممد حیات است و چون سال جدید آید مفرح ذات... برنامه های خودسازی و تهذیب مان را هم برای سال جدید لیست کنیم و بگذاریم سر سفره. باشد که از ناسپاسان نباشیم

-سین چهارم: سعی در هدف

حالا که برنامه ریزی کرده ایم برای تحصیل، تهذیب و ورزش مان - همین سه موردی که درخواست های VIP رهبری از دانشجویان است - حالا باید نگاهی کنیم به آینده پیش رو. مسیر سخت است و وجود سنگلاخ در مسیر تکامل طبیعی اس اگر سخت نباشد که اصلا امتحان خدا بی معنی می شود. مهم آن است که در طول مسیر «سعی» مستمر کنیم و تلاش را با اولین سنگی که به پیمان گرفت وانهمیم. همان طور که رهبری از یک جوان تشکیلاتی دانشگاهی خواست که محکم باشد و استقامت مالک اشتر وار داشته باشد.

-سین پنجم: سنگر بندی مقابل دشمن

امسال را بیاییم سال شناخت و رسوایی دشمن قرار دهیم. رهبری را یک میدان دار هشدار قرار دهیم و خودمان پشت سرش پنهان نشویم. خودمان حق را از ناحق تشخیص بدهیم و ترازمان را با ولایت تنظیم کنیم. بصیرت عمارگونه یعنی همین دشمن شناسی.

-سین ششم: سازماندهی و تشکیلات محوری:

حالا که خودمان را تقویت کردیم، باید قدم در وادی تشکیلات بگذاریم و از دیگران دستگیری کنیم. تشکیلاتی که ما در آن حضور و مسئولیت داریم، در سال جدید قرار است چه گلی به گوشه جمال دانشگاه بزند؟ بی برنامه و علی الله جلو می رویم یا از همین حالا در فکر سازماندهی هستیم؟ بخواهیم یا نخواهیم از اواخر سال ۹۵ دانشگاه ها کم کم ملتهب می شوند. چاره ای اندیشیده ایم؟

-سین هفتم: سرمایه گذاری روی نیروهای جدید

اگر دیر صباحی است در تشکل حضور داریم، شاید بد نباشد امسال دیگر دل بکنیم و میدان را به تازه نفس ها بدهیم. باید بگذاریم هر کس به قدر سهمش از ایام مسئولیت توشه ای بگیرد. این که چه طور می خواهیم جوان ترها را وارد بازی کنیم، برنامه ریزی می خواهد. در سال جدید سهمی از وقت مان را صرف زدن قاپ جوانترهای دانشگاه و پهن کردن تور ماهیگیری مان کف حیاط دانشگاه باشیم. شاید ماهی سرخ های قشنگی به تورمان افتادند.

سالمان با شهادت حضرت زهرا (س) تمام شد و با میلادش سال جدید شروع می شود. رمز سال ۹۵ یا زهراست. زهرایی باشیم.



گزارش





«میثم مثل مجلس» هموارد اصلاح طلبان و اصولگرایان در دانشگاه یزد

در دانشگاه یزد رضا جلالی (مشاور محمدرضا عارف، معاون سیاسی استاندار یزد در دولت اصلاحات) و محمدرضا باقرزاده (نماینده شورای اصولگرایان، مدرس و هیات علمی دانشگاه و حوزه) در سالن شهید منتظر قائم دانشگاه یزد حضور یافتند تا ضمن مناظره ای به بررسی جایگاه مجلس و نگاه دوطرفه اصولگرا و اصلاح طلب به مسائل کلان سیاست بپردازند.

محمدرضا باقرزاده در ابتدای این مراسم با بیان اینکه من صحبت هایم را با یک نگاه انتقادی گفتمانی به اصلاح طلبی آغاز می کنم. گفت: «مشکلی که ما در خصوص اصلاح طلبی احساس می کنیم این است که ما بعد از این همه سال از اصلاح طلبان انتظار داریم که یک تعریف از اصلاح طلبی بیان کنند که ما هم اصلاح طلب شویم.» در ادامه بین این دونفر گفتگوهایی مناظره مانند شدت یافت که به جذابیت برنامه افزوده بود. جلالی در بخشی از صحبت هایش خطاب به باقرزاده گفت: «ما در کشوری زندگی می کنیم که سن بین ۱۵ تا ۲۹ سال که سن جوانی در سازمان ملل متحد نام گرفته بیش از یک سوم جمعیت ما را تشکیل می دهد، و ایرانی ها توانسته اند مقام اول را در تورم بیکاری و جوانی در دنیا داشته باشند و ثبت برسانند. جمهوری اسلامی ایران در مدت هشت ساله ۸۴ تا ۹۲ که مدیریت نابخردانه جریانی که اسمش را اصولگرا گذاشت باعث عقب ماندگی کشور به مدت ۸۰ سال شد.» پایان این مراسم نیز به صورت پرسش و پاسخ دانشجویان از دو میهمان حاضر برگزار شد.



«معیار نماینده اصلاح» در دانشگاه علم و صنعت

حجت عبدالملکی و الیاس حضرتی دو کاندیدای انتخابات دوره دهم مجلس شورای اسلامی در دانشگاه علم و صنعت حضور به هم رساندند تا معیارهای نماینده اصلاح را برای دانشجویان این دانشگاه تبیین کنند. الیاس حضرتی با اشاره به جمهوریت مدنظر امام و اهمیت قانون اساسی در نظام حکومتی جمهوری اسلامی گفت: «اگر در دانشگاه با تشکیلاتی مخالفت می شود یا اگر روزنامه ای مجبور به رعایت ممنوع تصویر می شوند یا کاندیدایی رد صلاحیت می شود باید به حکم قانون و نه سلیقه باشد.»

حضرتی همچنین درباره ائتلاف اصلاح طلبان گفت: «اصلاح طلبان با تمام مشکلاتی که داشته اند با اعتدالگرایان ائتلاف کرده و لیست انتخاباتی داده اند اما می بینیم که رسانه ملی باز هم در اختیار جریان رقیب است.»

سپس عبدالملکی شروع به صحبت کرد و با اشاره به مشکلات اقتصادی جامعه، خراب بودن ساختار اقتصادی کشور را به آغاز دولت سازندگی مرتبط دانست و گفت که امیدوار است که در مجلس آینده نمایندگان در مسیر حل مشکلات اقتصادی قرار بگیرند.

عبدالملکی همچنین در پاسخ به اظهارات حضرتی گفت: «شورای عالی امنیت ملی طبق قانون اساسی تصمیم به این اقدام گرفته است. حال افرادی که به این معترضند باید طبق قانون حرکت کنند. کسانی که امروز دغدغه اصلی شان را حصر گذاشتند و با این شعار می خواهند به مجلس بروند مانند این است که بگویند مردم برادر من زندانی است به من رأی بدهید!»



«چرا باید رای داد؟» امیرکبیر درست در اختیار سبزهها!

این همایش که با حضور میهمانی همچون جعفر توفیقی، الهه کولایی و برخی فعالان اصلاح طلب برگزار شد با حاشیه های زیادی همراه بود. یکی از حاشیه ها این بود که برخی دانشجویان به نفع سران محصور فتنه ۸۸ شعار سر می دادند و با کف و سوت اقدام به خواندن برخی اشعار کردند که مجری برنامه از آنها خواست حرمت ایام فاطمیه را حفظ کنند. سعید حجاریان یکی دیگر از میهمانان دعوت شده به این همایش بود که البته به دلیل خوب نبودن حالش و مریض احوال بودن، حاضر نشد. از نکات عجیب این همایش این بود که مجری همواره از سعید حجاریان با عنوان شهید زنده یاد می کرد! گفتنی است حجاریان برای جبران این عدم حضور، پیام کوتاهی به این همایش ارسال کرد که محتوای آن این بود: «روزگاری در این سرزمین حماسه ای چون دوم خرداد خطر جنگ، تحریم و انحصارطلبی را از میهن دور کرد اما قصورها و تقصیرها، سرنوشت ملت ما را به دست مجالسی سپرد که مانع به ثمر نشستن حضور حماسی مردم در انتخابات های بعدی شدند.» از دیگر حواشی این برنامه این بود که مجری با نام بردن از برخی عناصر فتنه از جمله مجید توکلی که در آذرماه سال ۸۸ پس از ایجاد اغتشاش در دانشگاه امیرکبیر، بازداشت شده بود از او یادی کرده و گفت که وی بهار زندگی اش را در زندان گذرانده است! همچنین از هاله سحابی به عنوان کسی نام بردند که در مراسم تشییع پدرش (عزت الله سحابی) «کشته» شده است. نکته جالب درباره این همایش بیرون کردن خبرنگار صدا و سیما بود که رسماً از وی خواسته شد سالن همایش را ترک کند!

گزارش ها و افکار دانشگاه فود را می توانید از طریق ایمیل 57magz@gmail.com برای ماهنامه ۵۷ ارسال نمایید.

میتینگ آری! مناظره هرگز!

گردش قدرت و جابه‌جا شدن نخبگان و کارگزاران سیاسی کشور که اگر تمام شرایط آن فراهم شود می‌تواند ما را به نتیجه برساند.

همین اتفاق باعث شد تا انجمن اسلامی این دانشگاه طی نامه ای خطاب به ریاست دانشگاه مراتب شکایت خود را از رفتارهای ضدنقیض دانشگاه درقبال برگزاری برنامه های انتخاباتی اعلام کند. در قسمتی از این نامه آمده است: «در جلسه شورای فرهنگی دانشگاه هم توسط حضرت عالی و هم توسط مسئول محترم نهاد نمایندگی تاکید اکید گردید که هرگونه تبلیغات انتخاباتی در داخل دانشگاه ممنوع بوده و تشکل های دانشجویی نمی توانند چنین برنامه هایی در داخل دانشگاه برگزار کنند لذا برگزاری برنامه های انتخاباتی توسط انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه مازندران با محوریت مناظره بین نامزدها با مانع روبه رو گردید اما سوال اینجاست که چطور برنامه ای اینچنینی در دانشگاه برگزار می گردد و در آن علاوه بر حمایت مشخص صریح از جریان اصلاحات و تبلیغ برای آنها و تخریب سایر احزاب و چهره های انتخاباتی، فیلم نطق تبلیغاتی آقای هاشمی رفسنجانی پخش می شود و صحبت های انتخاباتی آقای عارف به نمایش گذاشته می شود؟»

همایش «انتخابات؛ مشارکت یا تحریم» در دانشگاه مازندران برگزار شد. مسئولین این دانشگاه از مدت ها قبل اعلام کرده بودند که مجوز برگزاری برنامه های انتخاباتی را به تشکل های دانشجویی نمی دهند اما انگار با برگزاری این برنامه به صورت یک طرفه مشکلی نداشتند. در این همایش صادق زیباکلام و دو نفر از کاندیداهای شهرستان بابلسر حضور داشتند که یکی از این کاندیداها خود را نماینده اصلاح طلبان معرفی کرد. یکی از حاشیه های این همایش شعارهایی بود که بعضی دانشجویان سر می دادند؛ شعارهایی درباره رفع حصر، حمله به شورای نگهبان، زیر سوال بردن تصمیمات نظام، پخش تصاویر سران فتنه و غیره. زیباکلام هم که از این فضا بدش نیامده بود به سیم آخر زد و گفت: «شورای نگهبان باید اجازه دهد، هر دزد، هیز و مفسد اقتصادی بتواند کاندیدا شود و اگر رای آورد به مجلس برود!»

یکی دیگر از حاشیه ها حضور یکی از اعضای هیئت علمی دانشگاه مازندران بود که در سخنانش اظهار کرد: «از باب فهم اصلاح طلبانه ای که از انتخابات دارم در این مراسم شرکت کردم، نه به عنوان یک کنشگر سیاسی اصلاح طلب. انتخابات مکانیزمی است برای

نامه ۶ تشکل دانشجویی دانشگاه شیراز به رئیس دانشگاه درباره انتخابات

۶ تشکل دانشجویی دانشگاه شیراز در نامه ای به مجید ارشد لنگرودی، رئیس این دانشگاه خواستار این نکته شدند که فضای دانشگاه و تربیون برنامه ها به دست ساختار شکنان و حاشیه سازانی نظیر موسوی لاری، علی شکوری راد، ابراهیم اصغر زاده، محمد رضا خاتمی، فائزه هاشمی، ابراهیم یزدی، جواد اطاعت، مصطفی معین و... سپرده نشود و با فراهم ساختن مقدمات حضور جمعی و با نگاه فرا جناحی داوطلبان انتخابات در قالبهای مناظره و میزگرد، به دانشگاهیان و آحاد جامعه در جهت تشخیص اصلح و روشن ساختن معیارهای واقعی انتخاب کمک کند. نکته جالب درباره این بیانیه این است که هم تشکل های اصولگرا و هم تشکل های اصلاح طلب دانشگاه شیراز پای آن را امضا کرده اند و می توان آن را به نوعی مطالبه فرا جناحی تلقی نمود. نام این شش تشکل عبارتند از: بسیج دانشجویی، انجمن اسلامی، جامعه اسلامی، مجمع دختران مسلمان، مجمع دانشجویی آرمان و مجمع یادواره شهدای دانشجویان دانشگاه شیراز




در روزهای انتخابات بر تشکیلات چه گذشت؟



نویسنده رمان دانشجویی انقلابی «تی لم» از آرمان هایش می‌گوید:

اعتراض اشتباه بهتر از سکوت و بی‌تفاوتی است!

مصاحبه: علی گاکادرفولی 

دوستی نزدیکش با رضا امیرخانی انگار روی لحن نوشته هایش هم تأثیر گذاشته است. «تی لم» امیری که عنوان برگزیده جایزه داستان انقلاب را هم از آن خود کرده است حالا به راحتی در ویتترین کتاب فروشی‌هایی که حتی اندکی دغدغه ادبیات انقلاب را داشته باشند، پیدا می‌شود. پسر تی لم، خودش می‌گوید رمانش را در دو هفته نوشته است و این را هم اضافه می‌کند که پیش تولیدش اما نزدیک به یک سال زمان برده است. میثم امیری جوانی نیست که یکجا بنشیند و مثل خیلی‌های دیگر شکمش را بالا بدهد و گاهی هم از روی مصلحت سنجی‌های وقت و بی‌وقت چند تا حرف انقلابی بزند! آنچه می‌خوانید گفت و گوی ماهنامه ۵۷ با این نویسنده جوان است.



قهرمان داستان دانشجویی عدالت طلب و آرمان خواه است. آیا خود شما هم همین‌طور هستید؟

من به این موضوع‌ها سمپاتم. خودت هم پارسال دیدی که من مطلب نوشتم در نقد رییس دانشگاه شاهد و مسئول نهاد رهبری آن دانشگاه. من دانشجوی آن‌جا نبودم و سری را که درد نمی‌کرد، نباید دستمال می‌بستم. ولی رییس دانشگاه پیشینم را نقد کردم و ازش خواستم که برود، چون حرف نزدن و بی‌تفاوت بودن توی آن شرایط به من حس سبب‌زمینی بودن دست می‌داد. من

نگاه نمی‌کنم. آدم باید آرمان‌خواه باشد و سؤال کند، مسئولی را که با پرسش و نقد مخالف است باید برکنار کرد؛ چه رییس دانشگاه باشد، چه رییس نهاد رهبری باشد، چه هر آدم دیگری. آرمان‌خواه بودن دانشجو به این نیست که عضو فلان تشکیلات شود. این آرمان‌خواهی گاهی به خود تشکیلات هم می‌رسد و شما باید از تشکیلات هم مطالبه داشته باشید.

در راستای عدالت‌طلبی و آرمان‌خواهی در دوره دانشجویی خود چه کارهایی انجام داده‌اید؟

نمی‌خواستم سبب‌زمینی باشم. این‌ها می‌شود آرمان‌خواهی و عدالت‌خواهی. ممکن است من اشتباه کرده باشم، ولی اصل این که موضع گرفته‌ام اشتباه نبوده است، چون سرنوشت جایی که در آن‌جا درس خوانده‌ام برایم مهم است. این نسبت پیدا می‌کند با مسأله داشتن. الان هم ازم بپرسند، آن قدر که می‌فهمم و اطلاعات دارم موضع می‌گیرم. اگر میزان اطلاعاتم برای ورود به موضوعی صفر باشد، سعی می‌کنم نظر ندهم، ولی نظر آدم‌هایی را که به نظرم روحیه حق‌خواهی در آن‌ها زنده است پیگیری می‌کنم. آدم‌ها برایم مهم هستند؛ من خیلی دسته‌ای یا تشکیلاتی

من عضو رسمی هیچ تشکلی نبوده‌ام؛ ولی خودم را بسیجی و حزب‌اللهی می‌دانستم و می‌دانم. این هم خیلی مد روز نیست که من نویسنده بخوایم بهش اعتراف کنم و یا به بخوایم برای خودم تبلیغ کنم. ولی جهت‌گیری‌هایم این طور بوده است. حتی بعد از دانشگاه هم سر مسائل دانشگاه و هیأت وارد شدم؛ یادت می‌آید من مطلب «بوی شام به مشام می‌رسد» را نوشتم و گفتم آن هیأت هیأت فاطمیون نیست؛ هیأت تقیون و هادویون است؛ آن مطلب در تقد همان دانشگاه شاهد بود و هیأت و رییس و مسئول نهادش. مطلب «من حاضرم عکس این خمینی را پاره کنم» همین طور بود. الان هم که انگار بسیج آن دانشگاهی که تو هم می‌شناسی اش، هادوی گرا و تقیست شده است. پس باید این روحیه مطالبه‌گری را در مقابل دانشگاه و حتی تشکل‌هایش هم داشت. من حق دارم نقد کنم و مطالبه‌گر باشم و از هر ریسی که هرگز اهل دیالوگ نیست، انتقاد کنم. من طرفدار دیالوگم و حتما با ریسی که اهل مونولوگ است برخورد می‌کنم. من هم یک نفر آدم بودم توی دانشگاه. پس باید اندازه یک نفر آدم تأثیر داشته باشم. خیلی جاها وارد می‌شدم. بحث می‌کردم، تبیین می‌کردم. ولی عضو جایی نبودم. مثلا سر مسائل انتخابات یا مسائل دانشگاه یا برخی تصمیم‌ها با آدم‌ها بحث می‌کردم. بحث با آدم‌ها بود و به روایت آن آدم‌ها هم توجه داشتم. این طور نبود که بحث کنم به خاطر این که می‌خواهم بحث کنم. نه. آن آدم برایم مهم بود. رییس شاخه جنبش سبز توی دانشگاه سر انتخابات، یک شب تا صبح باهام بحث کرد. نتیجه چه شد؟ نتیجه آن شد که من بروم توی جناح او یا او بیاید سمت من؟ نه؛ نتیجه‌اش این شد که ما با هم رفیق شدیم. الان من با عباس رفاقت دارم. این رفاقت ادامه پیدا کرد. بعدتر من حرف‌های دیگری هم درباره موضوع‌های دیگری زدم. او آن حرف‌ها را توی بحث‌های بعدی پذیرفت. الان خودم به آن مواضع نقد دارم. ولی این رفاقت باعث شد راحت‌تر با هم حرف بزیم، راحت‌تر به هم فحش بدهیم و معاشرت داشته باشیم. من راستای کارم معاشرت با آدم‌ها بود و گفت‌وگو کردن. حتما هدفم آرمان‌های انقلابی بوده است، ولی مدیوم و روشم گفت‌وگو بوده است؛ نه مونولوگ. به همین خاطر به همین بسیج دانشجویی و انجمن اسلامی دانشگاه‌ها نقد داشتم. چون هدف آن‌ها تفکر و دیالوگ نبود. هدف آن‌ها ضایع کردن همدیگر بود.

قصه کتاب در قبل از انقلاب می‌گذرد. آرمان خواهی قبل از انقلاب و بعد از انقلاب چه فرقی دارد؟

آرمان‌خواهی لباس زیر نیست که عوض شود. این که همه به دنبال حق و عدالت بوده و هستیم، ربطی به حکومت‌ها ندارد. البته آن‌چه که تکنیک ما از حق و عدالت می‌فهمیم

با یکدیگر متفاوت است. این تفاوت در کار ما معلوم می‌شود. ولی آن آرمان‌خواهی و حق‌خواهی خیلی فرق نکرده. اگر هم فکر می‌کنی جو جوانان دهه ۵۰ به سمت چپ‌گرایی بود، یک دلیلش هم همین آرمان‌خواهی بوده است. این آرمان‌خواهی و حق‌خواهی بود که باعث می‌شد آن‌ها سر از انواع و اقسام گروه‌ها در بیارند. اگر بتوانیم به این پدیده‌ها تاریخی نگاه کنیم و با فهم از زمان، آن‌ها را تحلیل کنیم، متوجه می‌شویم بسیاری از آدم‌ها حق‌خواه بوده‌اند و آزادی‌خواه و پاک‌باز. من به سادگی نمی‌توانم حنیف‌نژاد را بگویم یا باقی چپ‌هایی که اعدام شده‌اند. منزه‌طلب‌ترین آدم‌های آن دوره هم اهالی فرهنگ بوده‌اند. این برای من هم سوال است چرا اهالی فرهنگ هم آن موقع در تنزه بوده‌اند و هم الان تنزه‌طلب‌اند. شما از اعدام بسیاری از فعالین مسلمان یا آدم‌های سیاسی چپ خبر داری، ولی به ندرت شاعر یا نویسنده‌ای را مثل خسرو گل‌سرخ پیدا می‌کنی که اعدام شده باشد. تهاش مرگ مشکوک جلال و صمد پهنگی است. الان هم قصه مخالفت و در معرض خطر افتادن و به خاطر آرمان فدا شدن، همانند قبل است. یعنی من خیلی تفاوتی در آرمان‌خواهی نمی‌بینم. با این که جو دهه هفتاد میلادی هم در ایران هم در همه جهان یک جو انقلابی و چپ بوده است، ولی من در آرمان‌ها تغییر نمی‌بینم. اصل آرمان‌ها یکی است؛ در مملکت ما اصل آرمان، عدالت‌خواهی بوده است. ولی در کیفیت این آرمان و خوانشی که از این آرمان وجود دارد، تفاوت بسیار است. جوان دانشجویی که ۲۵ خرداد ۸۸ می‌رود توی خیابان آزادی و خواستار ابطال انتخابات می‌شود، طبعاً آرمان‌خواه است. تو باید به این حق‌خواهی احترام بگذاری. این غیرت آن جوان را می‌رساند که نمی‌شنیدند بی تفاوت باشد؛ این که چنین جوانی جست‌وجوگر است و حق‌خواه، بدهی است؛ مانند همان جوانی که می‌رود جلوی سفارت انگلیس می‌ایستد و به آن کشور اعتراض می‌کند و حتی به نادرستی آن را تسخیر می‌کند. در این دو نفری که دارند کار اشتباه می‌کنند، یک روحیه از خود گذاشتن و آرمان‌خواه بودن می‌بینی. این روحیه نباید از بین برود. هر وقت مسئولین، دانشجوی را بی تفاوت خواستند، آن روز، روز مرگ انقلاب است. اعتراض حتی در غیر موضع له، بهتر از سکوت و بی تفاوتی است.

دانشجوی عدالت‌خواه و آرمان‌طلب در هر زمانی وجود دارد و داستان کتاب شما هم می‌توانست در هر زمانی رخ بدهد. چرا برهه پیش از انقلاب را انتخاب کردید؟

گفتم که باید به آرمان‌خواهی تاریخی نگاه کرد. به نظر بعد از ملی شدن صنعت نفت، یعنی بعد از متولد شدن جبهه ملی بود که آرمان‌خواهی در دانشگاه‌های ما قوت گرفت. این حق‌خواهی و آرمان‌خواهی پیش از آن نظام‌مند

انقلابی بودن نسبت برقرار می‌کند

با عدالت‌خواه بودن و آرمان‌خواه بودن. الان برخی انقلابی بودن را زیر بیرق یک تشکل بودن می‌فهمند. این، حرف مفت است. انقلابی بودن به نظرم در مقابل نفتی بودن و دولتی بودن تعریف می‌شود. پول شام هیأت تو را نفت نباید بدهد. ظرف‌های یک‌بار مصرفش را هم. این نفتی شدن و دولتی شدن و به خوشایند مسئول بالاتر کار کردن نسبتی با انقلابی‌گری و مطالبه‌گری ندارد

نبود. ما ضد استبداد و استعمار بودیم؛ ما طرفدار عدالت بودیم. ولی این طرفداری تا پیش از سال ۳۲ خیلی در دانشگاه‌های ما تشکیلاتی دنبال نمی‌شد. فضای خارج از دانشگاه بیشتر مؤثر بود. ولی به نظر بعد از ۱۶ آذر ۳۲، این قصه در دانشگاه‌های جدی‌تر دنبال شده است. گویی ۱۶ آذر ۳۲ نقطه عطفی در این ماجرا بوده است. لیبرال‌ها و آزادی‌خواه‌ها کمتر مورد توجه بوده‌اند؛ به نظرم مذهب‌یون و چپ‌ها تشکیلاتی‌تر وارد شده بودند و مؤثر هم واقع شدند. من فکر می‌کنم در این سال‌ها دانشگاه مهم شد و حتی مرکز اتفاقات بود و پیرامون از این مرکز بسیار تأثیر می‌گرفت. اگر هم شعار آزادی داده می‌شد، حتما به عدالت هم توجه می‌شد. حتی بعد از دوم خرداد، آزادی‌خواهان حتی در ظاهر نسبت به عدالت بی‌توجه نبوده‌اند. اصل بحث هم بین این‌ها این بود که آزادی با عدالت نسبت برقرار می‌کند و این دو مکمل یکدیگرند. با این حال، من به تاریخ پیش از انقلاب توجه نشان داده‌ام تا کمی این داستان را تاریخی‌تر و حتما داستانی‌تر ببینم و متوجه شوم که این حق‌خواهی و عدالت‌خواهی چطور به ما به ارث رسیده است. توجه داشتم وارد تحلیل سیاسی نشوم، و شخصیت قصه هم یک شخصیت تیبیک سیاسی نباشد. یعنی شما نمی‌توانی به سادگی او را در یک مرزبندی جا دهی. به این نکات هم توجه داشتم. امیدوارم داستان بعدی‌ام را در دهه ۵۰ ببینم. به نظر من تا قبلش را نمی‌نوشتم، نمی‌توانستم به راحتی با توی دهه ۵۰ بگذارم. ولی الان وقت دهه ۵۰ است.

از نظر شما برداشتی که امروز از انقلابی بودن در جامعه وجود دارد، چقدر به مفهوم واقعی انقلابی بودن نزدیک است؟

انقلابی بودن نسبت برقرار می‌کند با عدالت‌خواه بودن و آرمان‌خواه بودن. الان برخی انقلابی بودن را زیر بیرق یک تشکل بودن می‌فهمند. به نظر من این، حرف مفت است. انقلابی بودن به نظرم در مقابل نفتی بودن و دولتی بودن تعریف می‌شود. پول شام هیأت تو را نفت نباید بدهد. ظرف‌های یک‌بار مصرفش را هم. این نفتی شدن و دولتی شدن و به خوشایند مسئول بالاتر کار کردن نسبتی با



معرفی رمان «تی‌لم» نوشته میثم امیری

غریبه، بی‌نشونی آمده است.» دیگرانی هم نام‌شان در این کتاب آمده است؛ اکبر هاشمی بهرامانی که راه فرستادنش را پیدا نکرده‌ام. مرد «سریزقش» ی که «زیرکی» ازش می‌بارد. شهاب مرادی که این نزدیکی‌هاست و آخوند بودنش کافی است برای پیدا کردنش جدای از دوستی. حسن حسن زاده‌ی آملی؛ علامه ذوالفقون که میل ندارم برای فرستادن داستان برای جناب‌شان، اثر این رو که شاید در سبتر ضعف و ناخوشی، نخواهند مرمان بخوانند. ولی حتما برای داود صمدی آملی می‌فرستمش که اثر جنابش در این مرمان استفاده کرده‌ام. احمد توگلی؛ از آشنایان «دیر و دوسر» م با پسرش استفاده می‌کنم و می‌فرستم این داستان را برایش که سیاست‌مدار مورد علاقه‌ام هم هست. نام‌های گذرای دیگری مانند سید حسین نصر و فریدون جنیدی هم در رمان آمده است که جنیدی از نصر دردسترس‌تر است. نمی‌دانم وقتی کتاب پیشینم را نوشتم چرا چنین نکردم! اگر قرار به فرستادن بود طیفش از محمود کریمی تا مریم دی‌جی وسیع بود. اثر روضه‌خوان تا آوازه‌خوان.»

داستان «تی‌لم» درباره‌ی نُضج جوان دانشجوی عدالت‌خواهی ست به نام «کیومرث». از سال ۲۹ که سال تولدش است تا سال خاموشی‌اش. داستان از ۱۶ آذر ۴۸ دانشگاه تهران آغاز می‌شود و با گذری به گذشته، روزگاری را که کیومرث در آن به دنیا آمده و بالیده بیان می‌کند. «تی‌لم» کنش‌های کیومرث را از فضای تی‌لم در آن سال‌ها تا فعالیت‌های دانشجویی کیومرث در تهران روایت می‌کند و اثر عشق‌ها و آرمان‌ها و فعالیت‌ها و خردنگی این جوان دانشجو برش‌هایی را نقل می‌کند. داستان مقدمات تحمل‌ناپذیری دیکتاتور صر پهلوی دوم و زمینه‌های به وجود آمدن انقلاب را نیز در بستر نقل داستان کیومرث به تصویر می‌کشد. این کتاب را نشر سوره مهر منتشر کرده است.

میثم امیری درباره داستان خود می‌گوید: «گفتم حالا که کتاب منتشر شده است، بفرستم برای همه آن‌هایی که نام‌شان در کتاب آمده است؛ آن‌هایی که خرنده‌اند. اولی‌اش مرا هم نوشتم برای آقای خامنه‌ای که «جذبه‌ای» دارد و «نگاهی» و «بوی تو توین‌اعلی» فرستادنش برای رهبر مملکت ساده‌تر است تا فرستادنش برای آن دیگران. آن دیگران که سال‌هاست آن طرف هستند و «آن طرف» بودن‌شان اثر ایرانی بودن و هم‌وطن بودن‌شان کم نمی‌کند خدایی. اثر آن جمله است گوگوش؛ که «از شهر

انقلابی‌گری و مطالبه‌گری ندارد. در منظومه فکری من از آقا هم می‌توان مطالبه داشت. می‌توان پرسش کرد. اگر این سزاواری برای رهبر جامعه اسلامی هست که مردم از او پرسش کنند و این پرسش‌گری حق رهبر است نه حق مردم، پس دیگر مسئول بسیج و رییس نهاد و رییس یک دانشگاه حاشیه‌ای چه می‌گویند. شما که به طریق اولی زیر تیغ نقد هستید. این حرف امیرالمؤمنین توی نهج‌البلاغه است که نقد حاکم اسلامی، حق مردم نیست، حق حاکم است. این که من از آقا پرسش داشته باشم، حق ایشان است، نه حق من. پس اگر کسی آقا را نقد نمی‌کند، دارد به ایشان ظلم می‌کند.

به این تکه از رمان که تازه منتشر شده توجه کن:

«یعنی دروغ بگویم؟ وقتی من می‌گویم مخاطبیم همه هستند، شاه هم جزء این همه هست. شاه هم که جدا نیست. ولی شما که نمی‌توانید به این آسانی در باره‌ی شاهنشاه حرف بزنید. می‌توانید؟
چرا نتوانیم؟»

چون هنوز خیلی جوان‌اید، آقای تی‌لمی، شما اطلاعاتی را که به اعلی‌حضرت می‌رسد، نمی‌دانید. شما در وضع مملکت‌داری و شاهنشاه نیستید. شما دانش‌تان هم اندازه‌ی ایشان نیست. باید کسی بتواند شاهنشاه را نقد کند که اندازه‌ی او دانش و تجربه داشته باشد. این درست نیست که هر کسی بخواهد ایشان را نقد کند. هر کسی باید سطح خودش را بداند. این جور که شما می‌فرمایید، هیچ‌کس نمی‌تواند شاه را نقد کند؛ چون هیچ‌کس شاه نیست.

چرا. می‌تواند. ولی وقتی این نقد علنی بیان می‌شود، می‌رسد به شورش و آشوب و خراب‌کاری. اگر آدم، صلاح مملکتش را می‌خواهد، از راهش باید نقد کند؛ نه این‌که در جامعه بلوا کند. شاهنشاه هم مثل شما فکر می‌کنند؟»

می‌بینی که شبیه این استدلال را امروز برخی از مدعیان دفاع از ولایت فقیه نقل می‌کنند و باب انتقاد را می‌بندند؛ من آن‌ها را انقلابی نمی‌دانم.

ارزیابی شما از وضعیت کنونی ادبیات داستانی در حوزه پرداخت به فضای دانشجویی چیست؟ چه کارهایی صورت گرفته و چه پیشنهادهایی دارید؟

من در حوزه داستان فقط به خودم می‌توانم پیشنهاد بدهم. هر کسی باید راهش را پیدا کند. این جا جایی نیست که بتوان برای ملت خط و مشی تعیین کرد. زیست آدم‌ها با هم متفاوت است و تجربیات‌شان. هر کسی باید با توجه به زیست و تجربیاتش، اثر داستانی اصیل را بیافریند. من توی این فضا خلاء حس می‌کنم و تصورم این است که هنوز فضاهای دانشگاهی ما توی ۵۰ سال اخیر خوب شناخته نشده، من اندازه تجربیات و زیست خودم می‌خواهم این فضا را بشناسم، تا خیرم چه باشد و خدا برای من چه رقم زند. ■

برگزاری مراسم ۲۶ امین سالروز ارتحال امام خمینی (ره) زمان مناسبی بود تا گروه‌های مختلف مردمی و سیاسی از شکل و شمایل حرم امام که به تازگی به پایان رسیده بود انتقاد های فراوانی کنند. منتقدان معتقد بودند رهبر کبیر انقلاب اسلامی ایران مظهر ساده زیستی و مخالف زرق و برق و تجمل گرایی بوده است ولی سیره ایشان در ساخت بارگاه شان رعایت نشده است اما متولیان ساخت این بنا اذعان داشته اند که حرم امام باید متناسب با شان ایشان باشد و به گونه ای ساخته شود که برای قرن های آتی نیز برقرار باشد.

تک نرخی شدن بنزین و آزاد شدن آن در این روز که مصادف با سالروز آزاد سازی خرمشهر هم بود طنز های جذابی در فضای مجازی و شبکه های اجتماعی به وجود آورد. این اقدام در راستای اجرای گام دوم هدفمندی یارانه ها صورت پذیرفت. در حالی از این روز بنزین معمولی هزار تومان قیمت خورد که همچنان مقدار یارانه پرداختی به همان میزان ابتدایی خود باقی ماند.

بعد از دو دور مذاکره هسته ای که از ۲۵ اسفند ۹۳ آغاز شده بود در سیزده فروردین این ماه بود که بیانیه ای موسوم به لوزان میان ایران و کشورهای ۱+۵ منتشر شد تفاهم هسته ای لوزان نیز معروف است، مجموع راه حل های تفاهم شده برای رسیدن به برنامه جامع اقدام مشترک پیرامون برنامه هسته ای ایران تا ضرب الاجل ۱۰ تیر ۱۳۹۴ محسوب می شد.

رهبر معظم انقلاب در پیام نوروزی خطاب به ملت ایران، سال ۱۳۹۴ را سال «دولت و ملت، همدلی و هم‌زبانی» نامگذاری کردند.



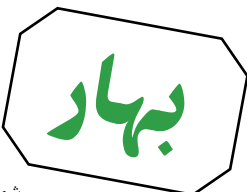
۲۷۰ تن از شهدای غواص دفاع مقدس در این روز و در حضور جمعیت انبوه دوستداران شهدا در میدان بهارستان تهران تشییع شد. صرف نظر از پویش های مردمی فراوان در فضای مجازی و شبکه های اجتماعی و ادای احترام اقشار گوناگون مردم به ساحت این شهدای والا مقام، سیاسی کردن این مراسم و سعی در مصادره کردن این حرکت به نفع گروه های سیاسی انتقادهای فراوانی را برانگیخت.

در این روز سب بلاتر ۷۹ ساله سوئیس از ریاست فدراسیون بین المللی فوتبال (فیفا) استعفا کرد. این استعفا در شرایطی رقم خورد که او توانسته بود چهار روز پیش از این تاریخ در رقابت با شاهزاده اردنی حسین بن علی برای پنجمین بار متوالی به ریاست فیفا برگزیده شود. استعفای بلاتر شش روز پس از دستگیری بسیاری از مقامات فیفا به دلیل اتهامات مالی انجام پذیرفت. او از سال ۱۹۹۸ عهده دار ریاست فیفا بوده است.

در این روز چهارمین مراسم مزایده برای فروش دو تیم طرفدار استقلال و پرسپولیس به وسیله سازمان خصوصی سازی برگزار شد مزایده ای که اولین مرحله آن در اواخر سال ۹۳ انجام شده بود. در جریان مزایده چهارم این دو تیم خریدارانی نیز وارد میدان شدند اما تصمیم گرفته شد تا اهلیت خریداران توسط سه وزیر کابینه مورد تایید قرار بگیرد. اتفاقی که هیچ گاه صورت نپذیرفت و حتی وزیر اقتصاد صریحا اعلام کرد که واگذاری این دو تیم از طریق مزایده منتفی شده است.

طی حکمی از سوی رحمانی فضلی، مقیمی معاون سیاسی وزیر کشور، به عنوان رئیس ستاد انتخابات در امر برگزاری انتخابات دهمین دوره مجلس شورای اسلامی و پنجمین دوره مجلس خبرگان رهبری منصوب شد.

با دستور ملک سلمان، پادشاه سعودی، عربستان حمله نظامی به یمن را آغاز کرد. ده کشور در این تجاوز نظامی با عربستان سعودی مشارکت داشتند تجاوزی که همچنان ادامه دارد.



سال ۹۴ در یک نگاه

مروری بر مهم ترین اتفاقات سالی که گذشت

تابستان

در این روز و علی رغم اعتراضات مردمی در خصوص سفر وزیر خارجه فرانسه به ایران، وی وارد ایران شد. علاوه بر کار شکنی های فرانسه در مذاکرات هسته ای، دلیل اصلی مخالفت مردم با ورود فابیوس به ایران به دوران نخست وزیری او در دهه ۸۰ میلادی بر می گردد. در آن زمان مقادیر فراوانی خون آلوده به ویروس ایدز وارد کشور شده بود.

بعد از ماه ها مذاکرات هسته ای میان ایران و گروه ۵+۱ و پس از تفاهم نامه لوزان در فروردین سال جاری، در این روز مذاکرات هسته ای با امضای طرف های مذاکره کننده به پایان رسید. در ماه های آتی این توافق می بایست در کنفرانس آمریکا و مجلس ایران مورد تصویب قرار بگیرد تا با انجام گام های مقدماتی این توافق به صورت کامل به اجرا برسد.



۱۳ تیر
امضای توافق هسته ای (برجام)



۷ مرداد
سفر فابیوس به ایران



۵ شهریور
فیلم محمد رسول الله

اکران فیلم سینمایی محمد رسول الله به کارگردانی مجید مجیدی از این روز آغاز شد. پرهزینه ترین فیلم سینمایی ایران که روایتگر دوران کودکی پیامبر اسلام است با بودجه ای بالغ بر صد میلیارد تومان تولید شد. اکران این فیلم با بازتاب های مثبت و منفی فراوانی در داخل و خارج از کشور همراه شده است.

در این روز سازمان سینمایی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی با انتشار اطلاعیه های اعلام کرد که اکران فیلم «ستاخیز» تا زمان تامین نظر برخی از مراجع بزرگوار تقلید به تعویق افتاده است. نشان دادن چهره حضرت ابوالفضل (ع) و پاره ای از تحریف عاشورا در این فیلم اعتراضات و کمپین های فراوانی را علیه اکران این فیلم موجب شد. احمد رضا درویش کارگردان این فیلم در اظهار نظری عقب نشینی سازمان سینمایی در قبال این فیلم را ناشی از لطمه نخوردن دولت تدبیر در موضوع مذاکرات هسته ای دانسته بود.



۳۴ تیر
نضو اکران فیلم رستاخیز



۱۸ مرداد
مهدي هاشمی در زندان

پسر رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام پس از اینکه در ده خرداد و پس از برگزاری چند جلسه دادگاه به جرم های اختلاس، ارتشاء و مباحث امنیتی به ده سال زندان محکوم شده بود در این روز روانه زندان اوین شد.



۲۵ شهریور
در گذشت آیت الله فزعلی

آیت الله ابوالقاسم خزعلی از اعضای خیرگان قانون اساسی و مجلس خبرگان رهبری از فقهای سابق شورای نگهبان در این روز درگذشت.

پاییز

از این روز و به مدت ۵ روز با هدف خروج کشور از رکود، تسهیلات ۲۵ میلیونی خرید خودرو آغاز شد. سیاستی که منتقدین آن را با هدف کمک به خودروسازان برای خروج رکود سنگینی که به دلیل عدم استقبال مردمی از ۱۹ مهر فراتر شد اما کلیات طرح برجام با نقضی آفرینی رئیس مجلس و رئیس کمیسیون امنیت ملی مورد تصویب نمایندگان قرار گرفت. دور روز بعد یعنی ۲۱ مهر جزئیات طرح نیز به صورتی عجیب در ۱۵ دقیقه به تصویب رسیده. مقام معظم رهبری در نامه ای به رئیس جمهور و با شروطی که قید فرمودند برجام را مورد تایید قرار دادند.

این اتفاق که در مرز ترکیه و سوریه به وقوع پیوست به تنش های سیاسی میان روسیه و ترکیه منجر شد و رابطه این دو کشور را به تیرگی کشانید.



۱۳ آذر
سردشمنی ملنگنده روس (توسعه تریخه)



۲۰ آبان
وام خرید خودرو



۱۱ مهر
تصویب طرح امراهی (برجام در مجلس)



۹ مهر
هدای نوروزی

در این روز کاپیتان محبوب پرسپولیس تهران در گذشت. علت مرگ بازیکن سی ساله و مازندرانی ایست قبلی گفته شده است.

در این روز در مراسم رمی جمرات در منا تعداد زیادی از حجاج از سراسر جهان به دلیل ازدحام جمعیت کشته شدند. در این فاجعه اسفناک که به دلیل بی خردی عوامل سعودی در برگزاری مراسم به وقوع پیوست بیش از دو هزار نفر از حجاج که ۴۶۷ نفر از آن ها ایرانی بودند به طرز دردناکی از دنیا رفتند. مقام معظم رهبری به دلیل عمق این فاجعه سه روز عزای عمومی در کشور اعلام نمودند. فاجعه ای منا در شرایطی صورت پذیرفته بود که چند روز قبل از آن با سرنگونی چرتقیل های قرار گرفته شده برای عملیات عمرانی در مکه مکرمه تعداد دیگری از حجاج حج تمتع امسال کشته شده بودند.



۲ مهر
فاجعه منا



۱۶ مهر
شهادت سردار همدانی



۲۲ مهر
رئیس نمای از شهر موشکی ایران



۲ آذر
سفر پوتین به ایران



۸ آذر
تلمه رهبری به موبدان غرب

پوتین رئیس جمهور روسیه در این روز و به دلیل برگزاری سومین اجلاس سران دولتها و کشورهای عضو مجمع کشورهای صادرکننده گاز (GECF) وارد تهران شد. پوتین پس از ورود به تهران مستقیماً از فرودگاه به دیدار رهبری رفت. دیداری که چند ساعت به طول انجامید.

حوادث تروریستی فرانسه رهبر معظم انقلاب را بر آن داشت تا برای بار دوم در قالب نامه ای به چولان غربی به صحبت با آن ها بپردازد. موضوع این نامه همفکری درباره درد مشترک تروریسم و چاره اندیشی در این رابطه بوده است. ایشان در این نامه جهان اسلام را قربانی اصلی تروریسم در تاریخ دانستند.

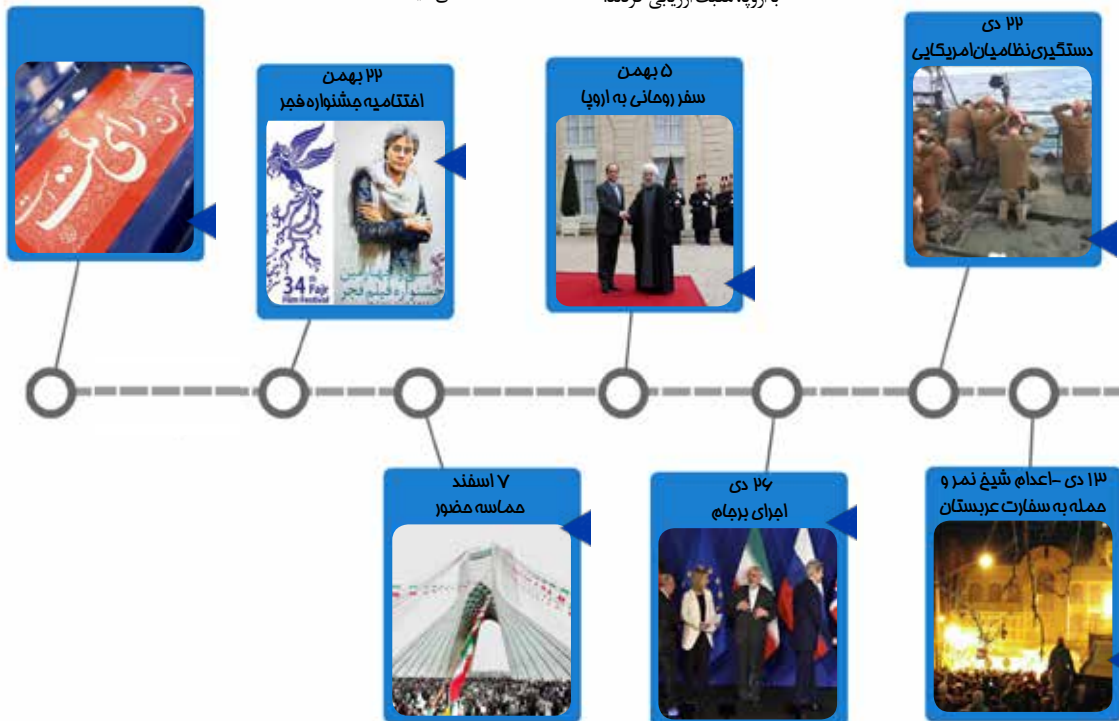
سردار سرتیپ پاسدار «حسین همدانی» جانشین قرارگاه امام حسین (ع) و مشاور فرمانده کل سپاه پاسداران و فرمانده اسبق سپاه محمد رسول الله (ص) تهران در این روز و در شرایطی که به عنوان مستشار نظامی و مدافع حرم در مقابل تکفیری ها به سوریه رفته بود به شهادت رسید. وی از فرماندهان هشت سال دفاع مقدس بوده است. روزنامه والت استریت زورنال از او به عنوان متخصص در نحوه رزم عملیات نیروهای منظم با شیوه نظامیان نام برده است.

اختتامیه سی و چهارمین دوره جشنواره فیلم فجر در این روز و همزمان با سالروز پیروزی انقلاب اسلامی ایران برگزار شد و سیمرغ های بلورین در رشته های مختلف بر شانه ی برگزیدگان نشست. در این دوره از جشنواره که با حضور فعال نیروهای تازه نفس سینما همراه بود برای این افراد تجربه هایی را نیز به ارمغان آورد. مطابق هر سال از حواشی بی بهره نبود. حواشی ای که شاید مهم ترین آن ها را می توان در عدم استقبال هیئت داوران از فیلم بادیگارد ابراهیمی حاتمی کیا دانست.

یک انتخابات پرشور و حضور همیشگی مردم. انتخابات خبرگان و مجلس شورای اسلامی با استقبال کم نظیر مردم برگزار شد؛ انتخاباتی که حتی کشورهای غربی حسرت چنین حضوری را در کشورهای به اصطلاح «دموکراتیک» خود دارند. این را می شد از چشم های تعجب زده خبرنگاران خارجی حاضر پای صندوق های رای از مشاهده صفوف رای دهندگان مشاهده کرد.

در این روز حسن روحانی رئیس جمهور به همراه هیئتی ۱۲۰ نفره متشکل از وزرای کابینه و فعالان اقتصادی در نخستین سفر خود پس از اجرایی شدن برجام به ایتالیا رفت. سفر رئیس جمهور به ایتالیا بعد از دو روز یعنی هفتم بهمن ماه به پایان رسید و وی از رم راهی فرانسه شد. سفر رئیس جمهور به اروپا با واکنش های مثبت و منفی فراوانی روبرو شد. منتقدان این سفر را منافی رویکرد های اقتصاد مقاومتی و حمایت از تولید داخل دانستند و از آن طرف موافقان آن را برای بهبود روابط سیاسی و اقتصادی با اروپا، مثبت ارزیابی کردند.

سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در این روز چند نظامی متجاوز آمریکایی را که با دو فروند قایق به صورت غیر مجاز وارد آب های ایران در خلیج فارس شده بودند بازداشت کرد.



برای سی و هفتمین بار پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران گروه های مختلف مردمی در این روز با انجام راهپیمایی و سر دادن شعار های ضد استکباری علاقه خود به نظام جمهوری اسلامی را نشان دادند.

پس از تصویب برجام در مجالس کشورهای ایران و آمریکا و پس از انجام اقدامات مقدماتی متقابل که عمدتاً به اقدامات محدود کننده در تاسیسات هسته ای ایران ارتباط داشت و با انتشار گزارش آژانس بین المللی انرژی اتمی درباره انجام تعهدات هسته ای ایران در توافق جامع، با انتشار بیانیه ای رسمی که در وین و با حضور طرف های مذاکره کننده اجرای برجام آغاز شد.

پس از اعدام شیخ نمر رهبر شیعیان عربستان سعودی که زمان زیادی را در زندان سپری کرده بود، در نیمه شب این روز چند صد نفر از مردم با حمله به سفارت این کشور در تهران آن را به تصرف خود در آوردند. اقدامی که هر چند عملی نادرست بود اما نشان از خشم انقلابی مردم داشت. خشمی که سکوت و انفعال وزارت خارجه جمهوری اسلامی ایران بر میزان آن افزود. عصر روز قبل از این تاریخ و در مشهد کنسولگری عربستان در این شهر نیز به تصرف در آمده بود. در نتیجه این اقدامات عربستان سعودی به صورت شتاب زده رابطه دیپلماتیک با ایران را قطع کرد. به دنبال این تصمیم عربستان، کشورهای کوچک و کم اهمیت دیگری نیز رابطه خود را با ایران قطع کردند.

زمستان

دولت کنونی با نادیده انگاشتن دیگر علل بروز مشکلات و تقلیل گرایی در معرفی عوامل بحرانی شدن اقتصاد کشور، چه در دوران تبلیغات انتخاباتی سال ۱۳۹۲ و چه پس از آن صرفاً با برجسته ساختن تحریم، یک نمایش سیاسی برای جلب آراء مردم در دوران انتخابات ریاست جمهوری و توجیه ضعف ها و کاستی های دولت در رفع مشکلات و بهبود وضعیت کشور در تمام ابعاد پس از تصدی قدرت را به راه انداخت

مسیر نامطلوب هدف گذاری شود و اولویت های ضروری نظام نادیده انگاشته شوند. اکنون در انتهای سال ۱۳۹۴ و پس از به بار نشستن برجام و عیان شدن ضعف های این سیاست در بازسازی اقتصاد ایران، مسئولان دولتی کم کم با اعتراف به اینکه برجام و لغو تحریم نمی تواند اقتصاد ایران را بازسازی کند و منجر به شکوفایی شود، نشان دادند که سیاست خارجی برجام اشتباهی استراتژیک و امیدی واهی بود که هرگز به نتیجه وعده داده شده منجر نمی شود.

ب: همه چیز فدای برجام

استراتژی محوری سیاست خارجی

انگونه که گفته شد هدف گذاری دولت در سیاست خارجی، حل مسئله ی هسته ای و رفع تحریم بود و بدلیل نیاز تبلیغاتی دولت برای پوشش دیگر ضعف ها، به سرانجام رسیدن برجام تبدیل به یک اولویت و ضرورت گردید که به همین دلیل دستگاه سیاست خارجی دولت تدبیر و امید استراتژی اصلی خود در سال ۱۳۹۴ را تمرکز بر نهایی کردن متن و اجرایی کردن برجام قرار داد و به تبع آن هر آنچه

مشکلات اعم از اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی سخن رانده اند. به همین دلیل عبور از تحریم در سایه ی همکاری های بین المللی در راستای حل پرونده ی هسته ای، اولویت و هدف اصلی دولت یازدهم و به تبع آن دستگاه سیاست خارجی قرار گرفت.

این هدف گذاری دولت منجر به شکل گیری زمینه های اولیه ی توافقی بین المللی، حول محور پرونده ی هسته ای ایران با نام اختصاری برجام بود که در بهار سال ۱۳۹۴ کلیت و شرایط آن نهایی شد و در نهایت در اواخر این سال با اتمام آماده سازی مقدمات، رسماً عملی و اجرایی گردید.

ارزیابی هدف گذاری و اولویت بندی

دولت در سیاست خارجی

تأثیر گذاری تحریم های ظالمانه اعمال شده بر ایران در کلیت اقتصاد و دیگر بخش ها غیر قابل انکار است و به همین دلیل تلاش برای رفع آن می تواند رافع بخشی از مشکلات تلقی شود اما دولت کنونی با نادیده انگاشتن دیگر علل بروز مشکلات و تقلیل گرایی در معرفی عوامل بحرانی شدن اقتصاد کشور، چه در دوران تبلیغات انتخاباتی سال ۱۳۹۲ و چه پس از آن صرفاً با برجسته ساختن تحریم یک نمایش سیاسی برای جلب آراء مردم در دوران انتخابات

ریاست جمهوری و توجیه ضعف ها و کاستی های دولت در رفع مشکلات و بهبود وضعیت کشور در تمام ابعاد پس از تصدی قدرت به راه انداخت. به عنوان نمونه می توان به پوشش ضعف ها و کاستی هایی مانند ناکارآمدی دستگاه های مسئول در امر محیط زیست، اقتصاد و فرهنگ اشاره کرد تا جایی که حتی مشکل تامین آب شرب مصرفی مردم، کاهش آلودگی هوا در کلان شهرها و تعطیلی پی در پی بنگاه های اقتصادی بزرگ و کوچک مستقیماً در گرو رفع تحریم دانسته و معرفی می شد. این در حالی است که نهادهای

مالی و پولی جهانی چون بانک جهانی و صندوق بین المللی پول در گزارش های خود در مورد اقتصاد ایران بارها اعلام نموده اند که چیزی حدود ۳۰ درصد از مشکلات اقتصاد ایران مرتبط با تحریم می باشد و معضل اصلی در اقتصاد ایران ضعف ساختاری و مدیریتی است. ضعف ساختاری و مدیریتی اقتصاد ایران تنها یک نسخه ی شفا بخش دارد که آن نه رفع تحریم، جذب سرمایه ی خارجی، پیوند با اقتصاد جهانی و وابستگی بیشتر به غرب که در اقتصاد مقاومتی است که بارها و بارها مورد تاکید و اصرار مقام معظم رهبری قرار گرفته است. لیکن منافع سیاسی و راهبردهای حفظ قدرت منجر به این شده است که سیاست خارجی ایران در

سیاست خارجی دولت در سال گذشته برجام را به عنوان هدف اصلی قرار داد و استراتژی های خود را برای حفظ آن تعریف کرد و بر این اساس در سیاست دولت هر رفتار بر مضر برجام محاسبه می شود اما آنچه در سال جاری حاصل شد نشان داد که برجام در سیاست خارجی و داخلی برابر با صفر یا نزدیک به آن بوده است و عملاً تمام سیاست خارجی دولت محاسبه ای بر مضر صفر نبوده است «یکی از اهداف مذاکره کنندگان که واقعا زحمت کشیدند و عرق ریختند این بود که گشایش اقتصادی با سرمایه گذاری خارجی ایجاد شود اما دو روز قبل یک مسئول ارشد ایالات متحده علنی اعلام کرد کاری می کنیم که کسی جرأت سرمایه گذاری در ایران را نداشته باشد... اینکه بنده ۱۰ بار گفتم نمی شود به آمریکا اعتماد کرد معنایش این است... دو سال مذاکره ، حالا که کار تمام شد می گویند نمی گذاریم» سیاست خارجی دولت یازدهم در سال ۱۳۹۴ فراز و فرودهای زیادی را پشت سر گذاشت و اکنون در واپسین روزهای این سال می توان به کارنامه دولت در این حوزه نگاهی کامل تر و تحلیلی داشت. برای درک ارزیابی سیاست خارجی یک دولت و سنجش موفقیت یا عدم موفقیت آن باید دو مولفه ی اصلی را شناسایی نمود و مورد ارزیابی قرار داد.

۱- اهداف ترسیمی : سیاست های کلی به معنای اهدافی است که دولت به عنوان مقصد نهایی در سیاست خارجی ترسیم نموده و برنامه ی خود را برای رسیدن به آن تنظیم می کند. باید توجه داشت این اهداف ترسیمی بخشی از هدف گذاری کلی تر یک دولت در تمام زمینه ها می باشد.

۲- استراتژی های اجرایی : استراتژی های اجرایی روش و شرایط لازم برای تحویل اهداف است که دولت بر اساس آن رفتار خارجی خود را جهت دهی می کند. با تبیین این دو مولفه و ارزیابی آن ها می توان به نقد و بررسی سیاست خارجی یک دولت پرداخت.

الف : برجام کلید عبور از تمام بحران ها

در یک نگاه کلی می توان مدعی شد دولت یازدهم ریشه تمام بحران ها و مشکلات کشور را در تمام ابعاد و بخش ها معلول یک علت واحد می داند. کلید واژه ی اصلی دولت در تبیین چرایی وجود مشکلات، «تحریم» بوده است. شخص رئیس جمهور و مسئولان دولتی جدایی و انفکاک از نظام و اقتصاد جهانی به واسطه ی تحریم های اعمال شده توسط سازمان ملل و دولت های غربی را عامل اصلی بروز ضعف های اقتصادی و به تبع آن اجتماعی در ایران معرفی می نمودند و در بیان های مختلف از لزوم حل این پرونده برای حل دیگر



شاهدی منفعل یا بازیگری فعال؟

بررسی وضعیت دیپلماسی ایران در سال ۹۴

مانعی در این مسیر تلقی می شد باید حذف می گردید و از هر گونه رفتار حساسیت برانگیز در این مسیر اجتناب می شد. با این مقدمه که تبیین کننده ی جهت رفتاری وزارت خارجه ی دولت تدبیر و امید است می توان به بررسی وقایع مهم سال گذشته و چرایی رفتار دستگاه وزارت خارجه پرداخت.

۱- حمله به یمن و ماجرای کشتی امدادی هلال احمر: عربستان پس از قیام مردمی یمنی ها بر ضد دست نشانده های سعودی و حمایت از جریان شیعہ باور حوثی ها بشدت نگران منافع خود در حیاط خلوت جنوبی خود شد و همین باعث شد تا جنگی نابرابر و ستمگرانه در برابر مردم بی دفاع یمن آغاز کند و در عین حال همواره ایران را به دخالت در امور داخلی یمن و حمایت از حوثی ها متهم نموده و بارها تهدید مستقیم نمود. در طول این جنگ فرسایشی نهادهای غیر دولتی ایران مانند هلال احمر بارها خواهان کمک رسانی به مردم بی دفاع یمن شد اما نیروهای متجاوز سعودی با تهدید نظامی مانع این امر شدند. که یکی از مهمترین این تلاش ها ارسال کشتی حامل کمک های انسان دوستانه هلال احمر بود. علی رغم قاطعیت ابتدایی نهادهای غیر دولتی و برخی شخصیت های ایرانی در غیر قابل بازگشت بودن کشتی و تغییر ناپذیر بودن مسیر حرکت کشتی به یمن، به ناگاه کشتی به جیبوتی رفت و تخلیه شد. این امر در فضای عمومی ایران تحقیر آمیز و تعجب برانگیز بود اما با توجه به استراتژی دولت می توان به سادگی دلیل قبول این تحقیر توسط مسئولین دولتی را توضیح داد.

این واقعیت که اولویت دولت، حفظ برجام به هر صورت است زمانی کاملا معنا دار می شود که وزیر امور خارجه ایالات متحده در مصاحبه ای اعلام کرد پس از اعزام کشتی ایرانی

طی تماسی به ایرانی ها اعلام کرد که حرکت ایران برای ایالات متحده و متحدان منطقه ای آن قابل تحمل نیست و لازم است که متوقف شود. ایران که از هر حرکت تنش آفرین در جریان برجام هراس داشت و بیم تعویق در رسیدن به توافق را محتمل می دانست، در موضع ضعف قرار گرفت و اینگونه بود که دستور عقب نشینی در برابر عربستان صادر شد.

۲- فاجعه منا، حملات پاریس، بمب گذاری های لبنان و اعدام شیخ باقر النمر: ایران در حال و هوای جشن عید قربان بود و رئیس جمهور عازم سفر نیویورک برای شرکت در اجلاس عمومی سازمان ملل، که فاجعه ای تأثیر برانگیز قلب تمام ایرانیان را به درد آورد. چند هزار حاجی من جمله چند صد ایرانی در حالی که لباس احرام بر تن داشتند بواسطه ی سهل انگاری و بی تدبیری دولت سعودی جان باختند اما رئیس جمهور با اینکه پیش از رسیدن به نیویورک از این واقعه مطلع شد و می توانست با بازگشت به ایران تأثیری جهانی برای اعتراض به عربستان ایجاد کند ولی به سفر خود ادامه داد و به انتشار بیانیه ی همدردی و اعتراض خفیف به عربستان اکتفا کرد. ما حصل این تصمیم دولت، توهین ادامه دار دولت سعودی به ملت و دولت ایران بود. نپذیرفتن درخواست دیدار مسئولین ایرانی در نیویورک، ندادن ویزا به فرستادگان ایرانی که قصد حضور در عربستان و پیگیری وضع حجاج ایرانی را داشتند و در نهایت تلاش برای مقصر جلوه دادن حجاج ایرانی در حادثه ی منا همه و همه محصول ضعف رفتاری دولت ایران بود که عامل آن را جز ترس برجامی دولت چیز دیگری نمی توان دانست. دولت برای حفظ برجام از هر گونه رفتار صریح و قاطع در برابر سعودی ها برای بار چندم چشم پوشی کرد تا میوه ی این رفتار را در برجام بدست آورد.

حملات داعش در پاریس که قتل تعدادی از شهروندان فرانسوی را در پی داشت به سرعت مورد توجه جهان قرار گرفت و رئیس جمهور بلافاصله در پیامی ضمن محکوم کردن این اقدام با ملت فرانسه همدردی کرد چرا که در قالب سیاست برجام محور، دولت باور داشت که این همدردی می تواند در جلب نظر پلیس بد مذاکرات تأثیر گذار باشد این در حالی بود که حمله انتحاری داعش در بیروت و کشته شدن تعداد زیادی از شیعیان این کشور بی هیچ واکنش مهمی از سوی دستگاه دیپلماسی کشور روبرو شد و صرفا پس از ارسال پیام برای ملت فرانسه و به منظور جلوگیری از انتقادهای داخلی، پیامی برای حملات لبنان از جانب رئیس جمهور صادر شد.

گستاخی های عربستان سعودی در توهین به ملت و تهدید نظامی ایران در کنار سکوت تاسف برانگیز دولت و دستگاه سیاست خارجی، غرور ملی ایرانیان را خدشه دار نمود و باعث شد پس از قتل ناجوانمردانه ی روحانی جلیل القدر شیخ باقر النمر خشم فرو خورده ی ایرانیان (هر چند به روشی نا صحیح) در قالب حمله به سفارت سعودی فوران

کند تا جبرانی باشد بر ضعف ها و سر افکندگی های دستگاه سیاست خارجی در برابر گستاخان سعودی. لیکن پس از این نیز گستاخی های مسئولان ناپخته و خام سعودی کاهش نیافت؛ چرا که در منظومه ی برجام محور دولت، هرگونه مقابله با بزرگترین متحد ایالات متحده در منطقه می توانست موجب تأثیر منفی بر برجام و اجرایی شدن آن شود.

۳- جنگ بر ضد افراط گرایی: دولت در قبال مسائل سوریه و عراق و گسترش حضور گروه های افراطی در این کشورها نگاهی منفعلانه داشت که در سایه ی این نگاه نیروهای افراط گرا توانسته بودند در طی دو سال گذشته پیشرفت های گسترده ای انجام دهند و اگر نبود رشادت ها و برنامه ریزی های دلاوران سپاه قدس و مدافعان حرم، خط مقدم جریان مقاومت توسط گروه های تحت حمایت سعودی ها و متحدانش از میان می رفت. این سیاست منفعلانه نیز محصول برجام باوری سیاست خارجی و استراتژی همه چیز فدای برجام بوده است چنانکه دولت و دستگاه دیپلماسی مایل بود تا با پیوستن به ائتلاف ادعایی ایالات متحده بر ضد افراط گرایی زمینه ساز نزدیکی بیش از پیش به این کشور و تسهیل رسیدن به توافق شود که با درایت حکیمانه رهبر فرزانه ی انقلاب این اشتباه استراتژیک عملی نشد. در سال ۱۳۹۴ نیز دستگاه دیپلماسی شاهدهی منفعل بود تا بازیگری فعال.

نتیجه گیری

همانگونه که در سطور بالا تبیین شد سیاست خارجی دولت در سال گذشته برجام را به عنوان هدف اصلی قرار داد و استراتژی های خود را برای حفظ آن تعریف کرد و بر این اساس در سیاست دولت هر رفتار بر مضرب برجام محاسبه می شود اما آنچه در سال جاری حاصل شد نشان داد که برجام در سیاست خارجی و داخلی برابر با صفر یا نزدیک به آن بوده است و عملا تمام سیاست خارجی دولت محاسبه ای بر مضرب صفر بیش نبوده است. کلامی که در ابتدای بحث از مقام عظمای ولایت در مورد نتیجه ی برجام مورد اشاره واقع شد در کنار آنچه تاکنون بعد از اجرایی شدن برجام حاصل شد (از بازگرداندن تحریم های ایالات متحده بر ضد اقتصاد ایران با عناوین دیگر تا خودداری کشورهای مهم مانند آلمان و ژاپن از ورود و پیوند کامل با اقتصاد ایران و پیوند ایران با ورشکسته های اروپا مانند فرانسه و ایتالیا و همچنین خودداری بانک ها از برقراری ارتباط مالی بر پایه ی سوئیفت با بانک های ایران و گشایش اعتبار) عیان ساخت که برجام ارائه شده در ایران صرفا روای مسئولان دولتی بوده نه واقعیت های قابل اتکا و این خود دلیل محکمی است بر تمام آنچه گفته شد.



نفت

سقوط قیمت نفت که از سال‌های قبل آغاز شده بود در سال ۹۴ ادامه یافت و در این سال قیمت نفت به پایین‌ترین قیمت طی سیزده سال گذشته رسید. مازاد عرضه به خصوص با اقدام سیاسی عربستان در افزایش تولید نفت، از عوامل اصلی بروز این مساله می‌باشد بسیاری از کارشناسان، با تحلیل شرایط موجود، علامت نویدبخشی برای افزایش قیمت نفت در کوتاه‌مدت مشاهده نمی‌کنند.

البته در سال ۹۴ با اجرایی شدن برجام، تحریم‌های نفتی ایران لغو شد که خود این موضوع بر سقوط بیشتر قیمت نفت افزود. با این حال ایران توانسته است که در این مدت، صادرات نفت خود را تا چند صد هزار بشکه افزایش دهد. نظرات مختلفی در این خصوص مطرح است. منتقدان معتقدند در سال‌های تحریم، مشتریان سنتی نفت ایران، ساختار پالایشگاه‌های خود را متناسب با ترکیب نفتی تأمین‌کنندگان جدید خود تغییر داده‌اند و ایران با اعمال تخفیف‌های ویژه توانسته است مشتریان قدیمی و جدید را جذب کرده است. اما مدیران شرکت ملی نفت ایران این ادعا را رد کرده و گفته‌اند که ایران متناسب با قیمت بازار است. بنا به اظهارات این مسئولان، آنچه سبب شده تا اکنون مشتریان سنتی نفت ایران با اشتهای به دنبال از سرگیری واردات نفت از این کشور باشند همخوانی با پالایشگاه‌های نفتی آنها با نفت خام ایران است که پیش از اعمال تحریم‌های غرب طراحی شده بودند نه تخفیف‌های ویژه ایران. ضمن آنکه اکنون با اجرای برجام امنیت تأمین انرژی از ایران بیش از هر کشور نفت‌خیز دیگر است. باید منتظر اطلاعات بیشتری در این خصوص بود.

کرسنت، ترکیه، قراردادهای نفتی

قرارداد صادرات گاز به امارات موسوم به کرسنت، طی سال‌های گذشته، منشاء بحث‌های سیاسی و اقتصادی جدی در ایران بوده است و یکی از پرونده‌های ایران در دادگاه لاهه نیز به همین موضوع اختصاص داشته است. گفته می‌شود با توجه به حساسیت موضوع و به منظور جلوگیری از سوء استفاده رسانه‌ها و مقامات بیگانه، شورای عالی امنیت ملی هرگونه اظهار نظر در خصوص این پرونده را ممنوع اعلام کرده است. با این حال، وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی، خرداد ۹۴ در صحن علنی مجلس اعلام کرد که ایران در این پرونده به پرداخت سیزده میلیارد و هشتصد و پنجاه میلیون دلار جریمه محکوم شده است.

در بهمن ماه این سال نیز اعلام شد در جریان داورى اختلافات با ترکیه بر سر قیمت گاز صادراتی به این کشور، ایران به پرداخت

جریمه محکوم شده است. معاون وزیر نفت این رقم را یک میلیارد دلار و شخص وزیر، رقم آن را محرمانه اعلام کرد. مقامات ترکیه ادعا می‌کنند مبلغ این جریمه دو میلیارد دلار می‌باشد. در سال ۹۴ وزارت نفت از قراردادهای جدید نفتی نیز رونمایی کرد. به اعتقاد منتقدان، این تیپ قراردادهای دارای مشکلات عدیده حقوقی و قانونی هستند و ضمن مغایرت با قانون اساسی و سیاست‌های کلان، ایران را از سرمایه‌های خود محروم کرده و با واگذاری غیر رسمی مالکیت ذخایر نفتی به شرکت‌های خصوصی و کارتل‌های خارجی، آن را برای سال‌ها وابسته خواهد کرد. علاوه بر این، در طرح‌های جدید نفتی، مبادین مشترک در اولویت سرمایه‌گذاری قرار نگرفته‌اند. پورسانت‌های زیادی نیز برای برخی از این قراردادها در نظر گرفته شده است.

ایرباس، پژو و دیگر هیج

در جریان سفر رئیس جمهور به اروپا، بر خلاف عرف بین‌المللی و شان رئیس جمهور، پای آقای دکتر روحانی به مذاکره با شرکت‌های خارجی، گشوده شد. شرکت‌های فرانسوی هواپیماسازی و خودروسازی، در جریان مذاکراتی محرمانه، قراردادهای محرمانه‌ای با ایران منعقد کردند که جزئیات آن تاکنون منتشر نشده است. اما به نظر می‌رسد این قراردادها، توانسته است جان تازه‌ای در اقتصاد فزاینده، بدمد. چرا که تا پیش از این قراردادها، خط تولید هواپیماهای پهن پیکر A-۳۸۰ ایرباس به دلیل فقدان مشتری رو به تعطیلی می‌رفت با سفارش ایران برای خرید ۱۲ فروند از این هواپیماها جان تازه‌ای به این خط نمیده خواهد شد. شرکت فرانسوی پژو نیز در حالی به بازار ایران باز می‌گردد که حدود چهار سال پیش، پس از بیست و سه سال مونتاژ کاری،

یک شبه از ایران خارج شده بود و به این ترتیب خسارت ۸۰۰ میلیون یورویی را برای صنعت خودروسازی کشور به جا گذاشت. (هرچند در همان دوره نیز کلاه گشادی بر سر خودروسازان ایرانی گذاشته بودند. به گونه‌ای که ایران خودرو به دلیل بالا بودن قیمت قطعات وارداتی از فرانسه مجبور شد پروژه صادرات این خودروها را متوقف کند) البته مدیران این شرکت هنوز نیامده برای ایران شرط کرده‌اند که فروش محصولاتشان در ایران باید طی تا سال ۲۰۱۸ به سطح فروش سال ۲۰۱۱ یعنی سالانه ۱٫۶ میلیون دستگاه خودرو و تا سال ۲۰۲۰ به ۲ میلیون دستگاه خودرو در سال برسد. به این ترتیب پژویی که در رده بندی خودروسازان برتر دنیا جایگاهی ندارد و طی سال‌های اخیر با مشکلات مالی زیادی روبرو و مجبور به تعدیل کارگران خود شده است، با خیال راحت و با استقبالی گرم به بازار پر عطش

ایران باز می‌گردد.

اقتصاد مقاومتی

شاید بتوان جدی‌ترین نقطه اقتصاد کشور در سال ۹۴ را ادامه پیگیری موضوع اقتصاد مقاومتی از سوی رهبر انقلاب دانست. البته سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی، از اواخر سال ۹۲ توسط ایشان ابلاغ شده است. اما موضوع همچنان، یکی از اولویت‌های مطالبه ایشان از مسئولان به شمار می‌آید و بارها تأکید کرده‌اند که علاج مشکلات اقتصادی کشور، تکیه بر ظرفیت‌های داخلی است. سوگمندان اقدامات دولت در اجرای این سیاست‌ها به هیچ وجه مطلوب نبوده است و مقام معظم رهبری، در چند نوبت مختلف، گلابه خود را از این موضوع صراحتاً ابراز داشته‌اند. یکی دیگر از مخاطبان ایشان در زمینه اقتصاد مقاومتی در سال ۹۴، جوانان نخبه بوده‌اند تا طرحی بومی در خصوص چگونگی نقش-آفرینی نخبگان جوان در اقتصاد مقاومتی، طراحی کنند. در خصوص این مطالبه نیز هنوز اقدام چشم‌گیری صورت نپذیرفته است.

برجام

پس از یک دوره مذاکره طولانی مدت، سرانجام مذاکرات هسته‌ای بین ایران و ۵+۱ به نتیجه رسید و توافق موسوم به برجام به امضا رسید. تا پیش از آن، مدام از سوی مسئولان کشور بر رفع تحریم‌ها به عنوان پیش شرط گشایش اقتصادی در کشور سخن گفته می‌شد. این موضوع از مدت‌ها قبل، رکود موجود در بازار را تشدید کرده بود و عموم سرمایه‌گذاران و فعالان اقتصادی، پیش از هر تصمیمی، منتظر نتایج مذاکرات بودند. اعلام دست‌یابی به توافق، توانست تا حدودی فضای روانی کسب و کار کشور را تحت تأثیر قرار دهد. اما پس از آن به تدریج قضاوت‌های منصفانه‌تر در خصوص بهبود وضعیت اقتصادی کشور، مجال بروز یافت و مسئولان دولتی نیز که تا پیش از آن، تلاش می‌کردند با هر نقدی بر مذاکرات به مقابله برخیزند خود نیز به ارائه تحلیل در این خصوص پرداختند. اکنون یک وفاق جمعی -لااقل در مقام سخن- میان مسئولان و کارشناسان وجود دارد که تا مادامی که ساختار اقتصادی و مدیریتی کشور اصلاح نشود به هیچ وجه نمی‌توان انتظار حل مشکلات و چالش‌های اقتصادی کشور را داشت. باید به خاطر داشت یکی از اهداف ایران از این مذاکرات، گشایش اقتصادی در کشور با افزایش سرمایه‌گذاری خارجی در کشور بوده است. اما به تازگی مقامات آمریکایی‌ها صراحتاً اعلام کرده‌اند که کاری می‌کنند تا کسی جرات نکند در ایران سرمایه‌گذاری کند. رفتار بنگاه‌های بزرگ اقتصادی جهان با ایران نیز همچنان با ابهام و احتیاط همراه است. البته رفت و آمد هیات‌های تجاری از کشورهای مختلف به مقصد ایران پس از برجام افزایش چشمگیری داشته است. اما هنوز توافقات روشنی با ایران انجام نده‌اند. با مرور برخی اخبار محدود منتشر شده در

اقتصاد در ده پرده

گزارشی از وضعیت اقتصادی کشور در سال ۹۴

علیرضار هیافته

کارشناس ارشد علوم اقتصادی





بودجه

دولت در لایحه بودجه ۹۴، قیمت هر بشکه نفت را ۷۲ دلار پیش‌بینی کرده بود. سقوط قیمت نفت، باعث عدم تحقق این پیش‌بینی شد و به تبع آن درآمدهای نفتی دولت کاهش شدیدی پیدا کرد. تخمین ارائه شده از کسری بودجه سال ۹۴، حدود سی و پنج هزار میلیارد تومان می‌باشد. البته با توجه به فاصله زمانی بین قراردادهای فروش نفت و تسویه حساب‌ها، باید منتظر بود که در آینده، تاثیرات کاهش قیمت نفت، به شکل واقعی‌تری خود را نشان دهد. کاهش درآمدهای نفتی، از این جهت که به اجبار، فرآیند قطع وابستگی بودجه به نفت را در مسیر تحقق انداخته است اتفاق نیکویی است. اما دولت هنوز نتوانسته است درآمدهای جایگزین پایداری از محل مالیات برای خود کسب کند و بسیاری از طرح‌های عمرانی کشور، عملاً تعطیل شده است.

اصلاحیه قانون مالیات در شرایطی در سال ۹۴ به تصویب مجلس رسید که بند مربوط به مالیات بر جمع درآمد از آن حذف شد. همچنین دولت عملاً در گسترش پایه‌های مالیاتی توفیق چندانی نداشت و به جای آن تلاش کرد فشار بر مالیات‌دهندگان موجود را بیشتر کند. البته مبلغ مطالبه مالیاتی دولت از بسیاری از اصناف چندان دور از واقعیت درآمدی آنها نبود. اما تقابل بین اصناف و دولت بر سر مالیات، کار را به استعفا‌ی اجباری رئیس سازمان امور مالیاتی کشور رساند. شاید سال ۹۵ نیز فاز جدیدی از درگیری بین اصناف و ممیزان مالیاتی را در پیش داشته باشیم.

مسکن

دکتر روحانی، در جریان تبلیغات ریاست جمهوری وعده داده بود که طرح مسکن مهر را ادامه خواهد داد. وزیر راه و شهرسازی نیز اساساً طرح مسکن مهر را ابداع خود در دوره تصدی وزارت مسکن در دولت هاشمی دانست. با این حال مهر ۹۴ به یک‌باره جمله عجیبی در رسانه‌ها منتشر شد. «آخوندی طرح مسکن مهر را مزخرف خواند.»

در طرح مسکن مهر در مجموع احداث چهار میلیون واحد مسکونی آغاز شد که دو و نیم میلیون در زمان دولت قبل به مردم تحویل داده شد و یک و نیم میلیون با درصد پیشرفت فیزیکی مختلف برای دولت بعد باقی ماند. دولت اما تاکنون به بهانه‌های مختلف خصوصاً مساله نقدینگی، عملاً اتمامی برای تکمیل این ساختمان‌ها از خود نشان نداده است. این در حالی است که در حال حاضر ماهیانه سیصد میلیارد تومان، اقساط مسکن مهر به بانک مسکن، بازپرداخت می‌شود که تا به حال به حدود هشت هزار میلیارد تومان رسیده است. بانک مسکن به جای تخصیص آن در حوزه مسکن مهر یا طرح‌های مشابه با کسب مجوز از بانک مرکزی، این مبلغ را به اعطای وام خرید اختصاص داده است که البته برای بانک بسیار مطلوب است چون خط اعتباری کم‌بهره‌ای از بانک مرکزی دریافت کرده و با آن تسهیلات با سود ۱۸ درصد پرداخت می‌کند.

اعلام بانک مرکزی، حجم نقدینگی کشور در پایان دی‌ماه ۹۴ با ۲۷،۲ درصد رشد نسبت به دی ۹۳ به ۹۵۰ هزار میلیارد تومان رسیده است. این بانک اعلام کرده است که دلیل افزایش نقدینگی، واقعی شدن محاسبه آن است چرا که تعدادی از بانک‌ها و مؤسسات اعتباری در این مدت تحت نظارت بانک مرکزی قرار گرفته‌اند که نقدینگی آنها پیشتر محاسبه نمی‌شد. البته این توجیه با انتقاد بسیاری از اقتصاددانان مواجه شد. چرا که برخی از این مؤسسات بنابر اطلاعیه‌های پیشین بانک مرکزی در همین دولت، قبلاً در آمار لحاظ شده‌اند. ضمن آن که این استدلال، اساساً از نظر اقتصادی صحیح و منطقی نیست. حال با توجه به این که در بلندمدت مجموع رشد اقتصادی و تورم معادل رشد نقدینگی خواهد بود باید منتظر ماند که فتر فشرده‌شده تورم کشور چه زمانی، شتابان از جای خود خواهد جست. شاید تورم تنها منتظر یک تلنگر باشد.

بورس

بورس نیز در طول سال ۹۴ وضعیت چندان مناسبی نداشت. اگرچه تحلیل روند شاخص بورس، نشان می‌دهد، این بازار چند بار تلاش کرده است تا روند خود را اصلاح کند؛ اما این تلاش‌ها چندان پر قدرت نبوده‌اند. البته در ماه‌های پایانی سال، بورس پاسخ مثبت خوبی به برجام نشان داده و شاخص بورس با دوازده هزار واحد افزایش، حدود ۱۹ درصد رشد کرد. واقع‌بینانه باید گفت بخشی از رشد شاخص بورس در این مدت، هیجانی و حبابی بوده است. چرا که افزایش ناگهانی تمام شاخص‌های شرکت‌های قوی و حتی ضعیف که دارای ساختار مالی خوبی نیستند سبب شده تا عموم افراد به سمت بازار هجوم ببرند و به دلیل همین عطش ایجاد شده، همه شرکت‌ها ارزنده تلقی شده‌اند. اگر بازار نتواند به موقع پاسخ مثبت واقعی نشان دهد باید منتظر زمان تخلیه این هیجانات بود.

این خصوص و ملاحظه وضعیت اقتصادی این کشورها، به نظر می‌رسد آنها نیز بیشتر به دنبال تصرف بازار ایران به منظور نجات اقتصادهای بحران‌زده خود هستند.

رکود و تورم

سال ۹۴ از لحاظ نرخ تورم، سال خوبی بود. آمار بانک مرکزی نشان می‌دهد که شیب افزایشی نمودار شاخص قیمت‌ها در این سال کاهش پیدا کرده و تورم تا حدود قابل قبولی کنترل شده است. نفس این پدیده در کشور موضوع مبارکی است. چرا که تورم، قدرت پیش‌بینی اقتصادی را به شدت کاهش داده و بیشترین فشار را نیز به حقوق‌بگیران و اقشار آسیب‌پذیر وارد می‌کند که نرخ افزایش درآمد آنها به طور معمول کمتر از تورم است. با این حال، باید به یاد داشت بیش از آن که معلول اتخاذ سیاست‌های اقتصادی مناسب باشد ناشی از قفل شدن منابع بانکی و گسترش فضای رکود اقتصادی در کشور بوده است. برخی کارشناسان معتقدند که رکود اقتصادی و رکود تقاضا در سال ۹۴ در چهل ساله گذشته بی‌سابقه است. گفته می‌شود برای تحقق شرایط مطلوب اقتصادی، رشد سالانه ۸ درصد ضروری است و در برنامه ششم توسعه نیز همین نرخ هدف‌گذاری شده است. اما نرخ مزبور در سال ۹۴ برابر صفر بوده است و در شرایط خوش‌بینانه در سال ۹۵ حدود ۳ درصد پیش‌بینی می‌شود. دولت برای خروج از رکود، سیاست تحریک تقاضا را در پیش گرفت. اما تنها خودروسازان بودند که توانستند از منافع این سیاست بهره‌مند شوند. پاییز سال ۹۴ دولت اعلام کرد خریداران خودرو می‌توانند تا سقف مبلغ بیست و پنج میلیون تومان، تسهیلات بانکی دریافت کنند. جزئیات این تسهیلات چند بار تغییر کرد و در حالی که قرار بود این طرح به مدت شش ماه تا اردیبهشت ۹۵ ادامه داشته باشد طرف مدت یک هفته با ثبت نام صد هزار خودرو متوقف شد.

نقدینگی

حجم نقدینگی در سال ۹۴ افزایش چشم‌گیری داشت. بنابر

همه ساله مقام معظم رهبری علاوه بر انتخاب نام سال، که تعیین کننده خط کلی رفتار مردم و مسئولین در سال می باشد، با توجه به شرایط در طول سال کلیدواژه هایی را به منظور جهت دهی به افکار جامعه و یا هشدار نسبت به اوضاع استفاده می کنند. در این یادداشت می کوشیم به بازخوانی مهمترین تاکیدات رهبری در سال ۹۴ و واکاوی زمینه این هشدارها بپردازیم.

خطر موربانه ها

دشمنی حکومت های استبدادی با حرکت های مردمی رفتاری همیشگی بوده است. انقلاب اسلامی نیز از این گونه رفتارها در امان نبوده است. با توجه به رفتار دشمنان انقلاب، لایه های عملیاتی حرکات آنان طی ۳۷ سال گذشته را می توان در ۳ محور مورد بررسی قرار داد که هر یک خود چند زیرمرحله دارد.

۱- براندازی ۲- استحاله ۳- نفوذ

لایه اول که براندازی نام دارد، دشمنی کاملاً آشکار و عیانی است که در آن تلاش می شود حکومت مورد نظر را، از طریق جنگ سخت و یا اقسام دیگر تحولات سخت اجتماعی مانند کودتا، سرنگون کنند. وبه طور کامل حکومتی متفاوت از حکومتی قبیل را روی کار بیاورند که کودتای نوزه و تلاش برای پیروزی رساندن عراق در جنگ تحمیلی از این دست اقدامات بود. البته طرح های کودتا با درایت امام راحل مبتنی بر تشکیل «سپاه پاسداران انقلاب اسلامی» به عنوان خار چشم دشمنان نظام مورد شکست واقع شد و علاوه بر این در طی سال های بعد از انقلاب نیز هرگاه دشمن با مدل های شبه کودتا و انقلاب رنگی به براندازی اندیشید، این مردم بودند که با حمایت از اصل نظام، مقابل توطئه ایستادند.

اما در لایه دوم حرکت که عموماً پس از شکست در لایه اول اجرا می شود، استحاله کشور مورد نظر، مطرح است. در این مدل، جامعه هدف به سمتی سوق داده می شود تا ظاهر آن جامعه از لحاظ ارزش ها و آرمان به صورت قبلی بماند اما باطن ارزش ها و باورهای جامعه تغییر پیدا کند. در واقع در این لایه مسئله صورت و سیرت مطرح می شود. فتنه های ۷۸ و ۸۸ را از بعد فرهنگی شان می توان در این لایه از رفتارها قرار داد که در آن تلاش شد، با طرح شعارهای بدلی و انحرافی، انقلاب از هویت اصلی اش خارج شود.

در لایه سوم که از آن با نام «نفوذ» یاد می کنیم سعی می شود تا افراد ضعیف النفس و کم اراده در برابر نیروهای بیرونی، وارد ارکان حکومتی و مراکز تصمیم گیری شده و در نتیجه آرمان ها و ارزش ها و باور های جامعه را تغییر دهند. با توجه به این که دشمنان ما در حال گذار از مرحله استحاله به نفوذ هستند لذا بررسی مراحل لایه نفوذ اهمیت بیشتری دارد. در ابتدا باید خاطر نشان کرد که بر خلاف لایه اول یعنی براندازی، دولا به دیگر شباهت های بسیاری دارند ودر بعضی از موارد قابل تفکیک نیستند لذا استحاله و نفوذ را توأم بررسی خواهیم کرد.

اگر هر سال یکی از کلیدواژه های رهبری را بخواهیم به عنوان پربسامدترین وجوه بیانات ایشان بدانیم، بی شک واژه «نفوذ»

عنوان کلیدواژه سخنان رهبر انقلاب را در سال ۹۴ به خود اختصاص می دهد.

و اما نفوذ به دو صورت انجام می گیرد که رهبری پیش تر در دیدار با مسئولان بسیج به آن پرداخته بودند:

«نفوذ دو جور است: یک نفوذ موردی است، نفوذ فردی است؛ یک نفوذ جریانی است. نفوذ موردی خیلی نمونه دارد، معنایش این است که فرض کنید شما یک دموکستگاهی دارید، یک مسئولی هستید؛ یک نفر را با چهره های آرایش شده، بزک شده، با ماسک در مجموعه شما بفرستند؛ شما خیال کنید دوست است در حالیکه او دوست نیست، تا او بتواند کار خودش را انجام بدهد؛ گاهی جاسوسی است که این کمترینش است؛ یعنی کم اهمیت ترینش جاسوسی است، خبر کشی و خبردهی است؛ گاهی کارش بالاتر از جاسوسی است، تصمیم شما را عوض میکند. شما یک مدیری هستید، یک مسئولی هستید، تصمیمگیر هستید، میتوانید یک حرکت بزرگ یا مؤثری انجام بدهید، اگر چنانچه این حرکت را اینجور انجام بدهید این به نفع دشمن است، او می آید کاری می کند که شما حرکت را اینجور انجام بدهید؛ یعنی تصمیم سازی.»

رهبر انقلاب البته در سال جاری، خطرناک ترین مدل نفوذ را، «نفوذ جریانی» برشمردند:

«از این خطرناکتر، نفوذ جریانی است. نفوذ جریانی، یعنی شبکه سازی در داخل ملت؛ به وسیله پول که نقش پول و نقش امور اقتصادی اینجا روشن میشود. عمده ترین وسیله دو چیز است؛ یکی پول، یکی هم جاذبه های جنسی. افراد را جذب کنند، دور هم جمع کنند؛ یک هدف جعلی و دروغین مطرح کنند و افراد مؤثر را، افرادی که می توانند در جامعه اثرگذار باشند، بکشاند به آن سمت مورد نظر خودشان. آن سمت مورد نظر چیست؟ آن عبارت است از تغییر باورها، تغییر آرمان ها، تغییر نگاه ها، تغییر سبک زندگی؛ کاری کنند که این شخصی که مورد نفوذ قرار گرفته است، تحت تأثیر نفوذ قرار گرفته، همان چیزی را فکر کند که آن آمریکایی فکر می کند؛ یعنی کاری کنند که شما همانجوری نگاه کنی به مسئله که یک آمریکایی نگاه می کند- البته یک سیاستمدار آمریکایی، به مردم آمریکا کاری ندارد- همانجوری تشخیص بدهی که آن مأمور عالی رتبه سیا تشخیص می دهد؛ در نتیجه همان چیزی را بخواهی که او می خواهد. بنابراین خیال او آسوده است؛ بدون اینکه لازم باشد خودش را به خطر بیندازد و وارد عرصه بشود، شما برای او داری کار میکنی؛ هدف این است، هدف نفوذ این است؛ نفوذ جریانی، نفوذ شبکه ای، نفوذ گسترده؛ نه موردی. اگر این نفوذ نسبت به اشخاصی انجام بگیرد که اینها در سرنوشت کشور، سیاست کشور، آینده کشور تأثیری دارند، شما ببینید چه اتفاقی می افتد؟ آرمان ها تغییر پیدا خواهند کرد، ارزش ها تغییر پیدا خواهد کرد، خواست ها تغییر پیدا خواهد کرد، باورها تغییر پیدا خواهد کرد.»

نفوذ انفرادی تا پیش از این چندین بار این اتفاق در ایران افتاده است و در برخی موارد برای نفوذ گران نتایج مطلوبی در پی داشته است از جمله انفجار دفتر نخست وزیر و به دست کشمیری و یا حضور عناصر چون بنی صدر در نظام و حتی در دوران دفاع مقدس که عاملان نفوذی باعث لو رفتن

عملیات ها می شدند.

اما به نظر می رسد آنچه هم اکنون در حال اتفاق است و رهبر انقلاب نیز در سال ۹۴ به شدت روی آن حساسیت نشان داده و تأکید ورزیدند؛ نفوذ جریانی است. لذا به دلیل اهمیت و تازگی نفوذ جریانی، به مراحل شکل گیری آن حسب بیانات رهبری در سال جاری خواهیم پرداخت.

مهمترین مسئله و اولین مرحله در نفوذ جریانی، زمینه سازی برای نفوذ در بین ارکان و تصمیم گیران جامعه است. برای زمینه چینی نفوذ ابتدا سعی می شود با برجسته سازی ضعف های حاکمیت و یا ایجاد مشکل بر سر راه نظام حاکم، افراد حاضر در آن نظام، ناکارآمد نشان داده شوند.

در ایران به غیر از وجود بعضی از مشکلات در جامعه که عموماً به دلیل بی توجهی مسئولان به اسناد بالا دستی روی می دهد، تحریم های اقتصادی زمینه ی خوبی برای فشار بر مردم جامعه و به تبع آن القای ناکارآمدی نظام را فراهم کرده است. این القای ناکارآمدی به جایی می رسد که افرادی که خود از ابتدای انقلاب مسئولیت پست های مختلف را داشته اند دانسته یا نادانسته در پازل دشمن حرکت کرده و با بیان های مختلف از جمله این که ما «فقط در ساخت اش بزباش و قرمه سبزی توانایی داریم» به جا افتادن گزاره ی «ما نمی توانیم» در اذهان عمومی دامن می زنند.

هم زمان با مرحله ی زمینه سازی، مرحله دوم نیز اجرایی می شود: در این مرحله از نفوذ، با ایجاد دودستگی و تفرقه در جامعه و بخصوص در سطح نخبگان، اختلاف نظر های طبیعی و معمول را به یک بحران و شکاف عمیق در سطح حاکمیت تبدیل میکنند تا بتوانند افراد مورد نظر خود را در ارکان نظام وارد کنند. اتفاقی که در ایام نزدیک به انتخابات، بی بی سی قدم پایانی آن را تا حدودی با موفقیت به اجرا گذاشت. بی بی سی با حمایت و اعلام ضدیت با دویلیستی که سران آن در جامعه به اختلاف نظرهای معمول معروف هستند بازی دوگانگی و شکاف در حاکمیت ایران را به راه انداخت. رفتار بی بی سی از آن جهت جالب است که با آن که خود می داند که در ایران مخالفان کمی ندارد؛ اما باز این جهت گیری عیان را انجام می دهد. رمز گشایی از این رفتار بی بی سی را در سخنان اخیر رهبری با مردم نجف اباد به خوبی می توان دریافت:

«وقتی می بینید که دشمن یک حرفی می زند برای ایجاد دودستگی مثلاً از شما تعریف می کند، این می خواهد ایجاد تردید بکند؛ خب دشمن که دوست شما نیست، وقتی شما می بینید که دشمن یک چنین ترفندی را دارد به کار می برد، بلافاصله و بی درنگ ابراز بیزاری کنید، بگویید نخواستیم. شما که می گوید دشمن با این کار قصد تفرقه افکنی دارد، خب نگذارید ذهن مردم مردد شود. این چیزها را باید توجه داشت. برمی گردیم به فرمایشات امام؛ امام می گفتند آن وقتی که دشمن از شما تعریف کرد، در رفتار خودتان و کارهای خودتان تردید پیدا کنید و مراجعه کنید ببینید چه اشتباهی کرده اید که دشمن خوشش آمده و از شما تعریف می کند. دستورالعمل انقلاب این هاست، این جوری باید عمل کرد، این جوری باید پیش رفت؛ نباید غفلت کرد.»

نفوذ با طعم تحریف امام

همزمان با ایجاد زمینه نفوذ به سطح تصمیم گیری و

حاکمیتی، تغییر در آرمان‌ها و باورهای جامعه نیز توسط بعضی از نخبگان و موثران اتفاق می‌افتد که در چند ماه گذشته شاهد آن بوده ایم و اتفاقاً در سال گذشته بارها مورد انذار و تاکید رهبر انقلاب واقع شد که مهمترین نمود این تغییر در ارزشها را می‌توان در تحریف اصول و خط بنیان گذار انقلاب جست و جو نمود. تحریفی که تا بدان جا پیش می‌رود که با مصداق‌های کاملاً آشکار سخنان امام نیز مقابله کند و با بزک کردن شیطان بزرگ آن را دوست و راه حل مشکلات اقتصادی کشور نشان دهد.

«یک واقعیت این است که در این کشور از بعد از رحلت امام، سعی یک مجموعه‌ی مصمّمی بر این شد که آرمان‌های انقلاب را بکَلْ بشویند بگذارند کنار. بعضی‌شان اشتباه کردند و همان اول، همین را اعلان هم کردند. در روزنامه مقاله نوشتند، حرف زدند. اینجا یک خطای راهبردی کردند یا خطای تاکتیکی کردند و مشت خودشان را باز کردند که می‌خواهند آرمان‌ها را بکَلْ، کنار بگذارند. البته حالا پخته‌تر شده‌اند، حالا نمی‌گویند، می‌خواهند بعضی‌ها آرمانها را کنار بگذارند اما صریح نمی‌گویند، به جای اینکه بگویند عمل می‌کنند. آن وقت، بی‌عقل‌ها قبل از اینکه عمل بکنند بنا کردند گفتن. خب کسانی را هم که حدس نمی‌زدند که چنین چیزی وجود داشته باشد، بیدار کردند. از آن روز شروع شده. بی‌وقفه هم کار کردند. فقط هم در داخل کار نکردند؛ هم در داخل کار کردند، هم در خارج کار کردند، هم از عنصر فکری استفاده کردند، هم از عنصر علمی استفاده کردند، هم از عنصر هنری استفاده کردند، هم از عنصر سیاسی استفاده کردند، برای اینکه آرمانها را در کشور از بین ببرند، یعنی نسل جدید آرمانها را بکَلْ فراموش کنند.»

در میان تمامی خطوط فرمز در کشور، جلوگیری از انحراف در خط امام تا بدان جا اهمیت دارد که رهبر انقلاب در بیست و ششمین سالگرد ارتحال امام نتیجه انحراف از خط امام را چنین بیان می‌کنند:

«تحریف شخصیت امام، تحریف راه امام و منحرف کردن مسیر صراط مستقیم ملت ایران است. اگر راه امام را گم کنیم یا فراموش کنیم یا خدای نکرده عمداً به کنار بگذاریم، ملت ایران سبیلی خواهد خورد.»

تحریف شخصیت‌های اثرگذار در جوامع عموماً با مغفول گذاشتن یا وارونه تفسیر کردن ابعاد اصلی شخصیت‌ها اتفاق می‌افتد. رهبری البته پس از صحبت‌های جهت‌دار بعضی از مسئولین با هشدا دادن نسبت به منحرف کردن خط اصیل امام تنها راه برای جلوگیری از آن را چنین بیان میکنند:

«آن راهی که می‌تواند مانع از این تحریف بشود، بازخوانی اصول امام است... نگاه به امام از منظر یک شاخص. این نگاه از این جهت اهمیت پیدا می‌کند که چالش اصلی همه‌ی

تحولات بزرگ اجتماعی صیانت از جهت‌گیریهای اصلی انقلاب یا تحول است. این جهت‌گیری باید حفظ شود.» اما در زمینه مقابله با نفوذ نیز رهبر انقلاب در سال جاری به تبیین راهکارهایی پرداختند که در ادامه به آن می‌پردازیم.

راهکار مقابله با نفوذ جریانی

در اولین قدم، برای جلوگیری از ایجاد تفرقه و شکاف در حاکمیت باید به شعار سال که توسط مقام معظم رهبری انتخاب شده است توجه کرد.

«یکی دیگر از خطوط اصلی تفکر امام و راه امام و خط امام - این مطلب آخری است که عرض می‌کنم - مسئله‌ی وحدت ملی است و توجه به توطئه‌های تفرقه‌افکن؛ چه تفرقه‌ی بر اساس مذهب، شیعه و سنی؛ چه تفرقه‌ی بر اساس قومیت‌ها، فارس و عرب و ترک و کرد و لر و بلوچ و امثال این‌ها. تفرقه‌افکنی یکی از سیاستهای قطعی دشمن بود و امام بزرگوار ما از اول بر روی وحدت ملی و اتحاد آحاد ملت، یک تکیه‌ی کم‌نظیر داشت که این یکی از خطوط است. امروز ما این خط را هم باید دنبال بکنیم.»

قدم دوم؛ توجه بیشتر مسئولین به مشکلات موجود در جامعه از جمله مشکلات اقتصادی است. هرچند رهبری از سال‌ها قبل با انتخاب اسامی سال با عناوین اقتصادی، نسبت به بروز مشکلات اقتصادی هشدار داده بودند اما بی‌توجهی مسئولان زمینه فشار بر جامعه و به تبع آن نفوذ جریانی را فراهم کرد. بی‌توجهی که کماکان ادامه دارد و راه کار اصلی بهبود شرایط اقتصادی که با نام اقتصاد مقاومتی ابلاغ شد، چندان به پیش نرفته است.

«مشکلاتی که وجود دارد اولاً با گفتن و حرف زدن حل نمی‌شود؛ اقدام و ابتکار و عمل لازم است. ثانیاً [حل] مشکلات مجموعه‌ی اقتصادی کشور را در درون کشور باید پیدا کرد؛ ستون فقرات هم عبارت است از تولید؛ ستون فقرات اقتصاد مقاومتی که ما عرض کردیم، عبارت است از تقویت تولید داخلی؛ اگر این کار تحقق پیدا کرد و همت‌ها متوجه به این مسئله شد، مسائل کار به تدریج حل می‌شود، کار ارزش پیدا می‌کند، کارگر ارزش پیدا می‌کند، اشتغال عمومی میشود، بیکاری که یک معضلی است در جامعه به تدریج کم می‌شود و از بین می‌رود. اساس کار، مسئله‌ی تولید است.»

فرجام سخن

در پایان باید به اهمیت حفظ آرمان‌ها و شاخص‌های هر حرکت مردمی اشاره کرد. اهمیتی که در کلام رهبری به خوبی به آن اشاره شده است: «اگر جهت‌گیری به سمت هدفها در یک انقلاب، در یک حرکت اجتماعی صیانت نشود و محفوظ نماند، آن انقلاب به ضد خود تبدیل خواهد

شد؛ در جهت عکس اهداف خود عمل خواهد کرد.» هر چند این تغییر آرمان از طریق انحراف در خط شاخص اصلی باشد و یا از تغییر نفوذ افراد در ارکان تصمیم‌گیری، فرق چندانی ندارد مهم مقابله است و یکی از راه‌هایی که در مقابله می‌تواند به ما کمک کند تجربه دیگر کشور‌های جهان در این مسیر است.

مورچیان‌ها پای قدرت بررسی هشدار «نفوذ جریانی» در بیانات رهبر انقلاب در سال گذشته

مسئله انتقال نظم نوین جهانی

و راهبردهای آمریکا در مواجهه با آن

جهان سیاست و روابط بین الملل در سال ۱۳۹۴ دوران پر آشوبی را پشت سر گذاشت. در دوران افول ابرقدرت و خیزش قدرت های نوظهور، مناطق در جهان کماکان دچار آشوب و رقابت های قدرت های منطقه ای و فرامنطقه ای بودند. در سطح جهانی می توان با تقریب مناسبی از روند انتقال قدرت جهانی از غرب به شرق جهان سخن گفت. این روند از آن رو اهمیت دارد که بعد از نزدیک به سه دهه از پایان جنگ سرد و فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، هنوز نظم مسلط و جاافتاده و مشخصی مانند آنچه در آن دوران بر جهان حاکم بود، به وجود نیامده است. این امر تحلیلگران و کارشناسان را بدین نتیجه رهنمون می سازد که نظام جهانی در مرحله انتقالی قرار دارد.

در مرحله انتقالی نظم جهان، ابر قدرت نمی تواند تمام امور را مطابق میل خود حل و فصل کند و قدرت های منطقه ای از ضعف او استفاده می کنند و در فضای مناطق خود سعی در تغییر موازنه قدرت به سوی خود دارند. ابر قدرت هم درگیر حل مسائل داخلی و منطقه ای خود می شود. در شرایط فعلی جهان درگیری آمریکا در ابعاد مختلف داخلی و خارجی، باعث تغییر محاسبات راهبردی این کشور شده است. نخست آن که اوضاع اقتصادی این کشور پس از بحران مالی جهانی ۲۰۰۸ وخیم شد و پس از گذشت هفت سال هنوز آمریکا نتوانسته است همه چالش های داخلی خود را حل و فصل کند. از طرف دیگر هزینه های سرسام آور در جنگ عراق و افغانستان و ثمربخش نبودن این جنگ ها آن گونه که آمریکا در نظر داشت، باعث شد تا آمریکا از رقبای خود و مهار آن ها غافل شود و در این بین کشورهای آسیایی به طور عام و برخی کشورهای آسیایی جنول شرقی به طور خاص، توانسته اند جایگاه خوبی در اقتصاد جهان به دست آورند. آمریکا در جهت مهار آن ها مجبور به ترک خاورمیانه است که این موضوع در عزم و اراده آمریکایی ها برای رسیدن به توافق هسته ای با ایران و حل و فصل پرونده هسته ای ایران بی تأثیر نبود.

از سوی دیگر ظهور قدرت های نوظهور که سعی دارند قدرت اقتصادی خود را به نفوذ سیاسی و بین المللی ترجمه کنند، از دیگر سرمشق های کلان جهانی است که در سال ۹۴ علی رغم افت و خیزهای خود، ادامه یافت. مفهوم قدرت های نوظهور در دوران کنونی نظام بین الملل، اشاره به مجموعه ای از کشورها دارد که توسعه اقتصادی و قدرتیابی خود را آغاز کرده اند، و با توجه به فرایند ترجمه قدرت اقتصادی به موقعیت و نفوذ سیاسی در نظام بین الملل کنونی، این مفهوم یکی از مهم ترین پدیده های دوره پسا جنگ سرد به شمار می رود. مفاهیم بریکس یا بریک سرواژه هایی هستند که ضمن اشاره به گروه بندی کشورهای برزیل، روسیه، هند، چین و آفریقای جنوبی، اتحادی از قدرت های نوظهور را معرفی می کنند که سعی در بازتعریف نظام بین الملل متناسب با اهداف و منافع ملی خود دارند. این کشورها، با ایجاد نهادهای

هزینه های سرسام آور در جنگ عراق

و افغانستان و ثمربخش نبودن این جنگ ها آن گونه که آمریکا در نظر داشت، باعث شد تا آمریکا از رقبای خود و مهار آن ها غافل شود و در این بین کشورهای آسیایی به طور عام و برخی کشورهای آسیایی جنول شرقی به طور خاص، توانسته اند جایگاه خوبی در اقتصاد جهان به دست آورند. آمریکا در جهت مهار آن ها مجبور به ترک خاورمیانه است که این موضوع در عزم و اراده آمریکایی ها برای رسیدن به توافق هسته ای با ایران و حل و فصل پرونده هسته ای ایران بی تأثیر نبود

مالی و پولی جدید در پی افزایش قدرت اقتصادی و سیاسی خود در دوران گذار نظام بین الملل هستند.

انتقال قدرت از آتلانتیک به پاسیفیک

در آینده ای نه چندان دور

در حالی که نظم آمریکایی و نظام تک قطبی به رهبری آمریکا بعد از پایان جنگ سرد، علی رغم افول نسبی ایالات متحده هنوز نظم مسلط بین المللی است، اما قدرت های نوظهور جهان که ماهیتی غیر غربی هم دارند در حال تلاش برای افزایش نفوذ، قدرت و ثروت خود هستند. به همین دلیل یکی از عمده ترین ویژگی های نظام بین الملل در حال گذار، ظهور قدرت های جدیدی است که با توجه به قدرت اقتصادی و نظامی خود، به بازتعریف توزیع نقش، نفوذ و قدرت خود در حوزه مختلف نظام بین الملل دست می زنند و به احتمال قوی سبب جابه جایی نسبی قدرت میان قدرت های سنتی و قدرت های نوظهور خواهند شد. قدرت های نوظهور با آغاز فرایند تعریف خود به عنوان یک قدرت و هویت سازی از خود بر این اساس، با ادامه رشد اقتصادی و نظامی، قصد دارند منافع خود را در زمینه نفوذ، چانه زنی، تصمیم سازی، تصمیم گیری و در نهایت کنش گری فعال در نظام بین الملل و نهادهای جهانی افزایش دهند و در گذر زمان به محوریت و مرکزیت در اثر گذاری در سیاست بین الملل دست یابند. علی رغم وجود چالش های متعدد داخلی، مخالفت های منطقه ای و مقاومت های جهانی، قدرت های نوظهور سعی دارند با نقش آفرینی در اقتصاد و سیاست جهان، علاوه بر عدم ایجاد چالش و گسست بنیادی و اساسی در منظومه نظام بین الملل، با تعریف خود به عنوان یک قدرت غیر غربی و متعلق به کشورهای در حال توسعه، در آرایش سیاست و قدرت جهانی، تغییرات جدی حاصل کنند. در حال حاضر، نیروها و کنشگران متعدد و متکثری در تلاش برای شکل دهی به نظم و نظام بین الملل پسا دوقطبی هستند، به گونه ای که هر یک از بازیگران و قدرت های بین المللی در رقابت و تقایلی شدیدی برای تعیین و تثبیت منزلت و موقعیت خود در نظم بین الملل در حال شکل گیری است تا این دوره

گذار را به صورتی مدیریت و هدایت کنند که به استقرار نظم و نظام بین الملل مطلوبشان منجر شود از این رو، بلوک های قدرت های مختلفی نیز تشکیل شده است که معطوف به مدیریت راهبردی این دوره گذار است. مدیریتی که با استفاده حداکثری از مقدرات و رفع آسیب ها، از فرصت ها به صورت بهینه بهره گرفته و تهدیدها و چالش ها را دفع کند. یکی از مهم ترین این بلوک های قدرت و ثروت، گروه قدرت های نوظهور است. می توان در مورد ساختار قدرت جهانی در دهه های آینده این پیش بینی را ارائه داد که آمریکا برای مدتی در حدود دو دهه در راس سلسله مراتب بین المللی قرار خواهد داشت، اما دورنمای جهانی حکایت از توازن قوا و تقسیم مجدد قدرت و نفوذ دارد که در این میان نقش قدرت های نوظهور حائز اهمیت است. روند دیگری که به افزایش نقش و اهمیت قدرت های نوظهور می افزاید، آسیایی شدن قدرت است. این مفهوم در مورد کشورهای هند و چین به طور خاص صدق می کند. هند و چین بخش اعظم تحلیل های مربوط به روند انتقال قدرت از غرب به آسیا را به خود اختصاص داده اند. آمار نشان می دهد که تا سال ۲۰۳۰ قدرت در معنای جهانی آن، از غرب به شرق انتقال پیدا خواهد کرد که مراکز معتبر جهانی آن را آسیایی شدن قدرت می نامند. آسیایی شدن از آنجا حائز اهمیت است که دو قدرت اصلی بریکس در این قاره قرار دارند. امروزه با رشد اقتصادی کشورهای آسیایی و به ویژه چین و هند، اکثر قریب به اتفاق برنامه ریزان و استراتژیست های کشورها به این مهم اذعان دارند که روند تکاملی قدرت در جهان به صورت سیال از سمت غرب به شرق در جریان است. آمارها حاکی از آن است که سهم آسیا در سرانه تولید جهانی در سال ۱۹۹۸، حدود ۳۳ درصد بوده است و پیش بینی می شود در بیست سال آینده این رقم به ۴۴ درصد برسد که در این میان بیشترین سهم از آن چین، ژاپن و هند خواهد بود. اگر این جریان ادامه داشته باشد آسیا خواهد توانست ساختار اقتصاد بین الملل و قدرت های سیاسی جهان را تغییر دهد. همان طوری که هنری کسینجر چندین سال پیش اعلام کرد: «قدرت در حال انتقال از حوزه آتلانتیک به حوزه پاسیفیک است.» بر طبق پیش بینی های بلند مدت، آسیا همچنان به رشد افزایش ادامه می دهد و در سال ۲۰۵۰ میلادی، ۵۳ درصد از تولید ناخالص داخلی جهانی را تشکیل خواهد داد.

همه توضیحات مذکور در نهایت آمریکا را به این نتیجه رسانده است که چین و هند می توانند ابرقدرتهای جهان آینده شوند. لذا آمریکا با ایجاد زنجیره ای سعی در مهار چین دارد. واشنگتن برای مهار پکن، مجبور است نقطه نقل تمرکز خود را از خاورمیانه به خاور دور منتقل کند و پرونده های منطقه ای در غرب آسیا را به فرانسه و انگلستان برای مدیریت و ترکیه و عربستان برای عاملیت واگذار نماید. حضور مجدد انگلستان در بحرن و خاورمیانه و دخالت نظامی فرانسه در سوریه و عراق و همچنین ارسال ناو هواپیمابر شارل دوگل به خلیج فارس و تلاش ترکیه و عربستان برای موازنه قوا با ایران

در منطقه در همین راستا ارزیابی می شود. به عبارت دیگر آمریکا، خاورمیانه را به متحدان خود سپرده است و خود برای مهار خیزش چین، به شرق آسیا رفته است تا با همکاری ژاپن، کره جنوبی، هند و برخی کشورهای دیگر جنوب شرق آسیا، از ابرقدرت شدن چین در قرن حاضر پیشگیری نماید.

بحران های بین المللی

از خاورمیانه تا امریکای لاتین

در سطح منطقه ای، جهان در سال ۱۳۹۴، شاهد حوادث گوناگونی بود. در اروپا با توجه به ورود آوارگان از آفریقا و خاورمیانه، این قاره با بحران های مختلفی روبرو شده است. چندگانگی فرهنگی، تنش های اجتماعی و احتمال بازگشت ترومیستهای اروپایی به قاره خود از جمله نگرانی های سران قاره سبز است. در آمریکای شمالی، انتخابات پارلمانی در کانادا باعث شکست دولت محافظه کاران تندور به رهبری هارپر شد. دولت جدید لیبرال جاستین ترودو خواهان تجدید روابط با ایران شده است و قصد دارد به سیاست های سنتی اتاوا به عنوان کشوری با جامعه چندفرهنگی و فعال در عرصه های مثبت سیاسی بین المللی، همچون امور بشردوستانه و صلح طلبانه رجعت کند.

در آمریکای لاتین چپ گرایان با مسائل و بحران های جدی روبرو شده اند. در ونزوئلا بعد از سال ها تسلط چپ گرایان مخالف آمریکا بر پارلمان این کشور، در انتخابات پارلمانی اخیر، این راست گرایان بودند که توانستند قدرت را به دست بگیرند. چنانچه نتایج نهایی انتخابات پارلمانی در ونزوئلا از پیروزی قاطع مخالفان و تغییر قدرت در کنگره این کشور پس از ۱۶ سال خبر می دهد. ائتلاف احزاب مخالف دولت موسوم به «میزگرد اتحاد دموکراتیک» ۹۹ کرسی از ۱۶۷ کرسی پارلمان را کسب کرده است. بعد از مرگ هوگو چاوز و روی کار آمدن نیکولاس مادورو، اوضاع اقتصادی کاراکاس به هیچ وجه مناسب نبود. از زمان به قدرت رسیدن مادورو در سال ۲۰۱۳، این کشور به دلیل کاهش شدید قیمت نفت دوران سختی را گذرانده است و این کشور درگیر کاهش بودجه عمومی و اعتراضات مردمی شده است. ادامه روند فوق و شروع به کار مجلس جدید، یقینا اوضاع را برای دولت ونزوئلا سخت تر از گذشته خواهد نمود. در برزیل فساد مالی شرکت نفتی پتروبراس در سال های گذشته به زلزله ای در صحنه سیاست برزیل تشبیه شده است. تاکنون دادگستری برزیل معتقد بود که دلیل کافی برای تحقیق درباره ارتباط روسف، رئیس جمهور چپگرای این کشور با این رسوایی مالی در دست نیست. اما اکنون دادگاه عالی انتخابات راه تحقیق در این باره را باز کرده است و به نظر می رسد روزهای سختی در انتظار خانم رئیس جمهور باشد. در آرژانتین هم نئولیبرال ها به قدرت رسیدند. مائوروسو ماکری خواستار روابط بیشتر با آمریکا، اخراج ونزوئلا از مرکوسور و عادی سازی رابطه با بازارهای جهانی است. بوی

در منطقه خاورمیانه، روند تحولات به گونه ای است که رادیکال شدن رقابت و تنش، میان جهان تشیع به رهبری ایران و کشورهای سنی به رهبری عربستان کاملا محتمل است. در این فضا با توجه به قدرت گرفتن ایران، اقدامات عربستان و ترکیه در چارچوب موازنه قوا شدت خواهد یافت. سرریز بحران از سوریه و عراق، به کشورهای همسایه ادامه خواهد داشت و لبنان، اردن و ترکیه درگیر بحران خواهند شد

همچنین با ارسال لایحه ای به پارلمان، خواستار لغو تفاهم ایران و آرژانتین در مورد پرورنده آمیا شده است. در منطقه خاورمیانه، روند تحولات به گونه ای است که رادیکال شدن رقابت و تنش، میان جهان تشیع به رهبری ایران و کشورهای سنی به رهبری عربستان کاملا محتمل است. در این فضا با توجه به قدرت گرفتن ایران، اقدامات عربستان و ترکیه در چارچوب موازنه قوا شدت خواهد یافت. سرریز بحران از سوریه و عراق، به کشورهای همسایه ادامه خواهد داشت و لبنان، اردن و ترکیه درگیر بحران خواهند شد. استقلال کردستان عراق به طور جدی از زمان حمله آمریکا به عراق در سال ۱۹۹۱ مطرح شده بود و اکنون با فدرالی شدن اداره این کشور، و به موازات افزایش نقش کردهای سوریه و عراق می رود که به یک مطالبه جدی در سال آینده تبدیل شود. افزایش نظامی گری در منطقه با هدایت آمریکا دیگر رویداد مهم است. فروش تسلیحات پیشرفته تهاجمی و دفاعی به متحدان با افزایش تمرکز غرب بر مهار چین همزمان شده

است. مواجه شدن با پدیده دولتهای فرومانده یا گسیخته که توانایی پاسخ گویی به مطالبات شهروندان خود را ندارند، در خاورمیانه امری مرسوم است. رشد جمعیت حدود ۲،۵ درصدی منطقه غرب آسیا در قیاس با رشد یک درصدی جهان، نشان می دهد که جمعیت جوان رو به رشد در خاورمیانه در جست و جوی هویت، امنیت و رفاه و شغل است در حالی که دولت ها نمی توانند اولیه ترین نیازهای شهروندان خود را تامین کنند. همین دلیل باعث روند افزایش مهاجرت به اروپا و کشورهای همسایه نظیر ایران شده است. در حوزه منطقه ای، مسئله پیرنگ شدن بازیگران غیردولتی و نقش آفرینی این بازیگران روندی بسیار تأثیرگذار را در سال های اخیر شکل داده است. نقش آفرینی جدی انصار الله در یمن، حزب الله در سوریه، داعش در عراق و سوریه و بسیاری گروه های شیعی در عراق، نمونه هایی از شکل گرفتن این روند در سطح منطقه خاورمیانه است. نکته دیگر دخالت جدی روسیه در سوریه است. ارتقای پرستیژ مسکو و جلوگیری از سقوط آخرین متحد این کشور در دریای مدیترانه از جمله اهداف پوتین برای دخالت در سوریه است. این روند در سال بعد احتمالا افزایش خواهد یافت. چنانچه ذکر گردید در جهان پسا دوقطبی و در دوران افول ابرقدرت، مناطق نقش مهمی در سیاست بین الملل بازی می کنند. قدرت های منطقه ای سعی دارند قدرت های درجه دو و نایاب ابر قدرت را تحت سیطره خویش در آورند و همین امر، تنش و جنگ های داخلی و منطقه ای را سبب شده است.



خدا حافظی بانظام تک قطبی

مروری بر وضعیت جهان در سالی که گذشت

بهنام خسروی



کارشناس ارشد دیپلماسی و سازمانهای بین المللی

سیاست «ایران ۹۵» در گفت و گو با دکتر سعدالله زارعی:

توافق برجام یک فرصت متوسط است

مهم ترین نتیجه انتخابات ۷ اسفند آرامش سیاسی است

برجام و انتخابات هفتم اسفند بی تردید مهم ترین رویدادهای سیاسی در سال جاری کشور به شمار می روند. به دلیل اهمیتی که هر کدام از این دو موضوع در سال ۹۵ آینده معادلات داخل و خارج کشور خواهد گذاشت مناسب دیدیم تا برای تبیین آن به سراغ سعدالله زارعی روزنامه نگار و استاد علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبایی (ره) برویم.

ت برجام، موضوع اصلی سیاست خارجه کشور در سال جاری بوده است که اواخر دی ماه اعلام شد به مرحله اجرا رسیده است. آیا این توافق در عمل در سال آتی منجر به تحولاتی در عرصه سیاسی ایران می گردد؟

اگر بخواهیم از نظر فنی به برجام نگاه کنیم برجام توافقی است که بین ایران و کشورهای ۵+۱ امضا شده و تداوم این سند و اهمیت آن به این بستگی دارد که چقدر طرفین در انجام تعهداتشان پایبند باشند و کمک کنند تا این توافق به سرانجام برسد. بر همین اساس نمی توان از نظر سندی و حقوقی حرف قاطعی زد بایستی ببینیم در عمل میزان پایبندی طرفین به تعهداتشان چقدر است. تاکنون و بر اساس گزارش های رسمی که مورد تایید مراجع حقوقی مورد توافق قرار گرفته، ایران به تعهداتش عمل کرده و آن چه را که برای تعدیل فعالیت هسته ای اش ملزم به انجام بوده، عملی کرده است. اما درباره تعهدات طرف مقابل به ایران از جمله تحریم ها و پرداخت مطالبات ایران که در بانک های مختلف بلوکه است تاکنون نشانه ای مبنی بر راهگشایی در این حوزه ها مشاهده نشده است. تحریم ها اسما لغو شده ولی در عمل همچنان ادامه دارد. هنوز هم ایران برای باز کردن ال سی برای افتتاح حساب های اعتباری مشکل دارد. هنوز برای پرداخت وجوه مطالبات ایران که در مورد عدد و رقم آن اختلاف نظر وجود دارد اقدامی از سوی غرب صورت نگرفته است. هنوز برای بازگشت پول های ایران بانک های اروپایی و غیر اروپایی تعلل می کنند و انجام این تعهدات را موقوف به شرایط آینده می کنند. در حال حاضر دولت این تعلل ها را یک فرآیند طبیعی می داند و اعتقاد دارد که تحریم ها برداشته شده است ولی برای اینکه در عمل اتفاق سازنده ای در وضع پولی ما بیفتد باید موانعی که در سر راه سیستم های پولی و مالی دنیا وجود دارد برطرف شود. امیدواریم این جمع بندی دولت و خوشبینی اش در سال جدید صورت عمل و تحقق ببوشاند اما می دانیم که همه چیز در اختیار دولت نیست و طرف مقابل بر اساس روال و سنت خود معمولاً در اجرای تعهداتش بهانه تراشی می کند و حجم آن را تنزل می دهد و به وضعیت حداقلی تبدیل می کند.

ت تاثیرات اجرای برجام در سطح داخلی در سال پیش رو چه خواهد بود؟
درباره تاثیرش در فضای داخلی می توان گفت که اگر برجام با همراهی و عمل به تعهدات غرب همراه شود می تواند در جامعه ایران از یک طرف تا حدی گشایش ایجاد کند. تاثیراتی در صنعت و کسب کار خواهد گذاشت. از طرف دیگر اگر



غربی‌ها به قول و قرارشان عمل کنند شیوه برجام در بعضی از حوزه‌های دیگر مورد توجه قرار می‌گیرد. یعنی مردم در موضوعات دیگری نیز گرایش به حل و فصل مشکلات به شیوه برجام پیدا می‌کنند. اما اگر چنانچه وضعیت به همین منوال باقی بماند و غربی‌ها به تعهداتشان عمل نکنند. فضای خوشبینی نسبت به برجام تبدیل به بدبینی خواهد شد و ملت را بر سر دوراهی قرار می‌دهد که آیا متناسب با تخلف غرب از تعهداتش، ایران باید آن دسته از محدودیت‌هایی که در صنعت هسته‌ای پذیرفته است را لغو کند یا اینکه خویشندارانه مسیر کنونی را ادامه دهد.

بعد از توافق هسته‌ای عمده ارتباطات سیاسی ما با کشورهای اروپایی بوده است، به نظر شما در طول سال آتی، این توافق چه تأثیری بر مناسبات منطقه‌ای کشور می‌گذارد؟

تاکنون مراد ما با اروپایی‌ها در دو سطح انجام شده است. اولین سطح تعامل سیاسی بوده است بعضی از مقامات سیاسی اروپا به ایران سفر داشتند و تعدادی از مقامات ایرانی نیز به اروپا سفر کرده‌اند و از این مذاکرات سیاسی تنها یک سری تعارفات و توافقات صرفاً سیاسی رد و بدل شده و منجر به یک توافق اقتصادی و فرهنگی میان طرفین نشده است. دومین سطح همان سطح اقتصادی است. در سطوح اقتصادی اروپاییان به بررسی وضعیت پرداخته‌اند و در واقع به سبک سنگین کردن شرایط ایران پرداخته‌اند. ولی هنوز یک توافق قوی اقتصادی میان ایران با بخش اقتصادی اروپا پدید نیامده است. در سطح منطقه‌ای ما شاهد اختلاف نظر در مورد اهمیت برجام و تأثیر آن در ارتباط ما با این کشورها بوده‌ایم. کشورهایی که در منطقه با ایران مراد مثبتی داشته‌اند برجام را به عنوان یک علامت مثبت برای توسعه روابط ارزیابی کرده‌اند کشورهایی

در این انتخابات آقایان هاشمی

و روحانی تلاش کردند از انتخابات یک معنای پیر رنگی در تأیید سیاست‌های خودشان که چندان تناسبی با اعتقاد اصول‌گرایان و اصلاح‌طلبان ندارد، بگیرند منتهی در این انتخابات این موفقیت برای آن‌ها حاصل نشد. اگرچه دولت در این انتخابات با لیست امید افرادی را که عمدتاً اصلاح‌طلب بودند در لیست خود قرار داد اما در نهایت آن‌ها که برنده انتخابات بود تابلوی دولت نبود بلکه افرادی بودند که با سابقه و عنوان اصلاح‌طلبی وارد انتخابات شدند

مانند عمان، کویت، پاکستان و هند از جمله این کشورها بودند. اما کشورهایی که رابطه مناسبی نداشته‌اند و اشتیاقی به حل و فصل مسائل نشان ندادند به برجام بدبینانه نگاه کرده‌اند و از آن به عنوان یک فرصت برای ایران و یک تهدید برای منطقه ارزیابی کرده‌اند. می‌توانیم از میان این کشورها به عربستان و امارات نام ببریم. در مجموع می‌توان این‌گونه ارزیابی کرد که برجام یک فرصت متوسط است. برای مناسبات و گفت‌وگوها در سطح منطقه نیاز به زمینه‌هایی است که عمدتاً در فعال‌سازی روابط دوجانبه تجلی پیدا می‌کند. یعنی ایران باید نه فقط با منطق برجام بلکه با مناطق مشترک اقتصادی، فرهنگی، سیاسی، تکنولوژیک با این کشورها به صورت فردی وارد قرار دادهای مشخص بشود. در حال حاضر زمان اینکه دیپلمات‌های ما در گفت‌وگو و گوی سیاسی با مقامات منطقه به انعقاد یک سلسله تفاهم‌نامه و پروتکل‌های کلی کفایت کنند گذشته است. یادداشت تفاهم نمی‌تواند مبنای حل و فصل مسائل ما باشد و تحرک اقتصادی سیاسی ما را در منطقه فعال کند. ما باید به سمت قراردادهای مشخص با زمانبندی مشخص، با حجم معین و با ساز و کارهای مناسب و با تعیین تیم‌های پیگیر در روابط خارجی با دخالت دادن بخش خصوصی، در چرخه مناسبات منطقه‌ای تأثیر گذار باشیم.

مهم‌ترین رویداد سیاست داخلی کشور در سال جاری، انتخابات هفتم اسفند بوده است. تأثیر این انتخابات در آینده کشور را چگونه تحلیل می‌کنید؟

انتخابات اخیر یک آرامش در فضای سیاسی پدید آورد. در نتیجه این انتخابات جناح‌های سیاسی به یک قرابت رسیده‌اند. اینکه هیچ جناحی به طور مطلق پیروز نشد می‌تواند زمینه همکاری‌های داخلی را فراهم کند در عین حال اگر جناح‌های سیاسی با استفاده از باند‌های خاص به نوعی فضای گفتگومانی مخالف دامن‌برزند این انتخابات می‌تواند نقطه آغاز مناقشات در فضای داخلی باشد. باید این نکته را مورد توجه قرار بدهیم که در انتخابات اخیر ما شاهد یک نوع مدیریت و برنامه‌ریزی خاص با استفاده از ظرفیت‌های اجتماعی بوده‌ایم. این ظرفیت‌های اجتماعی بدون هزینه در خدمت بعضی از لیست‌ها قرار گرفتند طبیعتاً این مطالباتی دارند اگر مطالبات اجتماعی تفسیر سو بشود یعنی به جای اینکه دغدغه‌های اصلی شهروندانی که رای دادند مورد توجه قرار بگیرد با تعبیر خاص این قدرتی که از آرا پدید آمده است را به حوزه‌های غیر اجتماعی کانالیزه کند. ما شاهد افزایش بگو مگو و تنش بین نخبگان سیاسی خواهیم بود. بنابر این منطق و عقل حکم می‌کند که

در حال حاضر زمان اینکه دیپلمات‌های ما در گفت‌وگو و گوی سیاسی با مقامات منطقه به انعقاد یک سلسله تفاهم‌نامه و پروتکل‌های کلی کفایت کنند گذشته است. یادداشت تفاهم نمی‌تواند مبنای حل و فصل مسائل ما باشد و تحرک اقتصادی سیاسی ما را در منطقه فعال کند. ما باید به سمت قراردادهای مشخص با زمانبندی مشخص، با حجم معین و با ساز و کارهای مناسب و با تعیین تیم‌های پیگیر در روابط خارجی با دخالت دادن بخش خصوصی، در چرخه مناسبات منطقه‌ای تأثیر گذار باشیم

طیف‌هایی که توانستند آرا را کسب کنند به نیازهای شهروندان نزدیک شوند و این فرصت ۴ ساله را صرف حل مشکلات مردم نمایند.

با توجه به نتیجه انتخابات می‌توان ادعای کرد که جناح بندی‌های سیاسی در کشور دچار تغییر و تحول شده است؟

نمی‌توان به صورت قاطع صحبت کرد. تغییر نسبی بوده است. به تعبیر بعضی‌ها شیب تغییر در ایران هیچوقت متوقف نبوده است. در این انتخابات هم شیب تندی را شاهد نبوده‌ایم. مثلاً مجلس اصول‌گرا بوده است. در حال حاضر هم تا حد زیادی اصول‌گراست. اصلاح‌طلبان یک کف رای داشتند و یک تشکیلات رای آور. که این تشکیلات همچنان به قوت خود باقی مانده است. منتهی در این انتخابات آقایان هاشمی و روحانی تلاش کردند از انتخابات یک معنای پیر رنگی در تأیید سیاست‌های خودشان که چندان تناسبی با اعتقاد اصول‌گرایان و اصلاح‌طلبان ندارد، بگیرند منتهی در این انتخابات این موفقیت برای آن‌ها حاصل نشد. اگرچه دولت در این انتخابات با لیست امید افرادی را که عمدتاً اصلاح‌طلب بودند در لیست خود قرار داد اما در نهایت آن‌ها که برنده انتخابات بود تابلوی دولت نبود بلکه افرادی بودند که با سابقه و عنوان اصلاح‌طلبی وارد انتخابات شدند. موضوع دیگر این است که انتخابات اخیر قطعاً اصول‌گرا‌ها را به تامل بیشتر وادار می‌کند. اصول‌گراها یک گام فعال دیگر در جهت بازتولید قدرت خود بر می‌دارند. ما شاهد بودیم که شکست در انتخابات ۹۲ موجب وحدت آن‌ها در انتخابات سال جاری شد. مسلماً این فرمان همگرایی و وحدت مستمر خواهد بود و ما در سطح اصول‌گرایی شاهد یک بلوغ بیشتر و بهتر خواهیم بود. ■

فاجعه منا

هیچ توجیهی برای این فاجعه بزرگ انسانی که در جریان مراسم حج تمتع امسال رخ داد، قابل قبول نیست. اتفاقی که با ضعف آشکار مدیریت حج عربستان سعودی به وقوع پیوست نیازمند برخوردی به مراتب جدی تر از سوی سازمان های پر ادعای بین المللی بود. سازمان هایی که شنیدن ادعا هاشان گوش فلک را کر می کند در قبال این فاجعه سیاست سکوت را پیشه کردند. کشته شدن غریبانه بیش از دو هزار نفر از حجاج که چهارصد و شصت و هفت نفر از آن ها از هموطنان عزیز ما بودند، واکنش بهتر و بیشتر دولت ما را می طلبد. بازگشت رئیس جمهور محترم از سفر به نیویورک به دلیل این اتفاق دردناک، حداقل کاری بود که می توانست انجام شود.



دردناک ترین اتفاق سال

بی تدبیرانه ترین اقدام سال



۱. حمله به سفارت عربستان (اقدام غیردولتی)

اعدام شیخ نمر توسط دولت سفاک سعودی آن هم پس از چند حادثه مکرر توسط رژیم سعودی مردم را عصبانی کرده بود. و البته در سطح جهان نیز بازخوردهای منفی زیادی برای این کشور به همراه داشت. اما این پامنبری های یک هیئت خاص مذهبی -باگرایش های وحدت شکنانه- بودند که بازی را در سطح بین المللی به نفع عربستان تغییر دادند. محاکم و مجامع بین المللی جنایت سعودی را فراموش کرده و طلبکار ایران شدند. اقدامی که حتی رهبر انقلاب نیز آن را تقیح کرد.



۱. دفن ۱۷۰۰ تن سیب زمینی (اقدام دولتی)

صرف نظر از ارزش مادی آن که با میانگین کیلویی هزار تومان می شود یک میلیارد و هفتصد میلیون تومان و صرف نظر از این اسراف که گناهی بسیار بزرگ محسوب می شود چه خوب بود این مقدار سیب زمینی ها را به معاونت دانشجویی های دانشگاه های کشور تحویل می دادند تا از یک سو قوت غالب دانشجویهای خوابگاهی را فراهم می کردند و از سوی دیگر خدای نکرده از مقایسه دولت تدبیر با دولت سابق در تقسیم رایگان سیب زمینی به روستاییان برای مقاصد سیاسی ممانعت به عمل می آوردند.

جمله سال



عکس العمل سخت و خشن

تنها رهبر انقلاب بود که در کنار سکوت منفعلانه دولت در قبال فاجعه منا می توانست تسکینی بر آلام قلوب ماتم زده ایرانیان در ایام مسلمان کشی عربستان باشد. با بیان جمله ای که لرزه بر تن «شاه بیمار» سعودی انداخت: «دولت عربستان در انتقال ابدان مطهر جان باختگان به وظایف خود عمل نمی کند و جمهوری اسلامی ایران نیز تاکنون با خویششننداری و ادب اسلامی، حرمت برادری را در دنیای اسلام نگه داشته است، اما این را بدانند که اندک بی احترامی به دهها هزار نفر از حجاج ایرانی در مکه و مدینه و عمل نکردن به وظایف برای انتقال ابدان مطهر، عکس العمل سخت و خشن ایران را در پی خواهد داشت.»

عکس یادگاری با ایرباس

صرف نظر از انتقاداتی که درمورد خرید ۱۱۸ فروند انواع هواپیمای ایرباس در جریان سفر حسن روحانی به فرانسه شده بود درخواست از ایرباس برای فرود هواپیمای ۳۵۰ عبوری از سنگاپور به سمت اروپا در کشور برای گرفتن عکس یادگاری مردم ایران با آن به معنای حقیقی کلمه تحقیر ملت ایران بود. ملتی که در اوج تحریم ها توانسته بود در صنایع فضایی به آنچنان پیشرفتی دست یابد که تعجب و تحسین ناسا را برانگیزد به کجا رسیده است؟



تحقیر سال

اعتماد به نفس سال



رئیس جمهور جیبوتی

جایزه اعتماد به نفس سال به اتفاق آرای داوران بخش برترین های ۵۷، تقدیم می شود به رئیس جمهور جیبوتی. رئیس جمهور کشوری که حتی پول ساخت بنای پارلمانش را نداشت و رئیس مجلس ایران کلنگ پارلمان این کشور را زد. اما پس از داستان حمله به سفارت انگلیس، به همراه چند کشور کوچک حاشیه خلیج فارس، ضمن اعلام قطع روابط دیپلماتیک، سفیر و کارمندان سفارت خود را به کشورشان فراخواند. احضاری که گفته می شد باعث افزایش جمعیت کشور جیبوتی به میزان چشمگیری شد!

خبر سازترین اتفاق سال

اینکه توافق هسته ای پس از دوازده سال به سر انجام رسید به خود موضوع مبارکی محسوب می شود. پس از حدود ۱۲ سال مذاکره و تغییر سه دولت جمهوری اسلامی ایران تیر ماه سال جاری بود که میان ایران و گروه ۵+۱ توافق حاصل شد. توافقی که هر چند با حاشیه های فراوانی همراه شد اما در نهایت به تصویب مجلس شورای اسلامی، شورای نگهبان و شورای عالی امنیت ملی هم رسید. مقام معظم رهبری نیز با تاکید بر وجود ضعف های متعدد ساختاری در این توافق و با قید شروطی، این توافق را تایید نمودند.

توافق هسته ای



سیاسی کاران سال

هیئت داوران جشنواره فیلم فجر



کار سختی بود دیدن فیلم «بادیگارد» ابراهیم حاتمی کیا و بی اعتنایی به آن. همانطوری که سخت بود بی اعتنایی به «سیانور» بهروز شعبانی. اما هیئت داوران جشنواره سی و چهارم فجر خیلی خوب از عهده این کار برآمدند. شاید اگر سازنده بادیگارد، حاتمی کیا نبود. شاید اگر حاتمی کیا صراحتاً از دولت روحانی انتقاد نمی کرد. شاید...



غرور انگیز ترین اقدام سال

دستگیری نظامیان امریکایی

خیلی کیف کردیم وقتی با خبر شدیم بچه های نیروی دریایی سپاه نظامیان امریکایی متجاوز به حریم آبی کشور را با شجاعت و مهارت مثال زدنی خود دستگیر کردند. شیرینی این اقدام می شد بیشتر هم شود اگر به دلیل مصالح سیاسی اجرای برجام ، پیغام و پسغام های مقامات امریکایی با مسئولان ایرانی - و تلفن های مستقیم وزارت خارجه شیطان بزرگ با وزیر خوش خنده ما- موجب آزادی ناگهانی این نظامیان بدون تحقیق و بررسی از ماهیت مسئله نمی شد.

مرغ همسایه سال



روشن کردن شمع در سفارت فرانسه

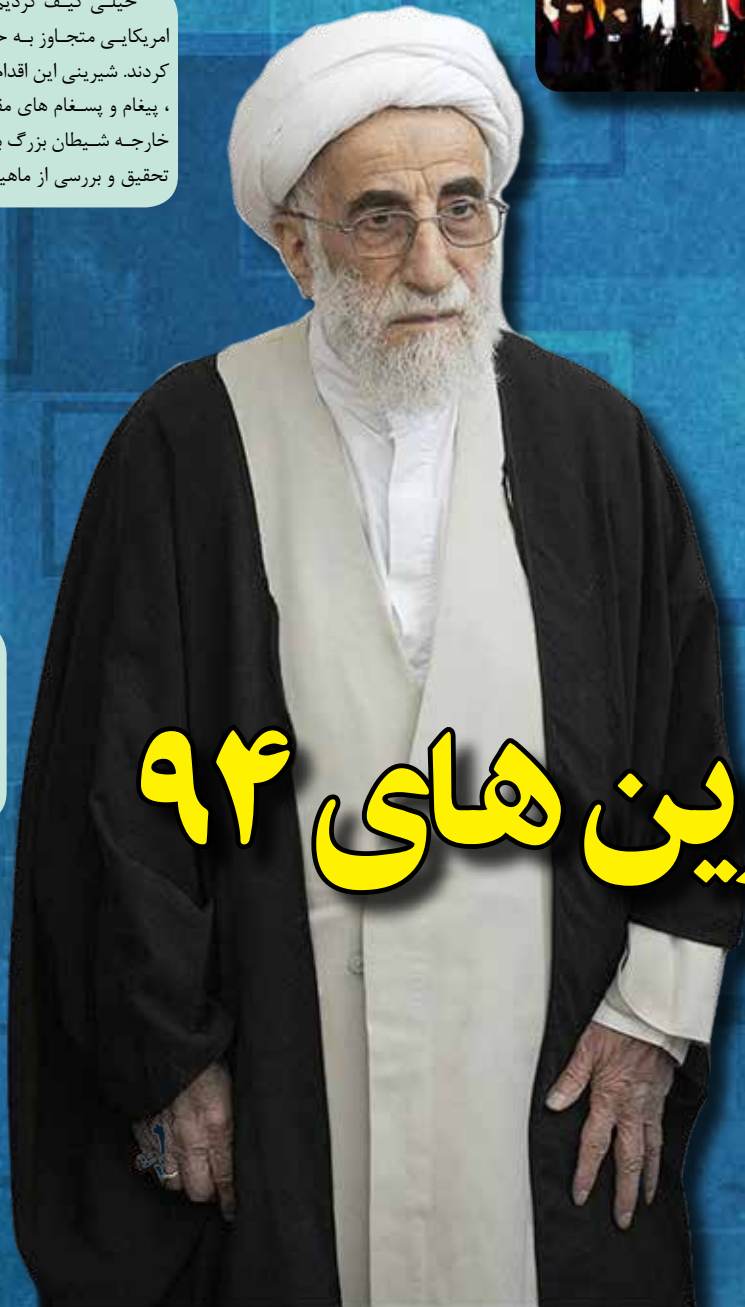
اقدام جمعی از هموطنان جو زده که به دلیل حملات تروریستی در پاریس و به نشانه ی همدردی با آنان در سفارت این کشور در تهران شمع روشن کردند. این تفاق در شرایطی به وقوع پیوست که همین افراد در قبال حوادث تروریستی سوریه و لبنان نظیر چنین اقدامی انجام نداده بودند.

شخصیت سال

آیت الله احمد جنتی

به دلیل همه توهین های ناحقی که در طول این سال ها به این یار وفادار انقلاب، امام و رهبری شد. برای ایستادگی اش در برابر همه فشارهایی که برای تأیید کردن صلاحیت تعدادی از افراد که خود را فراتر از قانون می دانستند رقم خورد. برای مخالفت علنی رویاه پیر و بلندگوهای شیطان با این مرد بزرگ.

ترین های ۹۴



ملک سلمان سعودی

بی شک مردم ایران بیشترین امتیاز را برای اهدای جایزه منفورترین سال ۹۴ به عربستان سعودی و شخص شاه سلمان اهدا می کنند. به خاطر حمله به یمن در ابتدای سال ۹۴ جسارت به نوجوانان ایرانی در فرودگاه جده، شهادت دانشمند ایرانی در واقعه سقوط جرنقیل در خانه خدا، به خاطر قتل عام حجاج ایرانی در فاجعه منا، حمایت بی دریغ از تروریست های تکفیری و نهایتاً اعدام بی رحمانه رهبر شیعیان. باشد که در سال جدید و به زودی، تیتتر «خبر مرگش» بر صفحه اول روزنامه وطن امروز دوباره نقش ببندد.

منفور سال



ناکامین سال

۱. سید حسن خمینی



پذیرش این موضوع راحت نیست افرادی که حتی سرچ کردن در گوگل هم نمی تواند رزومه و نام و نشانی از شان نمایش دهد، به عنوان نماینده تهران از لیست امید وارد مجلس شوند، اما از لیستی که پر از وزیر و متخصص و اقتصاد دان و نماینده پرسابقه است، حتی یک نفرشان هم به بهارستان راه نیابد! بالاخره این هم از خاصیت های مدل لیستی رای دادن در تهران است. مدلی که در این انتخابات برای سرلیست اصولگرایان پایتخت و رفقای اصولگرایش خوش یمن نبود.

وی سال کاملاً ناموفقی را پشت سر گذاشت. او به عنوان تولیت حرم مطهر امام خمینی از همان روزهای برگزاری سالروز رحلت امام با سیل انتقادات مواجه شد. انتقاداتی که ناشی از سبک و سیاق معماری و ساخت و ساز تجمعاتی بارگاه امام بود. در انتخابات خبرگان هم نام نویسی کرد اما سرباز زدن او از شرکت در امتحان اجتهاد شورای نگهبان - به گمان وجود شائبه و سهم ویژه ای که از اعتبار بیت مکرر امام باید از سوی نظام برایش خرج می شد و نشد - موجب شد تا صلاحیتش برای خبرگان رهبری احراز نشود.

فست فود سال

۲. حداد عادل

تصویب برجام در بیست دقیقه

کمیسیون ویژه برجام تشکیل شده بود تا با بررسی مفاد برجام ایرادات و خطوط قرمز احتمالی آن را رفع کند. خب همین کار را هم انجام دادند. کلی جلسه نقد و بررسی گذاشتند سر آخر هم گزارش شان را در این رابطه قرائت کردند. اما به صورت موازی با این کمیسیون، گروه دیگری نیز در مجلس به رهبری رئیس مجلس و رئیس کمیسیون امنیت ملی سعی کردند برجام به همان صورتی که در مذاکرات آمده بود، تصویب شود که همین طور هم شد. روز بررسی جزئیات طرح و پیش از شروع رسمی جلسه نیز با ادعای ریاست مجلس مبنی بر اینکه نظام تصمیم گرفته تا برجام تصویب شود بدون بحث و بررسی خاصی و در ظرف بیست دقیقه این موضوع حیاتی برای آینده کشور تصویب شود.



دستاوردهای نظامی سال



موشک فاتح ۳۱۳

از میان دستاوردهای نظامی سال جاری، رونمایی از موشک بالستیک «فاتح ۳۱۳» این دستاورد غرور آفرین صنایع موشکی وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح برگ دیگری از کارنامه پر افتخار این حوزه محسوب می شود. این فاتح در دسته موشک های تاکتیکی با بردی حد فاصل میان توپخانه های صحرایی و موشک های برد بلند است و دارای بردی میان ۳۰۰ تا ۱۰۰۰ کیلومتر می باشد. اهمیت رونمایی از این موشک چند روز پس از توافق برجام دوچندان شد؛ چرا که دنیا را به عزم راسخ ایران برای پیشروی در حوزه صنایع دفاعی مطمئن کرد.

کاظم جلالی

تغییر موضع ۱۸۰ درجه ای آدم ها در روزگار ما گاهی مایه تعجب انسان می شود. اما گویا باید به این بی ثباتی شخصیت ها عادت کنیم. این که «کاظم جلالی» تا همین سال ۸۸ زیر بیانیه هایی را امضا می کرد که خواستار اعدام سران فتنه شده بود و امروز زیر بیرق همین آدم ها از لیست تهران وارد مجلس می شود، از همین تغییرات است. این تغییر مواضع ربطی به جنگ نرم و «ناتوی» فرهنگی ندارد؛ بلکه پای یک «ناتوی» سیاسی در پیش است! شخصیت های «ناتوی» سیاسی از عجایب دوران ما هستند که مترصدند ببینند باد به کجا می وزد تا بادبان را به همان جهت تنظیم کنند. پیروز مقام «ناتوی» سیاسی سال «بی هیچ توضیح اضافی تعلق می گیرد به کاظم جلالی».

ناتوی سال



فیلم سال

محمد رسول الله



بر فروش ترین فیلم سال با فروش چهارده میلیاردی اش، مهم ترین فیلم سال نیز محسوب می شود. با وجود همه انتقاد هایی که از این ساخته مجید مجیدی شده است، از بودجه ی صد میلیاردی اش گرفته تا اشکالات فنی و محتوایی آن، نباید از اهمیت این نکته که بالاخره فیلمی در جمهوری اسلامی ایران با موضوع پیامبر گرامی اسلام ساخته شد، گذشت.

ورزشکار سال



زهرا نعمتی

عضو تیم ملی تیر و کمان معلولان که به دلیل تضادف رانندگی در سال ۸۳ دچار معلولیت شده، در بازی های پارالمپیک ۲۰۱۲ لندن موفق به کسب مدال طلا شد و از این رو نام خود را به عنوان اولین بانوی ورزشکار ایرانی دارنده مدال طلا در سطح رقابت های پارالمپیک یا المپیک ثبت کرد. نعمتی در سال جاری علاوه بر کسب سهمیه حضور در پارالمپیک ۲۰۱۶ ریو با شرکت در مسابقات انتخابی المپیک توانست سهمیه این رقابت ها را نیز کسب کند. موفقیتی که در میان کشورهای آسیایی برای بار اول رخ داده است. وی با تصمیم کمیته ملی المپیک ایران به عنوان پرچمدار کاروان جمهوری اسلامی ایران در رقابت های المپیک ۲۰۱۶ نیز برگزیده شده است.

انتخابات ۷ اسفند

انتخابات اسفند ۹۴ یکی از پرشورترین انتخابات های مقاطع مختلف مجلس جمهوری اسلامی است. گروه های مختلف سیاسی همه بر حضور پای صندوق های رای تاکید داشتند و مردم نیز برای انتخاب گزینه های مورد نظر خود، اشکال گوناگونی از لیست های انتخاباتی را در دست داشتند. اصلاح طلبانی که در انتخابات مجلس قبل، به صندوق های رای پشت کرده بودند؛ متوجه شدند در نظام جمهوری اسلامی جز صندوق رای، راهی برای تحمیل خواست های گروهی و جناحی پاسخگو نیست. نتیجه این شور، حضور ۶۲ درصدی مردم پای صندوق های رای بود. یک پیروزی بزرگ برای نظام جمهوری اسلامی.

حضور سال



تعجب سال



همه حرف های هاشمی!

دیگر به صحبت های ساختار شکنانه هاشمی رفسنانی در این سال ها عادت کرده ایم. سخنانی که کاملا با گفته های وی در دو یا سه دهه پیش در تناقض است. از خاطره گویی های مکرر و عجیب که جنبه مضحکه و طنز آلود به خود گرفته است تا کلاغ خواندن منتقدین یا تکرار و اصرار همیشگی اش بر رهبری شورایی. اما حملات امسال اش به شورای نگهبان در دوازده بهمن سال جاری که در آن صلاحیت اعضای این نهاد را زیر سوال برده بود و برای اولاد امام «امتیا ویژه» قائل شده بود که مردم ایران به آنان مدیون هستند اوج حملات شاد او در سال جاری بود. هاشمی در بیانیه انتخاباتی خبرنگار رهبری خود البته خطاب به مردم گفته بود: «این شاید آخرین باری است که من خود را به رای شما می گذارم»

پدیده سال



تلگرام

جدیدترین آمار استفاده کنندگان تلگرام در ایران، حداقل بیست میلیون نفر و در جهان حدود صد میلیون نفر است. تلگرام در ایران به گونه ای همه گیر شده است که بر حجم پیامک های روزانه ایرانی ها به شدت کاسته است. تلگرام حتی بازار ایمیل را نیز کساد کرده است تا جایی که بیشتر مردم برای ارسال فایل های گوناگون ترجیح می دهند از این نرم افزار استفاده کنند. حتی انتخابات ۷ اسفند قابلیت های متفاوت اطلاع رسانی این نرم افزار را نیز به بروز رساند و ستادهای تلگرامی حامیان نامزدهای انتخابات و رقابت شان برای عضوگیری خیره کننده بود. تلگرام آن قدر جدی گرفته شده بود که بحث فیلتر کردن یا نکردن آن که چند مرتبه در طول سال مطرح شد، هر بار به تیرتیر یک روزنامه هاو سایت های خبری تبدیل می شدو برای ایرانیان بی شک پدیده فناوری اطلاعات در سال ۹۴ بود.

در سال جاری در اقصی نقاط ایران خبرهایی از استقبال فراوان جوانان غیور شهرها برای اعزام به سوریه برای دفاع از حرم عقیده بنی هاشم به گوش می رسید. تقریبا روزی نبود که در شهرهای گوناگون کشور مراسم تشییع پیکر شهید مدافع حرم برگزار نشود. فداکار ترین های سال، رزمنده ها و مدافعین حرم بودند که به گفته ی مقام معظم رهبری اگر آن ها نبودند امروز باید در مرزهای کرمانشاه و کردستان به نبرد با نیروهای تکفیری می پرداختیم.

فداکارترین سال

شهدای مدافع حرم



آرزوی سال



هوای پاک

چه کسی است که نداند امسال سال خوبی از این لحاظ نداشتیم. تعطیلی های پشت سر هم مدارس به دلیل آلودگی هوا با وجود مقاومت ابتدایی دولت در این خصوص نشان از وضع بغرنج هوای تهران داشت. علاوه بر هوای ناسالم در پایتخت منصفانه نیست تا در مورد گرد و غبار های همیشگی مردم جنوب کشور و به ویژه استان خوزستان اشاره ای نداشته باشیم. امسال سال مرگ طبیعت بود. حتی محمدعلی اینانلو ایرانگرد هم این سال آلوده را تاب نیاورد و از میان ما رفت. همه این موارد نشان از عملکرد ضعیف سازمان سیاسی شده حفاظت محیط زیست در سال جاری دارد.

اقدام به کشف حجاب این به اصطلاح هنرمندان هم چه محلی از اعراب دارد وقتی اصولا حجاب برای این قشر امری بی معناست. حالا فکر کنید این بازیگران حیافروش از جنس بازیگران دست چندم سریبال های بی کیفیت و مضحکه های تلویزیونی هم باشند. از جنس رابعه اسکویی! آنک است که می توان به این قشر محترم حیافروش عنوان جلف ترین های سال را تقدیم نمود!

حروج چند بازیگر از کشور جلف سال



جعفر دهقان در گفت و گو با ۵۷ از رفاقت ۳۷ ساله خود با سلحشور می گوید:

محتوایش از تکنیک برایش مهم بود بسیجی ها نبودند مملکت تکه تکه شده بود

حرف زدن از مردی که توانست هنر دینی انقلاب اسلامی را به کشورهای دیگر نشان دهد، کار ساده ای نیست. اما چیزی که سلحشور را با ابهت می کند بیشتر از فیلم هایش شخصیت خاص و متعهد اوست. شخصیتی که در زمان حیاتش مورد همه آدم کوچولوهای واقع شد که نتوانستند بزرگی او را درک کنند. فرج الله سلحشور نیاز به معرفی ندارد؛ کسی نیست که سریال مردان آنجلس را ندیده باشد و از سریال یوسف پیامبر حتی برای چندمین بار لذت نبرده باشد. همیشه مردان بزرگ بعد از نبودنشان بیشتر شناخته می شوند، چون سایه بزرگی شان در زمان حیات مانع از آن می شود تا اجازه دهند دیگران از آنها تعریف و تمجید کنند. حالا که از میان ما رفته، تهیه این مصاحبه کمترین دینی بود که می توانستیم نسبت به او ادا کنیم. پس به سراغ جعفر دهقان رفتیم تا برای ما از اخلاق سلحشور بگوید. جعفر دهقان بازیگر نقش های ماندگار «پوتیفار» در یوسف پیامبر و «ماکسی میلیانوس» در سریال مردان آنجلس سعی می کند برای ۵۷ از سلحشوری که بود -نه سلحشور رسانه ها- صحبت کند؛ البته اگر بتواند بر بغض سنگینی که گلویش را می فشارد غلبه کند.

بود که مگر ما خودمان بازیگر زن هنرمند کم داریم که حالا عده ای رفته اند سراغ آن بازیگر و می خواهند از او درس بازیگری بیاد بگیرند؟ اگر بحث هنر است که ما خودمان داریم. اگر بحث زیبایی است، زن های سینمای ما که زیبایی را با عقیف بودن هردو باهم دارند؛ واقعا ایشان نمی توانست هضم کند که دعوت از یک بازیگر خارجی به این ترتیب چه معنایی می تواند داشته باشد. تمام قضیه این بود. اصلا این فرد آدم بی اخلاقی نبود که بخواهد در حق کسی بی اخلاقی کرده یا خدای نکرده به کسی توهین کند.

در حوزه فنی توانایی هایش چطور بود؟ چون برخی این نقد را وارد می کنند که فیلم های آقای

طور دیگری انعکاس دادند. در حالی که واقعا حرف ایشان چیزی نبود که در رسانه ها از دهان ایشان گفته و نوشته شد. این افراد حرف هایی را که خودشان می خواستند بزنند، از دهان سلحشور نوشتند. الان برای شما بخواهم مثال بزنم؛ حرفی از قول ایشان مدام تکرار شده و می شود به این مضمون که سینمای ایران فاحشه خانه است! در حالی که واقعا من که در جریانم می دانم که حقیقت این نبود. اصل قضیه به این صورت بود که قرار بود جمعی در سینمای ایران از یک بازیگر آمریکایی به نام آنجلینا جولی دعوت کند تا به ایران بیاید. ایشان در آن موقع آمد و گفت که سینمایی که بخواهد آنجلینا جولی -بازیگری که فیلم هایش به مسائل بی اخلاقی معروف است- را الگوی خود قرار دهد فاحشه خانه است. حرف ایشان این

شما یکی از اصلی ترین کسانی هستید که همواره در اکثر پروژه ها کنار ایشان حضور داشته اید و با او همکاری کرده اید. شخصیت ایشان را چطور یافتید؟ ببینید سلحشور آدمی نبود که بخواهد کسی را تخریب کند و یا اینکه کسی را مورد تمسخر و تحقیر قرار دهد. تمام هم و غم و حرف این مرد این بود که با این سینما و با این وضعیت بی اخلاقی هایی که در آن وجود دارد نمی توانیم در هنر دینی راه به جایی ببریم. این تمام حرفش بود. می گفت اگر می خواهیم سینمای دینی و سالم داشته باشیم نباید این فسادهایی که الان هست، در آن باشد. متاسفانه یک سری از افراد این صحبت هایی را که ایشان درباره فساد در سینمای ایران کرده بودند، آمدند و

سلحشور بار تکنیکی و فنی ندارند.

ببینید؛ آقای سلحشور یک آدم تکنیکی نبود؛ اصلا در این قید و بندها نبود که بخواهد یک فیلم تکنیکی بسازد و مسئله اش هم این نبود. برای او محتوا ارجح از تکنیک بود. مضمون فیلم هایش برایش مهم بود و اینکه قرار است چه حرفی را در آن ها بزند. اصلا برایش ساختارها مهم نبود. مدت ها روی حرفی که می خواست در فیلمش بزند فکر می کرد و آن را پخته می کرد و بعد سعی می کرد این حرف را در ساختاری بریزد که برای همه قشرها، از روشنفکران گرفته تا مردم عادی قابل پسند و قابل فهم باشد و بیشتر هم مخاطب عام برایش مهم بود. می خواست حرفی بزند که عمده مردم بفهمند. با اینکه تکنیک برایش اصالت نداشت ولی تا حد امکان هم سعی می کرد که از جنبه های زیبایی شناسی غافل نباشد؛ زمانی که کار حضرت ایوب را ساخت تجربه های زیادی درباره سینما به دست آورد. سر همین کار بود که درباره نوع قصه ها و نوع بیان چیزهای زیادی را یاد گرفت.

هنوز امثال آقای سلحشور در سینمایمان داریم؟ به

نظر شما جای خالی ایشان را کسی می تواند پر کند؟
بله آقا چرا نداریم. ما در سینمایمان کسانی مثل ابراهیم حاتمی کیا، جمال شورجه، شهریار بحرانی، مجید مجیدی و خیلی های دیگر را داریم. همه این اساتید جزو کسانی هستند که در فیلم هایشان می خواهند به صورت ساده و مستقیم حرفشان را به مردم انتقال دهند و دنبال راه های عجیب و غریب در فیلم سازی نمی روند.

زمانی که خبر بیماری و این روزها خبر

درگذشت ایشان را شنیدید چه حالی داشتید؟

من و آقای سلحشور ۳۷ سال با هم رفاقت داشتیم. در این ۳۷ سال ما با هم زندگی کرده ایم. مگر می شود آدم آن چیزهایی را که در این مدت گذشته فراموش کند؟ آدم با شنیدن این خبر واقعا شوکه می شود. زمانی هم که ایشان بیمار بود من مرتب سر می زدم و او را می دیدم. آقای سلحشور واقعا آدم سالمی بود. بعضی می گویند بخاطر اینکه زیاد سیگار می کشید بیمار شد. در صورتی که سیگار را ۳۰ سال پیش می کشید. از ۳۰ سال پیش تا الان لب به سیگار نزده بود. یک حرفی را هم شنیده ام که می گویند ایشان به نوعی ترور بیولوژیکی شده و عده ای باعث شده اند تا بیمار شود؛ این حرف هم حرف غلطی است. اصلا بیماری او ربطی به این مسائل نداشت. بیماری است دیگر؛ برای همه انسان ها ممکن است روزی پیش بیاید. می توانیم بگوییم منتقد زیاد داشت و دشمن هم زیاد داشت؛ اما نه منتقد و دشمن از نوعی که بخواهند سلایبی سر او بیاورند. این حرف ها بی

پایه و اساس است و نباید به آنها اعتنایی کرد. در برابر دشمن هایش هم آدم باگذشت و مهربان و دلسوزی بود.

برخی از سلحشور یک آدم دگم و متحجر

ساخته اند؛ آدم متعصبی که با همه دعوا داشت و نظیر این حرف ها. نظر شما درباره این حرف ها چیست؟ خود شما وقتی نام سلحشور را می شنوید قبل از همه چه تصویری از او در ذهن تان می آید؟
من واقعا غیر از احترام و ادب از او چیزی ندیدم. این حرف ها را به خاطر این نمی گویم که چون الان از بین ما رفته و من هم رفیقش هستم، بخواهم اغراق کنم. اگر از او این رفتارها را ندیده بودم، در جواب سوال شما خیلی کلی می گفتم آدم خوبی بود. کسانی هستند که نمی خواهند سینما حتی به سمت این فضایی که آقای سلحشور در سبک فیلم سازی شان نشان دادند، برود. من خودم شاهد بودم یک سری حرف های بی اساسی را به او نسبت می دادند؛ مثلا می گفتند سلحشور وقت نماز ظهر که می شود کات می دهد و همه بازیگران را به صف می کند تا نماز جماعت بخوانند! این حرف ها همه دروغ است. درست است که آدم معتقد و دینداری بود و این هم درست است که موقع نماز که می شد کات می داد و کار را متوقف می کرد؛ اما اینطور نبود که بخواهد کسی را وادار به کاری کند. بنده خدا خودش یک گوشه می رفت و ساکت و آرام و بی حاشیه نمازش را می خواند و بعد هم کار را ادامه می داد. تحت هیچ شرایطی شخصیت دیگران را خرد نمی کرد و اصلا آدم این حرف ها نبود. خدا را گواه می گیرم که یکبار نشنیدم پشت سر کسی

آقای سلحشور یک آدم تکنیکی

صرف نبود؛ اصلا در این قید و بندها نبود که بخواهد یک فیلم تکنیکی بسازد و مسئله اش هم این نبود. برای او محتوا ارجح از تکنیک بود. مضمون فیلم هایش برایش مهم بود و اینکه قرار است چه حرفی را در آن ها بزند. اصلا برایش ساختارها مهم نبود. مدت ها روی حرفی که می خواست در فیلمش بزند فکر می کرد و آن را پخته می کرد و بعد سعی می کرد این حرف را در ساختاری بریزد که برای همه قشرها، از روشنفکران گرفته تا مردم عادی قابل پسند و قابل فهم باشد

بگوید فلانی آدم بی نمازی است. در اینکه برای فیلم هایش دنبال آدم معتقد و سالم بود و تا حد امکان از بین این افراد گزینش می کرد شکی نیست. ولی اینکه بخواهد یک سری کارهای غیر منطقی و غیر اخلاقی و متعصبانه از او سر بزند؛ اصلا چنین چیزی نبود. یکی از حرف هایی را که من شنیدم پشت سر او می زدند این بود که سر یک صحنه اسبی وضعیت جسمانی و فیزیکی اش نامناسب می شود، بخاطر این سلحشور دستور می دهد آن اسب را بکشند! این هم از آن حرف هایی است که یک عده بی اخلاق به او به دروغ بستند. آخر کدام عقل سالمی چنین کاری را می کند؟ آدم باید چقدر قسی القلب باشد تا بتواند چنین کاری را بکند؟ و چگونه است که به سلحشور با آن همه خوش قلبی و مهربانی که



می گفتند سلحشور وقت نماز ظهر که می شود کات می دهد و همه بازیگران را به صف می کند تا باهم نماز جماعت بخوانند! این حرف ها همه دروغ است. درست است که آدم معتقد و دینداری بود و این هم درست است که موقع نماز که می شد کات می داد و کار را متوقف می کرد؛ اما اینطور نبود که بخواهد کسی را وادار به کاری کند

حتی دلش نمی آمد مورچه را هم لگد کند، چقدر آدم باید بی وجدان باشد تا دیگران را اینطور تخریب کند؟

این خوبی هایی که از او می گوئید به نظر قدری اغراق آمیز است. فکر نمی کنید این حرف ها الان بخاطر تحت تاثیر قرار گرفتن رفتن ایشان از بین ما باشد؟

من همین جا در همین مصاحبه عرض می کنم که خدایا من تو را شاهد می گیرم که اگر جعفر بخواهد یک ذره از این حرف ها را به دروغ بزند. اینقدر خوش قلب بود که هیچ وقت یادم نمی رود. اینقدر متوکل بود که حد و حساب نداشت. همیشه توکلش به خدا بود و هیچ وقت بخاطر هیچ مسئله ای از اعتقادات خود دست بر نمی داشت. هیچ وقت نشنیدم برای کسی بدی بخواهد. این مرد اینقدر دیگران را دوست داشت که سر فیلم ها به بازیگرانش وام می داد. اگر می دید کسی مشکلی دارد، به او کمک می کرد. وام از دواج، وام خرید ماشین و هر کمکی که می توانست بکند؛ اینها را هم مجانی نمی داد. ماه به ماه درصدی را از حقوقشان کم می کرد. حرف این است که دوست داشت مشکلات دیگران را حل کند. شاید باور نکنید. اما دستمزدی که برای خود بر می داشت یک سوم دستمزد من بود. با اینکه او هم کارگردان بود و هم فیلمنامه نویس و هم چند کار دیگر را می کرد، نسبت به من که فقط یک بازیگر بودم کمتر برای خودش برمی داشت. والله قسم می خورم اینطور بود. روزی من از او پرسیدم که چرا اینقدر کم برای خودت دستمزد برمی داری؟ جواب داد که تهیه کننده این پول ها را دست من به امانت سپرده و اینها بیت المال است. باید بدانم چطور خرج می شود. خدا را شاهد می گیرم که بیش از اندازه نیازش خرج نمی کرد.

نظرتان درباره این افرادی که بخاطر آن جمله ایشان درباره فساد در سینمای ایران گفتند و از او شکایت کردند چیست؟

آنهایی که با او کار کرده اند، به خوبی او را می شناسند. من خودم شاهد خیلی از همین هایی که پشت سر او حرف می زدند، آمدند و گفتند ما اشتباه کردیم و از او حلالیت خواستند. همین خانم هایی که رفته بودند علیه

او شکایت و جوسازی کردند، زنگ زدند و از او حلالیت خواستند؛ می گفتند ما را ببخشید، ما تحت تاثیر رسانه ها قرار گرفتیم. خیلی ها بودند که راجع به او جور دیگری فکر می کردند اما بعد که بیشتر متوجه واقعیت شدند حرف های خودشان را پس گرفتند.

از خاطراتی که با او داشتید برایمان بگوئید.

یکی از بهترین خاطراتی که با او دارم سفر کربلای معلی بود که من و آقای سلحشور به همراه جمال شورجه، پروانه معصومی، فرشته سرانندی، اسرافیل علمداری و یوسف کوچک -حسین جعفری بازیگری که نقش کودکی یوسف را در فیلم یوسف پیامبر بازی می کرد- با هم همسفر بودیم. این سفر یک سفر خاطره انگیزی بود که من در آن از ایشان غیر از خوبی و ارادت به ائمه و عشق و محبت چیز دیگری ندیدم. ارادت او به ائمه معصومین توصیف نکردنی بود. اینطور نبود که مثل بعضی ها بخواهد ادا در بیاورد. نه زیاد نه کم؛ یک ارادت قلبی بود. هر چیزی که شما از من بپرسید واقعا جز تعریف هایی که همه اش واقعیت است چیز دیگری برای گفتن ندارم. و ناجوانمردی هم هست اگر بخواهم اینها را نگویم. کسانی که خودتان هم می شناسیدشان طوری علیه سلحشور فضا سازی می کردند و جو روانی راه می انداختند که فضا را به نفع خودشان گل آلود کنند. این افراد اگر واقعا آگاهانه و عمدی چنین برنامه ای را در پیش گرفته اند توبه کنند و از روح آقای سلحشور حلالیت بطلبند. این مرد آن قدر بزرگ است که همه را می بخشد و از کسی چیزی به دل نمی گیرد.

کار ساخت فیلم حضرت موسی(ع) به کجا رسید؟ تصویربرداری آن کلید خورده است؟

خیر. برای فیلم موسی حدود ۸ سال زحمت کشید و در این مدت هیچ کار دیگری را هم جز وقت گذاشتن روی این پروژه انجام نداد. خیلی امیدوار بود بتواند این کار را به پایان برساند. وقت گذاشت و تمام فیلمنامه را خودش نوشت و الان دیگر نوبت مسئولین است که نگذارند زحماتش بی نتیجه بماند. امیدوارم ادامه این کار را به دست کسی بدهند که مثل خود سلحشور صادق، پاک و بی آرایش باشد که الحمدلله از این افراد هم کم نداریم. عاشق قرآن بود و برای همین هم سبک فیلم سازی هایش را به سمت داستان های قرآنی برده بود.

نظر شما به عنوان یک هنرمند نسبت به بسیج چیست؟

من هیچ وقت مثل بعضی ها نسبت به بسیج یکطرفه و با تندروری قضاوت نکرده ام. ما هر چیزی داریم از بسیج و بسیجی هاست. اگر اینها نبودند که مملکت ما الان تکه تکه شده بود. من اگر بسیج را دوست نداشتم، مثل بعضی ها با شما مصاحبه نمی کردم. ما بسیج را دوست داریم و خیلی خود را مدیونش می دانیم.

چه آرزویی برای دانشجویان در سال جدید دارید؟

امیدوارم انشالله همه دانشجویها به همه اهدافی که در زمان ورود به دانشگاه داشته اند برسند و آرزوهایشان تحقق یابد. جوان ها وقتی وارد دانشگاه می شوند آرزوهای بزرگی دارند و امیدوارم همه آرزوهایشان محقق شود. انشالله وقتی هم فارغ التحصیل می شوند بتوانند کار مناسب پیدا کنند و مشغول شوند و خدای نکرده طوری نباشد که کاسه چه کنم چه کنم دستشان بگیرند و با خود بگویند که ما امیدیم مهندس شویم ولی هیچ کاری برایمان نیست. انشالله همه ما با هم در جهت آبادانی کشورمان تلاش کنیم و با هم فضا را برای پیشرفت مهیا کنیم. ■





شاید خیلی از ما یک به دو کردن های دوره‌می در میان فامیل و خانواده را تجربه کرده باشیم. موضوعی مطرح می‌شود و بلافاصله موافقین و مخالفین مقابل هم شروع به بحث کردن می‌کنند. بحث کردن فی‌المنفسه مفید و موثر است و شکی در آن نیست اما برابری چراغ‌ها در بحث های دوره‌می و بعضاً فامیلی نه تنها به نتیجه نمی‌رسیم بلکه از محل بحث ها کدورت ها ایجاد می‌شود! فرصت دید و بازدید در ایام تعطیلات طولانی مدت نوروز یکی از این فرصت هاست تا هم اطرافیان و نوع تفکرات و خاستگاه های آنها را بشناسیم و هم به چگونگی برقراری ارتباط با آنها پی ببریم.

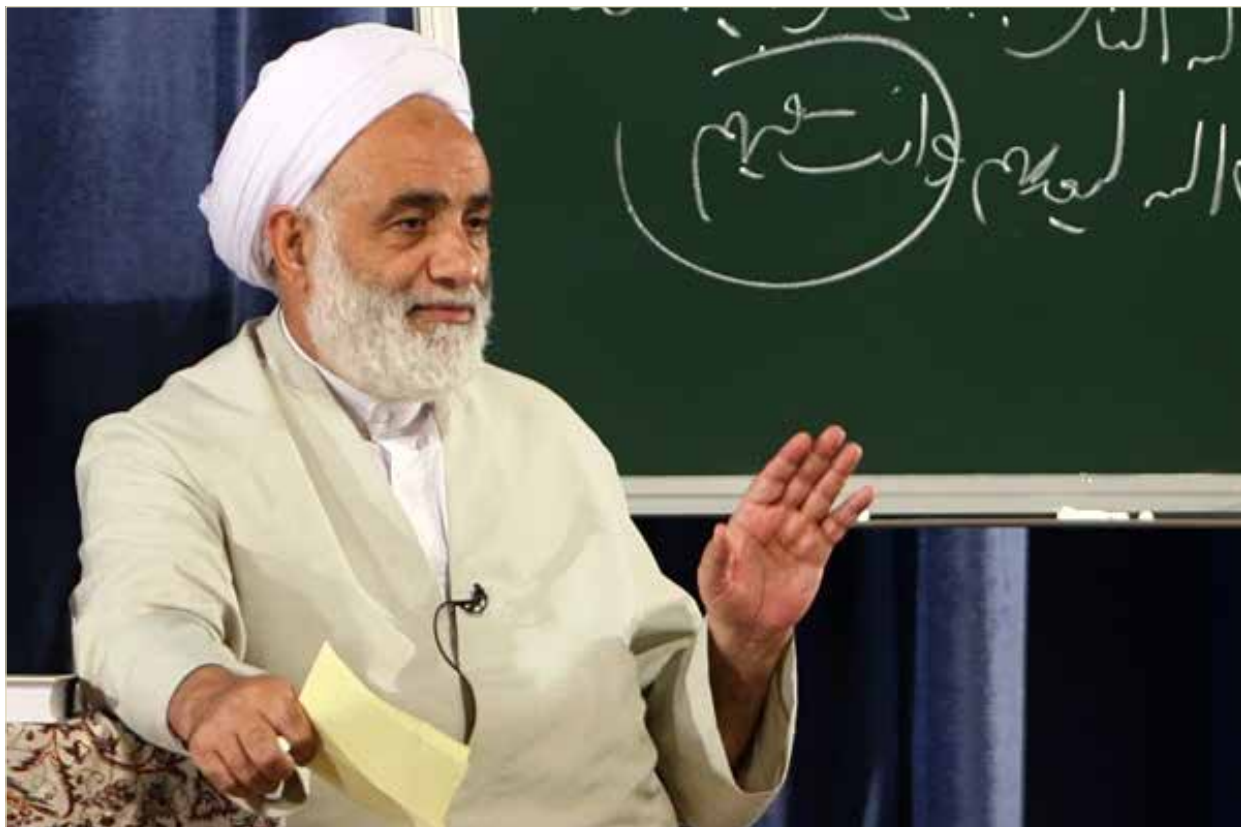
می‌خواهیم بدانیم چگونه باید دیالوگ و ارتباط کلامی برقرار کنیم و اساساً آیا در مقابل هر مسئله که از سوی دیگران مطرح می‌شود باید زود موضع گرفت. می‌خواهیم بدانیم آیا غیر از روش های کلامی و بعضاً آتشین! راه حل هایی متناسب با محیط، شرایط و نوع و جنس مخاطب برای اقلان سازی در طرف مقابل و بیان منطق به او وجود دارد. همچنین می‌خواهیم بدانیم جوان دانشجو در ایام طولانی تعطیلات نوروزی، برای تاثیرگذاری بهتر بر دیگران چگونه باید در گذران سبک اوقات فراغت خود در این مدت برنامه ریزی کند و وقت سپری کند و اصولاً به چگونگی سبک و نوع گذران اوقات فراغت توسط او، بپردازیم. می‌توان هم تاثیر گذاشت و هم تاثیر گرفت، اگر بدانیم منطق مان چیست، مخاطبان کیست و می‌خواهیم به کدام هدف برسیم.

در مجموع می‌خواهیم بدانیم چگونه می‌شود کسی را با منطق خود به طور اصولی و سازنده همراه کنیم و تلاش کنیم تا طرف مقابل را نسبت به اصل مسئله مورد بحث و اختلاف اقلان کنیم.



پنج‌جاه و هفت‌سین!





حاج آقا قرائتی از سبک زندگی تفریحاتی جوان مومن می گوید

باقصد قربت تفریح کنید

مردم مرا دوست دارند، چون با کسی تعارف ندارم

وقتی به حضورش رسیدیم با این که گرفتار بود و مشغله اش زیاد بود، ما را پذیرفت و به گرمی از ما استقبال کرد. لحن بیانش به گونه ای بود که انسان حس میکرد شب جمعه است و دارد مقابل صفحه تلویزیون «درس هایی از قرآن» را مشاهده می کند. قبل از هر چیز از ما درباره وضعیت تاهل مان پرسید و همین که فهمید مجردیم، از گفت و گو امتناع کرد. می گفت اول بروید زن بگیرید تا بعد با شما صحبت کنم! نهایتاً با وعده ی ازدواج زود هنگامی که به حاج آقا دادیم؛ راضی اش کردیم تا دقایقی با او هم کلام شویم.

از حاج آقا قرائتی درباره تفریحات مناسب سوال کردیم و خواستیم در گفتگو با ایشان بدانیم چگونه می شود در دید و بازدیدهای نوروزی که گاه ممکن است اقوام را پس از مدت های مدید ملاقات کنیم از فرصت ها به نفع هدایت یکدیگر بهره ببریم. سبک حاج آقا در پاسخگویی به سوالات ما البته مشخص بود. به جای بحث خشک و نظری سوالات ما را با تمثیل های قرآنی یا خاطرات خودش پاسخ می داد.

کس را از پیش قضاوت نمی کنم. شما هم اگر این طور باشید (تعصب بی جا به یک گروه نداشته باشید) شاید اطرافیان بیشتر حرف های درست شما را بپذیرند.

۱۱ در جمع های نوروزی چه کنیم تا مبلغان خوبی برای تربیت دینی باشیم؟

در تعطیلات عید افراد به دیدار هم می روند. می شود دانشجویها برای بچه ها و نوجوانانی که به منزل شان می روند هم زمان با دید و بازدید نوروزی در جبران ضعف های درسی به آنها کمک

آن ها حرف می زنم و ثانیاً این که طرفداری بیخود از هیچ دسته و گروهی ندارم. بعضی ها بدون دلیل می گویند «استی ها» خوب هستند. من می گویم اگر می گویم راستی ها بهتر است باید عمل شان را دید. بعضی ها «چیپا» را بد می دانند. من می گویم باید اعمال شان را بررسی کرد. حتی من همه کارهای بچه های بسیجی را چون بسیجی هستند نمی گویم تایید است. وقتی انسان ضعف ها و اشتباهات هر گروه را ببیند و تذکر بدهد همه او را به عنوان یک آدم منصف می پذیرند. شاید مردم هم به این دلیل به من لطف داشته باشند که هیچ

۱۲ حاج آقا قبل از شروع سوالاتم بگذارید بپرسم چه دلیلی باعث شده است که مردم اینقدر حاج آقا قرائتی را دوست داشته باشند؟ حتی ما می بینیم کسانی که خیلی دل خوشی از نظام ندارند شما را دوست دارند. یک جوان بسیجی چه طور می تواند چنین قدرت جذبی پیدا کند؟

والا من خودم هم نمی دانم! این را پیش از هر چیز لطف خدا می دانم. بعضی آدم ها این طوری هستند دیگر (با خنده). ولی اگر بخواهم دلیلش را بگویم یکی این است که با زبان مردم با

کنند. چون دانشجویها ریش سفید نیستند که بگوییم قهرها را آشتی بدهند یا پول دار نیستند که هزینه عروس بدهند و به داماد کمک کنند. اما اگر در جریان بازدیدهای نوروزی روی رفع اشکالات آنها کار شود بعد می شود روی آنها تاثیر گذار هم بود. می شود به آنها گفت بچه ها آجیل و بادام تان را بخورید و از تعطیلات لذت ببرید اما اگر رفوزه و مردود شوید همه این تعطیلات از دست تان رفته است. پس از آن می شود روی نماز و دین آنها هم کار کرد. روی بزرگترها نمی شود کار کرد و باید روی این نسل کار کرد. اگر هر دانشجوی بسیجی روی تربیت و هدایت پنج بچه کار کند خیلی زمان نمی برد. آن کسی که شما روی آن کار کردید خودش را شرمند شما می داند و با خود می گوید او اگر نبود رفوزه شده بودم و شما به گردن این بچه حق علمی پیدا می کنید.

در جمع های خانوادگی بعضا افرادی هستند که اعتقادات سیاسی ما را زیر سوال می برند. بهترین مواجهه با این جنس افراد چیست؟

در جمع های نوروزی اگر کسی اشکالات کشور را نقد می کند باید به اشکالات جواب داد. مثلاً می گویند فلانی برد و خورد یا دربارہ زندگی مقام معظم رهبری حرفی دارد، باید پرسید چه کسی و چیزی برده است؟ یک سری اشکالات مملکت هم به مقام معظم رهبری ربطی ندارد. «و لا تزروا زورا و زور آخراً». مسئولیت کم کاری دیگران که با ایشان نیست. ایشان مسئولیتش مشخص است. حالا ممکن است بگویند فلانی منصوب رهبر است، همسر پیغمبر (ص) عایشه بود و عموی ایشان هم ابولهب بود حالا باید گفت پیغمبر (ص) آدم بدی است؟ من همیشه می گویم توجیه اشتباهات خیانت و تخریب هم جنایت است. «تکمیل» رسالت است.

به گردش رفتن در دین چه جایگاهی دارد و اساسا تفریح چه قدر در اسلام سفارش شده است؟

قرآن می فرماید وقتی برادرهای یوسف (ع) می خواستند او را از پدر بگیرند. فکر کردند چه طور می توانند این کار را بکنند. گفتند اسم ورزش و تفریح را می آوریم و پدر، یوسف (ع) را تحویل ما می دهد. لذا گفتند «أُرْسِلْهُ مَعَنَا غَدًا يَرْتَعْ وَيَلْعَبْ» یوسف (ع) را بفرست با ما بیاید تا با هم به گردش برویم و حضرت یعقوب (ع) هم به آنها نگفت گردش حرام است. بنابراین به قدری حرف صحیح بود که پدر هم یوسف (ع) را به دست برادرها سپرد. آنها قوی ترین منطقی که به کار بردند که یوسف را با خود ببرند این بود که یوسف به ورزش نیاز دارد اما آنها از اسم ورزش سوء استفاده کردند و به این بهانه او را بردند و در چاه انداختند. پیامبر در جایی می فرماید: «قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص: «عَلِّمُوا أَوْلَادَكُمْ السَّبَاحَةَ وَالرَّمَايَةَ» یعنی به فرزندان تان تیراندازی و شنا یاد دهید. پادگان های کشور ما به جوانان تیراندازی آموزش می دهند و فقط پنجاه درصد اسلامی رفتار می کنند چون به آنها شنا یاد نمی دهند. در حالی که به قول

وقتی به قصد شنا به استخر می روید و می خواهید شیرجه بزنید، به قصد غسل جمعه شیرجه بزنید که غسل هم کرده باشید. در تفریح کارهای زیادی است که می شود انجام داد. منافقین بچه های ما را در کوهنوردی فریب می دادند. ما هم می توانیم با بچه های بی تفاوت رفیق شویم و آنها را در لابلای تفریح داخل گود بیاوریم و هدایت کنیم

اسلام هر کس باید هم شنا بلد باشد و هم تیراندازی و اساساً کشوری که دریای خلیج فارس دارد باید همه نفس کش هایش شنا را یاد بگیرند.

حضرت امام علی (ع) فرمودند: «إِنَّ لِكُلِّ عَضُوٍّ مِنَ الْبَدَنِ اسْتِرَاحَةً» یعنی هر عضوی به استراحت نیاز دارد. ورزش جنبه جسمی دارد و تفریح جنبه روحی. یا حضرت امام صادق (ع) به تفریح و شادی در روزه اشاره می کنند و می فرمایند: «لِلصَّائِمِ فَرْحَتَانِ فَرْحَةٌ عِنْدَ إِفْطَارِهِ وَ فَرْحَةٌ عِنْدَ لِقَاءِ رَبِّهِ» به این معنی که در آدم روزدار یک فرحی وجود دارد. هنگام افطار انسان شاد است ولی هنگام ناهار و شام آن شادی را ندارد.

چه نکاتی باید در تفریحات رعایت شود که این تفریحات در مسیر طاعت و هدایت قرار بگیرند؟

همان طور که در دین اسلام بر نشاط و شادی تاکید شده لازم است به توصیه های دین هم دقت کنیم. باید شادی حلال را بشناسیم و حدود را رعایت کنیم. آن وقت هم زندگی شاد خواهیم داشت و هم دچار گناه و نافرمانی از دستورات دین نمی شویم. باید حد میانه حزن و شادی را نگه داریم. غلبه حزن آدمی بر شادی باعث می شود او دچار عقده و بدبینی شود و در جامعه ای که حزن بر شادی غلبه پیدا کند جامعه و انسان فلج می شود. اگر شادی نیز غالب شود انسان عیاش و هوس باز می شود. به قول حضرت امام علی (ع) که می فرمایند: «اوقات سرور، فرصت است».

در دین، رفاه به معنای تفریح و آسایش مطرح است. روزی حضرت امام صادق (ع) به باغی رفتند و به ایشان گفتند چه عجب شما به باغ آمده اید؟ و امام فرمودند: «برای تفریح و لذت آمده ام.»

در تفریح تعادل ایجاد شود. مثلاً پدر و فرزند بر گردن هم حق دارند و در میان آنها باید تعادل حفظ شود یا باید در امراتی مانند عبادی و علمی و نظامی و تجاری و کمک به فقرا تعادل برقرار شود. از این رو لازم است در تفریح هم تعادل حفظ شود. از امام رضا (ع) نقل است که زمان تان را به چهار قسمت تقسیم کنید. عبادت، تامین معاش، معاشرت با دوستان مورد اطمینان و قسمتی از آن را هم به تفریح و لذت اختصاص دهید.

هدف از تفریح چیست؟ گاهی هدف از تفریح عبادت کردن است و گاهی هدف گردش علمی است یا اینکه برخی اوقات هدف از تفریح کسب سلامتی یا هدف عمل تجاری است. اما زمانی هم تفریح برای خود تفریح است و لذا فرد فقط می خواهد کیف کند و لذت ببرد و در تفریح هیچ هدفی ندارد. حضرت امام علی (ع) در نهج البلاغه می فرمایند من قدرت می خواهم. هدف از قدرت و بدنسازی و کار و ورزش چیست؟ وقتی به قصد شنا به استخر می روید و می خواهید شیرجه بزنید، به قصد غسل جمعه شیرجه بزنید که غسل هم کرده باشید. در تفریح کارهای زیادی است که می شود انجام داد. منافقین بچه های ما را در کوهنوردی فریب می دادند. ما هم می توانیم با بچه های بی تفاوت رفیق شویم و آنها را در لابلای تفریح داخل گود بیاوریم و هدایت کنیم. گاهی فرد قدم می زند و تفریح می کند تا بتواند بهتر و بیشتر مطالعه کند. در دعای کمیل داریم که «قُوَّ عَلَي خِدْمَتِكَ خَوَّارِجِي». گاهی هدف از تفریح آشنایی با افرادی است که شخصیت علمی دارند. قرآن می فرماید: «قَالَ ذَلِكَ مَا كُنَّا نَبِغِ»



فَأْتَدَا عَلَىٰ آثَارِهِمَا قَصَصًا فَوَجَدَا عَبْدًا مِّنْ عِبَادِنَا آتَيْنَاهُ زَخْمَةً مِّنْ عَيْنِنَا وَ عَلَّمْنَاهُ مِمَّا لَدُنَّا عِلْمًا» خداوند در قرآن به موسی (ع) و یک نفر دیگر فرمود بروید یکی از شخصیت‌های اولیای خدا را که در فلان منطقه است پیدا کنید.

📌 آفت‌های تفریح سالم از نظر شما چیست؟

در ذات بعضی تفریح‌ها هیجان است. اما در هیجان هم باید حد نگه داشته شود. مثلاً در رانندگی و پیراژ دهید و باعث مزاحمت کسی نشوید. در حدیث داریم که «مَنْ أَحَافَ مُؤْمِنًا» اگر کسی مومنی را بترساند در روز قیامت خدا او را خواهد ترساند. غفلت از یاد خدا و ولخرجی آفت است. خانم همراه همسرش به تفریح می‌رود و به شوهرش می‌گوید ما نیامدیم بیرون که کار کنیم، برو غذا را از بیرون بگیر. آن وقت معنای این تفریح این می‌شود که شوهر اضافه خرج کند. در تفریح‌ها بریز و پاش زیاد شده لذا صلح رحم کم شده است. قدیمی‌ها یک دیگ آش می‌پختند و همه دور هم جمع می‌شدند اما الان در میهمانی‌ها ممکن است ده‌ها هزار تومان خرج شود. این ولخرجی‌ها باعث می‌شود دید و بازدید و میهمانی‌ها کم شود. تفریح بدون گناه را می‌شود به عنوان الگو معرفی کرد که بدون گناه هم می‌شود تفریح کرد.

📌 حاج آقا معمولاً در مدل تفریحات ما نوعی غفلت

از یاد خدا و یا زمینه‌های بروز گناه وجود دارد. این مسئله، کار را برای تفریح مومنانه در شرایط فعلی جامعه کمی سخت کرده است.

سخت نیست. شما سختش می‌کنید! کافی است به توصیه‌های اسلام توجه کنید. حضرت امام رضا (ع) می‌فرمایند تفریح و ورزش کنید اما «مَا لَمْ يَلْمِ الْمَرْوَةَ وَلَا سَرَفَ فِيهِ وَ اسْتَعِينُوا

بذَلِكَ عَلَىٰ أُمُورِ الدُّنْيَا» یعنی اینکه به مروت و کرامت شما آسیب نزنند. برخی اوقات در ورزش همدیگر را تحقیر می‌کنند یا به هم فحش می‌دهند و حرف رکیک می‌زنند و اصلاً یادشان می‌رود که آن انسان خلیفه خداست و این جوان بهترین خلق خداست و پس از آن می‌فرمایند: «وَلَا سَرَفَ فِيهِ» یعنی اسراف هم نکنید. در جایی دیگر از قول حضرت علی (ع) هست که می‌فرمایند: «در تفریحی که بعد از آن آتش است خیری نیست.» یک وقت شخص با ماشین دولتی به تفریح رفته و حرف بد زده و نگاه بد کرده و خیلی گناه انجام داده است. می‌بینید رفته تفریح و برگشته ولی با کوله باری از گناه. با تفریح سالم انسان از سختی کارهای یکنواخت و خسته کننده‌ها می‌شود و موقعیت برای استفاده بیشتر از کار و فعالیت فراهم می‌شود.

تفریح باید به حق باشد. لذا خداوند در قرآن می‌فرماید: «ذَلِكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَفْرَحُونَ فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ وَ بِمَا كُنْتُمْ تَمْرَحُونَ» در روز قیامت می‌پرسند شما چرا جهنمی شدید؟ «تَفْرَحُونَ فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ» شما به ناحق تفریح می‌کردید. بعضی به ناحق شادی می‌کنند. در بنی عباس کسانی بودند که می‌گفتند ما وقتی سر بچه سیدها را می‌برید لذت می‌بریم. الان هم یک مظلومی را پیدا می‌کنیم و به او می‌خندیم و از اینکه یک مسلمان تحقیر می‌شود لذت می‌بریم. تفریحی خوب است که کم خرج باشد مثل راه رفتن و دویدن و تفریحی که در پایان اش به جای درگیری، آدم رفیقش را انتخاب کند.

حضرت امام خمینی (ره) همراه با درس و بحث به تفریح هم اشتیاق داشتند. در ایامی که جوان بودند در روزهای جمعه همراه با طلاب برای تفریح از شهر بیرون می‌رفتند. ایشان قبل از اینکه حرکت کنند می‌فرمودند: به دو شرط با شما می‌آیم. اول اینکه نماز را ازل وقت بخوانیم و دیگر اینکه در تفریح



در بنی عباس کسانی بودند که می‌گفتند ما وقتی سر بچه سیدها را می‌برید لذت می‌بریم. الان هم یک مظلومی را پیدا می‌کنیم و به او می‌خندیم و از اینکه یک مسلمان تحقیر می‌شود لذت می‌بریم. تفریحی خوب است که کم خرج باشد مثل راه رفتن و دویدن و تفریحی که در پایان اش به جای درگیری، آدم رفیقش را انتخاب کند

از کسی غیبت نشود. مذهبی‌ها هم می‌توانند تفریح کنند اما تفریحی که بدون گناه و مزاحمت باشد. از اشکالات تفریح تعصب‌گرایی است. بعضی وقت‌ها در خانه انسان پیر یا بچه ای است. اینها را هم با خودمان به تفریح ببریم. حضرت امام صادق (ع) می‌فرمایند: «مَنْ حَقَّرَ مُؤْمِنًا مَسْكِينًا أَوْ غَيْرَ مَسْكِينٍ لَمْ يَزَلِ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ حَاقِرًا لَهُ مَا قَاتَا حَتَّىٰ يَرْجِعَ عَنْ مَحَقَّرَتِهِ إِثْمًا» اگر نگاهداشتی مومنی حرف بزندی و همراه با تو بیاید و از او کتمان کردی و به قول معروف با او قایم موشک بازی کردی در حدیث داریم اگر کسی مومنی را تحقیر کند نمی‌میرد جز اینکه دیگران او را تحقیر کنند.

📌 به مسافرت رفتن در این ایام چه قدر می‌تواند به هدایت فردی و رشد ایمانی کمک کند؟

قرآن مکرراً به رفتن به سفر و عبرت گرفتن سفارش کرده است. البته وجود همسفرانی که انسان را به سمت هدایت ببرند و نه گناه شرط است. بیست و چند سال پیش هنگامی که طلبه جوانی بودم به اهواز رفته بودم. شهید مطهری هم به اهواز آمده بود و می‌گفت می‌خواهم به شوستر بروم و یکی از دانشمندان و رجال علمی به نام علامه تستری که در آنجاست و از دانشمندان مملکت ما و گمنام است را ببینم. طی مدتی وقتی شهید مطهری به قم می‌آمدند ایشان را به خانه ام می‌بردم و از ایشان پذیرایی می‌کردم. بچه ام کوچک بود و او را بغل می‌کردم و به کوچه می‌بردم تا خانه آرام باشد و شهید مطهری نیم ساعتی استراحت کنند تا بعد از آن به کلاس و سخرانی شان بپردازند. پس از آن با ماشین شان و همراه با ایشان از جاده قدیم قم که آن موقع اتوبان به سمت تهران نبود و سه ساعت طول می‌کشید تا به تهران برسیم به تهران می‌آمدیم و دوباره از تهران سوار ماشین می‌شدم و به قم می‌آمدیم. فایده اش این بود که تا تهران سه ساعت طول می‌کشید برسیم و من فرصت داشتم سه ساعت از ایشان سوال کنم. یک وقت ایشان به من می‌گفت آقای قرائتی خسته ام کردی! می‌ارزید من و همسرم آشپزی کنیم و از ایشان پذیرایی کنیم و من سه ساعت تا تهران با ایشان بیایم تا از ایشان چیزی یاد بگیریم. گاهی آدم با یک استاد به مسافرت می‌رود و در طول مسیر کلی چیز یاد می‌گیرد. ■

سیاه سفید و خاکستری

تعامل با سه قشر متفاوت از آدم‌ها

پوریا فرجی



کارشناس روانشناسی و عضو تحریریه ۵۷

ارائه ایده‌ها و عقاید شاید از دو جنبه حائز اهمیت است. اول اینکه موجب می‌شود تا عقاید و افکار در محیطی بی‌طرف منعکس شود تا عیار آنها بهتر سنجیده شود و از طرف دیگر موجب انتشار ایده‌ها و افکار مختلف در جامعه پیرامون می‌گردد تا از این وادی مسیر جذب و معرفی نگاه‌ها و افق‌های پیش روی هر کس و هر طیف هموار شود. روشن است که در این وادی با مقوله جذب ارتباط بیشتر برقرار می‌شود. شاید یکی از دلایل ناتوانی عده‌ای افراد در جذب نگاه‌های مختلف و افکار گوناگون همین مسئله مهم باشد که اساساً افراد قبل از هر اقدامی به منظور جذب طرف مقابل، درک درست و روشنی از وضعیت فکری و عقاید طرف مقابل ندارند! لذا بدون طی پله‌های اولیه قصد دارند تا پله دهم را طی کنند که البته ناتوان خواهند بود. زیرا شناخت دقیق از مخاطب و آگاهی از نوع روش شناختی و عملی او نسبت به مسائل و اتفاقات پیرامون و فهم جامع و کامل از نیازهای او، اولین قدم هر جذب است. فرض کنید شخصی به پزشک مراجعه کرده تا بیماری‌اش را مداوا کند. اگر پزشک بدون آنکه از بیمار خود شرح حال بگیرد عجلانه اقدام به در نظر گرفتن نسخه برای او کند واضح است که نه تنها نسخه آن پزشک دردی از بیمار درمان نمی‌کند بلکه شاید داروهای تجویزی پزشک که بدون تشخیص درست و کامل از بیماری و وضعیت فرد در نظر گرفته شده است تشدید کننده وضعیت جسمی و روحی بیمار شود. مسئله جذب هم دقیقاً از چنین قاعده‌ای تبعیت می‌کند. وقتی ما نمی‌دانیم مخاطبان کیست و خواستگاه و هدف‌اش کدام جهت را نشان می‌دهد و اساساً نیاز او چیست، چگونه می‌شود برای او مسیر پیشنهاد داد!

نرود میخ آهنین در سنگ

با آشنایان «سیاه اندیش» چه کنیم؟

یکی از مشکل‌ترین راه‌های برقراری ارتباط در جمع و محفل‌های خانگی و خانوادگی، تعامل با آشنایانی است که اساساً نسبت به همه چیز و همه کس بدبین هستند. همه را خائن و دزد می‌دانند و فقط خود را محق تصور می‌کنند. معمولاً این افراد یکه تاز مجالس و محافل هستند و البته این طبیعی است. چون نقد کردن و همه چیز را زیر سوال بردن کار ساده‌ای است. معمولاً برخورد ما با چنین افرادی از دو حالت خارج نیست. یا سعی می‌کنیم لب‌های خودمان را گزیده و سکوت پیشه کنیم؛ و یا از توهین‌ها و بی‌بسیاری‌ها ناراحت می‌شویم و ناگهان در فاز تهاجم رفته و با پرخاش به او پاسخ می‌گوییم. البته راه محتمل دیگر نیز ترک مکان است. اما الزاماً هیچ یک از این سه راه، مسیر صحیح مواجهه با این افراد نیست. بهتر است پیش از واکنش به چنین افراد «سیاه اندیشی» آنان را بهتر بشناسیم.

برخی افراد دارای ذهن و شخصیتی متشکل از مبانی و مفاهیمی از پیش شکل گرفته راجع به موضوعات خاص هستند که عمدتاً متأثر از محیط اجتماعی و خانواده آنها بوده است. البته که واضح است بخش زیادی از سرشت و خلق انسان سالها قبل در دوران کودکی شکل می‌گیرد و با تأثیر زن و محیط در آن به قیام فرمی آن اضافه می‌کند. انسان موجودی است به شدت متأثر از محیط، خواه محیط خوب یا خواه محیط بد، و شکل گیری چهارچوب فکری و منطقی او برگرفته از همین قاعده است. گذشته از این مبانی محض می‌خواهیم بررسی کنیم که چگونه می‌شود با این جنس مخاطب موسوم به سیاه که ذهن و چهارچوب فکری او به حجمی زیادی در مسائل و نظام فکری خاصی ثابت شده است تعامل و ارتباط برقرار کرد. در مقابل چنین مخاطبانی حتی بعضاً افرادی یافت می‌شوند که دچار اختلاقات شخصیتی یا روانی باشند. برخی از آنها شخصیت‌هایی بدبین و بد اندیش و کج نگر هستند که کافی است روزنه‌ای از بدبینی را بیابند و در زمانی کوتاه و با دلایل واهی آن را به دروازه‌ای از بدبینی و سوءظن تبدیل کنند. شخصیت‌های بدبین در طی فرایندی

مشخص ساختارهای پیش ساخته شناختی از یک مسئله را در ذهن خود شکل داده‌اند و عموماً دچار نوعی از خطاهای شناختی هستند و از آنجا که احتمالاً بیشتر تعامل و ارتباط آنها با جامعه‌ای غیر از جامعه همفکر خود بوده است لذا دانمناً مشغول فربه سازی و تقویت ساختارها و افکار شناختی خود له یا علیه چیزی یا کسی یا جریانی یا پدیده خاصی بوده‌اند. و هر چه میزان فراوانی ارتباط آنها با جوامع چند صدایی کمتر می‌شود حجم این نظام فرایند فکری که خطاهای شناختی را پدید می‌آورد بیشتر می‌شود. یک واقعیت را بپذیریم و بعد برای تعامل و همفکری با افراد وارد ارتباط با آنها شویم. انسان به خواب رفته را می‌شود با اندکی نجیب بیدار کرد اما آن کسی که خود را به خواب زده است تا زمانی که نخواهد با



واقعیت روبرو شود نمی‌شود از خواب بیدار کرد.

معمولاً این جنس از مخاطبان بیشتر با آن جنس مبانی فکری ارتباط می‌گیرند که پیشتر در محیط اجتماعی پیرامون خود خصوصاً خانواده با آن حشر و نشر داشته‌اند. زیرا به آنها اینگونه القا شده است و آموخته‌اند که هرچه می‌دانیم و به ما یاد داده‌اند صحیح است و غیر از آن دروغ و فریب برای گمراهی ماست. لذا در تعاملات با این جنس از مخاطبان بارها دیده شده است آن چیزی را می‌پسندند و به خود جذب می‌کنند که با مبانی ذهنی آنها همخوانی داشته باشد و چیزی را که با پیش فرض‌های ذهنی‌شان نخواند اصلاً گوش نمی‌کنند.

واضح است که با این ساز و کار تأثیر گذاری و برقراری رابطه دیالوگی و منطقی با چنین مخاطبانی کاری ساده نخواهد بود و گاهی غیر ممکن تلقی می‌شود. مخاطب سیاه مخالفین خود را چون دژی مستحکم در برابر باورهای خود می‌انگارد و ایستادگی در برابر این دژ خود پنداره را رسالت خود انگاشته و هرچه از سوی مخالفین خود تحت فشار هیجانی و منطقی برای پذیرش و تمکین از افکار آنها قرار گیرد به طور ناخودآگاه به منظور ایستادگی بیشتر در مقابل مخالفین خود و بلکه عبور از آنها تشویق می‌شود. برخورد و تعامل با این مخاطب با یک چنین شخصیتی نه تنها بسیار دشوار است که می‌تواند در صورت تکرار ارتباط متقابل، در فردی که در مقابل او ایستاده است فرسایش تدریجی ایجاد کند. چرا؟ واضح است؛ چون این «مخاطبین سیاه اندیش» در برابر شما اساساً هیچ واقعیتی را پذیرا نیست و با پیش فرض «آنچه خود می‌دانم صحیح‌ترین است و خلاف آن غیر واقعی است» هیچ حرف و منطقی را نه از شما بلکه از هر فردی که او بر آن برجسب مخالف چسبانده است نخواهد شنید. بنابراین نتیجه آن که نرود میخ آهنین در سنگ! اما در نظر گرفتن این نکته بسیار حائز اهمیت است که هیچ مطلق وجود ندارد. حتماً در میان چنین مخاطبانی از جنس سیاه استثناهایی هم وجود دارد که بتوان با آنها مقداری تعامل و دیالوگ برقرار کرد و بر سر یک موضوع به گفتگو و جستجوی حقیقت نشست. اما از نام آن پیداست که این فقط یک استثنا است!

در نحوه تعامل و برخورد احتمالی با چنین مخاطبانی چند راهکار عملی را می‌توان پیشنهاد داد:

- ۱- در قدم اول به دنبال حقیقت باشید. گاهی اوقات حقیقت را از زبان مخالفین بهتر می‌توان دریافت.
- ۲- در برخورد با این مخاطبین هیچگاه در ابتدا موضع تهاجمی نگیرید. همیشه با خونسردی کامل و با لبخندی ملیح و حتی گاهی اوقات طعنه آمیز با سخنان آن‌ها مواجهه کنید.
- ۳- از آنجا که چنین مخاطبانی بسیار تحریک پذیر هستند اجازه دهید آنها خود را تخلیه فکری کنند تا مشخص شود چند مرده حلاج‌اند و چه در چنجه دارند.
- ۴- بیشتر بشنوید تا اینکه گوینده باشید.

۵- با خوب شنیدن سعی کنید تناقض های موجود در کلام و منطقی او را یافته و مانند یک آینه منعکس کننده این تناقضات به سوی او باشید.

۶- حتی در پاسخ دادن حرمت افراد را نگه دارید. مخصوصاً افراد مسن تر را. در صورتی که احساس شود شما در پاسخ تان لحن توهین آمیز به کار می برید، در چنین جمعی همه نسبت به شما موضع خواهند گرفت.

۷- از کلمات سوالی استفاده کنید تا هم به خوبی افکار خود را تخلیه کنید و هم ترجیحاً با پرسش های حساب شده از سوی شما این فرصت را در درون خود پیدا کنید تا اندکی به آنچه می دانند و فکر می کنند بیاندیشند.

۸- از عصبانیت و پرخاش در مقابل چنین مخاطبانی بپرهیزید.

۹- اساساً هر راهکار خلافتانه خود را برای تعامل با چنین مخاطبانی توأم با برخورد غیر مستقیم کنید تا تاثیر گذاری شما بیشتر شود و شاید این برخورد غیر مستقیم از سوی شما باعث شود تا آنها در نزد خودشان خود را مورد قضاوت درونی قرار دهند.

فرصتی برای سوزن زدن به خود سفیدها، همقطارانی برای تبلیغ بهتر

لحظات با هم بودن افراد همفکر و هم عقیده، بهترین فرصت برای بررسی منتقدانه و منصفانه گذشته و موقعیتی برای برنامه ریزی و ترسیم افق آینده است. مخاطبان همراهی و هم قطار به عنوان آینه پیش روی هم عمل می کنند که می توانند نقاط ضعف و قوت یکدیگر را برای هم عیان سازند. آنها با تعاملات سازنده با یکدیگر می توانند برای هم فرصتی فراهم آورند تا بدانند و بفهمند کجا بودند و کجا هستند و سرانجام باید به کدام سو بروند. این حکایت «مخاطبین سفید» و هم سو با یکدیگر است که هم قطاران همدیگر را پیدا می کنند و در این جین گویی به کشتی و منزل امنی رسیده باشند، از هم فکری موجود میان خود احساس آسودگی و قوت قلب می کنند. این طبیعی است اما کافی نیست.

پیدا کردن حداقل یکی دونفر از افراد همفکر شما که نگاه روشن و سفیدی به آینده دارند و همه چیز را منفی و حاصل خیانت نظام تلقی نمی کنند، برای شما یک فرصت ویژه برای تبلیغ می سازد. هم افزایی سخنان دونفر که هر دو از یک موضع صحیح و اصل هویت نظام دفاع می کنند، تاثیر صد چندان نسبت به تبلیغ یک نفره میان جماعتی دارد که هیچ یک حرف شما را نمی فهمند.

«سفید اندیش ها» همان برگردانی از خصوصیات اعتقادی و فکری یکدیگر هستند. مثل هم می نگرند و مانند هم ریل های کلان ذهنی خود را به سوی اهداف مشترک شان می چینند. بنابراین باید سعی کرد تا در مقابل مخاطبین از جنس سفید از بیان حرف های تکراری پرهیز شود یا دائماً با بیان مکرر مسائل مشترک آرمانی و اشتراکات واقعی اصطلاحاً برای هم نوشابه باز نکنند! البته نباید از یاد برد که انسان ها همه با

هم یکسان و یکنواخت نیستند بلکه نقاط مشترک میان انسان ها در سطح کلان است که موجب می شود تا آنها با یکدیگر هم عقیده و هم رای باشند. لذا مواقع برخورد و تعامل و ایجاد دیالوگ با مخاطبین سفید، بهترین فرصت است تا هر چه بیشتر اشتراکات آرمانی و واقعی مرور شود و راهکارهای تسری این اشتراکات به مخاطبین دیگر و روش های موثر اشاعه و انتشار نگاه ها و آرمان ها مرور و دسته بندی شود.

ارتباط با سفیداندیش های جمع، بهترین موقعیت برای اصطلاحاً زدن سوزن به یکدیگر است تا اگر پس از آن موقعیت زدن یک جوال دوز به رقیب یا طیف مخالف فراهم آمد حداقل در جمع های خودمانی با هم فکرا به ارزیابی درونی پرداخته شده باشد. بهتر است اصولاً این افراد کمتر برای هم کف مرتب بزنند! و از این فرصت، بیشتر در جهت پرداختن به انتقادات و نقدهای درون گفتمانی بهره ببرند. مضاف بر اینکه پذیرش بی چون و چرای حقایق و واقعیت ها قوام بخش و استحکام دهنده رابطه فی مابین این جنس از مخاطبان هم عرض است. شما همین هستید که هستی نه کم و نه زیاد، بنابراین بهتر است سعی شود تا مخاطبین هم فکر، ضعف ها و عیوب فکری و آرمانی یکدیگر را از هم پنهان نکنند و تلاش نکنند همه چیز را بیشتر و بهتر از آنچه هست نمایان سازند. بهتر است

در میان مخاطبین سفید به یکدیگر دروغ نگویم و بپذیریم ما هم ضعف هایی داریم که لازم است اصلاح شود و اصلاح آن ضعف ها، قدم اول تحقق هر پیروزی است. به عبارتی تلاش نکنیم همه چیز را توجیه کنیم و در مقابل افرادی که شروع به نقد نظام می کنند مرتباً و به صورت افراطی گارد بگیریم. در برخی مواقع، خصوصاً در جمع هایی که صرفاً همفکران خودمان حضور دارند، دچار معضلی به نام «گروه اندیشی» می شویم. در چنین موقعیتی افراد جمع آنچنان واقعیت های درون گروهی خود را نادیده می گیرند و سعی در اغراق حقایق دارند که محاسبات شان از خود و گروه هم فکر و هم تراز شان اشتباه می شود. با این محاسبات غلط افراد وارد نقدهای دورن

گروهی می شوند اما از آنجا که هدف گذاری اولیه براساس اطلاعات و برآیند غلط و ناقص از شرایط درونی صورت گرفته است، افراد بعد از آنکه برنامه ریزی کرده و وارد مرحله عملیاتی شده اند، پس از مدتی شکست می خورند و آنگاه به زمین و زمان بد می گویند! بهتر است کمی خوددار باشید و اندکی به گذشته و تجارب پیشین بنگرید. بررسی حقیقی گذشته خود به تنهایی بهترین چراغ راه حال و آینده است. اگر برداشت جامعه هم فکر از یکدیگر و شرایط موجود صحیح و حقیقی باشد آن وقت روی هر فرد و هر موقعیت، متناسب با توانمندی ها و دارایی ها حساب می شود و لذا براساس این مسئله الگوی نحوه برخورد منطقی پدید می آید.

بعضاً دیده شده است همگرایی های موجود میان مخاطبین سفید نوعی اعتماد به نفس کاذب ایجاد می کند که اعضاء هم فکر احساس می کنند برترند و بهتر از آنان خلق نشده است! و لذا هر چه می گویند صحیح است. آنگاه کافی است مشخص شود یکی از حرف ها و ادعاهای آنان اشتباه باشد یا دچار یک گاف بزرگ شوند تا ناگهان به انگاره غلط «خودبزرگ بینی» بی ببرند. پس مجموعه در رویارویی با سفید اندیش ها بهتر است فرصت را مغتنم شمرده و به ارزیابی صحیح از خود و پیرامون و حتی انتقاد از خود پرداخته شود. فراموش نکنیم مخاطبین سفید آینه یکدیگرند.

حساس و بی تفاوت

مهمترین طیفی که در معاشرت هایمان باید مد نظر داشته باشیم، «بی تفاوت ها» یا «بی نظرها» هستند. افرادی که غالباً به دلیل اطلاعات کم سیاسی و یا عدم علاقه به این مباحث خیلی در بحث ها شرکت نمی کنند. شناخت روحیه این نوع افراد در برقراری ارتباط و انتقال پیام صحیح کمک شایانی خواهد کرد.

این مخاطبین اصولاً جنس حساس دارند. حساس از آن جهت که برای آنها چپ و راست و بالا و پائین و هر جهت دیگری

معنا ندارد و عموماً به سویی گرایش دارند که روشنای حقیقت از آن نمایان است. آنها نه از جنس سفید هستند و نه از جنس سیاه بلکه خاکستری اند. شاید این نام از آن جهت به آنها اطلاق می شود که جایی در میان یک پیوستارند که یک سمت آن به مخاطبین سفید می رسد و سمت دیگرش به مخاطبین سیاه. آنها آرمانگرایی و حقیقت خواهی مخاطب سفید را در خو دارند و از سوی دیگر از شکایات مخاطب سیاه هم بهره مندند. لذا براساس این الگو ذاتاً بی طرف و متعادلند و سعی می کنند همیشه میانه هر گرایش را انتخاب کنند. با این شرایط جذب این طیف از مخاطبین بسیار حساس و البته دشوار است.

مخاطبین خاکستری ابتدا به دلیل نداشتن پیش فرض و پیش داوری موضعی بی طرف دارند و همچون طرف خالی هستند که ظرفیت دریافت را دارند. اگر در برخورد با مخاطب خاکستری از منطق و روش اقناع بهره گیری شود و هدف، ارائه حقیقت باشد بی شک جذب می شوند. از سوی دیگر در صورتی که آنها احساس کنند محیط و زمینی که در آن وارد شده اند ملامت از هر چیز جز حقیقت خواهی و انسانیت است به سرعت آن زمین را ترک می کنند. چرا که نه به نقطه ای اتصال دارند و نه گرایشات پایه ای از مسئله در آنها شکل گرفته است. این مهم حکایت از این نکته پر اهمیت دارد که ذاتاً مخاطب خاکستری براساس نشانه ها و حقایق به سوی جامعه مقابل خود گرایش می یابد و در صورت رنگ باختگی آن جامعه از مفهوم فکری و عملی حقیقت، آنها به سرعت فاصله می گیرند. آنها حقایق را بی چون و چرا می پذیرند. از آنجا که آنها مترصد دریافت نقاط روشن از مسئله هستند لذا جذب می شوند و با کم فروغ شدن آن نقاط حضور آنها هم کم فروغ تر می شود. لذا لازم است تلاش شود تا تعادل منطقی و فاصله طبیعی میان حقیقت تا واقعیت را دریابند و باور کنند که حقیقت همیشه آنگونه نیست که آنها می خواهند یا می دانند.



در این بین با موضوع کشف و بارور سازی نقاط مشترک آشنا می شویم. یکی از روش های اصلی جذب مخاطب خاکستری پیگیری و کشف نقاطی است که میان این جنس مخاطب با جامعه مجذوب خاصیت اشتراکی برقرار می سازد و می تواند به عنوان خطوط واصل برای جذب اولیه قلمداد شود. با بهره گیری از نقاط مشترک فکری و عقیدتی و آرمانی، پیوند اولیه میان دو طیف و نحله برقرار می شود و با تلاش و استمرار مداوم این جذب خطوط واصل عریض تر می شود و می تواند موجب تقویت ارتباط میان دو طیف گردد. مخاطب خاکستری با منطق و وجدان بیدارش حی و حاضر است و طبیعتاً هر بارقه ای از منطق و حقیقت را به خود جذب می کند. فقط کافی است منطق طرف مقابل بدون هیاهو و جنجال و در فضای دوستانه و آکنده از روحیه حقیقت طلبی و حقیقت جویی ارائه شود تا او نیز به خوبی انتخاب کند.

مخاطب خاکستری به نقد صحیح و آزاداندیشانه واکنش مثبت نشان می دهد و از لابلای یک چنین نقدی مسیر جذب خود را پیدا می کند و فی نفسه به دلیل عدم پیش داوری و عدم بر کرسی نشینی های زودباورانه، توانایی فهم منطق مقابل را دارد. حال هر قدر منطق مقابل خود را شفاف تر و زلال تر دریابد زودتر و البته به مرور زمان عمیق تر جذب خواهد شد. البته نباید فراموش کرد اگر او ذره ای تشخیص دهد که ظاهر و باطن با یکدیگر تناسب منطقی و واقعی ندارند به سرعت دفع خواهد شد.

این جنس مخاطب به دلیل داشتن روحیه احساسی ممکن است در مواقعی دست به تحلیل و فهم سطحی از یک پدیده بزند لذا باید جوانب و ابعاد موضوع برای او به طور دقیق و کامل مطرح و شکافته شود تا با درک چند وجهی از مسئله، اقدام به تحلیل عمیق تر کند. با این جنس مخاطب بهتر می شود به سوی اهداف آرمان خواهانه و مطالبه گرایانه رفت فقط کافی است مسیر به درستی برای او روشن شود و استنادات موجود به طور منطقی، رسیدن قدم به قدم به روشنایی و حقیقت را تضمین کند. آنگاه در بسیاری از موارد مخاطب خاکستری با درک صحیح و حقیقی از شرایط و البته ارائه مسیر در ابتدا به طور منطقی و واقعی از سوی فرد یا گروه جذب کننده، به آنچنان انرژی و توانی دست می یابد که از

سایرین سبقت گرفته و حتی خود علم حرکت ها و فعالیت های مرتبط با حقیقت خواهی و مطالبه گری و آرمان خواهی را بر دوش می کشد!

این اتفاق نخواهد افتاد جز اینکه با درک واقعی از نیازهای مخاطب خاکستری، حقایق و صورت مسئله به طور دقیق و بی کم و کاست برای او ارائه شود. بنابراین می شود با اندکی هدایت، مسیر زندگی یک انسان یا جهت یک جریان را تغییر کند اگر حقیقت سرلوحه فکر و عمل قرار گیرد.

رعایت این چند نکته می تواند در همراه کردن مخاطب خاکستری کمک حال ما باشد:

۱. شروع بحث را نقطه آغاز مطلوب او قرار دهید. مثلاً اگر می خواهید دولت را نقد کنید و طرف -یا اطرافیان- شما نسبت به این مباحث بی تفاوت است (هستند) از موضوع مورد علاقه آن ها شروع کنید. مثلاً پای ورزش را وسط بکشید. وضعیت فوتبال را تشریح کنید و این که سیاسی کاری مثلاً وزرات ورزش کار را به اوضاع نابه سامان فعلی کشانده است.

۲. معیشت و مشکلات معیشتی همیشه نقطه آغاز مناسبی برای شروع یک بحث با این افراد است. هر کس نسبت به هر چیز هم بی تفاوت باشد، نمی تواند نسبت به معیشت بی تفاوت باشد. این که چند هزار تن سبب زمینی توسط دولت دور ریخته شد و احدی صدایش در نیامد، می تواند شروع یک بحث جدی و چالش برانگیز باشد.

۳. در مباحث معیشتی حواستان به «گل به خودی» باشد. مباحث معیشتی باید با ظرافت مطرح شوند و تفاوت بین نقد دولت و حکومت تبیین شود. برخی افراد بلافاصله پس از طرح یک نقد معیشتی، گرای توپخانه خود را به سمت اصل نظام نشانه می روند. ناکارآمدی عناصر نظام نباید به پای نظام نوشته شود و تلاش برای تفکیک این دو موضوع کارویژه اصلی شما در تعامل با این قشر.

۴. مثال ها و خاطرات طرف مقابل را برای تایید صحبت خودتان به کار ببندید. به عبارتی آن ها را مصادره به مطلوب نمایید. مثلاً اگر درباره نرخ گران میوه صحبت به میان آمد، سریع آن را تایید کنید و کنار انتقادات اخیر و صریح رهبری از وضعیت واردات میوه و دلال بازی هایش، «در حالی که میوه ایرانی روی شاخه درخت ها مانده است» بگذارد. اجازه بدهید طرف مقابل بفهمد که نظام این دردها و مشکلات را متوجه است اما مسئولینی که خودمان به آنان رای داده ایم، توجه چندانی به این ضروریات نمی کنند.

۵. بی خیال شوید! اگر می بینید به شدت در مقابل ورود به مباحث شما واکنش منفی نشان می دهند و شما هم کاری ازتان بر می آید، عطای هدایت را به لغایش ببخشید. حداقل این طور همچنان خاکستری می مانند و نگاه شان به شما به عنوان کسی که «شست و شوی مغزی» شده و حالا آمده تا فامیل و آشنایان را شست و شوی مغزی دهد، تغییر نمی کند. بگذارید ظرفیت هدایت گری شما در جایی که موقعیت مناسب تری فراهم است خود را بروز دهد.



بررسی «هنر معاشرت» در گفت و گوی ۵۷ با حجت الاسلام والمسلمین زائری

بهترین الگوی ارتباط با همه طیف‌ها خود «آقا» است

خودمان را عین «جمهوری اسلامی» ندانیم!

«برجام» و انتخابات «هفتم اسفند» احتمالا مهم‌ترین رویدادهای سیاسی در سال جاری کشور به شمار می‌روند. به دلیل اهمیت هر کدام از این دو موضوع در دید و بازدیدهای نوروزی حتما محل بحث و گفت و گو خواهند شد. در چنین بحث‌هایی گاهی حتی فضا آنچنان ملتهب می‌شود که فراموش می‌کنیم ما را مناسبات و پیوندهای دیگری نیز به هم مرتبط کرده است و آنچنان غرق بحث می‌شویم که به کلی یادمان می‌رود برادری و دوستی از بسیاری مسائل ارزشمندتر است. به راستی چرا وقتی در بحث و گفتگوها با اندک مخالفت روبرو می‌شویم از بیان منطق خود اجزا هستیم و فضا به ضد بحث تبدیل می‌شود؟! حجت الاسلام زائری مدیر مجموعه فرهنگی سرچشمه یکی از آن افرادی است که سعی زیادی در ارتباط گرفتن با کف جامعه و عموم مردم دارد. چه از طریق حضور در محافل مختلف هنری و ادبی و چه با حضورش در اینستاگرام و شبکه‌های اجتماعی. اتفاقا شاید به دلیل همین ارتباط نسبتا زیادش با مردم، گاهی تحلیل‌های متفاوتی نسبت به مردم و نظرات آن‌ها دارد. در واپسین روزهای سال در دفتر نشریه خیمه پای صحبت حاج آقا زائری نشستیم تا از او درباره نحوه و چگونگی برقراری دیالوگ در ارتباطات بین فردی و راه‌های رفع ضعف‌های مان در این حوزه بپرسیم.

با برخی از ما حزب الهی ها در برقراری دیالوگ و ارتباط بین فردی و انتقال منطق خود به دیگران دچار مشکل جدی هستیم. گویا مردم را نمی فهمیم و تحلیل غلطی از رفتارهای آنان داریم. چرا؟

دقیقا به اصل مساله اشاره کردید. این موضوع دغدغه جدی خود من هم هست. من هم وقتی به عنوان یک آخوند با خانواده ام به پارک می رویم، دقیقا حس می کنم با برخی دیر از مردم در دو دنیای متفاوت زندگی می کنیم انگار، من و آن ها از دو سیاره دیگر به زمین آمده ایم و هیچ نقطه مشترکی با هم نداریم. حالا همین را تعمیم بدهیم به فضای خانوادگی آن هم در ایام نوروز. اینجا دو مسئله جدی داریم؛ اول حفظ رابطه دوستانه و رفاقتی و فامیلی است تا جایی که مقدور است. نه انتخابات مجلس و نه خبرگان و نه خیلی چیزهای دیگر ارزش این را ندارد که ما به خاطر اینکه تحلیل یا دیدگاه مان درباره آن متفاوت است بین خودمان کدورت ایجاد کنیم. ولی باید یاد بگیریم که هر حرفی را می شود زد اما ولی چگونه گفتن آن حرف مهم است. بلد نیستیم حرف بزنیم چون تمرین نداریم. اخیراً در فضاهای دانش آموزی برخی دوستان جوان فستیوالی برای مناظره راه انداخته اند که خیلی هم تجربه موفق هم بوده است. ما به این مسئله نیاز داریم که باید از پیش دبستانی و دبستان هم آغاز شود و در دوران دانش آموزی باید تکرار شود و در دوران دانشجویی باید تجربه شود. باید یاد بگیریم اگر مبنای اعتقادی اصیل و جادمی داریم بر سر مبنایمان بایستیم. من اگر اعتقاد دارم که مصلحت کشور در فلان موضوع است حتماً بر اساس قواعد و ضوابطی به این باور رسیدم و می توانم خیلی منطقی بحث کنم.

یکی از کارهایی که بعضی از تشکل های دانشجویی می توانند انجام دهند همین باشد که به دوستان خودمان تکنیک ها و روش هایی برای گفتگو کردن و اقناع کردن طرف مقابل را یاد دهیم کما اینکه دیگران یاد می دهند. در یکی از جلسات دانشجویی دانشگاه تهران دانشجویی از من به صورت کاملاً حرفه ای و فکر شده در مورد موضوعی طرح سوال و شبهه کرد، به طوری که در همان ابتدا از سوال او سریعاً فهمیدم که او آموزش دیده است که چه چیزی بگوید و دقیقاً هم می داند که من به عنوان یک آخوندی که در دانشگاه حضور پیدا کردم اگر فلان سوال را از من بپرسد چه خواهیم گفت و دقیقاً سوال بعدی او هم از الان مشخص است. طرف مقابل ما اینگونه کار می کند. آن موقع که این را احساس کردم و بعداً شنیدم که این افراد را به پاکستان و جاهای دیگر می برند و برای آنها دوره آموزشی برای ارتباط و شناخت مخاطب می گذارند. ما هم لازم است این کار

من هم وقتی به عنوان یک آخوند با خانواده ام به پارک می رویم، دقیقاً حس می کنم با برخی دیر از مردم در دو دنیای متفاوت زندگی می کنیم انگار، من و آن ها از دو سیاره دیگر به زمین آمده ایم و هیچ نقطه مشترکی با هم نداریم. حالا همین را تعمیم بدهیم به فضای خانوادگی آن هم در ایام نوروز

را بکنیم و بدانیم مثلاً اگر فرد فلان سوال را کرد؛ لزوماً جواب نمی خواهد و برای او باید جک تعریف کنید یا مثلاً کافی است به جای جواب دادن، برایش یک عکس نوشت در تلگرام ارسال کنید. اینها چیزهایی است که آموزش می خواهد و باید فراوانی آن را استخراج کنیم. اتفاقاً فرصت تعطیلات و میهمانی های فامیلی عید نوروز می تواند زمانی باشد که ما دوستان دانشجوی خودمان را مامور کنیم فراوانی سوالات و ابهامات و شبهات مردم را استخراج کنند و به میزان فراوانی آن ها برسیم و بدانیم که لاقول در شش ماه آینده مسئله های فضای عمومی مخاطب عام کشور این ها است. چون خیلی وقت ها مسئله مردم آن نیست که ما فکر می کنیم.

با آیا افرادی که نگاه مشابه ما ندارند و اصطلاحاً دگراندیش خوانده می شوند را باید با عینک تهدید دید یا فرصت؟ چه بر خوردی در جمع های معاشرتی باید با این افراد داشته باشیم؟ یکی از مشکلات ما این است که طرف مقابل را تهدید تلقی می کنیم. در حالی که طرف مقابل نه تنها تهدید نیست بلکه چه بسا مکمل و مویب من است. با این نگاه ممکن است انسان خیلی نگرانی و اضطراب و تنش نداشته باشد.

حتی درباره همین انتخابات اخیر، معنی رای مردم، نه گفتن به جمهوری اسلامی و دین نیست و جای نگرانی ندارد. این ادبیات که یک نفر بگوید این رای مردم نشان داد که بی بی سی حق دارد، خطرناک است. این به آن دلیل است که من فکر می کنم کل اسلام و جمهوری اسلامی من هستم. نه! تو خود اسلام و جمهوری اسلامی نیستی. بلکه تنها بخشی از جمهوری اسلامی هستی. این نیست که من بگویم «بی بی سی» و «انتلیجنس سرویس» اینقدر قدرتمند شده است که کل کشور را تغییر دهد. منطق ذهنی مقام معظم رهبری این است که مردم به فراخوان نظام لبیک گفتند. فرد آمده رای داده و حق داشته به یکی از کاندیداهایی که شورای نگهبان تأیید کرده رای داده است. حالا سلیقه اش این بوده بپذیریم. چطور اگر ما رای آورده بودیم خوب بود؟ مادری که شب تا صبح فرزندش تب کرده و او تحمل

کرده است به این دلیل است که این را بخشی از مسیر رشد او می داند. چون دارد به آینده ای فکر می کند که این بچه یک روز استاد دانشگاه شده است و باعث افتخارش است. پس آن امید و آینده نگری باعث می شود نگاه ما به قضیه فرق کند. از امام موسی صدر پرسیدند شما چطور با این جوانان همه جورهِ فلان طور بازی می کنید و رفیق می شوید و انس می گیرید گفت برای اینکه وقتی با اینها روبرو می شوم یک چشمم را می بندم و یک چشمم را باز می کنم. یک چشمم را رو به وضعیت امروز آنها می بندم و یک چشمم را به روی آینده آنها باز می کنم. از داخل این نگاه است که حزب ... لبنان بیرون می آید. خیلی از جوانانی که از داخل آن سرداران رشید سپاه اسلام و شهدای سرافراز دفاع مقدس بیرون آمدند، در دوره دانشجویی و جوانی شان ظاهر و تیپ و قیافه ای داشتند که الان خانواده های آنها حاضر نیستند عکس هایشان را پخش کنند. برای این که بخشی از آن مسیر بوده است. به تعبیر شهید آوینی که می گوید من از یک مسیر طی شده حرف می زنم. مسیری که ابتدا و انتهایی دارد. به این معنا طرف مقابل من می تواند نه تنها تهدید نباشد بلکه مکمل من و بخشی از تعامل با من باشد. امروز فرصت اوست. بعد شما در آرایش سیاسی می بینید یک جایی کم شده و یک جایی زیاد شده است. یک جایی افت است و یک جایی افزایش است و اینها با هم است. لذا نباید به این معنا تلقی کنیم که چون موضع سیاسی فرد مقابل با من یکی نیست یا راجع به خیلی از مسائل کلان نظام و کشور احیاناً با من اختلاف نظر دارد بلافاصله حکم کنم این نیروی دشمن است و مصداق نفوذ است و منافق و کافر است. بلکه برعکس باید یاد بگیرم خیلی منطقی و مودب و با آرامش و استدلال دیدگاه او را بشنوم البته طرف مقابل هم حق ندارد توهین کند و از منطق فاصله بگیرد اما ما باید بتوانیم با هم گفتگو و صحبت کنیم و حرف همدیگر را بشنویم و هضم کنیم.

با چطور باید با هدف حفظ و برقراری ارتباط علاوه بر حفظ خطوط قرمز رفتارهایمان را به کف جامعه و ارتباط بهتر با عموم مردم و دردهایشان نزدیک کنیم؟

بهترین الگو برای این قضیه که ضمن حفظ اعتقادات بتوانیم با همه طیف انسانی ارتباط برقرار کنیم، خود رهبر انقلاب اسلامی است. حضرت آیت الله خامنه ای در دهه چهل شمسی در اوج دوران طاغوت و فاصله دو جبهه دین داری و بی دینی با بسیاری از چهره های ادبی جریان روشنفکری که حتی توسط برخی روحانیون غضب بودند، ارتباط داشتند و حتی در دفترشان دستخط یادگاری می گیرند و در جلسات

شان شرکت می کنند و کتاب هایشان را می خوانند و در عین حال موضع خودشان را هم دارند. هم آنها یک سید جوانی را که با ادبیات آشنا و مسلط است تحسین می کنند و هم در عین حال تسلیم آنها نیست و لباس طلبگی اش را بیرون نمی آورد و در جبهه آن ها قرار نمی گیرد. ما نمونه هایی از این دست داریم. حتی رفتار ما و اولین برخورد ما قبل از استدلال ما اهمیت دارد. کسانی که با پیغمبر (ص) ارتباط داشتند و ایمان می آوردند مگر از پیامبر استدلال کلامی و منطقی داشتند؟ به همین دلیل معتقد ما در جبهه انقلاب برای ولایت فقیه نباید استدلال کلامی بیاوریم بلکه آن برای دانشگاه و جلسات آزاد اندیشی و بحث های تخصصی است. ما در بین مخاطب عام باید رفتارمان طوری باشد که او احساس کند که با اینها می شود کنار آمد. تعبیر امام صادق (ع) این است که طوری رفتار کنید که دیگران بگویند جعفر بن محمد (ع) آدم هایش را با این ادب و متانت و منطقی تربیت کرده است.

پس باید اول کاری کنید که مردم شما را دوست داشته باشند چون اگر شما را دوست داشته باشند ما را دوست خواهند داشت. اگر بچه حزب الهی را دوست داشتند، حزب ... را دوست خواهند داشت. اگر دانشجوی انقلابی را دوست داشتند انقلاب را دوست خواهند داشت. اگر طرفدار رهبری را دوست داشتند، رهبری را دوست خواهند داشت. در تعطیلات عید باید این اتفاق بیفتد که اگر من نزد رفقا و فامیلم می روم ببینند از وقتی این در تشکل دانشجویی و طرف حزب الهی ها و جبهه انقلاب رفته است، در کلاسورش برجسب عکس شهید آوینی زده و از وقتی کتاب خاطرات دفاع مقدس می خواند، مودب تر و مهربان تر شده است و رسیدگی اش بیشتر است و سفره را زودتر می اندازد و سر بار را می گیرد و خریده ها را انجام می دهد و به فامیل رسیدگی می کند. بعد می پرسند چه کسی گفته این گونه رفتار کنید؟ می گوید رهبری، شهدا، انقلاب، دین، خدا و پیغمبر و مردم علاقمند می شوند. لذا فرمود

اول کاری

حتی درباره همین انتخابات اخیر، معنی رای مردم، نه گفتن به جمهوری اسلامی و دین نیست و جای نگرانی ندارد. این ادبیات که یک نفر بگوید این رای مردم نشان داد که بی بی سی حق دارد، خطرناک است. این به آن دلیل است که من فکر می کنم کل اسلام و جمهوری اسلامی من هستم. نه! تو خود اسلام و جمهوری اسلامی نیستی. بلکه تنها بخشی از جمهوری اسلامی هستی

کنید که شما را بخواهند. اگر شما را خواستند آن وقت خواهند گفت این طرفدار فلانی و حزب الهی و انقلابی است. آنوقت دیگر لازم نیست شما خیلی تقلا کنید، به شما نگاه می کنند و همان کار را انجام می دهند. آن وقت به جایی می رسید که آنقدر شما را دوست و قبول خواهند داشت که اصلاً استدلال لازم ندارد.

📌 در سبک زندگی هایمان باید چه تغییراتی ایجاد کنیم که بتوانیم این جذب و ارتباط را برقرار کنیم؟

جوانی که به رهبری امام خمینی (ره) وارد میدان شده بود و انقلاب را سامان داده بود مردم از او چه می دیدند؟ فقط شعار نویسی روی دیوار می دیدند؟ یا پت نفت همسایه ای که نفت نداشت را آن جوان برایش می آورد؟ سیره شهدای

خودمان را مقایسه کنیم و شهید بابایی را ببینیم. دغدغه شان بیش از آن که سیاست باشد، رسیدگی به احوال و دردهای مردم بود. ما هم باید این گونه باشیم. شهید بابایی در دوران دانش آموزی می بیند سرایدار مدرسه شان مریض است و نمی تواند مدرسه را تمیز کند و در آستانه اخراج قرار گرفته است. ایشان تا چندوقت نیمه های شب خودش می آید مدرسه را تمیز می کند و هیچ کس خیردار نمی شود و همه فکر می کنند سرایدار مدرسه را تمیز می کند و بعداً سرایدار می فهمد که یکی از دانش آموزان شب ها مدرسه را تمیز می کند. یا پدر شهید چمران می گوید او یک روز در دوران دانش آموزی به خانه آمد و دیدیم کاپشن به تن ندارد. معلوم شد یک نفر در خیابان از سرما می لرزیده و او کاپشن اش را به او داده است.

امام صادق (ع) فرمود: «کونوا دعاه لنا بغیر السنکتکم» یا «کونوا دعاه لنا صامتین». مردم را بدون حرف زدن و بدون زبان به سمت ما دعوت کنید، با کار و رفتارتان. جوری عمل کنید مردم شایسته ما بشوند. اگر این تغییر در رفتار ما حاصل شود آن وقت موضع سیاسی ما هم معنی پیدا می کند. موضع سیاسی که به زبان می آوریم و در بحث سیاسی مطرح می کنیم و در گفتگوی خانوادگی موضع می گیریم و امثال اینها اگر پیوست رفتار بیرونی ما باشد اثر گذار است. اگر پیوست تحول و رفتار واقعی بیرونی نباشد اثر هم نخواهد گذاشت. اگر در اصل رفتارمان تغییر و تحول رخ داده باشد و آنوقت این گفتار مفسر آن تغییر شود و پیوست آن باشد اثر خود را قطعاً خواهد گذاشت حتی بعد از مرگ مان. در احوالات شهید «اغب حرب» می گویند ایشان به منزل کسی از روستائیان لبنان رفته بود و همسر صاحب خانه به خاطر ایشان روسری به سر کرده بود. ایشان وقتی وارد شدند تعجب می کنند و به آن زن می گویند شما محجبه شدید و او می گوید نه به خاطر شما روسری به سر کردم و ایشان می گوید شما به خاطر خدا روسری به سر نکردی و به خاطر من روسری به سر کردیدی؟ آن را در بیار. حجاب امر الهی است و به خاطر من نباید روسری به سر کنید. می گویند آن زن بعد از شهادت شهید راغب حرب محجبه شد.

📌 برخی ها در ارتباطات و بحث ها خصوصاً در معاشرت و گنده های آشنایان و فامیل، نمی دانند چه چیزی را کجا و چگونه بگویند. راهکار رفع این مشکل چیست؟

این مسئله به تعقل ما بستگی دارد. عاقل ها در چنین موقعیت هایی درست عمل می کنند. در امر به معروف و نهی از منکر می گویند





است که می‌توانیم در مقابل این فضا داشته باشیم. یا آموزش را ترویج کنیم و واقعاً به مخاطب آموزش دهیم که یک ساعت‌هایی باید وقتی وارد خانه می‌شوید مثل خیلی از خانواده‌ها اینها را داخل یک سبد بگذارید و بگویید من چند ساعت می‌خواهم خارج از این فضا زندگی کنم به دلیل اینکه نمی‌خواهم تحت مدیریت این ابزار باشم. من ابزار را مدیریت می‌کنم نه ابزار من را. این چیزی است که باید آموزش داد و ترویج کرد و باید کمپین‌هایی برای آن راه انداخته شود و شعارهایی برای آن ساخته شود و تیتزهایی از تلویزیون پخش شود یا در مدارس آموزش داده شود. اینها چیزهایی است که اگر کسی در این زمینه کار کند بدون تردید آجر و ثواب اش کمتر از خیلی کارهای دینی و مذهبی نیست. چون آسیبی که اینها دارند به جامعه ما می‌زند مخصوصاً در بعضی مخاطب‌هایی که حساس‌تر هستند متأسفانه آسیب‌های جدی است.

آن چیزی که خودم می‌فهمم این است که اگر هوشمندانه و فعالانه در این فضا عمل کنیم، به اقتضای آن تکلیف مان معلوم می‌شود. اگر مخاطب فعال باشیم و اقتضای فعالیت پررنگ‌تر شدن باشد پررنگ‌تر می‌شویم. فقط باید بدانیم که داریم چکار می‌کنیم. اشکال وقتی به وجود می‌آید که ما همراه صید می‌رویم و خودمان متوجه نیستیم دارد چه اتفاقی می‌افتد. باید به شکل مستمر بازنگری اتفاق بیافتد و من به خودم هشدار دهم که قرار بود من در فضای مجازی چکار کنم و برنامه و نقشه‌ام چه بوده و من با چه هدفی شروع کردم و الان کجا این بازی هستم؟ آیا دارم بازی می‌کنم یا بازی می‌خورم؟ اگر این برنامه ریزی باشد مشکلی پیش نمی‌آید. ■

به دلیل اینکه آموزش نمی‌دهیم، الان در بسیاری از خانواده‌ها بچه‌ها نه ساله یا یازده ساله موبایل دارد. هر اپلیکیشن که بخواهد دانلود می‌کند. خانواده‌ها هم که نمی‌دانند چگونه کنترل کنند. محیط اجتماعی هم زمینه تسلط خانواده‌ها را فراهم نمی‌کند و چنان‌که افتد و دانی. معلوم است چه اتفاقی می‌افتد. در این صورت طبیعتاً تهدید است. مثل بازی‌های کامپیوتری. هشت سال پیش که بازی‌های ویدیویی و کامپیوتری خیلی تبلیغ می‌شد وقتی بازی Wii به بازار آمد به دو دلیل من به شدت مدافع این بازی بودم. اول اینکه بازی‌های Wii کاملاً تعاملی و اکتیو بود و طرف به جای اینکه مثل یک لاشه‌ای به گوشه‌ای بیافتد و با موبایل بازی کند، مجبور بود تحرک داشته باشد و ورزش کند. نکته دوم اینکه کاملاً تعاملی و خانوادگی بود. مثلاً چند نفر با هم بازی می‌کردند. ممکن است الان بگوییم ما اپلیکیشن‌هایی را تشویق و ترویج می‌کنیم یا می‌سازیم و تولید می‌کنیم که چند نفر مجبور باشند با هم باشند یا با دنیای خارج ارتباط جدی‌تری داشته باشند. مثلاً اپلیکیشنی که طرف را به آشنایی وادار کند. چند نفر دختر برای پختن کیک مشغول باشند. اینها راهکارهایی

من ابزار را مدیریت می‌کنم نه ابزار من را. این چیزی است که باید آموزش داد و ترویج کرد و باید کمپین‌هایی برای آن راه انداخته شود و شعارهایی برای آن ساخته شود و تیتزهایی از تلویزیون پخش شود یا در مدارس آموزش داده شود. اینها چیزهایی است که اگر کسی در این زمینه کار کند بدون تردید آجر و ثواب اش کمتر از خیلی کارهای دینی و مذهبی نیست

اگر احتمال تأثیر نمی‌دهید وظیفه‌ای ندارید. یک خانمی باحجاب بد دارد در خیابان می‌رود. آیا من به عنوان یک روحانی معمم وسط خیابان باید به آن خانم تذکر بدهم در حالی که مطمئنم نه تنها اثر نمی‌گذارد بلکه ممکن است وسط خیابان تشنجی هم درست کند؟ این دیگر عقل است و دیگر به خدا و پیغمبر ربطی ندارد. اگر یک کافری هم بخواهد کفر خودش را ترویج کند باید با عقل اش ترویج کند. حتی چگونه گفتن حرف خیلی مهم است. همان آدم اگر از من منطق و ادب و رفاقت ببیند کنار می‌آید. خیلی وقت‌ها یک چیزهایی کفریات نیست که افراد می‌گویند و باید تحمل کرد. خیلی وقت‌ها باید با خنده و شوخی از مسئله گذشت و سراغ یک بحث دیگر رفت. نباید به مردم بی‌دلیل گیر داد. خیلی وقت‌ها مشکل از جایی شروع می‌شود که طرف یک چیزی از دهان اش در می‌رود و به همان گیر می‌دهیم. اتفاقاً طرف در موضع می‌افتد و برعکس چیزی هم که در دل اش نیست به زبان می‌آورد و به لجاجت می‌افتد. مردم را نباید در لجاجت انداخت. سیره اهل بیت، همین است. طرف می‌آید به فسق و گناه آشکار و علنی اقرار می‌کند. حضرت می‌گفت چیزی نشنیدم. برو. برای اینکه زمینه‌تجری به فسق و گناه باز نشود و به وجود نیاید. حتی اگر طرف یک کاری کرد شما بگویید چیزی نبود و صدای اش را هم درنیار و اصلاً فلاتی منظور این نبوده است. این دیگر بحث عقلی و مدل رفتار است که آموزش می‌خواهد. اینکه من یاد بگیرم و یا با ذکاوت و هوشمندی تشخیص دهم که الان در این موقعیت و برای این هدف و برای تحقق این منظور چه بگویم و چگونه بگویم و چگونه برخورد کنم.

سوال به عنوان سوال پایانی می‌خواهم کمی به مدل جدید سبک زندگی تفریحاتی بپردازیم. الان تفریح غالب جوانان ما تا حدود بسیار زیادی در فضای مجازی تعریف شده است. حتی دید و بازدیدهای نوروزی هم بعضاً به فضای شبکه‌های اجتماعی منحصر شده‌اند. حتی همین بحث‌های استدلالی و اقناعی سیاسی و... هم بیشتر الان در شبکه‌های اجتماعی و گروه‌های مجازی داغ است. به عنوان کسی که خودش در این فضا حضور فعال دارد؛ آیا این مدل را یک فرصت می‌دانید یا تهدید؟ و در برخورد با آن چه باید کرد؟

در این که تهدید جدی است شکی نیست و جای تعارف ندارد. دلیل آن را هم این می‌دانم که متأسفانه آموزش سواد رسانه‌ای نداریم و مخاطب منفعل است. در برخی کشورها حتی در مقطع دبستان و پیش‌دبستان به مخاطب آموزش می‌دهند که چگونه از این ظرفیت‌ها استفاده کند و محیط اجتماعی هم مخاطب را تربیت می‌کند. در آن صورت قضیه خیلی فرق می‌کند. اما

در ایام نوروز و خصوصا در دید و بازدیدها و معاشرت‌ها معمولا بازار بحث‌های سیاسی و فرهنگی داغ داغ است. یکی از ویژگی‌های این نوع بحث‌ها، سطوح متفاوت افراد درگیر بحث است. به طوری که حتی نوجوانانی را که اصلا اطلاعاتی در زمینه سیاسی ندارند به خود درگیر می‌کند. کافی است این میان کمی توجه نباشیم و اطلاعات حداقلی را در اختیار نداشته باشیم تا ما نیز مقهور جو موجود شویم. در این متن کوشیده ایم با پرس و جو از یک جامعه‌ی آماری مختصر، شباهت معمول در این جنس گعده‌ها را بازخوانی کنیم و در حد امکان پاسخ‌هایی استدلالی و آماری برای آنان در نظر بگیریم. البته قطعا خود شما با مطالعه بیشتر می‌توانید پاسخ‌های بهتر و متناسب با جو مهمانی‌های خود در نظر بگیرید، هدف این متن بیشتر بیان این شباهت است که شما از همین حالا باید خودتان را برایشان آماده و مجهز کنید.

شبیه‌هایی برای گعده‌های خانگی



احمدی نژاد که گزینه رهبری بود ۸ سال مملکت را نابود کرد!



شک نکنید که این شبیه یکی از پربسامدترین بحث‌های گعده‌های خانگی است؛ چرا که در طول سالیان گذشته رسانه‌های ضدانقلاب و نیز متاسفانه بسیاری از رسانه‌های اصلاح طلب، تلاش کرده‌اند از دوران احمدی نژاد در ذهن مردم یک دوران سیاه بسازند و البته پایان تلخ دولت قبل نیز به شکل گیری این ذهنیت کمک کرده‌است؛ اما چگونه باید باید این شبیه برخورد مستدل کرد؟

۱. آیا احمدی نژاد، گزینه‌ی تحمیلی نظام بود؟

به گواه ایم می‌توان دریافت که احمدی نژاد برآمده از رای اکثریت مردم در انتخابات سال‌های ۸۴ یا حتی ۸۸ بود. از آنجا که معمولاً اقشار رای دهنده بیشتر از قشرهایی هستند که به لحظه تحلیل می‌کنند به نظر می‌رسد وضعیت صرفاً متمایل به فضای سیاسی و غافل شدن دولت وقت از مسئله معیشت و رفاه عمومی از عوامل پیروزی محمود احمدی نژاد بود. اینها در شرایطی است که احمدی نژاد در این دوره انتخابات از رقاباتی جدی و پرطرفداری مانند اکبر هاشمی رفسنجانی پیشی گرفته‌است.

بنابراین روی کار آمدن احمدی نژاد توسط آرای اکثریت عموم را می‌توان محصول دو اتفاق دانست. اول سیاسی شدن بیش از حد فضای کشور توسط دولت وقت و ضرورت انعطاف و تغییر در این وضعیت و دوم ضرورت مبرم رسیدگی به وضعیت معیشت و رفاه مردم که در شعارهای انتخاباتی احمدی نژاد مشهود بود. در انتخابات ریاست جمهوری ۸۸ محمود احمدی نژاد موفق شد مجدد با بهره برداری از فضای دو قطبی با هاشمی و مقابل هاشمی و البته عملکرد چهارساله رو به رشد دولت او در خصوص معیشت و رفاه مردم خصوصاً در شهرستان‌ها و روستاها تا پیروز انتخابات ریاست جمهوری دهم شود. مجموع این دو دوره بیانگر این مسئله است که آرای احمدی نژاد در دو دوره محصول حضور و تعیین مردم بوده است که البته اقدامات رئوسای جمهوری قبلی و بعدی در تصمیمات و انتخاب مردم بسیار موثر بوده است.

بنابر این نکات گفته شده، احمدی نژاد را باید حاصل فرایند شکاف جدی فقیر-غنی در جامعه دهه هشتاد ایران و اعتراض مردم به آن وضعیت دانست. و نه گزینه‌ای که با تحمیل نظام بر روی کار آمده است!

۲. اگر آن طور که می‌گویید احمدی نژاد گزینه نظام نبود؛ پس چرا رهبری در سال ۸۸ بعد از انتخابات گفت: نظر احمدی نژاد در برخی زمینه‌های به من نزدیک تر است؟ این سوال هم پس از سال ۸۸ کمابیش در گعده‌ها مطرح می‌شود. اما در پاسخ فقط باید گفت: درست به همان دلیل که رهبری پس از انتخابات سال ۷۶، پای صندوق رای گفت: «هیچ کس برای من هاشمی نمی‌شود!» به همان دلیل که رهبری پس از ریاست جمهوری خاتمی؛ وی را ستود و او را «رئیس جمهور نجیب ایران» نامید. حمایت از دولت هاشمی

همیشگی رهبری بوده است. حال این که احمدی نژاد با طرح شعارهای انقلاب و رفتار ساده زیستی که پس از امام رو به فراموشی رفته بود؛ جهت حرکت ریل انقلاب را به مسیر خود بازگرداند، طبیعی است چنین اقداماتی مورد تأیید رهبری نیز باشد. اما آیا این حمایت به معنی چک سفید امضای رهبری برای اشتباهات بعدی احمدی نژاد بود؟ هرگز!

۲. آیا احمدی نژاد مملکت را نابود کرد؟

قطعاً احمدی نژاد مانند هر رئیس جمهور دیگری در طول حیات انقلاب اسلامی تاکنون نقاط مثبت داشته است و هم باید نقاط مثبت را دید و گفت و هم مسائل و مشکلات قابل نقد را مورد انتقاد جدی، سازنده و مطالبه‌گرایانه قرار داد. لذا فارغ از نگاه صرف جناحی لازم است تا عملکرد او براساس دو معیار بررسی شود تا پس از آن این نتیجه حاصل شود که چه مقدار ضعف و چه مقدار قوت در عملکرد او وجود داشته است.

ابتدا باید به این مسئله پرداخت که عملکرد و حرکت او در مجموع چه مقدار با کلیت نظام جمهوری اسلامی که انتخاب رئیس جمهور و انتخاب توسط مردم ذیل آن تعریف می‌شود هماهنگی و سازگاری داشته است. پس از آن باید بررسی شود چه مقدار و به چه کیفیت و توانسته است به وعده‌های انتخاباتی اش که مردم براساس آنها به او اعتماد کرده و رای داده‌اند جامه عمل بپوشاند.

احمدی نژاد با توجه به وعده‌هایش توانست در حوزه رفاه اجتماعی و معیشت مردم طرح‌هایی مانند مسکن مهر، سهام عدالت، هدفمندسازی یارانه‌ها و مواردی از این دست را تا حدود زیادی محقق کند. او توانست با طرح‌های زودبازده اقتصادی وضعیت معیشتی مردم را به ثبات نسبی برساند تا جایی که احساس می‌شد آنها که چندان نسبت به جمهوری اسلامی خوش بین نیستند زمینه جذب آنها به فضای انقلابی نیز فراهم شود. همچنین او موفق شد در ایامی که با فواصل نسبتاً کوتاه قطعنامه‌های بین‌المللی یکی پس از دیگری بر علیه ایران صادر می‌شود تا حدودی وضعیت اقتصادی و رفاه عمومی اجتماعی مردم را حفظ کند علی‌رغم اینکه همزمان با نزدیک شدن به ماه‌های پایانی دولت دهم به دلیل تغییر اولویت‌ها در دولت مردمی و جایگزینی آن با حواشی مانند اختلاف میان سران قوا با کم شدن میزان مقاومت و

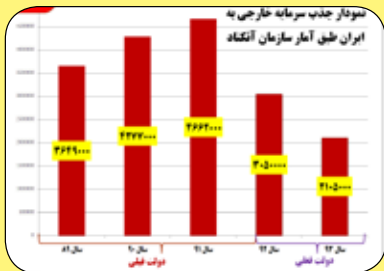
تلاش دولت در برابر تشنجات اقتصادی درون جامعه و تغییر راهکارها فشارهای اقتصادی بیش از پیش بر سطح جامعه سرازیر شد. از ضعف‌های دیگر از عدم فعالیت جمعی در طرح‌های بزرگ و استراتژیک کشوری و ملی مانند آن دسته از طرح‌هایی که مستلزم هماهنگی با برنامه کلان توسعه و ارتباط با سایر قوا است را می‌توان نام برد.

۳. مقایسه با «دولت وعده»

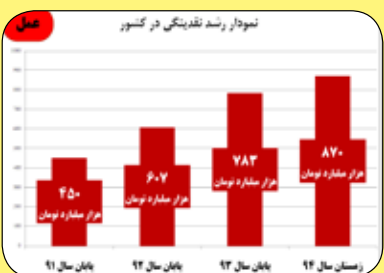
در چند سال اول دولت روحانی که تا چند ماه آینده سه سالگی آن به اتمام می‌رسد دولت با برنامه ریزی کلان عزم جدی خود برای رفع مشکلات کشور خصوصاً در حوزه‌های اقتصادی را با آنچه خود تحت عنوان تعامل با دنیا و ضرورت حل مشکلات از طریق ارتباط با بیرون و مذاکره با قدرت‌ها نام می‌برد نشان داد. لذا در چند ماه اول شروع دولت به سوی مذاکرات بین‌المللی با هدف رفع شبهات هسته‌ای قدم برداشت تا آنجا مستقیماً با آمریکا در این خصوص وارد مذاکرات فشرده شد. لذا تمرکز دولت به این مسئله بیرونی تا حدودی زیادی عملکرد آن را شامل شد. همزمان با ایام مذاکرات، افزایش واردات و کاهش صادرات رشد جدی به خود گرفت تا جایی که برخی کالاهای اساسی که با اندک حمایتی از تولید کننده داخلی امکان تولید آن وجود دارد از خارج وارد می‌شود. از آنجا که به گواه کارشناسان داخلی راه برون رفت و ایمن سازی اقتصاد داخلی از مشکلات اقتصادی در گرو تلاش در جهت قانون کلان اقتصاد مقاومتی است اما تلاش کم در این مدت در جهت تحقق اقتصاد مقاومتی و درون‌زا که به کاهش حداکثری فشار اقتصادی خصوصاً در حوزه کلان، دفع تکانه‌های ناشی از اقتصاد جهانی بر اقتصاد کشور در مقابل اقتصاد سرمایه داری و بانک و پول محور، نشانگر عدم دادن بهای لازم و کافی به این مهم و افزایش واردات و کاهش جدی صادرات است که این مسئله به تضعیف وضعیت رفاهی و معیشتی مردم به طور بیش از پیش خواهد انجامید و هم در دراز مدت ضربات جبران ناپذیری را به بدنه اقتصاد داخلی جمهوری اسلامی خواهد زد.

وعده ۱۰۰ روزه اصلاح وضعیت اقتصادی که دولت اعلام کرد راه حل‌های کوتاه مدت یک ماه و ۱۰۰ روزه برای حل مشکلات و معضلات اقتصادی، اجتماعی و سیاست داخلی و خارجی در دولت تدبیر و امید پیش بینی شده است که با این

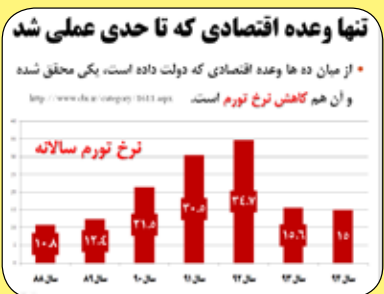
۶۴۰۰۰۰۰۰ لیتر در روز می باشد. همچنین میزان واردات بنزین در سال ۹۱ به کشور ۱۵۰۰۰۰۰، در سال ۹۲ ۴۰۶۶۰۰۰، در سال ۹۳ ۴۵۷۰۰۰۰ و در شش ماهه اول سال ۹۴ ۱۰۰۰۰۰۰۰ لیتر در روز می رسد.



نمودار جذب سرمایه خارجی به ایران طبق شاخص های آماری سازمان آنتکاد در سالهای ۸۹، ۹۰ و ۹۱ به ترتیب ۳۶۴۹۰۰۰، ۴۲۷۷۰۰۰ و ۴۶۶۲۰۰۰ و در طی سال ۹۲ عدد ۳۰۵۰۰۰ و در سال ۹۳ عدد ۲۱۰۵۰۰۰ را نشان می دهد.



نمودار رشد نقدینگی در کشور نشان می دهد رشد نقدینگی تا پایان سال ۹۱ ۴۵۰ هزار میلیارد تومان بوده است در شرایطی که تا زمستان سال جاری رشد نقدینگی در کشور ۸۷۰ هزار میلیارد تومان است.

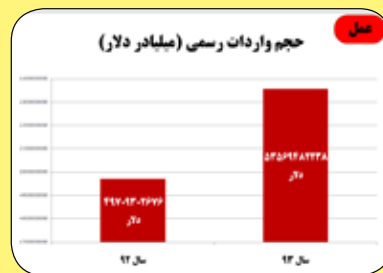


تنها وعده اقتصادی که تا حدی عملی شده است کاهش نرخ تورم است. لذا آمار نرخ تورم سالیانه در سال ۸۸ عدد ۱۰٫۸، در سال ۸۹ عدد ۱۲٫۴، در سال ۹۰ عدد ۲۱٫۵، در سال ۹۱ عدد ۳۰٫۵ و در سال ۹۲ عدد ۳۴٫۷ را نشان می دهد. اما در سال ۹۳ کاهش نرخ تورم سالیانه با عدد ۱۵٫۶ و در سال ۹۴ با عدد ۱۵ را شاهد هستیم.

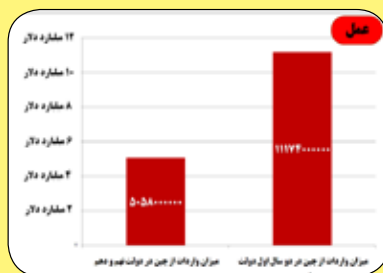
و در اول دیماه ۹۴ ۶۱ هزار واحد می باشد که از کاهش محسوس رونق اقتصادی در بورس کشور حکایت دارد.



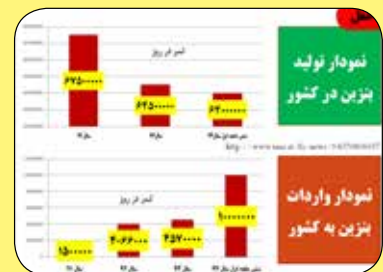
طبق اعلام بانک جهانی رشد اقتصادی کشور در سال ۹۳، ۳ درصد و در سال ۹۴ ۶٫۰ درصد می باشد



در سال ۹۲ حجم واردات رسمی ۲۶۷۶۰۹۳۰۹۳۰ میلیارد دلار و در سال ۹۳ این رقم ۵۲۵۶۹۶۸۲۲۲۸ میلیارد دلار افزایش یافته است.



میزان واردات از کشور چین در دولت های نهم و دهم ۵۰۵۸۰۰۰۰۰۰ میلیارد دلار و در دو سال اول دولت یازدهم به رقم ۱۱۱۷۴۰۰۰۰۰۰ میلیارد دلار می رسد.



میزان تولید بنزین در کشور در سال های ۹۲، ۹۳ و شش ماهه اول سال ۹۴ به ترتیب ۶۷۵۰۰۰۰، ۶۴۵۰۰۰۰،

برنامه ما می توانیم در یک فرصت کوتاه شاهد تحول اقتصادی باشیم اما پس از ایم دوره عملاً تحولی در نظام اقتصادی ایجاد نشد و رکود اقتصادی بیش از پیش نمایان شد.

۸۰ درصد تولید در سال جاری تعطیل و نیمه تعطیل است. ۱۵۰ واحد تولیدی و کارخانه در سه ماهه سوم سال جاری تعطیل شده است.

از محل بودجه عمومی دولت در سه ماهه اول سال جاری فقط ۳۸۵ میلیارد تومان بودجه عمرانی تخصیص شده است. ۹۱ درصد از شرکت های گروه صنعت سیمان نسبت به سال ۹۳ با کاهش فروش مواجه شده اند و ۲۶ درصد از شرکت ها افزایش تولید داشته اند و ۷۴ درصد شرکت ها با کاهش تولید روبرو بوده اند.

در شش ماه اول سال جاری ۴۳ درصد از شرکت های گروه صنایع غذایی نسبت به سال ۹۳ با کاهش فروش مواجه شده اند و ۶۲٫۵ درصد از شرکت ها نسبت به سال ۹۳ کاهش تولید داشته اند. در استان تهران ۸۰۰ واحد مرغداری فعال وجود داشته است که از سال گذشته تاکنون ۳۵۰ واحد فعال مرغداری مانده است.

بیشتر جابجگاه داران به دلیل عدم وجود حمایت های اساسی و اجرا نشدن مصوبه افزایش کارمزد جابجگاه داران از سوی مسئولان، در آستانه ورشکستگی قرار گرفتند.

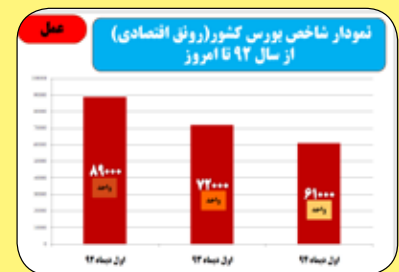
در شرایط حاضر ظرفیت تولید دامداری های صنعتی بیش از ۶۰ درصد کاهش داشته و تعدادی از کارخانه های صنایع لبنی به علت سود بسیار پایین و زیان ده بودن در حال تعطیلی هستند.

در شرایط حاضر ظرفیت تولید دامداری های صنعتی بیش از ۶۰ درصد کاهش داشته و تعدادی از کارخانه های صنایع لبنی به علت سود بسیار پایین و زیان ده بودن در حال تعطیلی هستند.

در شرایط حاضر ظرفیت تولید دامداری های صنعتی بیش از ۶۰ درصد کاهش داشته و تعدادی از کارخانه های صنایع لبنی به علت سود بسیار پایین و زیان ده بودن در حال تعطیلی هستند.



نرخ بیکاری در بهار ۹۲ ۱۰٫۶ درصد، در بهار ۹۳ ۱۰٫۷ درصد، در بهار ۹۴ ۱۰٫۸ درصد و در تابستان ۱۰٫۹ درصد می باشد که از رشد صعودی و پله ای آمار بیکاری در کشور حکایت دارد.



نمودار شاخص بورس کشور در حوزه رونق اقتصادی در اول دیماه ۸۹،۹۴ هزار واحد، در اول دیماه ۹۳ ۷۲ هزار واحد

وضعیت کشور خصوصاً در حوزه های معیشت و رفاه و اقتصاد آماده شود.

۳. آیا این فساد و رانت ها نتیجه حکومت آخوندی است؟!

روحانیت نیز مانند هر قشر دیگر هم می توانند خوب عمل کنند و هم بد. با نگاه به سالهای ابتدایی پیروزی انقلاب اسلامی در میان روحانیون کسانی بودند که در مقاطعی با عدم درک و شناخت صحیح از وضعیت و زمانه باعث شدند تا عمداً یا سهواً به پیکره نظام جمهوری اسلامی ضربه وارد کنند از طرفی نیز روحانیونی مانند بهشتی و مطهری و ... با نثار خون پاکشان و ایثار در راه انقلاب منجر شدند تا ملت کم تجربه انقلابی با تجربه بیشتر قدم در این مسیر سخت و پرمشقت بگذارند. در این میان لازم است تا روحانیون با درک صحیح از موانع حاضر و ترسیم و تیز بینی در افق های پیش رو مردم را با خود همراه کنند. مسلماً طی این مسیر نیازمند سواد و آگاهی از مسائل دارد و شاید برخی با عدم درک و بصیرت کافی از این مسئله خود را با مسائلی نه چندان مهم و ضروری درگیر کنند یا همچون روحانیون در دوران مبارزات انقلابی حضرت امام خمینی (ره) نسخه تقیه را تجویز کنند و یا همنوا با سرویس های جاسوسی بیگانه صدای دشمن از حنجره آنها بیرون بیاورد اما این مسئله نباید منجر شود تا تصور و خطا در یک فرد روحانی باعث بدبینی به دین و شریعت شود چرا که معیار سنجش دین انسان ها نیستند. به قول شهید رجایی «شبهه من را به پای دینم نگذارید». در ثانی روحانیون نیز مانند هر انسان دیگری جایز الخطا هستند و نمی شود گفت از فضا آمده اند و ممکن است از آنها نیز خطا سرزنند.

نکته بعدی این که لازم است، با رجوع به تاریخ بینیم حکومت «غیر آخوندی» پهلوی چه قدر فساد داشته است؟ گذشته از فسادهای اخلاقی گسترده که همه اعضای خاندان پهلوی و نزدیکانشان در خاطرات خود به آن اقرار می کنند؛ به گواه تاریخ در دوران پهلوی فساد اقتصادی نیز تا نزدیکان شاه در دربار نفوذ جدی داشت و اساساً فسادهایی مانند اقتصادی و قاچاق مواد مخدر ریشه و مرکز در دربار داشت و مسئله فساد و ارتباط راس حکومت با آن از پدید آمدن انگیزه های انقلابی در مردم بود.

برای اثبات میزان فساد خاندان پهلوی کافی است چند آمار مختصر را مرور کنیم تا به کنه فاجعه پی ببریم. طبق اسناد متقن؛ در روز ۲۳ دی ماه ۱۳۵۷ دستور بر کردن و بستن چمدان ها و صندوق ها با تأیید شاه و به دستور فرح به منظور زمینه سازی برای فرار شاه از ایران صادر شد. فرح دستور داد ۳۸۴ عدد چمدان و صندوق بسته شود. یک تیم از افراد مورد تأیید فرح جمع آوری و بسته بندی همه گونه عتیقه، جواهرات و الماس های گرانبها، ساعت های تمام طلا، تاج و نیم تاج های تمام زمرد را بر عهده داشتند.



فدا پیامرز پهلوی!

یکی از بحث های پر رواج در ایام دید و بازدیدهای نوروزی، خصوصاً از طرف برخی پیرمردهای فامیل؛ مقایسه وضعیت و شرایط با ایام پهلوی است. برای مواجهه با این مسئله باید با بیان قیاس واقعی میان آن زمان ها و روزگار امروز به نتیجه رسید.

۱. آیا شرایط قبل از انقلاب اسلامی و بعد از آن قابل مقایسه است؟

از تأثیرات مهم سیاسی پس از پیروزی انقلاب اسلامی انتخابات و رای موثر مردم است که باعث می شود کشور از گزند مجلس دست نشانده قدرت های بیگانه خارج از اراده مردم تشکیل شود و دیگر اینکه با تدوین قانون اساسی و تأیید آن توسط مردم و پایبندی مسئولین به آن جلوی هرگونه رفتار مبتنی بر سلیقه و نظر شخصی گرفته می شود و خطوط و جهات و برای رسیدن به افق پیشرفت کشور فراهم می شود. لذا بر این اساس مردم این حق را کسب کردند تا با رای موثر و حقیقی خود در انتخاب عالی ترین مقام رسمی کشور که رهبری می باشد تا شوراها و اسلامی شهر و روستا و محلات را به طور مستقیم یا غیر مستقیم تعیین کنند و موجب شد تا وضعیت از نظام شاهنشاهی و تک قطبی در اداره امور کشور و سرنوشت مردم به نظام مردمسالاری دینی که مبتنی بر اصول قانون اساسی بر آمده از قرآن و شریعت و رای و تأثیر اراده مردم در امور خرد و کلان را شامل می شود تبدیل شود.

۲. حکومت پهلوی ها چقدر خوب و چقدر بد بود؟

رسیدگی به امور کشور و معیشت مردم از وظایف نخستین حکومت ها محسوب می شود که دوران پهلوی ها نیز از این قاعده مستثنی نبوده است. اما پهلوی چه برنامه ای برای تأمین حداقل نیاز های مردم داشت؟ لذا در دوران پهلوی اول همزمان با شعله ور شدن دوران جنگ جهانی ارتباط با نازی های آلمانی قوت گرفت. ایران از تکنولوژی آلمانی ها در حوزه های عمرانی بهره می برد و نازی ها در پازل برنامه های بلند مدت خود در جریان جنگ جهانی،

ایران را متحد موثری می دیدند که از آن طریق بتوانند برای تمرکز قوای متفقین در شوروی سابق تهدید جدی ایجاد کنند. لذا با پیشبرد و تحقق طرح های عمرانی خود در ایران عملاً فضا و موقعیت را برای حضور نظامی خود بر علیه متفقین در ایران از این طریق فراهم نمودند. از سویی دیگر این اقدام پهلوی اول را برای دستیابی به مدرنیته مد نظر خود به هر قیمت، ترغیب می کرد. لذا با رشد قطعی و فقر در ایران و تضعیف و رکود کشاورزی و صنایع تولیدی که عمدتاً در مناطق روستایی وجود داشت فرصت برای مدرنیته سازی جامعه به هر قیمت و شروع روند مصرف به جای تولید بیش از پیش فراهم شد. بنابراین در دوران پهلوی اول ایران و رشد آن در پازل قدرت های خارجی و در قالب شعبه ای از آلمان نازی تبدیل شد.

در دوران پهلوی دوم و پس از نابسامانی ها و آشفتگی های سیاسی در دهه اول حکومت او در نهایت با تحقق کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ توسط قدرت های خارجی با محوریت ایالات متحده آمریکا فضا برای وابستگی بیش از پیش ایران و هضم جامعه ایران در قالب کشورهای تأثیر پذیر پیرامون سرمایه و تحت نفوذ استعمار مهیا می شد. از سوی دیگر به گواه اطرافیان و نزدیکان شاه، سستی و عدم اقتدار و اشراف عمیق او به امور و اداره کشور موقعیت را برای بهره برداری قدرت های منفعت محور مختلف داخلی که کم و بیش با مراکز و سرویس های جاسوسی خارج از کشور نیز رابطه داشتند برقرار می کرد که این مسئله در قالب پازل یکسان سازی کشور ایران با اهداف ابرقدرت های خارجی دقیقاً همسو بود.

در آن سالها سازمان ملل متحد طرحی را برای مبارزه با گرسنگی و سوءتغذیه در ایران اجرا می کرد که براساس آن در مدارس کشور شیر و تغذیه توزیع می شد. لذا از نگاه سازمان ملل متحد کشور ایران جز کشورهای گرسنه جهان محسوب می شد که ضرورت داشت با اجرای طرح های زودبازده با این معضل در ایران مقابله شود که علاوه بر خاصیت تحقیری این طرح برای مردم ایران، فضا برای حضور هر چه بیشتر قدرت های خارجی در اداره و کنترل

شده شاه از ۱۲۰ میلیون دلار بر طبق گفته بعضی وابستگان به خانواده پهلوی تا ۱۰۰ میلیارد دلار طبق برآوردهای نیمه رسمی متغیر است. عباس میلانی که به این خاندان نزدیک است رقمی نزدیک به یک میلیارد دلار را نزدیک تر به واقعیت می داند و هنوز هم مشخص نیست چه میزان از ثروت ایران توسط او و خاندانش به یغما رفته است.

با مرور بیشتر اوضاع خاندان پهلوی با وضع کنونی هر انسان عاقلی به نتیجه می رسد، هر چند وجود فسادهای سازمان یافته هم اکنون نیز در میان برخی سرمایه داران یا سیاسیون غیرقابل انکار است. اما برخلاف رژیم سابق وجود این فسادها جزئی از ماهیت نظام نیست. چه آن که حتی نظام در برخی مواقع عزم خود را برای مبارزه با این مفسدین نشان داده است تا جایی که حتی در همین چند سال گذشته، پای مهمترین مقامات دولت های سابق و وابستگان به سیاسیون مهم همین نظام را به محاکم قضایی کشانده است.

با این تحلیل ممکن است فساد سازمان یافته و گسترده در برخی دستگاه های اداری و حکومتی کشور در حال حاضر وجود داشته باشد که کشف و معرفی عناصر فاسد پس از احراز جرم آنها از مطالبات حقوقی و قانونی مردم است و لازم است دستگاه های مسئول خصوصاً قوه محترم قضائیه به آن اهتمام بیشتر داشته باشد و مبارزه با فساد خصوصاً اقتصادی از اهداف کلان حکومت ها محسوب می شود. اما نباید فراموش کرد تا مادامی که با همکاری مسئولین و مردم نظام یکپارچه اطلاعات از همه کس و همه چیز وجود نداشته باشد عملاً هرگونه مقابله با این اژدهای هفت سر امکان پذیر نیست چرا که نمی دانیم چه کسی چه چیزی دارد که میزان اضافه شدن یا کم شدن آن را بسنجیم و بررسی کنیم آیا شخص یا مجموعه مشروع به چیزی رسیده است یا نامشروع. ضمناً شاید برخی اوقات به همه کس و همه چیز مظنون شویم اما دین اسلام به ما آموخته بر کسی ظن بد نبریم و تا مادامی که جرم او محرز نشده به او تهمت نزنیم چرا که ارزش آبروی مومن از خانه کعبه بالاتر است.

پاسخ به این جنس شبهه ها این است که: ما خودمان زندگی را با عادات مصرف زده؛ برای خودمان سخت کرده ایم.

باید پذیرفت سبک زندگی ما در دهه های اخیر به میزان چشمگیری دگرگون شده است و ظواهر زندگی، محور و ملاک برای برخی مردم در زندگی محسوب می شود و با پایبندی صرف به ظواهر، آن را ملاک پیشرفت و فرهیختگی می دانند. در این شکی نیست که مردم از بزرگترها و در اصطلاح از ملوک شان به معنای افراد الگو، می آموزند اما بدانیم خداوند به هر کس عقل داده تا با سنجش زندگی و خود، مسیر صحیح را پیدا کند و به درستی و با نشانه هایی که خداوند در درون و بیرون او نهفته است تشخیص دهد چه چیزی به صلاح اوست و چه چیزی به صلاح او نیست. لذا از کوزه همان برون تراود که در اوست و خود کرده را تدبیر نیست.

۲. مقایسه دولت های اول انقلاب با دولت های بعد از آن

از آنجا که انقلاب اسلامی ایران با حضور تفکرات و سلاطین مختلف نتیجه گرفت اما عامل بیداری اسلامی و آگاهی توده های عامه مردم را باید علت اسلامی پیروزی و به ثمر نشستن این انقلاب توسط مردم دانست.

از همان لحظات اول پیروزی انقلاب اسلامی گروه هایی که خود را وارث انقلابی می دانستند برای اداره کشور انقلابی ایران پیش قدم شدند. دولت موقت یکی از آن گروه ها بود. این گروه که متشکل از ملی مذهبی ها با محوریت نهضت آزادی بود به عنوان اولین دولت در قالب موقت ایران پس از انقلاب را تشکیل دادند که از همان ابتدا مشی لیبرالی و غرب گرای خود را نمایان ساختند. امام خمینی (ره) فرصت را برای این جمعیت فراهم نمودند تا آنچه برای اداره کشور دارند را اعیان سازند که خیلی زود در مخالفت با جریان تسخیر

این گنجینه از جواهرات و عتیقه جات در مکان های امن کاخ نیاوران نگهداری می شد. فرح بر همه بسته بندی ها نظارت کامل داشت. بسته بندی و جمع آوری دلارهای آمریکایی که از ماه ها قبل نقدا جمع شده بودند توسط بخش مالی دربار انجام گردید. تاج شاهنشاهی با ۳۳۸۰ قطعه الماس و ۵۰ قطعه زمرد، ۳۶۸ حبه مروارید و با وزن ۲ کیلو و ۸۰ گرم و از نظر قیمت غیرقابل تخمین و تاج ملکه با ۱۶۴۶ قطعه الماس و تعداد معتناهایی از جواهرات دیگر و طلا به ارزش ده ها میلیون دلار به عنوان بخش اندکی از جواهرات ربوده شده سلطنتی هستند.

روزنامه فایننشال تایمز در گزارشی به مناسبت قیام های موجود در کشورهای عربی علیه دیکتاتورها، میزان دارایی های خارج کرده از سوی دیکتاتورهای فراری از کشورهای مختلف را بررسی و اعلام کرد: محمدرضا پهلوی، شاه مخلوع ایران ۳۵ میلیارد دلار دارایی از ایران خارج کرده است. نگاهی به برخی فعالیت های افراد نزدیک به شاه مخلوع بعد از سرنگونی رژیم طاغوت نشان می دهد رقم ها بیش از این است. به نظر می رسد این رقم متعلق به خروج مستقیم دارایی به شکل ارز از کشور باشد و املاک و سهام خاندان پهلوی در خارج از کشور در آن محاسبه نشده است. اسناد و مدارک موجود در ایران نشان می دهد بخشی از املاک محمدرضا پهلوی در ایران شامل ۲۲۰ هکتار زمین قبل از خروج او از کشور در سال ۵۷ به فروش رفته و به صورت ارز از کشور خارج شده بود. با این حال بر اساس آمارهایی که روزنامه ها و نشریات آمریکایی منتشر کردند ثروت شاه شبکه پیچیده ای از شرکت ها، بنیادها، حساب های بانکی، زمینی در کوستادال سول اسپانیا، ویلایی در سنت موریس سوییس که بعدها سیلویو برلوسکونی آن را خرید و املاکی در نقاط مختلف دنیا بود.

قرار بود طبق خواسته شاه ثروتش به نسبت زیر تقسیم شود: ۲۰ درصد به فرح دیبا، ۲۰ درصد به پسر بزرگش رضا، ۱۵ درصد به فرحناز، ۱۵ درصد به لیلیا، ۲۰ درصد به علیرضا پسر دیگر شاه، ۸ درصد به شهناز و ۲ درصد به نوه اش مهناز زاهدی. ارزش ثروت تقسیم



فقط اول انقلاب همه چیز فیلی خوب بود!

۱. آیا توقعات آن زمان با توقعات الان برابر است؟

اولین پاسخ منطقی به چنین سوالی باید این باشد. توپ را از زمین دولت و نظام در زمین خودمان بیاندازیم. سبک زندگی مصرف زده و پر توقع این روزها با مدل چند دهه پیش مقایسه شود. اگر قناعت و مناعت طبع آن ایام، کم توقع بودن و نبود چشم و هم چشمی های خانه برانداز آن ایام را این روزها نیز داشتیم؛ آیا زندگی ها این قدر سخت می نمود؟ مثلاً اگر یک دختر و پسر به حداقل های یک مراسم و جهیزیه و... برای یک ازدواج ساده قانع بودند؛ آیا امروز ازدواج ها این قدر سخت می شد؟ پس گام اول برای زمینه سازی

لانه جاسوسی آمریکا توسط دانشجویان خط امام در تهران موضع منعطف و متمایل خود به غرب را افشا کردند.

از سوی دیگر در کمتر از یک ماه پس از پیروزی انقلاب اسلامی گروه های استقلال طلب با چراغ سبز آمریکا و متحدین او با هجوم به مرزهای ایران تلاش کردند تا قومیت های مختلف را بر علیه نظام نوپای اسلامی متحد کنند که از اولین اقدامات جنگ سخت از طرف آمریکا علیه انقلاب اسلامی محسوب می شود. اگر این موارد را در کنار جنگ نفس گیر و همه جانبه هشت ساله کشورهای خرد و کلان در دنیا علیه انقلاب اسلامی در نظر بگیریم در می یابیم همه این اقدامات در جهت جلوگیری از یک مسئله مهم و آن مقابله با عزت و استقلال جمهوری اسلامی ایران بود که تا پیش از آن به انحاء مختلف تضييع و لگدمال می شد. در جریان مقاومت ملت ایران در برابر انواع تهدیدات امنیتی و نظامی و اقتصادی، ملت ها و

مردم بیدار در سراسر دنیا توانستند با الهام گیری از مردم ایران راه مقاومت در برابر قدرت های استکبار جهانی و دیکتاتورهای داخلی کشورهايشان را الگو بگیرند. در ادامه حیات انقلاب اسلامی در احوال دولت ها شاهد هستیم در برخی مواقع رشد و در برخی مواقع نزول داشته اند که هر یک برای مردم و نظام جنبه درس و تجربه گرانقدر داشته است اما در این بین بودند کسانی که یارای مقاومت بیشتر نداشتند و در میانه راه از قطار انقلاب اسلامی پیاده شدند. اما انقلاب اسلامی هر جمعیت و طیفی را حتی المقدور در خود جای داده است و در مواقعی آنها نتوانسته اند انقلاب و ارزشها و اهداف آن را تحمل کنند لذا مسیر خود را جدا کردند و این نشان از ظرفیت سرشار انقلاب اسلامی دارد که فرصت را به هر کس و هر طیفی برای اثبات خود می دهد اما پس از آن دیگر جای هیچگونه بهانه گیری نیست.

هستیم که علاوه بر رشد سواد او منجر می شود تا در کنار مرد سکان دار مناسبی برای رشد و اعتلای خانواده باشد.

امروزه در غرب مفهومی تحت عنوان خانواده معنای خود را از دست داده است و شاهد پدیده درونی شدن و منزوی شدن انسان غربی خصوصاً در سبک زندگی هستیم. در آمارها گفته می شود یک سوم از فرزندان متولد شده در غرب حرامزاده هستند که این خود گواهی بر وخامت و آشفتنگی فرهنگ خانواده و افزایش پدیده هم خانگی در غرب دارد.

جامعه غربی در حوزه اقتصاد کلان و معطوف به آینده با مشکل جدی روبرو است و روزانه در آمریکا به جمع بی خانمان ها و فقرا اضافه می شود. آنان که در جنگ افزوری های آمریکا در کشورهای دیگر جان افراد بی گناه را برای صاف کردن جاده توسعه طلبی سیاست مداران غربی جان افراد بی گناه را گرفتند از فرط عذاب وجدان و جراحات روانی ناشی از آن جنگ ها دچار فشار روانی پس آسیمی PTSD شده و اسلحه به دست گرفته و یکباره تعدادی دانش آموز یا شهروند بی گناه را هدف گلوله باران خود قرار می دهند.

در ایران هنوز هم با فرارسیدن ایام نزدیک به عید نوروز یا در نزدیکی ایام بازگشایی مدارس مردم ایران در عین نوع دوستی و محبت هر کس در حد وسع خود سعی می کند تا از قافله مهر و مهربانی و عطوفت جا نماند و چنین جامعه ای با تمام مشکلات و موانع موجودش همیشه زنده و پویاست چرا که در آن محبت جاریست و در چنین جامعه ای که مردم بر مردم رحم می کنند خدا هم بر آنها رحم می کند که یقیناً این از تاثیر معنویت بر جامعه و مردم است.

در جامعه ایران هنوز پدیده صله رحم علی رغم کم فروغ شدن آن برقرار است و یک ارزش محسوب می شود و این موجب حفظ و تقویت کهن الگوی ایرانیان که در دنیا زبانزد است شده است و آن خصلت پسندیده و ایرانی اسلامی مهمان نوازی است.

امروزه در ایران با رشد بیش از پیش علم پزشکی دیگر نیاز نیست با هزینه های سنگین بیماران را برای مداوا به خارج از کشور بفرستند و در ایران با وجود برخی مشکلات در حوزه بهداشت و درمان اما فرزندان همین کشور با توانایی و همت توانستند وابستگی بیدادگر ایران به علم پزشکی کشورهای دیگر خصوصاً اروپا و آمریکا را شدیداً کاهش دهند و رشد و پیشرفت علم پزشکی و کشف و ابتکارات نخبگان پزشک ایرانی در طی سالهای اخیر خود گواهی بر این مدعاست.

دانستن برخی از این آمارها در بحث بیشتر کمک می کند:

(توجه کنیم بیان و ابراز این آمارها در گنده های دوستانه نباید به گونه ای باشد که گویا ما هیچ مشکلی نداریم و هر چه بیچارگی است برای غرب است-تصویری کاریکاتوری مثل اخبار ساعت ۲ شبکه یک سیما- بلکه قرار است بگوییم؛ بهشتی که برای برخی

ها قبله آمال تصور شده است؛ خیلی با ماهیت حقیقی اش فاصله دارد.

-طبق آمار اتحادیه اروپا، تعداد زنان قربانی بردگی جنسی در

این قاره به سالانه ۵۰۰۰۰۰ نفر افزایش یافته و تجارت



کشورهای غربی بهشتند و ایران جهنم است!

این جنس شبیهه ها را بیشتر از افرادی می شنویم که چند صباحی توفیق خارج نشینی برای شان مهیا شده است؛ ولو در حد یک سفر تفریحی چند روزه. یا یکی از آشنایان شان به خارج رفته و کلی تعریف و تمجید از خیابان های شیک و ماشین های مدل بالا و دختران چشم آبی کرده است. آن قدر که آب از لب و لوجه ها فوران کرده و هر جا که می روند حسرت خود را از نداشتن این سبک زندگی ابراز می دارند!

بهشت شداد!

قبل از این که بخواهیم غرب را از نظر رفاه اجتماعی نقد کنیم و بگوییم «خیلی هم در غرب آن خبرها نیست» بهترین منفذ ورود به چنین شبهاتی؛ پاسخ به این سوال است: «به چه قیمتی؟!»

با نگاه به آمارهای اجتماعی در کشورهای غربی در می یابیم با رنگ باختگی نعمت و عنصر خانواده آمار تجاوز به عنف در غرب، افزایش برهنگی در محصولات رسانه ای و فراموشی رسوم کهن و پایه زندگی غربی خصوصاً طی سالهای اخیر دیده می شود. رشد ابتلاء به بیمارهای افسردگی که ناشی از بی هویتی و تنهایی است و تلاش در جهت درمان آن رو به افزایش چشمگیر است. اما در جامعه ایران خصوصاً طی دهه های اخیر علاوه بر تهدیدات ریز و درشت فرهنگی در جامعه خصوصاً در حوزه های فرهنگی شاهدیم حضور زنان در ایران در فعالیت های فرهنگی و آموزشی و دانشگاهی رشد قابل توجه داشته که نشانگر رشد شخصیت زن در جامعه و آگاهی از حقوق و توانایی های خود است. با نگاه به وضعیت فرهنگی در دوره حکومت پهلوی روشن است که آمار بی سوادی من جمله در میان زنان قابل توجه است اما پس از پیروزی انقلاب اسلامی حضور زن در محیط دانشگاهی را شاهد

غیرقانونی انسان، رقمی بالغ بر ۱۰ میلیارد دلار را به جیب تاجران سرازیر می‌کند.

- اداره ملی آمار انگلیس با انتشار گزارشی اعلام کرد درآمدهای ناشی از قاچاق مواد مخدر و روسپی‌گری در سال ۲۰۱۳ به حدود ۱۰ میلیارد و ۹۰۰ میلیون یورو رسید که نیم درصد کل تولید ناخالص داخلی این کشور را تشکیل می‌دهد.

- حدود ۲۸ درصد از دانشجویان دختر در آمریکا مورد تجاوز جنسی قرار می‌گیرند.

- بر اساس گزارش «وزارت دادگستری آمریکا»، از هر ۴ دختر دانشجوی ۱ نفر مورد تجاوز جنسی قرار می‌گیرند ولی کمتر از ۵ درصد از این تجاوزها به منظور برخورد به مراکز قضایی گزارش می‌شود.

- در آمریکا سالانه یک میلیون و صد هزار مورد «سقط جنین» اتفاق می‌افتد و بیش از ۵۱ درصد از این سقط جنین در زنان زیر ۲۵ سال رخ می‌دهد. با توجه به بازه سنی زنانی که سقط جنین را تجربه می‌کنند دانشجویان در صد قابل توجهی از این تعداد را به خود اختصاص می‌دهند.

- آمریکا دارای بالاترین تعداد زندان و زندانی در جهان است. بنا بر آمار منتشره در سال ۲۰۱۱ تعداد ۲۰۰/۰۸۱/۲۱۸ میلیون نفر زندانی در زندان‌های مختلف آمریکا مدت حبس خود را سپری می‌کردند. به عبارت دیگر از میان هر ۱۴۲ نفری که در آمریکا ساکن هستند یک نفر در زندان است. تاسف بار تر این که تقریباً ده درصد از زنانی که در زندان‌های آمریکا به سر می‌برند به اجبار تن به خواسته‌های جنسی نگهبانان خود می‌دهند.

- هم‌اکنون ۸۹ درصد محصولات پورنوگرافی در کشور آمریکا تولید می‌شوند و بقیه کشورهای جهان ۱۱ درصد از این نوع تصاویر و فیلم‌ها را تولید می‌کنند. در سال ۲۰۰۶، وبسایت‌های مستهجن آمریکایی درآمدی بالغ بر ۲/۸۴ میلیارد دلار داشتند.

- مطالعه‌ای که توسط «مؤسسه تحقیقاتی پیو» در دهه ۱۹۶۰، ۶۸ درصد از افرادی که بیست و اندی سال سن داشتند ازدواج کرده بودند. این در حالی است که هم‌اکنون تنها ۲۶ درصد از افراد این بازه سنی ازدواج کرده‌اند. بنا به گزارش این مؤسسه تحقیقاتی اقتصاد رو به افول آمریکا نقش مستقیمی در این پدیده داشته است و با ضعف روزافزون اقتصاد این کشور و کاهش فرصت‌های شغلی جوانان این کشور نیز دیگر رغبتی به ازدواج و تشکیل خانواده ندارند. این در حالی است که میزان زندگی مشترک بدون وجود ازدواج در بین آمریکایی‌ها در حال افزایش است و بر اساس گزارش «اداره سرشماری آمریکا» از سال ۱۹۰ تاکنون دو برابر شده است.

- متوسط درآمد یک خانواده سفیدپوست ۱۱۰۷۲۹ دلار و میانگین درآمد یک خانواده سیاهپوست آمریکایی تنها ۴۹۵۵ دلار است که باعث شده است آمریکا در بین ۱۳۶ کشور جهان در رده‌بندی برابری درآمد و شکاف طبقاتی رتبه‌ای بهتر از ۹۳ را کسب نکند. ایران در این رده‌بندی جایگاه ۶۸ را دارد.

- طبق پژوهش استیگلیتز از اقتصاددانان آمریکایی، دست کم ۴۰ درصد از ثروت ایالات متحده در دست تنها یک درصد شهروندان آمریکایی است

ولی همچنان با تمام ضعف‌ها و کمبودها سپاه در حوزه‌های داخلی و خارجی به این مهم به عنوان هدف کلان اهتمام داشته است. سپاه توانستند با فعالیت‌های عمرانی گسترده در صنایع نفت و گاز و انرژی و سد سازی و پل سازی نقش بارزی را در رشد کشور داشته باشد که این مسئله در واقع ادامه مسیر جهاد سازندگی در ایام دفاع قدس بود. همچنین سپاه توانست در ایام تحریم‌های اقتصادی و انرژی در جهت خنثی سازی تحریم‌ها با تکیه بر توان داخلی تلاش کند. هم‌اکنون با تلاش‌های سپاه و همراهی با دولت موفق شده است تا خود را به عنوان یکی از قدرت‌های عمرانی در زمینه ساخت سد و پل در دنیا مطرح کند که این افتخاری برای تمامیت جمهوری اسلامی ایران محسوب می‌شود.

۲. فعالیت‌های نظامی و دفاعی سپاه از مبارزه با

تجزیه‌طلبان و حضور در دفاع مقدس تا به حال چگونه بوده است؟

فعالیت سپاه در مقابله با ضد انقلاب در کمتر از یک ماه پس از پیروزی انقلاب اسلامی و حضور در مقابله با گروهک‌های تروریستی خصوصاً منافقین هم‌زمان با تأثیر موثر در جبهه‌های جنگ تحمیلی آغاز شده و امروزه در جهت رشد توان دفاعی و بازدارنده ایران با هدف مقابله با تهدیدات احتمالی دشمنان همچون گذشته فعالیت دارد. رشد توانمندی‌های نظامی در سطح جهان توسط سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به گونه‌ای بوده است که این صنایع در قامت صنایع پایه با الهام از توانمندی‌های تکنولوژیکی نظامی در صنایع غیر نظامی تأثیر گذار بوده است و پرتاب موشک ماهواره بر از این دست اقدامات است. هم‌اکنون سپاه با کنترل و نظارت بر مرزهای حساس کشور دوشادوش با ارتش سرفراز جمهوری اسلامی ایران نقش ویژه‌ای در دفع تهدیدات احتمالی دشمنان فرصت طلب جمهوری اسلامی ایران و انقلاب اسلامی خصوصاً آمریکا و تلاش در جهت حفظ عزت و استقلال و اقتدار ملی داشته‌اند.



امان از دست سپاهی‌ها!

فحش خور «سپاه» در گعده‌های فامیلی که یکی-دونفر از طیف «غر زندگان» در آن حضور دارند؛ معمولاً بیش از هر قسمتی از نظام است! از طرح شبهه‌تانی پیرامون پروژه‌های اقتصادی سپاه گرفته، تا بگیر و ببندهایی که به سپاه نسبت داده می‌شود.

۱. سپاه پاسدار انقلاب بوده است یا صاحب انقلاب؟

سپاه پاسداران انقلاب اسلامی با پایان جنگ و ورود به فعالیت‌های اقتصادی و عمرانی سپاه فضا را برای سازندگی کشوری که تا چندی قبل از آن درگیر جنگ بود بیش از پیش فراهم کرد. فعالیت‌های اقتصادی با هدف کمک به رشد و آبادانی و توسعه کشور و کمک به دولت در این زمینه صورت گرفت و البته که شاید در این مسیر تغییر اولویت‌ها صورت گرفته باشد

نقطه تهران سپاه برای کارکنانش خریده است و این شایعه دست به دست می گردد اما هیچ کس وجود ندارد که سندی مقبول برای این ادعا ارائه کند.

۲. فعالیت های عمرانی سپاه پاسداران در سطح کشور: طبیعی است یکی از وظایف سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در دوران صلح انجام خدمات امدادی، آموزشی، تولیدی و جهاد سازندگی به درخواست دولت و با رعایت کامل موازین عدل اسلامی است. لذا در راستای تحقق این هدف که از وظایف سپاه پاسداران محسوب می شود؛ قرار گاه سازندگی خاتم الانبیا (علیه السلام) آغاز به کار کرده است و تا کنون دهها پروژه و طرح عمرانی را در کشور و به ویژه مناطق محروم با بالاترین کیفیت و کمترین هزینه به اتمام رسانده است. این مرکز با اجرای طرح های بزرگ ملی و محلی در زمینه های گوناگون، مانند سد سازی، جاده سازی، زه کشی و احداث کانال، ساخت تصفیه خانه، احداث خطوط انتقال آب و گاز و نفت، ساخت سازه های شناور، بندر، اسکله و موج شکن، ساخت پالایشگاه، احداث تونل، سازه های زیرزمینی، مخازن نفت و آب، حمل و نقل، معدن، کشاورزی، خدمات مشاوره ای و ...، کمک به دولت جمهوری اسلامی و خدمت به مردم را هدف خود قرار داده و در حال حاضر در حال اجرای فاز ۱۵ و ۱۶ پارس جنوبی می باشد که در آن از هیچ خارجی ای استفاده نشده است و این در حالی بود که تا پیش از این تنها نیروهای خارجی و یا نیروهای داخلی با همکاری نیروهای خارجی می توانستند این پروژه ها را اجرا نمایند. البته برخی از پروژه ها نیز به دلیل داشتن ابعاد امنیتی و عدم امکان محول نمودن آن به شرکتهای خارجی و نیز ضعف شرکت های داخلی در کنار نقاط قوت این قرار گاه که در اثر تجربیات هشت سال دفاع مقدس و فعالیت های عمرانی پس از آن و نیز روحیه جهادی کارکنان آن حاصل شده است. آیا به این قبیل اقدامات می توان عنوان فعالیت اقتصادی اطلاق نمود؟

۳. فعالیت برخی اعضای سپاه پاسداران انقلاب اسلامی پس از بازنشستگی در عرصه های اقتصادی و به ویژه فعالیت کسانی که در دوران خدمت خود در سپاه در بخش های عمرانی مشغول به کار بوده اند، در بخش های عمرانی و ساخت و ساز باعث شده است تا برخی افراد مغرض فعالیت آنها را که به عنوان فعالیت کاملاً شخصی و به دلیل تجربیات کسب شده در طول دوران خدمت بر اساس حق طبیعی شهروندی شان انجام می شود را به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی نسبت دهند که این انتساب نیز صحیح نبوده و نمی توان نام آن را فعالیت اقتصادی سپاه نهاد.



۳. چرا سپاه باید در کشورهای دیگر ورود کند؟

هر چند وضعیت چند ساله گذشته، همه را خیلی خوب شیرفهم کرده است که چرا ما باید در خارج از ایران حضور فعال داشته باشیم؛ اما ممکن است همچنان از این موضوع به عنوان یکی از شبهات پرتکرار در گفدها مطرح شود.

حقیقت این است که کمک به مردم مظلوم جهان، چه در عراق و سوریه و چه در فلسطین؛ از گذشته براساس آموزه های اسلامی و کمک به ممنوع صورت می گرفته است و اختصاصی به پس از انقلاب ندارد. مراجع جهان بزرگ جهان اسلام پس از مشروطیت همواره بر کمک به فلسطین به رهجو برای رهایی از چنگال رژیم غاصب تاکید داشتند.

پس از انقلاب، حکومت اسلامی ایران نیز حسب وظیفه دینی و تاکید قانون اساسی آزادسازی همه مظلومین در سراسر عالم -نه فقط در فلسطین یا کشورهای اسلامی- را حمایت و پشتیبانی می کند. از سوی دیگر با کنترل و حمایت هسته های مقاومت و آزادی بخش در خصوصاً منطقه خاورمیانه تهدیدات (چه از جنس اسرائیل و چه از جنس داعش) از مرزهای ایران به عنوان مرکز کنترل و فرماندهی این حرکت عظیم در جهان اسلام، دور شده و امنیت ملی آن تامین می شود. همان بحثی که در مباحث نظامی از آن تعبیر به «جنگ نیابتی» یا (Proxy war) می کنند.

از سوی دیگر همان طور که گفته شد، مبتنی بر منطق جمهوری اسلامی ایران، کمک مادی و معنوی به طور خاص به دشمنان رژیم غاصب و نژادپرست اسرائیل را به عنوان خطری برای کل بشریت و اسلام را برای خود واجب می دانند.

۴. فعالیت سیاسی و اقتصادی سپاه تاکنون چگونه بوده است؟

امام و رهبری نقش بصیرت دهنده و آگاهی بخش را برای سپاه در فضای سیاسی قائلند و آن را از هرگونه فعالیت جناحی و طیفی و سیاسی پرهیز داده اند. افرادی بوده اند که از سپاه وارد فضای سیاسی و انتخابات شده اند اما طبق قانون قبل آن از سپاه استعفا داده اند.

ر سالهای اخیر سخنانی در زمینه فعالیت های اقتصادی سپاه پاسداران در سطح جامعه انتشار یافته است که به نظر می رسد منشأ این حرف و حدیث ها سه عامل باشد:

۱. شایعات غیر واقعی که بعضاً پراکنده می شود اما هیچ کس هیچ سند قابل قبولی برای آن ادعاها بیان نمی کند. مثلاً گفته می شود فلان تعداد ساختمان های مجمل را در بهترین



سازی و مصون نگه داشتن جامعه از آسیب های اجتماعی می شود مردم خود راه ارزشمند پوشش و عفاف و حجاب اسلامی حداقل برای کسب آرامش انسانی را انتخاب کنند تا مانند ابزاری یکبار مصرف اسیر مصرف زدگی هوی پرستان و فرصت طلبان نشوند. شکی نیست که این مسئله در ابتدا با فرهنگ سازی و جهت دهی و آگاهی بخشی منطقی و صحیح به مردم صورت می گیرد اما همیشه برای قانون شکنانه و هنجار ستیزان نیز باید اهرم کنترل کننده ای وجود داشته باشد تا آرامش و امنیت اجتماعی برای رشد و پیشرفت جامعه فراهم باشد و این قاعده در همه کشورهای دنیا در مقابل ارزش ستیزان و قانون شکنان اعمال می شود. لذا همزمان با اقدام سخت در برابر ناقضان آرمش و امنیت اجتماعی لازم است تا مردم و افراد جامعه خود با ارزش حجاب پی ببرند. هم اعمال قانون لازم است و هم نگاه فرهنگی. اگر می بینیم در برخی مقاطع اقداماتی مانند گشت ارشاد پاسخگو و اثر گذار نیست شاید به این دلیل است که از این ابزار بیش از کارایی و توان آن توقع اثر داریم خصوصاً در مسئله عفاف و حجاب که مسئله فرهنگی محسوب می شود.

شده و عملاً تاثیر خود را در فضای فرهنگی به طور غیر مستقیم گذاشته است که در یک نمونه موجب کم رنگ شدن نظام خانواده که پایه اصلی ساختار اجتماعی را تشکیل می دهد شده است که به عنوان مثال بیمارهای روانی و افسردگی ناشی از کم رنگی و ضربه به نظام خانواده ناشی از نابسامانی های فرهنگی و رهاسازی بی قید و شرط و شکسته شدن حریم ها در غرب است. از سوی دیگر با سست شدن قواعد روابط بین انسان ها نقش زن و مرد خصوصاً زن از کارکرد خاص خود دور شده است. اینها در شرایطی است که به گواه مراکز آماری غربی برخی کشورها به این موضوع فاجعه پی برده و در صدد اصلاح و جبران وضعیت هستند که یکی از نشانه های آن اشتیاق و جذب به اسلام در گوشه و کنار برخی کشورها غربی است. در مجموع عدم رعایت حریم های بی فردی و تضعیف ارزش های انسانی باعث از دست رفتن آرامش و ثبات در انسان غربی شده است.

۳. آیا حضور اهرم قدرت و گشت ارشاد باعث رفع فساد و بی حجابی شده است؟

مقوله عفاف و حجاب یک مسئله صددرصد فرهنگی محسوب می شود و با راهنمایی و آگاه

۱.۰ در کشورهای خارجی و غربی سخت گیری فرهنگی نیست؟

شاید برخی ادعا کنند در کشورهای غربی در حوزه کنترل اجتماعی فرهنگی سخت گیری و نظارت لازم وجود ندارد. در رد این بیان اشاره به این نکته شاید کافی باشد که بخشی از محصولات رسانه ای که در غرب برای مردم کشورهایی مانند ایران تولید می شود حق اشتراک و توزیع در برخی از همان کشورهای غربی را ندارد و این محصولات با اهداف مشخص برای اثرگذاری بر قشر مشخصی از مردم دنیا تولید می شود. مشخص است که هر کشور تلاش می کند تا از ورود فرهنگ ها و به زعم خود ارزش های مهاج به کشورش جلوگیری کند در کنترل و نظارت بر آن اهتمام جدی داشته باشد که البته کشورهای غربی نیز در این کنترل و نظارت از بسیاری از کشورها جدی تر عمل می کنند.

۲. آیا در کشورهای غربی جلوگیری نکردن از بی حجابی باعث فساد نشده است؟

شاید آزادی حجاب و نشر اباحه گری آزادی های خاص اجتماعی خصوصاً در زمینه پوشش مستقیماً در غرب تاثیر نگذاشته باشد اما در کشورهای غربی بروز برخی جاذبه های جنسی به مرور عادی



«واعدوا لهم ما استطعتم من قوه ترهبون به عدو الله و عدوكم». نعمت امنیت و اقتدار موضوعی است که هیچ کسی و در هیچ زمانی اهمیت آن را منکر نبوده و نیست. تمامی عقلا و رهبران و انبیاء و اولیاء و حتی خداوند متعال نیز بر این امر توصیه و تاکید دارند. به همین دلیل پر واضح است که اگر این نعمت نباشد هیچ جامعه ای پایدار و سالم نخواهد بود. امنیت در سایه نیروهای نظامی، انتظامی و امنیتی مقتدر برقرار می شود. کشورهای دنیا به چند گروه تقسیم می شوند. ۱- کشورهای سلطه گر ۲- کشورهای سلطه پذیر ۳- کشورهای مستقل مقتدر ۴- کشورهای مستقل وابسته. با دقت در تقسیم بندی فوق به آسانی وضعیت اقتدار کشورها مشخص می گردد.

کشور اسلامی ایران که در زمان رژیم شاهنشاهی علیرغم برخوردار بودن از نیروی نظامی به ظاهر قوی و مجیز، به دلیل سلطه پذیر بودن رژیم شاهنشاهی، نیروهای مسلح کشور در خدمت سلطه گران و برقرار کننده امنیت و سلطه آنان و بالخصوص امریکا در منطقه قرار داشت. اما پس از پیروزی انقلاب اسلامی و به دنبال اخراج سلطه گران، کشور نیاز مضاعفی به یک نیروی مسلح قوی و مقتدر داشت زیرا علاوه بر تامین امنیت داخلی باید با تهدیدات منطقه‌ای هم مقابله می نمود. ضمناً می بایست توطئه‌های مستمر و بی پایان امریکا و اذتابش را هم کشف و خنثی می نمود.

با اندک دقتی در روند تولید علم کشور می توان دید، جمهوری اسلامی ایران در بین کشورهای با رتبه تولید علم بالا قرار گرفته است. مشاهده این واقعیت و علاوه بر آن توان علمی دانشگاه‌های کشور، آدمی را به فکر و می دارد که چرا چنین روند با سرعتی در ظهور فناوری‌های نظامی دیده نمی شود؟ هرچند این امر در صنعت با وضوح بیشتری قابل مشاهده است، لکن این نوشتار به بحث پیرامون مسائل نظامی می پردازد.

واضح است دستیابی به یک امنیت اجتماعی و فراگیر در کشور، نیازمند بودجه و اعتبارات مالی بسیاری است. مسلم و منطقی است که هر مقدار برای ایجاد امنیت و آرامش ملت هزینه گردد در مقایسه با خسارات مالی و جانی ناشی از نا امنی و تهدیدات داخلی و خارجی توجیه پذیر است و پر واضح است که هر کشوری برای امنیت خود کمتر هزینه کند نتیجه ای جز نا امنی و هرج و مرج و سلطه بیگانگان را دریافت نخواهد کرد.

در برهه ی پیش از انقلاب اسلامی هزینه های بسیار گزاف و افراطی از جیب ملت و بیت المال صرف نیروهای مسلح و امنیتی می شد هزینه هایی که با دستور و طرح امریکا برای کنترل منطقه و به سود منافع این کشور صورت می پذیرفت. هرچند این هزینه ها امنیت و آرامشی برای ملت ایران نداشت و ملت در خفقان و وحشت فراگیر به سر می برد.

بعد از پیروزی انقلاب اسلامی به دلیل خزانه های خالی ناشی از غارت بیت المال توسط ایادی شاه، وجود توطئه ها، تهدیدها و تهاجمات همه جانبه مکرر و برقراری تحریم های سنگین دنیا بر علیه کشور ما، علی رغم نیاز شدید به اعتبارات مالی هنگفت، اختصاص

اعتبار به نیروهای مسلح شرایط خوبی نداشته است. دولت های مختلفی که تاکنون در مسند حکومت قرار گرفته اند با اختصاص بخش نسبتاً کمی از بودجه سالیانه به نیروهای مسلح عملاً نتوانسته اند نیازهای واقعی آنها را برآورده نمایند. با مشاهده لایحه بودجه ۹۵ که اخیراً توسط رئیس جمهور به مجلس برده شد از میزان بودجه کل نیروهای مسلح کشور کاسته شده است.

با مطالعه و مقایسه میزان بودجه دفاعی نظامی کشورهای دنیا، مشاهده می گردد که ایران کمترین میزان اعتبارات به نیروهای مسلح را به خود اختصاص داده است (مثلاً در سال ۹۴ اسرائیل با حداکثر ۳ میلیون جمعیت حدوداً ۱۷ میلیارد دلار بودجه نظامی داشت است و ایران با ۸۰ میلیون جمعیت حدوداً ۶ میلیارد دلار اعتبارات دفاعی داشته است.) البته میزان بودجه نظامی کشور همواره در همه دولت ها با اغماض مواجه بوده است. شاید تنها بتوان از دولت نهم و دهم در این موضوع به نیکی یاد کرد که حداقل سطح هزینه های دفاعی را توانست بالا بکشد. اما در مجموع در دولت نهم و دهم نیز مانند سایر دولت ها بودجه دفاعی کشور ذاتاً با کمبودهایی همراه بوده است. اکنون بی اعتنائی به این حوزه در دولت تدبیر و امید به طور قابل توجهی افزایش پیدا کرده است و این موضوع ناشی از پارادایم خاص دولت حسن روحانی در اداره کشور است. در این پارادایم تکیه بر توان فکری و تولید داخل جای خود را به خرید از سایر کشورها داده است. در وضعیت امروز جامعه جهانی افزایش بودجه دفاعی و نظامی از این رو دارای اهمیت مضاعف است که این حوزه به یک صنعت پر سود و منفعت برای کشورها بدل شده است. بی اعتنائی به این صنعت در ایران اسلامی با توجه به پتانسیل فراوان در نیروی آکادمیک و همچنین موقعیت برجسته استراتژیک کشور ما در بدست آوردن بازار صنایع دفاعی در میان کشورهای منطقه گناهی نابخشودنی محسوب می شود. موقعیت خاص ژئوپولیتیک کشور ما که شباهت به کشورهای چون عراق و سوریه دارد کار را برای صادرات سلاح های مورد نیاز این کشور ها آسان می کند در حالی که روسیه و امریکا به عنوان بزرگترین فروشندگان تسلیحاتی به این کشور ها برای این منظور ملزم به ساخت سلاح هایی متناسب با ویژگی های این منطقه هستند. متأسفانه باید به این حقیقت اذعان کرد که بی توجهی به حوزه دفاعی در کشور در شرایطی اتفاق می افتد که بر چتر حمایتی دولت از صنعت کم بازده یا بدون بازده خودرو سازی روز به روز گسترانیده تر می شود. حمایت های مالی و معنوی دولت مردان از شبه صنعت خودروسازی کشور در همه این سال ها به وضوح قابل رویت بوده است.

مخلص کلام اینکه تمامی احوالات گفته شده، این پیشنهاد را به ذهن متبادر می کند که بسیار شایسته است تا به صنعت نظامی به دلیل اهمیت خاص آن در میان سایر صنایع نوین جهانی و سود آوری اش در قیاس با آن ها در برنامه بلند مدت کشور اندیشید.

کافی نیست!

تشریح پیشرفت صنایع دفاعی در سالی که گذشت



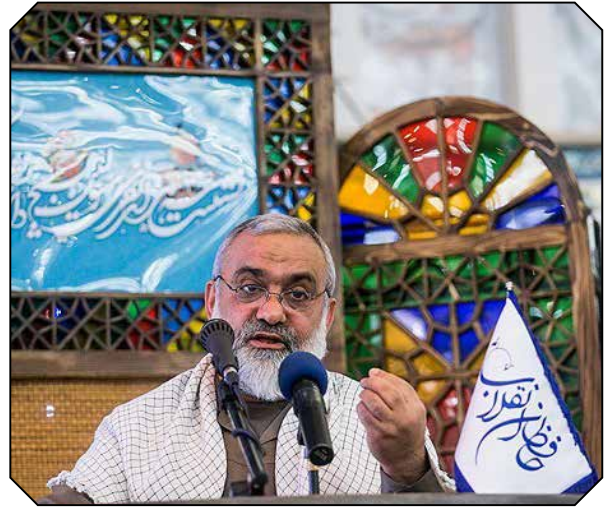
گزارشی از فعالیت‌های سازمان بسیج دانشجویی کشور در سال ۹۴

نشست سه‌هزار نفری مسئولین بسیج دانشجویی دانشگاه‌های سراسر کشور

داخل و خارجی مجدداً بر شمرند و یادآوری کردند. در این نشست که طی روزهای ۲۰ و ۲۱ بهمن ماه سال ۱۳۹۴ برگزار شد سردار نقدی رئیس سازمان بسیج مستضعفین، حجت الاسلام و المسلمین محمدیان مسئول نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاهها، سردار فدوی فرمانده نیروی دریایی سپاه پاسداران، علی رضا قزوه شاعر جبهه فرهنگی انقلاب اسلامی، سردار سلامی جانشین سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و سردار رضا سراج تحلیلگر سیاسی از میهمانان ویژه این نشست بودند. در این نشست از «بسته پشتیبان محصولات اقتصاد مقاومتی» محصول قرارگاه شهید باقری سازمان بسیج دانشجویی کشور رونمایی شد.

همچون سالهای گذشته شبستان مصلی امام خمینی (ره) پذیرای تعداد کثیری از مسئولین بسیج دانشجویی کشور بوده تا طی دو روز با تقویت مواضع و یادآوری مجدد اولویت‌ها در آستانه دو انتخابات مهم و سرنوشت ساز مجلس شورای اسلامی و مجلس خبرگان رهبری حضور به هم رسانند.

در این نشست دو روزه که به میزبانی سازمان بسیج دانشجویی کشور برگزار شد مقامات و مسئولین لشگری و کشوری با حضور در میان مسئولین بسیج دانشجویی سراسر کشور ضمن هدایت و آگاهی بخشی به قشر جوان و سازنده دانشجو، وضعیت و شرایط روز کشور را تبیین و افق‌های پیش روی نظام جمهوری اسلامی ایران در عرصه



گزارش فعالیت های ستاد دانشجویی اربعین

الف) اعزام و پشتیبانی

اقدامات زیر برای بیش از ۱۲ هزار دانشجو (زائران انفرادی و گروهی) انجام شده است:

۱. ایران

- تشکیل ستاد دانشجویی اربعین در مرکز استان ها جهت ساماندهی فعالیت های دانشجویی اربعین با هماهنگی و حمایت وزارت علوم، تحقیقات و فن آوری
- تشکیل کمیته های تخصصی ستاد دانشجویی اربعین
- هماهنگی با ستاد عمره و عتبات دانشگاهیان و سازمان وظیفه عمومی ناجا برای صدور مجوز خروج دانشجویان مشمول
- هماهنگی صدور مجوز خروج ۱۰ هزار دانشجو توسط ستاد های استانی با دریافت تعهد نامه محضری و بدون گذاشتن ودیعه
- برگزاری نشست یکروزه مسئولین ستاد دانشجویی استان ها در تهران برای شرکت در همایش فعالان فرهنگی اربعین و همچنین شرکت در جلسه توجیه ایشان برای فعالیت های دانشجویی اربعین ۹۴

- ثبت نام و اعزام ۷ هزار نفر از دانشجویان دانشگاه های کشور توسط دانشگاه ها و ستادهای استانی

۲. مرز

- برپایی موبک دانشجویی در مرز چزابه و ارائه خدمات اسکان و تغذیه به کاروان های دانشجویی (ستاد دانشجویی اربعین خوزستان)
- برپایی موبک اسکان و ایستگاه صلواتی برای عموم زائران در مرز مهران (ستاد دانشجویی اربعین استان ایلام)

۳. عراق

- شناسایی، هماهنگی و معرفی مراکز اسکان و تغذیه در نجف و کربلا به کاروان ها
- هماهنگی اتوبوس های کاروان های دانشجویی در عراق از طریق شرکت شمس (از مرز چزابه)
- سرکشی و نظارت میدانی از وضعیت کاروان های دانشجویی

۴. اعزام خادم

ب) فرهنگی

۱. برگزاری اولین کنگره شعر دانشجویی اربعین

- فراخوان از طریق فضای مجازی و پیامک
- دریافت ۴۰۰ اثر
- برگزاری مراسم کنگره در تاریخ ۹۴/۹/۲۷ در دانشکده ادبیات دانشگاه تهران با سخنرانی حجت الاسلام والمسلمین پناهیان و حاج سعید حدادیان و شعرخوانی جمعی از شاعران آئینی برجسته کشور
- رونمایی از کتاب شعر دانشجویی اربعین
- تقدیر از نفرات برتر

۲. برگزاری دوره آموزشی سفیران اربعین برای دانشجویان

- باهدف ارتقاء مهارت های تعامل با جوانان امت اسلامی در پیاده روی اربعین با حضور اساتید عربی از دانشگاه های تهران به صورت مجزا برای خواهران و برادران در ۶ روز





- ۵۰ نفر خواهر و ۵۰ نفر برادر

۳. کمک به تولید نرم افزار جامع اربعین

- راهنمایی و توجیه گروه تولیدکننده (دانشجویان دانشگاه شریف)

- ارائه محتوای مورد نیاز

۴. برگزاری مراسم یادواره اولین شهدای ایرانی مدافع حرم مدفون در وادی السلام نجف

- هماهنگی با رایزنی فرهنگی ایران در عراق

- هماهنگی با جیش المهدی عراق

- تبلیغ مراسم در فضای مجازی و توزیع تراکت دستی در بین زائران در نجف

- برگزاری مراسم با حضور زائران ایرانی با روایتگری برادر هاشم اسدی (جانباز مدافع حرم) و

سخنرانی حجت الاسلام پناهیان و مداحی حاج مهدی رسولی

۵. تولید محصولات فرهنگی

طراحی، تولید و توزیع محصولات فرهنگی پرچم، سربند، پیکسل و عروسک نمادی بند انگشتی ویژه

کودکان دختر برای اهداء به کودکان عراقی با موضوع «قدس» در بین دانشجویان اعزامی:

۶. جریان سازی فرهنگی طرح اربعین: هر زائر نایب یک شهید

- احصاء و نشر قسمت‌هایی از وصیت‌نامه شهدا با محتوی آرزوی زیارت کربلا

۷. حمایت از پویش‌های دانشجویی-مردمی (الی بیت المقدس) و (یا قدس انا قادمون)

۸. راه اندازی دسته عزاداری دانشجویی در شام اربعین در کربلا (کاروان دانشجویی طریق القدس)

ج) موبکب الشباب الرضوی (عمود ۲۵۷)

۱. تامین زمین موبکب

۲. احیاء زمین

۳. تعامل با بومی ها و موبکب داران عراقی

۴. امور فنی و تأسیساتی

۵. اسکان

۶. ایستگاه صلواتی شبانه روزی

۷. برنامه‌های فرهنگی

- برگزاری مراسم عزاداری، ظهرها و شب‌ها بعد از نماز در زیر خیمه با حضور اساتید: حجج الاسلام

هزبری، ماندگاری، ثمری، حاجتی، مهدوی، صدیقی و مادحان: برادران میثم مطیعی، سید رضا

نریمانی، مهدی سلحشور، مهدی رسولی، محسن طاهری، جواد قربان‌پور، مرتضی صفایی

- برگزاری ۳ وعده نماز جماعت؛ با حضور پر شور زائران

- توزیع تراکت شهدای جهان اسلام به تعداد ۱۰۰ هزار نسخه شامل طرح عکس و نام ۹ شهید

شاخص جبهه مقاومت از ۹ کشور عراق، بحرین، سوریه، لبنان، فلسطین، پاکستان، ایران، افغانستان

و یمن، حول جمله یا قدس انا قادمون و تیتراژ شهداء امت واحده

- تعامل و هم افزایی با موبکب دانشجویی شباب المقاومة (۹۰۲) و شباب العلوی (۷۷۷)

۸. خدمات

راه‌اندازی غرفه های خدمات شامل:

- غرفه بهداری

- غرفه ماساژ

- غرفه شارژ موبایل

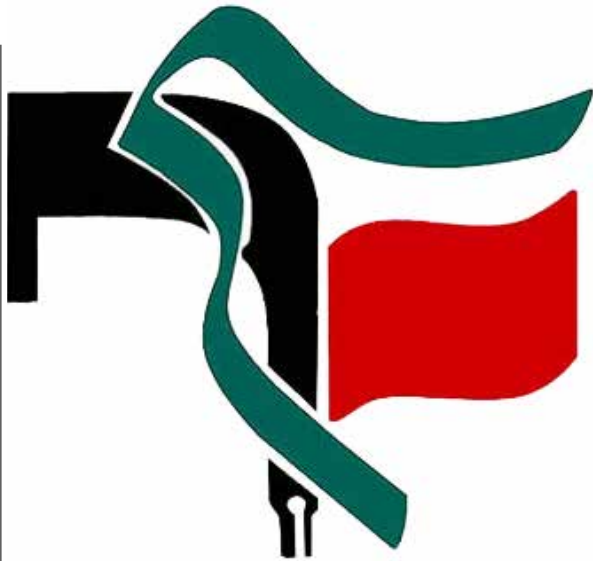
- غرفه خیاطی

- کانکس راهنمای زائر

- انجام نظافت مسیر پیاده روی زوار در اطراف محل موبکب به صورت مداوم

معیار تبیین

فعالیت های شورای تبیین مواضع
بسیج دانشجویی کشور در سال ۹۴



مجموعه بیانیه های شورای تبیین مواضع بسیج دانشجویی کشور

- ۱- مطالبه کوتاهی های انجام شده در حوزه پیگیری فاجعه منا از وزارت خارجه
- ۲- نامه اعتراضی به وزارت خارجه مبنی بر مصافحه با اوپاما
- ۳- بیانیه تحلیلی ۱۶ آذر
- ۴- نامه تسلیت و گرامیداشت شهادت شهید همدانی
- ۵- بیانیه تشکر از نیروی دریایی جهت دستگیری ملوانان آمریکایی
- ۶- بیانیه محکوم کردن وقایع نیجریه
- ۷- بیانیه اعتراض به عدم صدور مجوز جهت تجمعات بسیج دانشجویی
- ۸- بیانیه تحلیل و انتقادی به وزارت خارجه جهت عدم پاسداشت عزت پاسپورت ایرانی
- ۹- نامه اعتراضی به رییس جمهور به جهت اظهارات موهن نسبت به شورای نگهبان
- ۱۰- نامه اعتراضی به رییس مجمع تشخیص مصلحت نظام جهت اظهارات موهن نسب به شورای نگهبان
- ۱۱- نامه حمایتی و تقدی از آیت الله جنتی
- ۱۲- پیام تقدیر و تشکر از حضور در انتخابات با شکوه ۷ اسفند

مجموعه دیدار ها و نشست های خبری و هدایا

- ۱- هدیه تابلو دادگاه نمادین فاجعه منا به رییس جمهور
- ۲- رونمایی از منشور نظرات امام و رهبری پیرامون شورای نگهبان
- ۳- دیدار با سردار فدوی اهدای تقدیرنامه
- ۴- نشست خبری ویژه ۱۳ آبان با حضور نمایندگان تشکل ها
- ۵- نشست خبری ویژه IPC با حضور جنبش عدالتخواه دانشجویی

انتخابات

- تشکیل کمیته معیار
- الف) رصد اوضاع سیاسی استان ها و دانشگاه ها
- ب) ارسال کپسول های محتوایی به مسئولین نواحی و معاونت بررسی تحلیل استان ها و شورای تبیین استان ها
- ج) تولید کتب با محتوای ویژه انتخاب و ارسال به استان ها
- ۱- پرسش هایی پیرامون شورای نگهبان ۲- خیانت در لباس خدمت ۳- از توسعه تعامل گرا تا عزت پاسپورتی ۴- شاخص های یک نماینده تراز انقلاب
- د) آغاز پویش دانشجویی کاندیدای اصلح
- ه) برگزاری نشست های تحلیلی ویژه دانشجویی در غرفه معیار در همایش حافظان انقلاب
- ز) نشست بررسی روند بررسی صلاحیت ها با حضور دکتر شیر محمدی در غرفه معیار

خون انقلاب اسلامی در رگ‌های فلسطین

باز خوانی بخش‌هایی از مصاحبه ۵۷
با مرحوم غضنفر رکن آبادی
سفیر سابق ایران در لبنان

یکی از خبرهای تلخ برای همه هموطنان خصوصا تحریریه ماهنامه ۵۷ خبر درگذشت غضنفر رکن آبادی سفیر سابق ایران در لبنان بود. شاید آبان ماه سال گذشته که در منزل او حاضر شدیم و با او راجع به مسائل دنیای اسلام و مسئله فلسطین گفت و گو کردیم، هرگز تصور چنین روزی را هم نداشتیم که بخواهیم به خاطر نبودنش دست به قلم ببریم و برایش بنویسیم. غم نبودن او آزاردهنده است؛ تئورق مصاحبه اش و دیدن عکس هایش... چه سبک بالانه از این ما پرکشید و به حتم اکنون روحش در آرامش است و روی لبانش لیخند. آنچه می‌خوانید بازخوانی گزیده مصاحبه ۵۷ با این عزیز سفر کرده است که در ویژه نامه «رویش ریشه‌ها» این ماهنامه به چاپ رسیده است.



حمایت عملی از مردم فلسطین به طور عمده توسط جمهوری اسلامی صورت می‌گیرد، محبوبیت و جایگاه ایران در بین مردم فلسطینی ده چندان شد و از آن مرحله به بعد است که ما می‌بینیم که با چه عشق و چه شور و حالی از جمهوری اسلامی ایران و انقلاب اسلامی صحبت می‌کنند.

هدف از طرح این بحث که فلسطینی‌ها سنی و یا ناصبی هستند، چیزی جز اختلاف در جامعه اسلامی نیست. در مرحله کنونی خصوصا اسرائیلی‌ها این را مطرح می‌کنند و همه باید بدانند که اصلا بحثی که ما در منطقه و دنیا و در جهان اسلام مشاهده می‌کنیم بحث شیعه و سنی نیست. مروجان این فتنه سعی می‌کنند روی این موضوع تمرکز کنند. واقعیت این است که در دنیای کنونی و به ویژه در جهان اسلام یک مجموعه‌ای به نام تروریسم‌های تکفیری وجود دارند. یعنی گروه‌های افراطی که با اقدامات جنایتکارانه‌ای که تا به حال انجام دادند باعث شدند که دید بسیار منفی نسبت به اسلام و مسلمانان در سراسر جهان از سوی پیروان سایر ادیان آسمانی صورت بگیرد. در حالیکه حقیقت مساله این است که یک طرف این مجموعه تروریست‌های تکفیری قرار دارند و در طرف مقابل آنها قربانی‌های تروریست تکفیری اعم از اهل سنت و شیعیان و مسیحیان و ادیان دیگر وجود دارند. آیا می‌توان گفت دعوا دعوی شیعه و سنی و مذهبی است؟ آیا این آدم‌کشی‌ها بخاطر دین و مذهب است؟ کاملا بدیهی است که دین و مذهب مستمسک سوء استفاده گروه‌های مزبور قرار گرفته و هدف سلطه و حاکمیت بر سرزمین و اعمال قدرت است

ما از خداوند منان برای روح آن مرحوم

و همه جانب‌اختگان فاجعه منا

آمرزش و رحمت را مسئلت می‌نماییم

در سوریه و نوع و تفسیری که آن‌ها از بحران داشتند با دیدگاه ما متفاوت بود. گذشت زمان و تحولاتی که در منطقه رخ داد، حقانیت دیدگاه جمهوری اسلامی ایران را اثبات کرد. تروریسم تکفیری از کشورهای مختلف جهان، با هدایت و مدیریت رژیم صهیونیستی پا به عرصه گذاشت تا جبهه مقاومت را دچار ضعف و نهایتا اضمحلال نماید. تضعیف نظام در سوریه به عنوان نظامی که بیشترین حمایت را در سال‌های گذشته از جبهه مقاومت داشته، سبب تضعیف مقاومت می‌شد و این موضوع همواره توسط ایران مورد تاکید قرار می‌گرفت. ولی جا افتادن این موضوع برای حماس مخصوصا در ابتدای بحران سخت بود. اگرچه اخیرا شاهد تغییراتی در مواضع جنبش حماس هستیم. ما معتقد هستیم که این فراز و نشیب‌هایی که در ارتباط با حماس وجود داشته الان در حال پشت سر گذاشته شدن است و شاهد بهبودی روابط بیش از گذشته هستیم و مخصوصا در جنگ اخیر فلسطین و غزه هماهنگی جمهوری اسلامی ایران و جنبش‌های مبارز فلسطینی به ویژه حماس در صحنه منطقه تقویت شد.

مردم فلسطین مخصوصا بعد از این که حمایت جمهوری اسلامی ایران از مقاومت فلسطین به صورت علنی توسط رهبر معظم انقلاب بیان شد، دل‌بستگی بیشتری به ایران و رهبری پیدا کردند. بعد از اعلام صریح رهبر معظم انقلاب و مواضع سایر مسئولین جمهوری اسلامی به ویژه ریاست محترم جمهوری، شاهد بودیم که بخشی از مردم فلسطین که در اثر سانسور رسانه‌ای از این حمایت‌ها بی‌خبر بودند از این موضوع مطلع شدند. آنها اطلاع نداشتند که انقلاب اسلامی تا چه حد از آنها حمایت می‌کند و تصورشان این بود که حمایت ما صرفا سیاسی و سطحی و در قالب سخنرانی صورت می‌گیرد. اما بعد از اینکه مشخص شد

با پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی ما شاهد به جریان افتادن خون جدیدی در رگ‌های حرکت مردم فلسطین در مبارزه علیه اشغالگری اسرائیل بودیم و در این راستا گروه‌های فلسطینی هم روحیه مضاعفی گرفتند و ما شاهد تشکیل جنبش جهاد اسلامی فلسطین و جنبش حماس هستیم. جریان مقاومت بعد از پیروزی انقلاب اسلامی و به صورت اساسی از سال ۱۹۸۲ میلادی شکل گرفت و امروز می‌بینیم که لبنان و فلسطین و سوریه در چه جایگاهی قرار دارند و توازن قدرت در منطقه به طور محسوس و قابل ملاحظه‌ای تغییر کرده است.

روابط جمهوری اسلامی ایران با حماس روابطی استراتژیک است و علتش هم کاملا واضح و مشخص است. ما تنها کشوری هستیم در دنیا که قائل به آزادی کل سرزمین اشغالی فلسطین هستیم. جنبش حماس هم چنین موضعی دارد. میثاق ملی حماس می‌گوید آزادی کل فلسطین از بحر تا بحر. پس در یک مساله مهم استراتژیک با هم اشتراک نظر داریم. ضمن این که جنبش حماس، اسلامی است و ما هم اسلامی هستیم و اسلامی بودن نظام اقتضا می‌کند که با حرکت‌های اسلامی و کسانی که مبانی فکری آن‌ها اسلام است بهترین رابطه را داشته باشیم. بنابراین ما با حماس یک رابطه استراتژیک و قوی داریم و به حداقل بیش از ۲۷ سال قبل بر می‌گردد و ارتباط بسیار خوب و استراتژیک بین جمهوری اسلامی ایران و حماس برقرار شده و این روابط ادامه داشته است. بعد از آغاز بیداری اسلامی در کشورهای منطقه و توطئه بزرگی که برای هدف قرار دادن جبهه مقاومت و سوریه صورت گرفت، رابطه بین جمهوری اسلامی ایران و حماس دچار یک فراز و نشیب‌هایی شد. ما با حماس درباره سوریه دارای اختلاف نظر بودیم. مدتی پس از آغاز بحران



اگر شما هم از آن دسته کسانی هستید که در انتخاب رشته سرگردان مانده اید و یا بعد از اتمام یک مقطع به فکر تغییر رشته افتاده اید، حتما شماره «دانشجو»ی ماهنامه ۵۷ را مطالعه کنید. در این شماره سید نظام الدین موسوی برای ما از مطالبه گری دانشجویی می گوید و حمیدرضا حاجی بابایی هم از مافیای پشت پرده گاج و قلم چی و امثالهم، سید عباس نبوی هم ما را از علوم انسانی می ترساند و می گوید که هر کسی بخواهد بیاید علوم انسانی اولین کارش خواندن ۲۰۰ کتاب در سال است! عبدالصالح جعفری هم که با صراحت رگ و ریشه دکتر آیت الله ها را می زند! رضا سراج بر ایمان از باید و نبایدهای سازمان بسیج دانشجویی می گوید و کامران دانشجو هم پروپاقرص از ستاره دار کردن دانشجویان دفاع می کند!



دانشجو
شماره پنجم



مافیای میلیاردری موسسات کنکوری!

حمیدرضا حاجی بابایی

وزیر سابق آموزش و پرورش

متأسفانه فضای آموزش و پرورش ما تحت الشعاع تبلیغات وسیع بخش خصوصی قرار گرفته است. آموزشگاه هایی در کشور درست شده اند که بی مبالغه از یک وزارتخانه قوی تر عمل می کنند. در امور مدارس ورود و دخالت می کنند و بعضا دانش آموزان را با رفتارهای غیر سالم تحت الشعاع قرار می دهند. خودشان از اول تعیین می کنند که چه رشته ای خوب است و چه رشته ای بد است و متأسفانه حتی شما اطلاع دارید که بعضا تبلیغاتشان در صدا و سیما علی رغم میل باطنی آموزش و پرورش به واسطه پولی که می پردازند انجام می گیرد. پول های میلیاردری هم در آورند و شاید خیلی از مسئولین را با همان پول تحت الشعاع خودشان قرار می دهند. وقتی می خواهیم با آن ها برخورد کنیم، می بینیم ریشه از جاهایی درمی آورند که خطرناک و وحشتناک است. این مسائل متأسفانه وجود دارد.

نوع نگاه جامعه و نگاه اقتصادی خانواده به فرزندانشان و تبلیغاتی که وجود دارد، باعث می شود که همه اینها دست به دست هم دهند و دانش آموز را علی رغم میل باطنی به یک سمت دیگر ببرند. یعنی این فضایی که الان برای رشته ریاضی در جامعه ایجاد شده است، اگر برای علوم انسانی هم ایجاد شود، طبیعتا افراد بیشتر به سمت علوم انسانی می روند. اما مردم دنبال این هستند که ببینند در جامعه «پرستیژ» برای کدام رشته است. در این حالت آموزش و پرورش در یک فشار سنگین خانواده قرار می گیرد. وقتی اجتماع فشار وارد کند، آموزش و پرورش هر چقدر هم مقابله کند، مجبور به عقب نشینی خواهد شد.

(مصاحبه ۵۷ با حمیدرضا حاجی بابایی در شماره «دانشجو»)



اگر مجتهد نیستی حرف نزن!

دکتر عبدالصالح جعفری

فعال سابق دانشجویی و مجتهد حوزه

دیگری است. ولی اگر مهاجرتی که مد نظر ماست قرار است اتفاق بیفتد، باید دکتری را در دانشگاه داشته باشد و علاوه بر آن بیاید حوزه. اصلا من کسی که مدرک دکتری دانشگاهی را به عنوان دکتری دانشگاهی ندارد، من موضوع تلاش او برای تئوری پردازی را انحراف فکری میدانم. ما یکی از چیزهایی که باید به مخاطبان یاد بدهیم این است که اگر مجتهد نیست حق ندارد حرف بزند. باید به جاهل بگویم که شما در این شأن نیستی که حرف بزنی. فعلا باید گوش بدهی. این خیلی مهم است. یکی از مسائل اساسی ما این است که افراد فضا را بیخودی شلوغ نکنند. اگر کسی دکترای دانشگاهی نگرفته اصلا مسود بحث ما نیست. هر کس میتواند لیسانس یا فوقی گرفته بعد بیاید حوزه و آخوند مرتبی شود و توی مسجدش قشنگ صحبت کند. بحث ما الان کوچ به علوم انسانی برای ساخت زیربنای تمدن اسلامی است. به منظور تولید این سینهایی که در زمان حاضر این سینه باشند. اینکه چند تا بچه مذهبی از دانشگاه بیایند و وارد حوزه شوند، این اصلا آن نتیجه ای را که باید درباره تمدن سازی بدهد، نمی دهد.

(مصاحبه ۵۷ با دکتر عبدالصالح جعفری در شماره «دانشجو»)

بعضی ها فکر می کنند علوم انسانی یعنی اینکه ما به حوزه برویم تا بتوانیم قرآن و شریعات بخوانیم و به دیگران یاد بدهیم. ما الان هیچ گونه نیازی در حوزهها برای تدریس قرآن و شریعات نداریم. به اندازه کافی موجود است. انبوه طلابی هستند که بعد از سیکل تشریف آوردند در حوزه و توانایی آموزش دیدن و در حد متعارف آموزش دادن آن را دارند. البته بعضیها هم فکر میکنند که منظور ما از هدایت به رشته های علوم انسانی این است که افراد پزشک یا دکترین ریاضی را ببریم آخوندی بخوانند بدون تبیین ارتباط این دو موضوع برای اینکه بگویند حضرت آیت الله فلاتی طبابت هم میکنند! این بدترین نگاه است در بین نیاز به نگاه مدرن در حیطه سنتها. این خیلی آینده سیاهی دارد که مواجه شویم با افرادی که متخصص پزشکی اند و فقه و حوزه را به نحو سنتی خوانده اند و نتوانسته اند رابطه ای میان تمدن جدید و آن چیزهای سنتی برقرار کنند. شخصیت او، مثل آپارتمان است که در یک طبقه علوم فنی است و در یک طبقه علوم قرآنی، اینها مفید نیست. اگر هدف از مهاجرت از دانشگاه به حوزه، استخدام و سرپازی و اینها باشد، آن یک حرف

کدخدای محضر
شماره ششم

تحریریه ۵۷ با روزنامه جوان در سال ۹۴ دست به دست هم داده اند و ویژه نامه «کدخدای محضر» را درباره افول آمریکا تهیه کرده اند. در بعد اقتصادی پای حرف های ابراهیم رزاقی نشستیم که معتقد است آمریکا قرار است از بمب اتم برای نجات اقتصاد خود استفاده کند! سعید لیلز هم نگاهی به روند رو به افول اقتصاد آمریکا دارد. حشمت الله فلاحت پیشه و شهریار زرشناس - که مثل همیشه ما را میهمان نگاه جامعه شناسانه و فلسفی اش کرد- در بعد اندیشه افول آمریکا را بررسی می کنند و پیام فضلی نژاد از پایان گرفتن قرن در آمریکا حرف می زند. محمد مرنندی، مصطفی کواکبیان و پیام فضلی نژاد هم می خواهند با سند و مدرک ثابت کنند که در بعد سیاست آمریکا روزهای آخر عمر خود را می گذرانند. «رنندی شورت» کشیش سیاهپوست آمریکایی به همراه مرضیه هاشمی و فریده معتکف، کسانی هستند که سال ها در آمریکا زیست کرده اند و نگاهی جدید از حقیقت جامعه امریکا به ما دادند. در نهایت فواد ایزادی، حسن عابدینی و بیژن نوباوه هم برای ما از مافیای رسانه های آمریکایی در دنیا صحبت کردند.



۹۴x۵۷

منتخب مطالب ۵۷ در سال ۹۴

رسانه های غربی می توانند انقلاب راه بیندازند!

مرضیه هاشمی

مجری کارشناس آمریکایی تبار پرس تی وی



دارد. نگاه نکنیم که تاریخ و تمدن و غیره داریم. خوب در آن زمان استقلالی نداشته از خودش. ولی آمریکا بیش از ۲۰۰ سال است حکومت دارد.



فرض کنید مثلا جنبش ۹۹ درصد، وال استریت، من اتفاقا آنجا بودم و نزدیک آن شلوغی و صحبت می کردم با آن ها. پدرشان را در آوردند. اینجا بچه ها فکر می کنند آنجا خیلی آزادند که جلوی کاخ سفید می گویند مرگ بر او باما. گفتم بله می توانند. چون که یک نفر همین طوری جلوی ساختمان می گذارند که فکر می کنند دیوانه است. البته آن یک نفر می شود دو نفر و آن دو نفر می شود ۲۰۰ نفر. چون در ظاهر می خواهند نشان دهند آزادند، می گذارند کسی چیزی بگوید. البته اگر فکر کنند دارند موثر می شوند، پدرشان را درمی آوردند.

(از مصاحبه ۵۷ با مرضیه هاشمی در شماره «کدخدای محضر»)

رسانه های آمریکایی خیلی قوی است. یک تفکر پشت سرش و اتاق فکری هست و یک برنامه ریزی خیلی خوبی برای مدت طولانی دارند. نه فقط برای امروز و فردا. مثلا یک روان شناس دارند. یک جامعه شناس دارند. کسانی که تخصص دارند در سیاست آن کشور. مثلا بی بی سی فارسی نگاه می کند می بیند مردم ایران احساساتی اند، پس متناسب با این خبر را پرداخت می کند. مثلا مردم اوکراین جور دیگری اند، پس طور دیگری پرداخت می کند. مثل یک بازی است برایشان و این ها خیلی خوب بلدند بازی کنند. اما بیشتر خبرهایشان دروغ است. یا حداقل از یک زاویه اصلا صحت ندارند... این ها رسانه شان اینقدر نفوذی و قوی است که می توانند انقلاب راه بیندازند و کرده اند و سعی کردند ۸۸ هم اینجا همین کار را بکنند و موفق هم بودند تا حدی. اما جمهوری اسلامی ایران طبیعی است که الان فقط ۲۵ سال است شکل گرفته و تجربه

بعضی فکر می کنند آمریکا کدخداست!

فواد ایزدی

کارشناس مسائل آمریکا



بعضی در داخل کشور فکر کردند جنبش وال استریت در اثر دغدغه های اقتصادی بوده است. بلا قسمتی از آن در اثر نابلسمانی های اقتصادی بود. ولی آمریکا سال ۲۰۰۸ هم بحران اقتصادی داشت، ولی چرا این جنبش آن زمان اتفاق نیفتاد؟ بعد از اتفاقی که در کشورهای اسلامی افتاد، ما شاهد اعتراض مردم آمریکا بودیم که متأثر از اتفاقاتی بود که در حوزه بیداری اسلامی به وقوع پیوست. دولت آمریکا در مصر و کشورهای دیگری که بیداری اتفاق افتاد، بعد از مدت کوتاهی شروع به مقابله کرد و در مصر کودتا و مردم خودش را هم سرکوب کرد. آمریکایی ها در مرحله سرکوب اجتماعی رتبه یک را دارند. خیلی از نهادهای اطلاعاتی امنیتی کشورها مانند ساواک را آمریکایی ها آموزش دادند. با همه سرکوب هایی که در آمریکا صورت گرفت، اما هنوز هم دغدغه مردم وجود دارد و تمام نشده است. ولی چون دولت آمریکا اجازه نداده و سرکوب کرده است، مردم سکوت کرده اند. اما مشکلات همچنان وجود دارد.

(از مصاحبه ۵۷ با فواد ایزدی در شماره «کدخدای محضر»)

سال گذشته یک نهاد اطلاعاتی به نام «شورای اطلاعات ملی امریکا» یک گزارش با عنوان «روندهای جهانی ۲۰۳۰» منتشر کرد. در آنجا به صراحت گفتند که در سال ۲۰۳۰ ما هیچ کشور هژمونی در دنیا نخواهیم داشت. یعنی می گویند که ما نیستیم، کشور دیگری هم با این عنوان نیست. البته این که کشور دیگری نیست، جای بحث دارد. اما اینکه آمریکا نیست، درست است و خودش هم ادعا می کنند. این ضعفها از ابتدا وجود داشت و الان هم وجود دارد و خودش اعتراف می کنند که سیستم دنیا در حال عوض شدن است. آن بحثی که رهبر معظم انقلاب با عنوان پیچ بزرگ تاریخی مطرح کردند را غربی ها هم می گویند و فهمیده اند که آمریکا دچار افول بزرگی شده است. توانمندی و نبوغ حضرت امام این بود که در سال ۵۷ و قبل از ۵۷ این نکته را متوجه شده بود که نظام رقیب قابل شکست است. الان که سی و پنج سال از انقلاب اسلامی می گذرد، تفکری در داخل داریم که فکر می کنند آمریکا کدخدا است و برای اینکه بتوانیم زندگی کنیم، باید زیر پرچم آمریکا برویم و بدون او نمی شود زندگی کرد.



قشر خاکستری
شماره نهم



در این شماره که نام آن را «قشر خاکستری» گذاشتیم و در تابستان امسال منتشر شد، می‌خواستیم با هم یک فنجان چای میل کنیم که با قند اخلاق تشکیلاتی شیرین شده باشد! آیت‌الله محمدعلی جاودان در این شماره استاد اخلاق ماست و حجت الاسلام نضافت هم برای ما قدری مباحث اخلاقی را ساده تر و کاربردی تر مطرح می‌کند. علیرضا زاکانی از فعالیت سیاسی و نسبت آن با فعالیت تشکیلاتی می‌گوید و حسین یکتا هم با آن کلمات دل‌نشینش می‌خواهد کاری کند که تشکیلات ما بوی فرهنگ جبهه‌ها را به خود بگیرد. این مصاحبه‌ها به همراه کلی‌یادداشت و مصاحبه دیگر را می‌توانید در این شماره مطالعه کنید تا بدانید چطور باید با قشر دانشجویی که گوشه‌ای مانده و خود را وارد گود نمی‌کنند، رفتار کنید! این شماره یکی از «تاپ» ترین شماره‌های ۵۷ است که برخی از مهم‌ترین نیازهای تشکیلاتی شما را برآورده کرده است!



راه‌مطالبه‌گری را مسدود نکنیم

رامتین شمسایی

دبیر سابق شورای تبیین مواضع بسیج دانشجویی

مجازات می‌کند ولی جنبش دانشجویی حق مجازات ندارد و حق مطالبه و وظیفه‌گفتمان‌سازی دارد. دیگر اینکه باید جنس مطالبه‌گری دانشجویی را بشناسیم. عرض کردم تصمیم‌سازی به جای تصمیم‌گیری است. گفتمان‌سازی به جای قضاوت است. نقد کردن به جای مجازات کردن است. اینها ابزار مطالبه‌گری جنبش دانشجویی است که اگر از این ابزار درست استفاده نشود، راه مطالبه‌گری را هم برای خودمان و هم برای دیگر تشکیلاتی‌ها انقلاب مسدود می‌کنیم.



وقتی ما مرجع اندیشه‌ای درستی نداشته باشیم مثلاً در انتخابات‌ها کل اندیشه و الگوی عمل سیاسی ما می‌شود یک سایت و تفکرمان بشود سایت و روزنامه‌ای! وقتی که سایتی بشود بعد هم می‌شود سطحی و بعد از آن کشیده می‌شود به بی‌اخلاقی‌های سیاسی و... واقع این است که ما باید از الان در منبع اندیشه سیاسی ما حتماً اندیشه‌های سیاسی امام و مقام معظم رهبری را بازخوانی کنیم. (مصاحبه ۵۷ با رامتین شمسایی در شماره «قشر خاکستری»)

مطالبه‌اصول از دستگاه‌های مختلف خود جزئی از مصلحت است. یعنی اصلاً مصلحت کشور این است که تشکیلاتی دانشجویی اجرای اصول را مطالبه کنند. برخی اوقات ما یک مصلحت‌های خودساخته‌ای داریم. این اشتباه است. منتهی چیزی که باعث می‌شود ما نتوانیم مطالبه‌گری کنیم یک دلیل دارد که آن مطالبه‌گری اشتباه است. مثل همین حادثه ورود به سفارت انگلیس و تسخیر آن که مطالبه‌گری اشتباه و غلط و مسیر نادرست است. این مسئله باعث می‌شود که راه مطالبه‌گری در نهاد‌های دیگر هم بسته شود و اتفاقاً این بهترین کمک به تثبیت موقعیت محافظه‌کارها است. یعنی محافظه‌کارها از خدایشان است که جنبش‌های مطالبه‌گر و عدالتخواه در مطالبه‌گری شان یک اشتباهی کنند و آن را به پیراهن عثمان تبدیل کنند و دیگر نگذارند که مطالبه‌گری کنند.



جنس مطالبه‌گری که جنبش دانشجویی می‌کند با جنس مطالبه‌گری که مثلاً دستگاه قضا یا پلیس می‌کند با هم متفاوت است. دستگاه قضا



بیدارگاه
شماره دهم



اگر خوابگاهی هستید و اگر حتی خوابگاهی هم نیستید بر شما واجب است این شماره را بخوانید؛ آن هم نه واجب کفایی که واجب عینی! دکتر برجلی برای ما از روانشناسی خوابگاه می گوید و اینکه چطور از فرصت کوتاه خوابگاهی بودن که مثل برق و باد می گذرد، بیشترین استفاده را بکنیم. حجت الاسلام سیدمهدی قانع هم می گوید قرار نیست همیشه امر به معروفان را در بوق و کرنا کنید! البته شماره «بیدارگاه» به همین جا ختم نمی شود؛ استاد بهرام پور و خانم نیلچی زاده برای ما از اشرافیت ریش دارها و چادری ها چیزهایی می گویند که با خواندنشان اگر شاخ درنیارید هنر کرده اید! دکتر کدخدایی سخنگوی سابق شورای نگهبان هم که از گیر نیامدنی های روزگار بود بالاخره در این شماره به ما وقت مصاحبه داد و بر ایمان از آنچه در پشت پرده شورای نگهبان می گذرد خبر داد. نظارت استصوابی ویژه نامه شورای نگهبان یکی از ویژه پرونده های بسیار مهم ۵۷ در سال جاری بود پرونده جالبی هم درباره نماز جمعه در این شماره داشتیم که بهتر است بروید و خودتان بخوانید! فقط سر بسته می گوئیم که آیت الله حائری شیرازی با آن لهجه شیرین شیرازی اش برای شما حرف های خیلی مهمی دارد! البته برای دست گرمی مصاحبه هایی هم با الهه کولایی، احمد توکلی، محمدخان غرضی داریم که دیگر گفتن ندارد!



زندگی که فقط خواب نیست!

احمد برجلی
روانشناس



محیط ندارد و به فرد حالت انفعال و یک جانبه بودن می دهد. به نظر من تصویر اولیه ای که این واژه به انسان می دهد، یک تصویر منفی است که تاثیر منفی خودش را هم دارد؛ انگار که یک جای را کد قرار است باشد.



دانشجو در هر شهری که خوابگاه می گیرد، باید با جامعه آن شهر هم ارتباط پیوستاری داشته باشد. ارتباط پیوستاری یعنی ارتباطش با نهادها و جامعه آن شهر را طوری رقم بزند که انگار در شهر خودش قرار دارد. با مساجد آن شهر، موسسات، نهادها، پارک ها و آدم های آن شهر ارتباط بگیرد. اینطوری نباشد که در یک محیط منفعل به نام خوابگاه خودش را محصور و محدود کند. (مصاحبه ۵۷ با دکتر برجلی در شماره «بیدارگاه»)

واژه خوابگاه اصلاً عنوان گذاری خوبی برای این مکان نیست. خوابگاه یک محل زندگی است با همه مسائل ریز و درشتی که برای یک زندگی وجود دارد. دانشجو برای مدت زمانی موقت، مکان زندگی خود را تغییر داده و از خانه خودشان به خوابگاه هجرت کرده است. مگر ما به خانه می گوئیم خوابگاه که حالا اینجا هم بخواهیم از این واژه استفاده کنیم؟ زندگی که فقط خواب نیست. ما در این مکان که اسمش را به اشتباه خوابگاه گذاشته اند، داریم زندگی می کنیم. زندگی مجموعه ای از کارها، رفتارها، حرف ها، عبادات، تلاش های علمی، اقتصادی و غیره است و دانشجو هم باید در این زمینه ها فعال باشد. ولی وقتی اسم جایی شد خوابگاه، خود به خود به آدم این تلقین را می کند که تلاش های دیگر، خیلی نسبتی با این



بعضی افراد
خود کم بینی دارند!
فروغ نیلچی زاده
کارشناس امور بانوان

مشاوره ازدواج به من مراجعه کرده بودند. خانواده دختر خانم درون مایه نگاه اشرافی داشتند. من وقتی از مادر پرسیدم شما برای دختر خانم تان چه می کنید؟ گفتند: «ما در اقوام مان خیلی خانواده های غیر مذهبی داریم و ما جزء معدود خانواده های خیلی مذهبی هستیم. برای اینکه مبادا دخترم جلوی آنها کم بیاورد، مثلاً وقتی با هم به بازار می رویم یکباره می گوئیم سی عدد روسری بخرد!» این نماد آن خودکم بینی است. زیرا حس می کند جلوه گری اش کم شده است. (مصاحبه ۵۷ با دکتر نیلچی زاده در شماره «بیدارگاه»)

الان در عرف رایج خانم ها می بینید که می گویند: این چادر من مجلسی یا چادر طرح دار و مدل دار و گران قیمت است! گاهی قیمت آن تا ده برابر قیمت عادی است! با این نوع نگاه خاص، تلقی او این است که چون آن فرد غیر مذهبی که بی حجاب یا بدحجاب است بیش از من دیده می شود و من دیده نمی شوم، پس باید چادر آنچنانی داشته باشم که فکر نکنند من نسبت به آنها کمبود دارم! این فرد در حقیقت در درون خود به یک بازی ذهنی و روانی دچار شده است. خانمی به همراه دختر خانمش و خانم دیگر به همراه آقای سرشان برای



«تحکیم قدرت» در بست به دفتر تحکیم وحدت سابق و اتفاقاتی که برایش از نخستین سال های شکل گیری تا دوران فروپاشی افتاده پرداخت. محمدرضا مخبر دزفولی، سیدعباس نبوی و ابراهیم اصغرزاده هم در این شماره حضور داشتند. البته این شماره پرورنده دیگری هم درباره خط راستین پیامبر و کسانی که می خواستند آن را به انحراف بکشند، در دل خود داشت. این پرورنده در واقع تطابقی بین تحریف کنندگان خط پیامبر و تحریف کنندگان خط راستین انقلاب اسلامی است که حجت الاسلام لیالی، دکتر سنگری و دکتر رجیبی دوانی زحمت تبیینش را برای ما کشیدند.



تحکیم قدرت
شماره یازدهم



سهام خواهی تحکیم اشتباه بود

ابراهیم اصغرزاده

از موسسین دفتر تحکیم وحدت

مداخله دفتر تحکیم و انتظاراتش از سهام گرفتن در امور حاکمیتی و مدیریتی دانشگاهها و مراکز آموزش عالی اشتباه بود. واقعیت این است در دهه ۶۰ جناح راست سنتی کمترین پایگاه اجتماعی در محیطهای دانشجویی، دانشگاهی و علمی و بیشترین قدرت را در حوزههای سنتی و انتصابی در اختیار داشت حتی در ایام استقرار دولت موسوی مراکز اقتصادی و فرهنگی مهمی در اختیار آنان بود همین بی عدالتی در پذیرش مسئولیت فرصت را برای یکه تازی، عمل زدگی و تندروی دانشجویان تحکیمی فراهم میساخت. از اشتباهات دفتر تحکیم این بود که هر گونه منطق و روش میانه روانه را معادل سازشکاری، فرصت طلبی و اپورتونیزم ارزیابی میکرد و به همین دلیل در رومانتیسیسم مساوات طلبانه، برابری خواهانه و احساسی خود گرفتار شده بود. البته دفتر در دهه ۷۰ دچار دگرپرسی در گفتمان شد و پرچم عدالت خواهی را به رقبای راست خود سپرد.

(مصاحبه ۵۷ با ابراهیم اصغرزاده در شماره «تحکیم قدرت»)



نفوذ موربانه ای
شماره دوازدهم



تشکیلات در روزهای انتخابات رنگ دیگری به خود می گیرند. اصلا گویی بهار تشکل ها ایام فعالیت های سیاسی خصوصا ایام انتخابات است؛ محمدرضا باهنر در این شماره به مایاداد چطور لابی گر خوبی باشیم! عبدالله گنجی هم از نظام پارلمانی و بایسته های آن گفت. در ویژه نامه «نفوذ موربانه ای» نگاهی به تاریخچه نفوذ در مجالس پیشین داشته ایم. ضمن اینکه اینفو گرافیک ها و یادداشت های خوبی هم درباره این موضوع برایتان تدارک دیده شده است! بحث اصلاحات و اصولگرایی هم که اصلا انگار پای ثابت همه بحث هاست و بدون آن محفل آدم بی رونق می ماند. دکتر مومنی راد هم حقوقدان این شماره است که قانون «اموالتان را از کجا آورده اید» را برای ما بررسی می کند!



فضای تحکیم را پیاده نظام نیروهای خود کردند

سیدعباس نبوی

از موسسین دفتر تحکیم وحدت



تأسفی که میخورم این است که تقریباً بعد از مجلس سوم، تحکیم وحدت را وارد بازی رقابتهای سیاسی کشاندند. در حالی که ما قبل از آن نیز این بحث را داشتیم که تمام هویت جریان دانشجویی به هویت فکری آن است. به هویت ارزشی آن است. به هویت آرمانی آن است. نه اینکه بخواهد مستقیم وارد رقابتهای سیاسی بشود. اشکالی ندارد که یک جریان دانشجویی نیروهایی را آماده کند و وارد جریان سیاسی کند. اما نه اینکه فضای سیاسی را در دستور کار خود و پیاده نظام نیروهای خود قرار بدهد که این کار را کردند. متأسفانه این اتفاق از مجلس سوم به بعد به وقوع پیوست و انشاقها و ناتوانیها به وجود آمد.

(مصاحبه ۵۷ با سیدعباس نبوی در شماره «تحکیم قدرت»)

در رسانه ها نمی شود بحث کرد

محمدرضا باهنر

نماینده مجلس



یک عده تصور می کنند که برجام به نفع مملکت است و یک عده تصور می کنند به ضرر مملکت است و در هر دو هم آدم هایی را ما داریم که صد در صد ولایی هستند و اگر مقام معظم رهبری اشاره بفرماید اینها جان می دهند و هر دو طیف را هم می شناسید. دو نظر کارشناسی است و هیچ مشکلی هم ندارد و میتوانند دو نظر مخالف داشته باشند. مقام معظم رهبری میفرمایند درباره برجام بنشینید و با هم بحث کنید و در دانشگاه ها سمینار بگذارید و مناظره کنید والا یک جاهایی مثلاً فرض کنید العیاذ بالله یک نفر می خواهد درباره اصلت قرآن بحث کند که در حوزههای علمیه هم درباره آن بحث میکنند و یا در حوزه علمیه درباره اینکه قرآن تحریف شده است یا نشده هم بحث میکنند که حتی در حوزه های علمیه درباره اینها هم بحث می کنند که هیچ اشکالی ندارد ولی در افکار عمومی و رسانه ها نمی شود آنجا بحث کرد.

(مصاحبه ۵۷ با دکتر باهنر در شماره «نفوذ موربانه ای»)

منتخب روزنامه الکترونیک ۵۷ آنلاین

برجام را مانیاوردیم، خدا آورد!

رئیس دولت تدبیر در آخرین اظهارات خود روی احمدی نژاد را سلطنت کرد!

روحانی در مراسم اعیان نشان لیاقت و ۷۰-سالگی خدایا به مذاکره کنندگان مدعی شد
لواحق زانو زد، حد تعیین کرد، در عملیات گریزی نماند و ۵۰ ساعت بود

خفت از دشمن افتخار ندارد

رئیس دولت تدبیر و امید در مراسم اعیان نشان لیاقت و ۷۰-سالگی خدایا به مذاکره کنندگان مدعی شد
لواحق زانو زد، حد تعیین کرد، در عملیات گریزی نماند و ۵۰ ساعت بود

تحریم رفت!

بر اساس قانون است

تحریم رفت!

بر اساس قانون است

تحریم رفت!

بر اساس قانون است

قلب اراک ایستاد

در سالروز شهادت احمدی روغن
سمنان جای قلب و آشوب هسته ای اراک را بود کرد

قلب اراک ایستاد

در سالروز شهادت احمدی روغن
سمنان جای قلب و آشوب هسته ای اراک را بود کرد

غرب تعظیم کرد

شکست زگی مستنکو و وزارت خارجه ایران در صحنه نشان کتبه اگر استخبارات

غرب تعظیم کرد

شکست زگی مستنکو و وزارت خارجه ایران در صحنه نشان کتبه اگر استخبارات

گل دقیقه ۹۵، به مقاومت

دربی سخت دروین

گل دقیقه ۹۵، به مقاومت

دربی سخت دروین

کلاغ پر!

نورای تکبیل مل

کلاغ پر!

نورای تکبیل مل



اسماعیل امینی
شاعر و طنزپرداز

بهار و نوروز از نظر یک هنرمند چگونه است؟

بهار دو خاصیت مهم دارد؛ یک خاصیتش این است که آدم‌ها بیشتر به هم نزدیک می‌شوند و مشغله‌هایشان را حتی برای چند روزی کنار می‌گذارند و زمانی را با هم سپری می‌کنند. آدم‌ها وقتی با هم باشند، بیشتر از هم شناخت پیدا می‌کنند و مشکلاتی که در اثر ندیدن همدیگر به جود می‌آید، از بین می‌رود. خاصیت دوم هم این است که اصلاً بیشتر با هم و با جامعه آشنا می‌شویم! اشتغالات روزمره ما متأسفانه اجازه نمی‌دهد که با افراد عادی و دوستان خیلی ارتباط داشته باشیم. این مسئله با افزایش سن و با بیشتر شدن مسئولیت آدم‌ها پررنگ‌تر می‌شود.

از رفاقتان با قیصر امین پور برایمان بگویید؟

از قیصر همین‌را می‌گویم که تمام شعر و شاعری‌را می‌شد در او جستجو کرد. اینطور نبود که فقط شعر خوب بگوید و شخصیتش از شعرهایش جدا باشد. شخصیت او همان شعرهایش بود و شعرهایش هم همان شخصیت او. بعضی از کسانی که امروز قیصر را به نفع خود تفسیر می‌کنند در واقع دارند به او ظلم می‌کنند. قیصر آدمی نبود که در دسته بندی‌های سیاسی محدود شود. نگاه سیاسی داشتن به آدم‌ها باعث می‌شود که ما آنها را با خط کش‌هایی که خودمان از پیش خودمان ساخته‌ایم متر کنیم و در قالب‌هایی که خودمان ساخته‌ایم محدود کنیم. بعضی مطبوعات درباره قیصر این‌طور چاپ کردند که شاعری بود که در مواضع انقلابی خود تجدیدنظر کرد! در حالی که واقعا اینگونه نبود؛ قیصر انقلابی بود و خود را متعهد به انقلاب می‌دانست و اتفاقاً اگر هم نقدی می‌کرد به خاطر این بود که مسائل

انقلاب برایش مهم است. منتهی آدم‌هایی که فقط بلدند نگاه سیاسی داشته باشند، همیشه می‌خواهند افراد را برای منافع خود مصادره کنند. قیصر بیشتر یک آدم فرهنگی بود تا سیاسی و برای همین هم خیلی خود را درگیر این حاشیه‌ها نمی‌کرد و اگر حرفی را پشت سر او می‌زدند، شتابزده پاسخ نمی‌داد؛ بلکه صبر می‌کرد تا موقعیتی که فراهم شد حرف خودش را بزند. من با قیصر خیلی رفیق بودم. اصلاً جزو اولین نفراتی بودم که متوجه شد برای قیصر اتفاقی افتاده و در بیمارستان است. نصف شب با من تماس گرفتند و گفتند که در بیمارستان است. من آن شب خیلی ناراحت بودم. قیصر در بین مردم بود و درد آنها را می‌فهمید.

فکر می‌کنید چرا برخی هنرمندان خود را از مردم دور می‌کنند و در فضای متوهّم خود به سر می‌برند؟

متأسفانه کمتر پیش می‌آید که هنرمندان ما آن بخش واقعی زندگی مردم را ببینند. چون با رسانه‌ها در ارتباطند و مصالح خود را فقط از رسانه‌ها می‌گیرند، غالباً فقط یا بخش سیاه را می‌بینند یا بخش سفید را؛ در نتیجه چون از مردم جامعه خود فاصله گرفته‌اند ملاکی برای تمییز و تشخیص اینکه واقعیت چیست، ندارند. اصلاً از پشت شیشه رسانه آنچه می‌بینیم قابل اعتماد نیست. حداقل اگر چیزی تحریف نشده باشد، قاب بندی شده است. دشمنان ما معمولاً قاب رسانه‌های خود را روی زباله‌دانی‌ها و نقاط سیاه می‌بندند و فقط قصد تخریب دارند؛ از این طرف هم گاهی خود ما فقط قاب دوربینمان را روی خوبی‌ها و نقاط مثبت می‌بندیم و نقاط ضعف خود را فراموش می‌کنیم. بین این قاب سفید و آن قاب سیاه مسائلی وجود دارد که همان واقعیت است.

فکر می‌کنید مهم‌ترین معضل هنر ما چیست و چگونه می‌توان این حوزه را بیشتر مردمی کرد؟

ببینید هنرمند باید در بین مردم زندگی کند؛ من معمولاً خودم خیلی از جاها را پیاده، با اتوبوس و یا با مترو می‌روم. برای اینکه از نزدیک ببینم مردم چگونه زندگی می‌کنند؛ احوالاتشان چطوری است. اصلاً بخش مهمی از مصالح شعری من به عنوان یک طنزپرداز از اجتماع نشأت می‌گیرد؛ اگر در بین مردم زندگی نکنیم که نمی‌توانیم اصلاً یک اثر هنری تولید کنیم.

یکی از عیب‌های بزرگی که مسئولین ما دارند این است که به دلایل مختلف از جمله اشتغالات زیاد و مسائل امنیتی مقتضی نمی‌توانند آن‌طور که باید لایه لای مردم زندگی کنند. مثلاً شما هیچ وقت نمی‌بینید که یک وزیر مترو سوار شود و وقتی که وزیر می‌شود، حتی ماشینش را هم دیگر خودش پارک نمی‌کند! چنین مسئولی کمتر با مشکلات مردم آشناست و وقتی به یک جای شلوغی می‌رود چون همه راه‌ها را برایش باز می‌کنند، دیگر متوجه نمی‌شود که مشکلات واقعی مردم چیست. هیچ‌گاه خودش سوپرمارکت نمی‌رود که ببخواد جنسی را بخرد؛ طبیعی است که چنین مسئولی درکی از خرید و مشکلات آن ندارد. شاعر و نویسنده باید قاطی زندگی مردم شود و این مسئله واقعا برای این طیف اهمیت دارد. به خاطر همین است که شما می‌بینید هنرمندانی که از کشور خارج می‌شوند بعد از مدتی دیگر حرفی برای گفتن ندارند و اگر هم دارند، حرفشان به درد جامعه ایرانی که در فضای ایران زیست می‌کنند، نمی‌خورد.



میلاد عرفان پور
شاعر

میلادخان فکر می‌کنم رسماً شهرت شما از جایی شروع شد که آن دوبیتی

«از آخر مجلس شهدا را چیدند» را حضرت آقا با گریه خواندند. یک جایی هم آقا شما را با اسم کوچکتان خطاب کردند. آن موقع چه حسی داشتید؟ آن لطف حضرت آقا بود و این وظیفه ما را سنگین‌تر می‌کند. این مسئله نشان می‌دهد که جایگاه ما بیشتر از قبل مهم شده است و ما باید مواظب باشیم تا ارزش آن را به همین صورت نگه داریم و خدای ناکرده خطایی از ما سر نزنند.

امسال اوضاع شعر چطور بود؟

در حوزه شعر تولید انبوه و اینکه هر کسی توان انتشار کتاب شعر را صرفاً با پرداخت مبلغ چاپ دارد، این ارزش کتاب‌های شعر را پایین می‌آورد و کتاب‌های خوب شعر در بین این انبوه کتاب‌ها گم شده‌اند. پیشنهادم این است که وزارت ارشاد کارگروهی حداقل دو سه نفره داشته باشد که قبل از چاپ، شعرها را از نظر فنی هم بررسی کنند و کتاب‌هایی

که زیر استانداردهای لازم ادبی هستند در حوزه شعر منتظر نشوند.

حرف شما درست است. اما فکر نمی‌کنید این کار ممکن است سلیقه‌ها را هم وارد کار کند و کلاً فضا برای کار هنری در حزه شعر محدود شود؟ نه. منظرم از نظارت قبل از چاپ نظارت روی نکات حداقلی است. مثلاً تاسف بار است که بعضی اشعار در قالب شعر کلاسیک و تحت همین عنوان چاپ می‌شوند ولی حتی قافیه و ردیف درست و حسابی هم ندارند. از این جهت گفتم که یک نظارت حداقلی باشد تا این موارد را تشخیص دهد. تقریباً در حوزه شعر سالی ۲۰۰۰ مجموعه شعری چاپ می‌شود که شاید بتوان گفت ۱۹۰۰ تا آن از نظر کیفیت شعری زیرمستوسط است. الان وضعیت طوری است که شما اگر شاعر هم نباشید و صرفاً سیاه قلمی نوشته باشید، می‌توانید با پرداخت حدود ۲ میلیون تومان یک مجموعه شعر چاپ کنید و شاعر صاحب عنوان شناخته شوید و این درست نیست. بعضی از افراد از همین راه به شهرت می‌رسند و از همین شهرت سوء استفاده می‌کنند. بنابراین فکر می‌کنم این نظارت حداقلی لازم است.

گپ عیدانه

مصاحبه های کوتاه با شخصیت های فرهنگی هنری

رضا امیرخانی
نویسنده



محمد حمزه زاده
مسئول انتشارات سوره مهر

در سالی که گذشت وضعیت انتشارات سوره مهر را چطور ارزیابی می کنید؟ اقبال به کتاب ها نسبت به قبل بیشتر شده یا کمتر؟
الحمدلله اقبال ها خوب است. رویکرد انتشارات سوره مهر بیشتر به سمت تالیف است تا ترجمه. برای همین هم با وجود وضعیت اقتصادی نه چندان مناسبی که داریم، باز هم سعی کرده ایم تا از نویسندگان داخلی حمایت کنیم و در زمینه تالیف قدم های خوبی برداریم. البته همان طور که گفتیم با مشکلات مالی و اقتصادی روبرو هستیم که برای همین گاهی پرداخت حق التالیف ها با تاخیر انجام می شود.

مگر حوزه هنری از شما حمایت نمی کند؟

حوزه همیشه در کنار ما بوده است؛ اما باید اعتراف کرد که واقعا وضعیت آن گونه که از بیرون دیده می شود نیست و در حمایت های حوزه هنری به گونه ای نیست که بتوان روی آن حساب ویژه ای باز کرد.

شما در تولید محتوا و تالیف کتاب بیشتر به ذائقه مخاطبان توجه می کنید یا رسالت های فرهنگی و ارزشی؟

ببینید؛ مطالعه سه مرحله را پشت سر می گذارد تا تبدیل به عادت شود. یکی از این سه مرحله تحریک است. ما کتاب هایمان در طول سال های گذشته ذائقه مخاطبان جدید و ذائقه مخاطبان قدیمی را تحریک کرده و بعد رفته رفته محتوای این کتاب ها مورد علاقه مخاطبان قرار گرفته است. یعنی مرحله دوم را هم طی کردیم و الان برای بعضی از مخاطبان ما خواندن کتاب های ما تبدیل به عادت شده است. عادت نه به معنای منفی؛ یعنی نهادینه شدنی که پس از انتخاب آگاهانه به وجود آمده است. ما همه مخاطبان خود را سعی می کنیم نگه داریم. یعنی از طرفی سعی می کنیم برای مخاطبان قدیمی مان طوری برنامه ریزی کنیم که ارتباطشان با مجموعه حفظ شود و از طرف دیگر هم سعی می کنیم دامنه مخاطبان جدیدمان را روز به روز بیشتر توسعه دهیم. این چرخه الان تقریبا شکل گرفته است. معمولا کسانی که کتاب های انتشارات سوره مهر را می خریدند، اکثرشان کتاب هایشان را از قبل انتخاب کرده اند و هدفمند خریداری می کنند.

پر فروش کتاب هایتان در این سالی که گذشت چه بوده است؟

در حوزه شعر و ادبیات عنوان پر فروش ترین کتاب های ما را کتاب های آقای فاضل نظری و کتاب های طنز آقای ناصر فیض به خود اختصاص داده اند. بعد از اینها در حوزه ادبیات داستانی رمان های دفاع مقدس جزو پر فروش ترین کتاب ها بوده اند.



آقای امیرخانی هنوز هم مشغول نوشتن هستید؟ از کار تازه

چه خبر؟

بله. در حال کار روی یک کتاب جدید هستم که انشالله امیدوارم تا سال آینده برسد.

این کار هم مانند کار قبلی تاریخی است؟

نه اتفاقا این کار اصلا تاریخی نیست و کاملا مطابق با مسائل روز است.

پس باید منتظر یک کار جذاب از شما باشیم! حالا اسمش را به ما نمی گویند؟

هنوز به جمع بندی نهایی درباره اسمش نرسیده ام. انشالله به نتیجه که رسیدم اعلام می کنم!

وضعیت کتاب های قبلی چطور است؟ هنوز هم از آنها استقبال می شود؟

بله. شکر خدا بد نیست. «من او» به زبان روسی ترجمه شده است. همین کتاب البته به زبان عربی هم ترجمه شده ولی هنوز اتفاق خاصی برایش نیفتاده است. «جانستان کابلستان» هم به انگلیسی ترجمه شده و برای این مرد هم اتفاق خاصی هنوز نیفتاده است. منظورم از اتفاق خاص این است که هنوز به مرحله چاپ نرسیده است و فقط کار ترجمه آن پایان یافته است. «ارمیا» هم به ترکی و استانبولی ترجمه شده که الحمدلله به مرحله چاپ هم رسیده است.



قرارگاه شهید باقری
سازمان بسیج دانشجویی

معرفی بخش‌ها



مرکز پشتیبانی کالک

ثبت نموده اند مشاهده نمایند. این البته کافی به نظر نمی رسید به طور مثال اگر شما قصد اردوی مشهد کرده باشید احتمالا به غیر از نکاتی که لازم است در باره این اردو مد نظر قرار دهید احتیاجات دیگری نیز دارید که عدم پاسخ به آن‌ها مساوی برگزار نشدن برنامه شماسست اولین این نیازها موضوع اسکان شما در شهر مقدس مشهد است پس از آن اطلاع از امکانات موجود در این شهر، اساتید شهر و بسیاری موارد دیگر. اگر به سایت ما سری بزنید لیست همه حسینی‌های مشهد، اطلاعات هر کدام (از جمله امکانات صوتی و تصویری، ویدئو پروژکتور، امکانات خواب، غذا، فاصله پیاده و سواره از حرم مطهر و ...)، اساتید مطرح مشهد و راه‌های ارتباطی با ایشان، فایل‌های صوتی و تصویری که احتمالا در این سفر مورد نیاز شما خواهد بود و ... را در بخش «کالک پشتیبان» مشاهده خواهید نمود.

«کالک مسئولیت» یا هدیه مسئولیت در واقع هدیه

خود در تشکل‌های دانشجویی آموخت در آن بنگارد تا بماند برای همگان و این شروع مسیری بود که آغاز شد. بسیاری دانشجویان کتیبه ما را دیدند و تجربه‌هایشان را روی این کتیبه نگاشتند و این تجربیات ذخایر گران قدری ایجاد کرد که بعداً با بدان «کالک تجربیات» نام نهادیم. پس از آن به دلیل کثرت این تجربه‌ها در برخی حوزه‌های خاص به این نتیجه رسیدیم که برای سهولت استفاده از این تجربیات می‌توان آن‌ها را در دسته‌های مشخصی دسته‌بندی نمود و همه تجربیات پیرامون یک عنوان را ذیل یک سند عملیاتی برای دانشجویان تألیف نمود و این چنین «کالک عملیاتی» با دوازده محور کلی همچون شهدا و دفاع مقدس، مسائل تشکیلاتی، رسانه و هنر، آزادفکری، اردویی، جهان اسلام و ... ایجاد شد. در یک سند عملیاتی دانشجویان می‌توانند همه نکات فعالیت در آن موضوع را که تاکنون دانشجویان تجربه‌ها و ایده‌هایشان را پیرامون آن

مجموعه کالک با هدف ثبت تجربیات بسیج دانشجویی و ایجاد حرکتی رو به رشد در مجموعه‌های دانشجویی ذیل قرارگاه باقری آغاز به کار نمود. ماجرا از آنجا آغاز شد که در مجموعه‌های دانشجویی به علت سیال بودن منابع انسانی چرخ همواره و پی در پی از نو اختراع می‌شد! مجموعه‌ای وارد دانشگاه می‌شدند چند سال زحمت می‌کشیدند چرخ را اختراع می‌کردند و دوباره دوره بعد، نیروهای جدید و همان ماجرای تکراری اختراع چرخ. بدتر از همه این بود که مشکل فقط در اختراع چرخ نبود؛ برخی دانشجو‌ها، هر ساله در چاله‌هایی در میانه راه جنبش دانشجویی سقوط می‌کردند و هیچ کس نبود که یک بار و یک بار برای همیشه در کتیبه‌ای مکتوب نماید که آی اهل المکاتب! اینجا چاهی است و نیادا از این مسیر بروید که زمین خواهید خورد زمین خوردنی. کالک آمد که این کتیبه باشد و هر دانشجویی، هر تجربه‌ای که در دوران فعالیت

مرکز رسانه ۵۷



نشریات از جمله سرفصل‌های این کارگاه آموزشی یک روزه هستند. ثبت نام این کارگاه‌ها از طرف خود تشکل‌ها در دانشگاهشان صورت می‌پذیرد و این مرکز در زمینه اعزام استاد با تشکل‌ها بدون اخذ هیچ گونه هزینه‌ای همکاری می‌نماید.

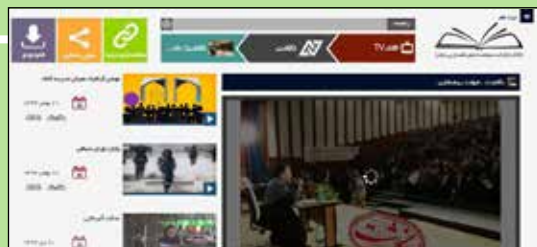
اگر اهل شبکه‌های اجتماعی هستید می‌توانید در تلگرام نیز فعالیت‌های مرکز رسانه ۵۷ را در «کانال ۵۷» به آدرس @mag57online و گروه «باشگاه نویسندگان نشریات تشکل‌های دانشجویی کشور» دنبال کنید. در کانال ۵۷ منتخب نشریات دانشجویی معرفی می‌شوند. همچنین روزنامه الکترونیک ۵۷ آنلاین را از طریق همین کانال می‌توانید روزانه دریافت نمایید. در گروه باشگاه نویسندگان نیز می‌توانید علاوه بر اینکه نشریه تشکل خود را جهت نقد بررسی اعضا و کارشناسان رسانه کنید، از نکات آموزشی و مطالب و اخبار تشکیلاتی هم بهره‌مند گردید.

های کشور است. این نشریه فعالیت خود را با اولین شماره در فروردین ماه ۹۳ آغاز کرد و ارتباط خود را با جامعه تشکیلاتی دانشجویی شکل داد. تاکنون ۱۳ شماره از این نشریه به چاپ رسیده و در دانشگاه‌های سراسر کشور منتشر می‌شود. یکی از اهداف نشریه پرورش و کشف نیروهای اهل قلم دانشجویی است. دانشجویانی که به نوشتن علاقه داشته باشند می‌توانند مطالب خود را برای ایمیل ماهنامه که در مشخصات ابتدای نشریه آمده ارسال کنند تا در ماهنامه به نام خودشان چاپ شود.

یکی دیگر از فعالیت‌های مرکز رسانه ۵۷ تقویت مهارت‌های رسانه‌ای تشکل‌های دانشجویی در زمینه نشریات است. این مرکز تاکنون چندین دوره کارگاهی آموزش رسانه در برخی دانشگاه‌های کشور برگزار کرده است. دوره‌های مخاطب‌شناسی، اصول فنی و اصول محتوایی نشریه و دوره طراحی و گرافیک

مرکز رسانه ۵۷ قرارگاه شهید باقری با هدف تقویت تشکل‌های دانشجویی سراسر کشور و انسجام بخشیدن به فعالیت‌های رسانه‌ای آنها فعالیت می‌کند. از محصولات این مرکز می‌توان به روزنامه الکترونیک ۵۷ آنلاین اشاره کرد که هر روز بر روی سایت Online57.ir قرار می‌گیرد. در این روزنامه اخبار روز به صورت خلاصه به همراه یادداشت تحلیلی روز قرار می‌گیرد که با کلیک روی هر ستون و هر خبر می‌توانید مشروح مطالب آن ستون را مشاهده کنید. سایت به گونه‌ای طراحی شده است که تشکل‌های دانشجویی می‌توانند با ثبت نام و همچنین بارگزاری لوگوی تشکلشان در سایت، این روزنامه را هر روز با لوگوی تشکل خودشان دریافت نموده و در تابلوی اعلانات دانشگاهشان استفاده نمایند.

محصول دیگر مرکز رسانه ۵۷، ماهنامه ۵۷ است که تنها رسانه مکتوب سراسری فضای تشکیلاتی دانشگاه



تصویری برای دانشجویان عرضه نماید. به زودی در این بخش مفاهیم مورد نیاز دانشجویان همچون تکنوکراسی، فمینیسم و... به زبان ساده بیان و نقد می‌شود. همچنین کالک تی وی بستری خواهد بود تا اسناد عملیاتی به صورت مختصر و تصویری ارائه گردد.

این کتیبه از کتاب دوران هخامنشی نیست که صرف دیدن و تحسین نگارندگان آن غایت بیندگانش باشد. با ما همراه شوید، تجربیات خود را ثبت نمایید و در انتظار شکوفایی نسلی باشید که از دل تجربیات شما مسیر حرکت درست را رو به قله‌های افتخار می‌پیماید و بلندتر از آن هسته‌های مقاومتی هستند که در سرتاسر جهان در حال شکل‌گیری اند و به فرمان امیر این قافله بسیج دانشجویی موظف شده است که الگوی خود را آماده نماید و به بسیجیان سرتاسر جهان در شرق و غرب عالم عرضه نماید.

در کشور وجود نداشت که شما بتوانید به آن مجموعه مراجعه نمایید و در موضوعات تشکیلاتی از آن مجموعه درخواست استاد و برگزاری دوره داشته باشید. اما از ابتدای تابستان امسال «مدرسه کالک» مرجع دوره‌ها و اردوهای تشکیلاتی شماسست. اگر به سایت ما سر بزنید موضوعاتی همچون اصول کار تشکیلاتی، مأموریت بسیج، جذب، اصول کار فرهنگی، نشریه دانشجویی، طراحی و تدوین فایل‌های تصویری و... را مشاهده خواهید نمود. در سرتاسر کشور به هر کدام از این موضوعات که نیاز داشتید می‌توانید با شماره ۱۳ ۱۲۵ ۹۳۳۰ تماس بگیرید و عنوان و زمان کارگاه‌های مدنظر خود را قید نمایید تا استاد مدنظر برای شما اعزام گردد.

آخرین بخشی که در مجموعه تأسیس شده است تلویزیون کالک یا همان «کالک تی وی» است که قرار است تجربه‌های شاخص تشکل‌های دانشجویی را به صورت فایل‌های

مجموعه کالک است به دوستانی که در بسیج دانشجویی مسئولیتی را تحویل می‌گیرند این بخش با احصاء این نیاز شکل گرفت که دوستانی که خلعت مسئولیت در بسیج دانشجویی بر قامتشان نهاده می‌شود. نیاز به دانستن کف قابل قبولی از اطلاعات و نکات دارند که بتوانند واحد زیرمجموعه خود را اداره نمایند و این اطلاعات عموماً از مسئولین قبلیشان یا به آن‌ها منتقل نمی‌گردد و یا به صورت ناقص منتقل می‌گردد. در کالک مسئولیت که برای مسئولین فرهنگی، سیاسی، علمی، رسانه، آزاداندیشی و در نهایت خود مسئول بسیج ایجاد گردیده است، حداقل دانستنی‌های لازم، مراجع و منابع اطلاعاتی هر مسئول، ایده‌های عملیاتی، نکات مدیریت تشکیلاتی واحد متبوع و برخی موارد دیگر گرد آمده است.

اگر تاکنون تمایل به برگزاری اردو یا دوره تشکیلاتی داشته‌اید حتماً متوجه شده‌اید که تاکنون هیچ مرجع مشخصی

واحد گرا قرارگاه شهید باقری به عنوان مرکز عملیاتی و پشتیبانی بسیج دانشجویی سراسر کشور با تولید محصولات جریان ساز سعی دارد با کمترین هزینه بیشترین دستاورد را برای فعالین دانشجویی به همراه داشته باشد. ویژگی گرا تشخیص و بررسی موضوعات مطرح ارائه راهکار های اجرایی برای اثر بخشی بیشتر فعالیت های تشکیلاتی در سطح جامعه و دانشگاه است. محصولات گرا معمولاً ناظر به اجرا و عملیات است و بسته ای فشرده مناسب برای مناظره، کرسی آزاد اندیشی، نشریه، نمایشگاه، برد اعلانات و استفاده برای فضای مجازی به حساب می آید.

البته در بسته های گرا، کیفیت و نحوه ی اجرای عملیات بر عهده مسئولین و اعضای تشکل ها گذاشته شده است. چرا که آنها در میدان عملیات حضور دارند و شناخت آنها از فضای دانشگاه و ظرفیت اجرای طرح بیشتر است. همچنین یکی از اهداف واحد جریان سازی رشد اعضا و کادر سازی تشکل های دانشجویی است، بنابراین بخشی نیز برای اجرای ابتکارات اعضا و به اشتراک گذاشتن ایده هایشان در نظر گرفته شده است. حوزه های تولید محتوایی محصولات گرا متفاوت است. برخی از محصولات معطوف به زمان است، برای مثال با توجه به ایام

انتخابات، مذاکرات هسته ای، ۲۲ بهمن ... محصولاتی که پوشش دهنده چنین حوزه هایی باشد تولید می گردد. برخی دیگر از محصولات تولیدی واحد گرا به دنبال طرح موضوعاتی است که در جامعه مغفول مانده است و به آن پرداخته نمی شود، لذا گرا سعی می کند این موضوعات را بازخوانی کند.

در گذشته یکی از معضله ها استفاده از محصولات تولیدی، عدم دسترسی اعضای بسیج دانشجویی سراسر کشور به این محصولات بود یا اینکه محصولات به موقع به دست آنها نمی رسید. برای برطرف کردن این معضله ها تصمیم گرفته شد که محصولات عمدتاً بر روی سایت قرارگاه شهید باقری و کانال تلگرام گرا به آدرس @gera_qb قرار گیرد. واحد گرا همچنین در تلاش است ارتباط مستقیم و مستمری با فعالین دانشجویی سطح کشور برای دریافت وضعیت میدانی و درک نیازها داشته باشد.

گرا برای سال ۹۵ به دنبال اثر گذاری بیشتر تشکل های دانشجویی انقلابی در فضای جامعه است. لذا برای اجرای این اثر گذاری بیشتر اجرای برنامه های زیر را در نظر دارد:

۱. رصد فضای سیاسی - اجتماعی جامعه و تولید محتوا با توجه به هدف گذاری که از قبل برای اثر گذاری بسیج

دانشجویی در دانشگاه ها صورت گرفته است. لازم به ذکر است که اولویت بندی ها ناظر به واقعیت جامعه صورت خواهد گرفت تا قشر خنثی و غیر همسو نیز نسبت به شنیدن و دریافت پیام تمایل داشته باشند.

۲. بازخوانی تاریخ سیاسی انقلاب اسلامی یکی دیگر از برنامه های در نظر گرفته شده برای سال ۹۵ است. در این بازخوانی ها سعی خواهد داشت که با یادآوری رویدادهای مهم تاریخ انقلاب اسلامی برای نسل های جدیدی که وارد دانشگاه شده اند آنها را برای حضور در عرصه های سیاسی تغذیه کند و روش موثری در تحلیل فضای سیاسی روز به آنها ارائه داده شود.

۳. گرا در سال ۹۵ احیا برخی از وظایف بسیج دانشجویی در سطح را دنبال خواهد کرد. این وظایف معطوف به پیام امام خمینی (ره) در تشکیل بسیج دانشجو و طلبه خواهد بود که از جمله آنها می توان به احیای وظایف بسیج دانشجویی در پاسداشت سیاست «نه شرقی، نه غربی»، ارائه اصول اسلام ناب محمدی، جلوگیری از نفوذ ایدئولوژی شرق و غرب، حمایت از مظلومان و مطالبه گری عدالت اشاره کرد.

واحد گرا



جنبش نرم افزاری

مرکز جنبش نرم افزاری قرارگاه شهید باقری مجموعه ای است که تقریباً یک سال و نه ماه از عمر آن می گذرد و با این هدف شکل گرفته است که بتواند مجموعه های بسیج دانشجویی را به منظور عملیات در راستای تحقق تمدن نوین اسلامی و الزامات آن توانمند کند و تا حد امکان از آن ها پشتیبانی کند. رسیدن به تمدن نوین اسلامی برای این مجموعه هدف عمده است که به منظور تحقق این هدف برخی اهداف میانی را در دستور کار خود قرار داده است.

اهداف میانی این مجموعه عبارتند از:

۱. تقویت روحیه خود باوری در دانشجویان به واسطه معرفی تاریخ علم در تمدن گذشته اسلامی و دستاوردهای علمی انقلاب اسلامی
۲. نقد علوم انسانی موجود و شکستن جزمیت آنها
۳. گفتن سازی کلید واژه های راهبردی امام خاتمه ای (مدظله العالی) از جمله تمدن اسلامی، جامعه اسلامی، دولت اسلامی، تحول در علوم انسانی، الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت، اقتصاد مقاومتی و... به منظور تغییر جهت فضای حاکم بر دانشگاه ها از تمدن غربی به سوی تمدن نوین اسلامی
۴. تقویت روحیه مطالبه گری از مسئولین در راستای اسلامی سازی دانشگاه ها و تحول در علوم انسانی

۵. ایجاد بستر های لازم از جمله تاسیس یک پژوهشگاه یا مرکز تحقیقات علوم انسانی در هر دانشگاه در بازه زمانی ۵ الی ۱۰ سال آینده به منظور نخبه پروری و تربیت نیروهای پژوهشی تراز انقلاب اسلامی

لازم به ذکر است که عمده اهداف ذکر شده بناسط در قالب هسته های علمی دانشجویی پیگیری شوند و این مستلزم آن است که این هسته ها در دانشگاه ها شکل بگیرد و بر اساس یک آیین نامه یا دستور العمل اجرایی وارد عرصه عمل شوند که البته در این راسته اقداماتی نیز صورت گرفته است؛ از جمله این اقدامات می توان به برگزاری دوره های یک روزه گفتمانی - تشکیلاتی تحول در علوم انسانی اشاره کرد که در پاییز سال جاری به همت مرکز جنبش نرم افزاری و با هماهنگی نواحی استان ها در ۲۵ استان برگزار شد. در این دوره ها که به صورت کارگاهی برگزار شدند ضمن تبیین چپستی و چرایی مسئله جنبش نرم افزاری و تحول در علوم انسانی مدل علیاتی هسته های علمی نیز به دانشجویان بسیجی ارائه شد. همچنین آیین نامه این هسته توسط این مرکز تبیین و در اختیار تعدادی از دانشگاه ها قرار گرفته است.

در ادامه مسیر نیز این مرکز بنا دارد تا با تشکیل گروه های تخصصی در رشته های علوم انسانی که متشکل از

دانشجویان عمده دانشگاه های کشور می باشند و تعیین چند استاد و دانشجوی تحصیلات تکمیلی به عنوان مشاوران این گروه ها به تشکیل هر چه بهتر و سریع تر این هسته ها کمک کند.

یکی دیگر از اقدامات این مرکز تولید جزوات مطالعاتی مورد نیاز هسته های علمی است که تا کنون بیش از ده عنوان از این جزوات تولید شده است که از جمله آن ها می توان به مجموعه جزوات نسبت شناسی علم دین (شامل هفت عنوان جزوه)، جزوه تحول در علوم انسانی، جزوه مراحل پنج گانه انقلاب اسلامی و جزوه دانشگاه و بسیج دانشجویی اشاره کرد.

برای سال آینده نیز این مرکز بنا دارد تا با برگزاری یک دوره کشوری و دوره های استانی گفتمانی - تشکیلاتی و افزایش پشتیبانی از هسته های علمی علوم انسانی، راه اندازی سایت و نیز تولید محتوای مطالعاتی و رسانه ای اهداف خود را دنبال کند.

علاقه مندان جهت اطلاع از برنامه های این مرکز و همچنین بهره مندی از محصولات تولیدی آن می توانند از طریق لینک زیر در کانال رسمی این مرکز تحت عنوان «به سوی دولت اسلامی» عضو شوند:

telegram.me/jonbeshnarmafzari

هسته گفتمان سازی اقتصاد مقاومتی

- تولید بسته های ایده بخش : راهیان با طعم جنگ اقتصادی، غلیان قلیان (گرامیداشت نهضت تنباکو)، جهیزیه ایرانی و...
- تدوین جزوه های مطالعاتی: تحریم، فتوای تحریم تنباکو و...
- تولید اینفوگرافی «همه چیز درباره تحریم»
- رایزنی با ستاد مرکزی راهیان نور برای قراردادن جنگ اقتصادی به عنوان موضوع محوری فرهنگی اردوی راهیان نور
- ایده پردازی نمایشگاه هنری تجسمی جنگ دیروز، جنگ امروز با موضوع اقتصاد مقاومتی
- راه اندازی طرح راوی جنگ اقتصادی برای کاروان های راهیان نور دانشجویی
- همکاری با نهادهای حاکمیتی مانند : سازمان پدافند غیرعامل، شورای انقلاب فرهنگی، سازمان بسیج علمی و...
- همکاری با مراکز پژوهشی موثر مانند : ایتان، کانون تربیت اسلامی و...
- برگزاری کارگاه ها و ارائه های متعدد در دوره ها و نشست های تشکیلاتی بسیج، همایش های سالانه، حوزه های علمیه، مساجد، هیئات و... برای تبیین اقتصاد مقاومتی
- تامین محتوای برخی محصولات بخش های دیگر قرارگاه مانند: گر(قرار دادهای نفتی، قرارداد تعرفه ترجیحی ترکیه) ماهنامه ۵۷ (مصرف کالای داخلی)

هسته گفتمان سازی اقتصاد مقاومتی، در دی ماه ۱۳۹۳ با هدف ارتقاء دانش و قدرت تحلیل اقتصادی و ترویج الگوی صحیح رفتار اقتصادی برای دانشجویان بسیجی شروع به کار کرد. عمده فعالیت هسته به تبیین مفهوم اقتصاد مقاومتی به زبان ساده و تاکید بر نقش فرهنگ در تحقق آن اختصاص داشته و سعی بر این بوده که در کنار مراکز که به طور تخصصی به تولید ادبیات علمی در حوزه اقتصاد مقاومتی می پردازند، به ترویج مناسب و با ابزار صحیح این ادبیات بپردازد. در واقع می توان محور فعالیت این هسته را در یک کلمه «فرهنگ اقتصاد مقاومتی» عنوان کرد که مغفول ترین بخش در بین فعالان این حوزه بوده و مورد تاکید مکرر مقام معظم رهبری می باشد. از مهم ترین خروجی های هسته می توان موارد ذیل را نام برد: - تولید بسته پشتیبان جامع محصولات اقتصاد مقاومتی شامل: جزوه، سخنرانی، پوستر، کلیپ، مستند، برنامه های تلویزیونی، انیمیشن و... - پژوهش و ایده پردازی برنامه تلویزیونی ۶۲۶، گروه اقتصاد شبکه یک سیما - تولید و پژوهش اولین مستند تلویزیونی با موضوع نفوذ با عنوان «خنده دلک» و با سوزه محوری مک دونالد

کارشناسی ارشد و دکتری تخصصی رشته های علوم سیاسی در سه گرایش علوم سیاسی، سیاست گذاری و جامعه شناسی سیاسی به بیش از ۵۰ دانشگاه و تشکل دانشجویی در حوزه های مطالعاتی ارائه مشاوره های تخصصی داده است. تدوین سیر مطالعاتی برای تشکل های دانشجویی و هم چنین دانشجویان علاقه مند نیز یکی دیگر از کارویژه های این واحد است. دانشجویانی که تمایل دارند وارد فضای فکری و محتوایی بشوند با مراجعه به این واحد به صورت تلفنی و یا حضوری و پس از یک سطح سنجی عمومی سیر مطالعاتی مورد نظر برای آنها تعریف و تا اتمام آن به صورت دائم از پشتیبانی فکری و محتوایی واحد مطالعات برخوردار خواهند بود. در این خصوص به بیش از ۲۰ تشکل و ده ها دانشجو علاقه در حوزه های سیاسی-فکری، فرهنگی، رسانه ای و تشکیلاتی ارائه خدمات شده است. این واحد افتخار دارد که از بدو تاسیس قرارگاه شهید باقری بیش از ۷۰ عنوان جزوه مطالعاتی در سه سطح فوق الذکر را تولید و به عنوان مرکز تولید محتوا و پشتیبان فکری دانشجویان فعالیت نماید.

سیاسی بر اساس رویکرد اسلامی»، «غرب شناسی»، «مبنای نظری دولت یازدهم» و... نموده است که جامعه مخاطبین خاص خود را داشته و به دلیل تخصصی بودن موضوعات دارای جذابیت کمتری برای عموم دانشجویان است از طرفی دانشجویان فعال-تشکیلاتی به دلیل روحیه فکری-اجرایی خود نیازمند جزواتی با عمق کمتر اما کارآمدی بیشتری هستند از این رو این واحد با تولید جزواتی مانند «مخاطب شناسی در دانشگاه ها»، «ضرورت تشکل و کار تشکیلاتی»، «کدام تشکل»، «مدیریت در اسلام» و... نموده که عمومیت بیشتری دارند. برای آن دسته از دانشجویان که در دو قسم فوق الذکر نمی گنجد و بیشتر رویه ای اجرایی دارند واحد مطالعات تولید جزوات انگیزشی را در نظر داشته و بر این اساس تولید محتوا نموده است که جزوه «جوان مومن انقلابی»، «لب انتظار ما» از این دست جزوات است. البته واحد مطالعات محدود به تدوین و تولید جزوات نشده است و در قامت مشاور مطالعاتی-تشکیلاتی دانشجویان نیز ایفای نقش نموده است. این واحد با حضور دانشجویان

واحد مطالعات قرارگاه شهید باقری سازمان بسیج دانشجویی کشور در بدو تاسیس این مجموعه در صد آن بوده تا نیازهای محتوایی و مطالعاتی دانشجویان را در سطوح مختلف برطرف سازد. این واحد با تمرکز خود بر تولید و تدوین جزوات مطالعاتی و تشکیلاتی در صد است که به صورت سریع تر، جامع تر و در عین حال دانشجویی تر خلاء های محتوایی موجود را برطرف نماید. این واحد برای بهبود و دقیق نمودن تولید محتوا برای دانشجویان، تقسیم بندی سه گانه ای مبتنی بر فضای دانشگاه ها ارائه داده است که این تقسیم بندی مبنای تولید محتوای این واحد است. واحد مطالعات دانشجویان دانشگاه ها را به سه دسته دانشجوی «نخبه»، «فعال-تشکیلاتی» و «دانشجویان اجرایی» تقسیم نموده و بر همین اساس به تولید سه دسته جزوات مطالعاتی، «نگرش ساز»، «تشکیلاتی» و «انگیزشی» اقدام کرده است. با توجه به شان مطالعاتی و عمیق تر دانشجویان نخبه این واحد اقدام به تولید جزوات نگرش سازی همانند، «تحلیل



واحد مطالعات



گفت و گو با محسن مقصودی تهیه کننده برنامه ثریا به بهانه ۴ سالگی این برنامه

رسانه نیازمند تیم برنامه ساز انقلابی و حرفه ای است

تقدیر رهبر معظم انقلاب از ثریا متعلق به کل فعالین فرهنگی جبهه انقلاب است

امام خمینی (ره) نیز معیار اصلی برنامه و تیم برنامه ساز محسوب می شود. از بعد غیر محتوایی و فنی هم تلاش کردیم تا با ساخت آیتم های دارای ارزش هنری متناسب با رسانه تلویزیون بر جذابیت های برنامه اضافه کنیم. ساخت مستند های کوتاه تقریبا از همان ابتدای پخش برنامه در دستور کار ما قرار گرفت. حتی زمانی که وضعیت مالی سازمان صدا و سیما بهتر بود پخش های انیمیشن نیز در برنامه وجود داشت. یکی دیگر از تصمیماتی که برای پر بار کردن ثریا گرفته شد ساخت مستند های بلند در موضوعات گوناگون بود که تقریبا برای مرتبه اول بود که برنامه ای تلویزیونی علاوه بر تولید برنامه ترکیبی زنده به سراغ تولید مستند های بلند نیز می رفت. مانند مجموعه مستند هایی که در موضوعات دفاعی، هسته ای، اقتصاد مقاومتی، نفوذ و ... ساخته و پخش شده است.

مستند هایی که تیم مستند ساز ثریا ساخته است معمولا دست بر روی موضوعات حساسی گذاشته است. این قضیه برای شما در طول برنامه ها خصوصا در سال جاری که موضوعات پیرامون مذاکرات هسته ای مطرح کردید چه قدر در دسر ساز شد؟

از نظر شما به عنوان تهیه کننده و مجری برنامه ثریا دلیل این همه اقبال به برنامه را در چه عواملی می دانید؟

البته بنده این را نظر لطف شما به برنامه ثریا می دانم. ما به هیچ عنوان برنامه را ایده آل نمی دانیم، به نظرمان برنامه هنوز مشکلات فراوانی دارد. اما شاید این استقبال که از ثریا شده است در درجه اول از نیت خالص تیم ثریا ناشی می شود که واقعا از روی ادای تکلیف به نظام جمهوری اسلامی به فعالیت در این برنامه مشغولند. سطح زندگی بچه های ثریا به سطح زندگی مردم قربات زیادی دارند و این موجب شده تا دغدغه ها و مشکلات آن ها در برنامه ها نمود داشته باشد. ما سعی کرده ایم با اتاق فکری که در برنامه داریم به رصد مهم ترین اتفاقات کشور بپردازیم و در عین حال مسائل و خلا های جمهوری اسلامی را احصا کنیم و بر اساس آن ها برنامه های متفاوت و جذابی بسازیم. ثریا برنامه ای مساله محور است. ویژگی مهمی که برنامه ثریا دارد این است که به هیچ عنوان ادعای بی طرفی نمی کند. بلکه موضع دارد و به طور جد از موضع خود نیز دفاع می کند و برای این موضع نیز برنامه تولید می کند. منتهی موضع برنامه ثریا، همان ارزش های انقلاب اسلامی و اسلام ناب است. منویات مقام معظم رهبری و دیدگاه های

محسن مقصودی دارای مدرک مهندسی عمران از دانشگاه صنعتی اصفهان و کارشناسی ارشد مدیریت رسانه از دانشگاه تهران است. او که از فعالین سابق جنبش دانشجویی و عضو شورای مرکزی جنبش عدالتخواه دانشجویی بوده است، هم اکنون عضو شورای طرح و برنامه گروه دانش و اقتصاد شبکه یک است و در تولید برخی از برنامه های این شبکه نقشی تاثیر گذار داشته است. در میان این برنامه ها «ثریا» از جایگاه ویژه ای برخوردار است. ثریا برنامه ای است گفت و گو محور و تشکیل شده از آیتم های جذابی مستند های کوتاه و بلند که مدت چهار سال است از آنتن شبکه یک سیما در حال پخش می باشد و مخاطبین بسیاری را جذب کرده است. در ویژه نامه نوروزی ماهنامه ۵۷ گفت و گویی با محسن مقصودی صورت دادیم تا از دلایل موفقیت این برنامه و حضور بچه های ارزشی در حوزه های تولید محتوای رسانه ای در جبهه فرهنگی انقلاب بپرسیم.

کوشش ما این بود تا بدون توجه به واکنش جناح های سیاسی، مسائلی که مشاهده می کردیم و اعتقاد به مطرح شدن بدون ملاحظه آن ها داشتیم را در قالب مستند ها بیان کنیم. البته ساخت مستند های ثریا از دولت قبل آغاز شده بود. دولت قبل در مواردی به انتقاد از مستند های تولیدی برنامه می پرداخت و بعضا واکنش های بدی نسبت به آن ها داشت. بعد از تغییر دولت توقع ما بود که دولتی که با شعارهای آزادی عقیده و انتقاد توانسته بود به قدرت برسد در مقابل انتقاد هاسبر و تحمل بیشتری از خود نشان بدهد. اما متأسفانه عکس این قضیه اتفاق افتاد و واکنش ها در قبال مستند های ثریا در این دولت به اوج خود رسید. به طور مثال مستند هایی که در مورد انرژی هسته ای و مذاکرات هسته ای ساخته شد با واکنش شدید دولت روبرو شد. انتقاداتی که هم باعث فشارهایی بر سازمان صدا و سیما و تیم برنامه ساز شد و مشکلاتی ایجاد کرد که صلاح نیست جزئیاتش در این جا مطرح شود. در هر صورت ما انتظار داشتیم دولت روحیه نقد پذیری بیشتری داشته باشد که اصلا این گونه نشد.

با توجه به کیفیت تولید این مستند ها و برنامه زنده، شاید جالب باشد که مخاطبین بدانند چه تعداد از افراد در ساخت برنامه ثریا نقش آفرینند؟

تیم برنامه ساز ثریا مجموعاً شامل بیست نفر می باشند که در بخش های تولید، فنی و پژوهش مشغول فعالیت هستند. در حال حاضر ۴ کانال تولیدکننده مستند در برنامه مشغول به فعالیت هستند که بعد از این که اتاق فکر مشترک برنامه سوژه ها را در آورد و تیم پژوهش کار خود را انجام داد با نهای شدن سناریو، شروع به ساخت می کنند. تیم عوامل ثریا تعدادی از بچه های با انگیزه و ارزشی هستند که به واقع برای ادای تکلیف کار می کنند و میزان حداقلی از انتظارات دارند. بسیاری از مقاطع بوده است که حقوق بچه ها با تاخیر فراوان پرداخت شده است. در حال حاضر بچه ها برای ماه بهمن دریافتی نداشته اند. علی رغم اینکه در این ماه به مدت دو هفته هر شب برنامه داشتیم و بچه ها کارشان چند برابر بود. بسیاری از بچه های تولید کننده مستند های ثریا را کسی نمی شناسد. حتی

بچه های دانشجوی باید بدانند که تنها داشتن عقیده کافی نیست بلکه باید آستین ها را بالا بزنند و وارد میدان شوند. الحمدلله الان فضا برای ورود نیروهای کارآمد به رسانه مهیا تر از زمان ما است. بنده مطلعم که خلا های فراوانی در رسانه وجود دارد که نیازمند به تیم های خلاق هست تا به آن ورود پیدا کنند. مثلاً در حوزه های کودک و نوجوان، اقتصاد و علم و فناوری نیاز به تیم های برنامه ساز به شدت وجود دارد

ویژگی مهمی که برنامه ثریا دارد این است که به هیچ عنوان ادعای بی طرفی نمی کند. بلکه موضع دارد و به طور جد از موضع خود نیز دفاع می کند و برای این موضع نیز برنامه تولید می کند. منتهی موضع برنامه ثریا، همان ارزش های انقلاب اسلامی و اسلام ناب است. منویات مقام معظم رهبری و دیدگاه های امام خمینی (ره) نیز معیار اصلی برنامه و تیم برنامه ساز محسوب می شود.

انتهای اکثریت مستند های ما عنوان نمی آید تا سامی این بچه های زحمتکش مشخص شود. بچه های ما حتی برای دریافت جوایز کارهایشان نیز مایل نیستند بالای سن بروند.

خود شما و تیم برنامه ساز برنامه ثریا کار رسانه ای را از چه زمانی آغاز کرده اید؟

ما حدود ده دوازده سال پیش در فضای دانشگاه و تشکل های دانشجویی فعال بودیم. یادم می آید کار ما انتقاد کردن بود و بس. انتقاد به دولت های گوناگون، صدا و سیما و مشکلاتی که در سایر موضوعات وجود داشت. در فضای دانشگاه همایش ها و برنامه های گوناگونی برگزار می کردیم. مدتی که گذشت تصمیم گرفتیم وارد فضای رسانه ای کشور شویم. در ابتدا با مجموعه ای پژوهشی و رسانه ای در بیرون از سازمان مشغول فعالیت شدیم. در آن مقطعی که ما وارد شدیم و واقعا هم پروسه ی طولانی داشت که ذکر آن مجال فرصت بیشتری را می طلبد. از سال ۸۷ به عنوان پشتیبان پژوهشی برنامه های گوناگون تلویزیونی با سازمان شروع به همکاری کردیم. در سال ۹۰ بود که به این نتیجه رسیدیم که به دلیل پتانسیل پژوهشی تیم و تجربه های زیادی که کسب کرده بود، می توانیم برنامه ای مجزا و متفاوت تهیه و تولید کنیم که نهایتاً در اسفند همان سال و با حمایت های مدیران سازمان و اعتمادی که به مجموعه ما شد، توانستیم اولین برنامه ثریا را به آنتن ببریم.

بسیاری از دانشجوی های فعال علاقه مند به حضور در عرصه های جدی رسانه با توجه به خلاء موجود در فضای انقلاب در این حوزه هستند. توصیه شما به آنان چیست؟ آیا ورود به این فضاها سخت است؟

بچه های ارزشی و فعال در تشکل های دانشجویی که علاقه مندند وارد حوزه رسانه بشوند باید چند نکته را مورد توجه قرار بدهند. افرادی می توانند به فضای برنامه سازی و ساخت مستند ورود کنند که علاوه بر داشتن علاقه، از مهارت کافی برخوردار باشند. تجربه چند سال کار رسانه ای در دانشگاه خود داشته باشند. مثلاً حداقل چند نشریه دانشجویی منتشر کرده باشند، همایش و برنامه هایی مثل

راهیان نور برگزار کرده باشند. بچه های دانشجو باید بدانند که تنها داشتن عقیده کافی نیست بلکه باید آستین ها را بالا بزنند و وارد میدان شوند. الحمدلله الان فضا برای ورود نیروهای کارآمد به رسانه مهیا تر از زمان ما است. بنده مطلعم که خلا های فراوانی در رسانه وجود دارد که نیازمند به تیم های خلاق هست تا به آن ورود پیدا کنند. مثلاً در حوزه های کودک و نوجوان، اقتصاد و علم و فناوری نیاز به تیم های برنامه ساز به شدت وجود دارد. مشکل امروز رسانه در نبود مدیران انقلابی نیست؛ حتی بسیاری از مدیران صدا و سیما از ما نیز انقلابی تر هستند. مشکل در نبود برنامه ساز حرفه ای انقلابی است. دست نیاز سازمان برای محتوا و برنامه سازی به سمت نیروهای با انگیزه و حرفه ای بلند است. مهم ترین برتری که بچه های ارزشی در مقایسه با تهیه کنندگان برنامه های تلویزیونی دارند در وجود انگیزه در میان این بچه هاست. البته بچه هایی که می خواهند وارد رسانه بشوند باید صبر و حوصله نیز داشته باشند. نباید توقعات بیش از اندازه داشته باشند. همانطوری که عرض کردم پروسه ورود تیم ثریا به تلویزیون به شدت زمان بر بود. البته معنای این حرف بنده این نیست که ورودی های تازه نفس هم باید همین پروسه را بگذرانند. نه قطعاً این طور نیست. مطمئناً تجربه هایی که در این سال ها جمع شده است موجب می شود تا این زمان ورود کاهش بیاید ولی حداقل شش ماه تا یکسال سعی، ممارست و تحمل سختی نیاز است تا بتوانند به جایگاه مورد نظر شان برسند.

یکی از افتخارات تیم برنامه ساز ثریا تقدیر مقام معظم رهبری از یکی از برنامه های شما در سالی که گذشت محسوب می شود. چگونه از این موضوع مطلع شدید؟

در ایام جشنواره عمار بود که مستند برنامه در خصوص این جشنواره از تلویزیون پخش شد. در آن زمان بنده در استودیو و مشغول اجرای برنامه بودم و تلفن همراه خودم را بر روی سکوت گذاشته بودم. چند باری شماره ناشناسی با بنده تماس گرفت و نتوانستم پاسخ دهم. بعد از پایان برنامه مسئولان حراست گفتند باید با بیت تماس بگیرم و گویا کار واجبی با بنده دارند. بنده که تماس گرفتم متوجه اظهار لطف حضرت آقا به برنامه شدم که واقعا بسیار مایه شادمانی تیم برنامه ساز ثریا شد. این اظهار لطف آقا برای بچه ها معنای زیادی داشت و به عنوان یک خدا قوتی از سوی آقا محسوب می شد امیدواریم که لایق چنین محبتی بوده باشیم. محبت حضرت آقا به برنامه مطمئناً کار ما را برای آینده به شدت سخت کرد. امیدواریم بتوانیم با ساخت برنامه هایی بهتر موجب شاد شدن دل ایشان شویم. البته ما اعتقاد داریم که اظهار لطف ایشان متعلق به صرف برنامه ثریا نبوده است بلکه متعلق به کل بچه های جبهه فرهنگی انقلاب بوده است. ■



گفت و گو با حمید داودآبادی نویسنده پرکار دفاع مقدس

خدا فقط در شلمچه نیست!

شروع می کنند او هم به نشانه اعتراض ورزش باستانی را کنار گذاشت و به دیدار امام رفت. او برادر بزرگتری داشت به نام محمد که در عملیات والفجر ۱ شهید شد. بعد از این اتفاق او هم خواست به جبهه برود، ولی به او اجازه ندادند چون سنش کم بود و پدر و مادرش هم مخالف بودند؛ شناسنامه اش را دستکاری کرد و بالاخره رفت.

شما جزو نویسندگان پرکار دفاع مقدس هستید. فکر می کنید چرا مهم است که کسانی که روزگاری در جبهه بوده اند، خاطرات خود را به رشته تحریر در بیاورند؟

اگر ما ننویسیم چه کسی بنویسد؟ اگر ما برای شما از جنگ نگوئیم که شما هیچ چیزی از آن روزها نمی دانید. به قول دکتر شریعتی آنان که رفتند کاری حسینی کردند و آنان

جناب داودآبادی از کار تازه چه خبر؟ درباره آخرین اثری که منتشر کرده اید برایمان بگویید.

آخرین کتابی که نوشته ام اسمش «پهلوان سعید» است که درباره پهلوان شهید سعید طوقانی است. شهید طوقانی در دوران کودکی اش ورزش باستانی می کرد و در همان زمان بازویند طلای پهلوانی کشور را به دست آورد. در زمان شاه رسم بود هر سال برای بزرگداشت حکیم ابوالقاسم فردوسی سالگرد می گرفتند و ورزشکاران هم در آنجا حرکات نمایشی انجام می دادند. سعید طوقانی هم که آن موقع هفت ساله بود در آن مراسم حرکات نمایشی از خود نشان داد. حرکاتش آنقدر خوب بود که فرح هم که در مراسم حاضر بود، از جایش بلند شد و او را تحسین کرد و به او بازویند پهلوانی کشور را داد. از آن به بعد به او می گفتند پهلوان سعید. این سعید آدم عجیبی بوده است. زمانی که مردم مبارزات را علیه رژیم شاه

کمتر کسی را شاید بتوان یافت که با داودآبادی آشنایی نداشته باشد. در آسمان ادبیات دفاع مقدس نام داودآبادی یکی از ستاره های درخشانی است که به این آسمان زیبایی بخشیده است. شاید خیلی ها اسمش را مستقیم نشنیده باشند و یا چهره اش را نشناسند، اما حتما فیلم اخراجی ها را دیده اند؛ فیلمی که با هدایت ها و دلگرمی های حمید داودآبادی توسط مسعود ده نمکی ساخته شد و اتفاقا جایگاه پر فروش ترین فیلم تاریخ سینما را هم به دست آورد. مهربانی و صفا و صمیمیتش مانع از تیزی و برندگی زبانش نمی شود. هر جا بخواهد نقدی را وارد کند یا درباره کسی صحبت کند، نه تعارف دارد و نه واهمه؛ حرفش را می زند. آنچه پیش روی شماست مصاحبه وی درباره ادبیات دفاع مقدس و آسیب شناسی اردوهای راهیان نور است.

که ماندند باید کاری زینبی کنند؛ وگرنه یزیدی‌اند. اگر حمید داودآبادی این کتاب‌ها را نمی‌نوشت و این وظیفه را انجام نمی‌داد، یزیدی بود.

خدا را شاهد می‌گیرم که من در آن روزها چنین روزی مانند امروز را می‌دیدم. من شاید هنوز هم نمی‌خواهم شهید شوم. ما در سه راه مرگ بودیم در عملیات کربلای ۵ در شلمچه و نفربری داشتیم که حدود ۳۰ نفر از نیروهای ما در آن بودند و عراقی‌های نامرد آن نفربر را منفجر کردند و تمام آن آدم‌ها زنده زنده تکه تکه شدند. من آنجا فریاد زدم و گفتم که خدایا! اگر مرا شهید کنی نامردی! باید من را زنده بگذاری تا بروم و بگویم که بر بچه‌های ما چه گذشت. من آنجا فقط دنبال یک ورق کاغذ بودم که هر چه می‌بینم بنویسم تا بماند. کتاب‌هایی که الان می‌نویسم همان ورق‌های کاغذی است که دنبالش بودم و الان دارم فریادهایم را در آنها می‌زنم.

به نظر شما چرا خیلی از رزمندگان دوران دفاع مقدس اهل دست به قلم بردن نیستند و با اینکه سینه‌شان گنجینه اسرار است، کاری نمی‌کنند تا حقایق جنگ برای نسل‌های آینده هم بماند؟

مشکل در اینجاست که هر کدام از اینها منتظرند تا آن دیگری بیاید سراغش. این مشکل دوطرفه است. یعنی از طرفی نویسندگان تمایل زیادی ندارند در فضای دفاع مقدس قلم بزنند و از طرف دیگر بعضی رزمندگان و آدم‌های به جا مانده از آن دوران برای خود کلاس و شأنیتی قائلند که مانع از این می‌شود تا به سمت اهالی هنر و داستان نویس‌ها بروند و با خود می‌گویند ما خیلی بالاییم و خیلی می‌فهمیم و چیزی را که در سینه‌های ماست، خود این نسل باید بیاید سراغ ما و از ما بخواهد تا تقدیمش کنیم.

یکی دیگر از بزرگترین مشکلاتی که ما در این زمینه داریم سیستم‌های دولتی است. وظیفه جمهوری اسلامی حمایت از فرهنگ و حمایت از ادبیات انقلاب است. اصلاً مگر به جز این وظیفه می‌توان وظیفه دیگری برای وزارت ارشاد قائل شد؟ اگر بحث ترویج موسیقی است، زمان شاه که بهتر این کار را انجام می‌دادند. اگر ترویج سینما را وظیفه خود می‌دانند، در زمان شاه بهتر این کار انجام می‌شد. شما ببینید ما این همه سازمان و نهاد حمایت از ادبیات دفاع مقدس داریم؛ اما واقعا جایگاه اینها کجاست و واقعا دارند چه کار می‌کنند؟ چه خروجی تاکنون داشته‌اند؟

حرف شما درست است. اما نهادهای فرهنگی هم که در حوزه دفاع مقدس کار می‌کنند کم نیستند. شما که خودتان بهتر از ما می‌دانید؛ معمولاً هم از کارهایی که در حوزه دفاع مقدس انجام می‌شود استقبال می‌کنند و از آنها حمایت می‌کنند؛ اینطور نیست؟

ببینید؛ ما فکر می‌کنیم نهادهایی مثل حوزه هنری، سازمان تبلیغات اسلامی، بنیاد حفظ آثار و ارزش‌های دفاع مقدس،

سازمان حفظ آثار سپاه، بنیاد خاتم الانبیا و ده‌ها نهاد نظیر اینها داریم اما با دقت که نگاه کنیم، می‌بینیم اینها قوز بالای قوز همدیگر شده‌اند. من به عنوان یک نویسنده دفاع مقدس دارم به شما این حرف را می‌زنم؛ من تاکنون ۲۵ کتاب در زمینه دفاع مقدس نوشته‌ام اما حتی یکی از آنها هم مورد حمایت قرار نگرفته است. بودجه این نهادها بودجه بیت المال نظام جمهوری اسلامی است، اما واقعا کجا دارد خرج می‌شود؟ اگر شرایط طوری باشد که بودجه‌ای نبود و سازمان‌هایی نظیر اینها وجود نمی‌داشت، انتظاری نداشتیم. اما آدم ناراحت می‌شود وقتی می‌بیند که مثلاً فلان بنیاد خاص می‌آید اعلام می‌کند که ما سال گذشته ۵۰۰ میلیارد تومان خرج کرده‌ایم و واقعا هم معلوم نیست خرج چه چیزی کرده‌اند. هر کس را هم که می‌بینیم از عدم حمایت صحبت می‌کند؛ پس این پول‌ها واقعا کجا می‌رود؟

نظر تان درباره سفرهای راهبان نور چیست؟ در گوشه و کنار کم و بیش نقدهایی را از شما شنیده‌ایم. ممکن است بیشتر در این باره توضیح دهید که دقیقاً ایراد کار کجاست؟

ایراد کار اینجاست که بعضی می‌خواهند شهدای خودشان را به دیگران تحمیل کنند؛ شهدایی که ساخته و پرداخته خودشان است؛ جنگی که ساخته و پرداخته خودشان است؛ کاری ندارند به اینکه جنگ واقعی چه بوده و شهدای واقعی چه کسانی بوده‌اند. الان آن جایی که شما می‌روید در شلمچه گریه می‌کنید خنثی‌ترین منطقه شلمچه است. من در عملیات‌های بیت المقدس، رمضان، کربلای ۵ و کربلای ۸ در شلمچه بوده‌ام. هیچ کدام از این مناطقی که الان جوان‌ها در شلمچه می‌روند و می‌بینند جزو آن مناطق اصلی نبوده است. خاکریز مثلثی که در آنجا به ابعاد صدمتر در صدمتر درست کرده‌اند چیزی شبیه جوک است. شما اگر تصوراتان از خاکریز مثلثی واقعی در جبهه‌ها این چیزی باشد که الان می‌روید در آنجا می‌بینید، قطعاً پیش خودتان خواهید گفت آن خاکریز مثلثی هولناک و وحشتناک که برای تصرف آن می‌جنگیدند، این است؟! باباجان! ابعاد خاکریز مثلثی واقعی ۳ کیلومتر در ۳ کیلومتر بوده است. عراقی‌ها داخلش را پر از قیر کرده بودند و ۴۰۰ رزمنده وقتی داخل آن شدند در این قیرها زنده زنده سوزانده شدند. این خاکریز مثلثی است. آن خاکریز نونی مثلثی که الان برای جوان‌ها درست کرده‌اند تماشایی بدلی است. اصل سه راه شهادت ۱۵ کیلومتر بالاتر است؛ جاده شهید صفوی. اصل این سه راه همان جاده شهید صفوی است. ولی چون حالش نیست و حس این را ندارند بروند تا آنجا، همه می‌ریزند در یک نقطه‌ای که اصلاً از اصل ماجرا فاصله زیادی دارد. اینها جودگی است. اصلاً داستان زیارتگاه شلمچه را شما می‌دانید؟ در زیارتگاه شلمچه هیچ شهیدی نبوده است؛ اصل داستانش این است که شهید مجید پازوکی از بچه‌های تفحصی که در سال ۷۵ مشغول جستجو بودند، چادر اقامتگاهشان را آنجا زده

بودند؛ از آنجا می‌رفتند نهر ختین و مناطق جلویی پیکر شهدا را جمع می‌کردند و عقب می‌آوردند. من عکس‌های اولیه شلمچه را دارم. عادت شهید مجید پازوکی این بود که وقتی شهدا را می‌آوردند، کوله پشتی و وسایلشان را جمع می‌کرد و یک جامی ریخت و دورشان چند تا بلوک می‌چید و پرچم می‌زد کنارشان؛ الان یک سری‌ها فکر می‌کنند که اینجا زیارتگاه شهیداست و پیکر شهدا زیر زمین است و یک سری دیگر می‌گویند از زیر زمین صدای اذان می‌آید و شهدا را یکی یکی می‌آوردند بالا؛ یعنی چهارصدتا شهید یکی یکی اذان می‌دادند! گاهی متأسفانه برخی از روی ناآگاهی حرف‌های عجیب و غریبی می‌زنند که واقعیت ندارد. این حرف‌ها را در حالی می‌زنند که اصلاً حتی در آن نقطه یک شهید هم پیدا نشده است. اصل محل شهدا همان نهر ختین بوده که از آنجا تفحص می‌کردند و به اینجا انتقال می‌دادند و وسایلشان را مجید پازوکی در این نقطه می‌گذاشت. حالا یک باره شد زیارتگاه! جالب این است که برخی افراد هم خاطراتشان را اصلاً با آنجا تنظیم می‌کنند و برای جوان‌هایی که از واقعیت خبر ندارند تعریف می‌کنند و آن‌ها هم کیف می‌کنند!

چه پیشنهادی برای بهتر شدن این سفرها دارید؟ فکر می‌کنید چه کارهایی باید بشود تا هم فرهنگ جبهه بیشتر و بهتر به جوان‌های نسل حاضر شناسانده شود و هم فرهنگ جبهه روزآمد شود؛ یعنی طوری که بتوانیم در عرصه نیازهای کنونی کشور هم آن فرهنگ را به کار گیریم؟

من بعضی کارها را به این شکلی که دارد انجام می‌شود، قبول ندارم. متأسفانه بعضی روش‌های اجرایی باعث می‌شوند تا اصل موضوع هم خراب شود و به جای آن که اثر سازنده داشته باشد نتیجه عکس بدهد. یکی از بزرگترین مشکلاتی که الان وجود دارد این است که امثال ما می‌خواهیم بنشینیم روی صندلی و برای دیگران سخنرانی کنیم؛ این خیلی بد است. آقای مرتضی سرهنگی که استاد ماست حرف خیلی خوبی را می‌زند؛ می‌گوید که اگر بخواهی از بالا «برای» جوان‌ها حرف بزنی، به حرفت گوش نمی‌دهند اما وقتی کنارشان بنشین و «با» آنها حرف بزنی به حرفت گوش می‌دهند.

بزرگترین مشکل ما این است که در شلمچه دنبال خدا می‌گردیم. همه می‌روند توی شلمچه و گریه می‌کنند و فکر می‌کنند خدا فقط آنجاست. چند ساعت گریه می‌کنند و بعد هم انگار نه انگار؛ جوری رفتاری می‌کنند که انگار همه چیز فقط این چند ساعت بود. نه تأثیری روی رفتارمان می‌گذارد این گریه‌ها و نه نتیجه‌ای می‌گیریم. یک جمله‌ای را با غرور به شما می‌گویم؛ امثال من دو روز بیشتر در این دنیا تاریخ مصرف نداریم؛ این دو روز بالاخره تمام می‌شود و می‌رویم و شماها می‌بازید! حواستان باشد و تا می‌توانید از امثال ما استفاده تان را بکنید. ■

همان طور که در اهداف و رویکردهای اردو ذکرش رفت، یکی از اهداف اصلی اردو نوسازی معنوی و همچنین ارتباط گیری و جذب دانشجویان می باشد. این دلیلی کافی برای این امر است که مسئولین اردو خود را صرفاً در جایگاه فردی که پشتیبانی و کارهای برگزاری اردو را انجام می دهد نبینند و بدانند که باید نقش مربی گری را هم در حین این مسئولیت ها بر عهده بگیرند. مربی گری به این معناست که بدانیم در فرآیند برگزاری اردو، قرار است ابتدا خودمان و سپس افراد شرکت کننده در اردو ساخته شوند و هر یک در یک طرح تعالی کلان به میزانی از تغییر از پیش از اردو می رسند. همچنین باید مسئول (علی الخصوص مسئول هر اتوبوس) همه افراد شرکت کننده را در فرآیند اردو دخیل سازد.

برای مربی بودن باید تربیت شد. ذات نایافته از هستی، بخش چون تواند که شود هستی بخش؟! به همین دلیل باید اول بدانیم که خودمان را حتماً مورد توجه قرار دهیم. اگر منی که مسئول اردو هستم چیزی در چنته نداشته باشم چیزی هم نمی توانم منتقل کنم. توسل، تضرع، توکل و محاسبه ی نفس خویشتن بزرگترین سرمایه ای است که یک مسئول اردو می تواند همراه خود داشته باشد. به همین دلیل باید این را تک تک کسانی که مسئولیت را در اردو بر عهده می گیرند آویزه گوش خود داشته باشند که برای جذب بچه ها به آرمانهای مقدسی که بسیج برای آن تشکیل شده است، باید ابتدا خود ما ساخته شده باشیم و خودمان عامل به آنها آرمانها باشیم و بعد از آن هم بدانیم که ما موثر در عالم وجود نیستیم، این خداست که تاثیر کلام، نگاه، رفتار و عملکرد ما را در دلهای دیگران می

اندازد، همانا که «و ما رمیت اذ رمیت ولكن الله رمی» و اینکه «إِنِّكَ لَاتَهْدِي مَنْ أَحْبَبْتَ وَ لَكِنَّ اللَّهَ يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ وَ هُوَ أَعْلَمُ بِالْمُهْتَدِينَ».

اما در مواجهه با آفات، چند نکته همواره مد نظرمان باشد:

۱- قبل از اردو برای مواجهه با آفات آماده باشیم. باید بدانیم که چه قشری از دانشجویان را با چه هدفی به اردو می بریم و بنابراین، لیستی از آفات احتمالی را مد نظر خودمان داشته باشیم و برای مدیریت به موقع آنها آمادگی کسب نماییم.

۲- مهمترین نکته این است که بچه هایی که احتمال می دهیم دچار این مشکلات شوند، به هیچ وجه نباید به صورت یک گروه جدا افتاده در اردو حضور داشته باشند و حتماً باید در تمامی برنامه ها حضور آنها را تعبیه کنیم و مانع از دو دستگی و چند دستگی بچه های شرکت کننده در اردو شویم.

۳- باید با زبان نرم و طمانینه کافی تذکر به آفات ذکر شده صورت بگیرد. اگر که می بینیم صحبت و کلام ما به عنوان مسئول اردو نفوذ لازم را ندارد، باید از افرادی که می توانند این اثر گذاری را داشته باشند استفاده نماییم. معمولاً خوب است که مسئول اردو چنین افرادی را برای روز مبدا داشته باشد، تا جاهایی که گره کور می افتد بتوانند وارد شده و مسئله را حل کنند.

۴- توسل به خداوند، ائمه اطهار و شهدا گرانقدری که برای زیات آنها به مناطق رفته ایم، در جهت رفع یک مشکل و آفت در اردو باید مد نظر قرار گیرد. باید بدانیم که در نهایت اگر که آفتی هم در اردو هست باید در جذبه ی خون شهدا و نفس قدسی شان، هضم و حل شود.

۵- نباید خودمان را بیازیم. در هر حال وقتی مسئولیت یک کار را بر عهده گرفته ایم آن را با همه ی خوبی ها و بدی هایش پذیرفته ایم. باید صبر خود را وسعت بخشیم و اساساً نگاه مان این باشد که این امتحانی برای وسعت صبر من است.

۶- باید سعه صدر خود را نیز بالا ببریم. بدترین مورد این است که مسئولی در برخورد با یک نفر از اعضای اردو از کوره در برود. سعه صدر با توجه به فشار کاری سنگین در اردو گوهری است که به آسانی به دست نمی آید. بنابراین حتماً در جستجوی این گوهر باشیم و آن را به راحتی از دست ندهیم. ۷- ما مسئول به وظیفه ایم. بهتر است جرع فرع فراوان برای به نتیجه نرسیدن بر خوردها به خود راه ندهیم که ما را از سایر مسئولیت هایمان بازمی دارد. آن که مقلب القلوب است تنها خداست که هر آنچه بخواهد همان می شود.

۸- در نهایت این که بدانیم، برای خاصی ی اردوی راهیان نور، ما به عنوان مسئول اردو، یک و فقط یک افتخاری بیشتر نداریم! آن هم خدمت به زائر شهدا می باشد که توفیقی بس عظیم و سترگ می باشد. بنابراین ادبای خادمی را به خوبی به جای آوریم. نمونه هایی از تجربیات دانشگاه ها (در ذیل گزیده هایی از ایت تجربیات را مشاهده می نمایید)

دانشگاه تبریز:

یک طرح که ارائه کردیم و خیلی هم خوب جواب داد "طرح خادمین افتخاری" بود. مثلاً شب ها دیگ های غذا را که کثیف بودند برای شست و شو می گذاشتیم هر کس می خواست انجام دهد. یک فضای روانی و فرهنگی خوبی را ایجاد می

مسئول باید مربی باشد

قسمتی از سند راهیان نور



آنچه که پیش روی شماست، به گزینی از تجربیات و اسناد موجود در سامانه کالک می باشد که خدمتتان تقدیم می گردد. برای دریافت کامل این متن ها می توانید به **kalkir** مراجعه فرمایید.



کردیم که بچه‌ها خودشان در کارهای اجرایی اردو شرکت می‌کردند.

یا مثلا یک بار در وعده غذایی مان سالاد بود. اعلام کردیم حدود ۲۰ نفر از خواهران داوطلب شدند. مواد و وسایل را بهشان دادیم خودشان درست کردند. می‌خواستیم بچه‌های دانشجو اردو را از خودشان بدانند. تمام تلاش ما برای این بود که همه‌ی افراد اردو در برابر احساس مسئولیت داشته باشند.

دانشگاه آزاد تربت حیدریه:

سرپرست خوب و تاثیر گذار سرپرست‌ست که عمدتا بتواند مثل مادر و یاپدر گروه دلسوز عمل کند حتی اگر در بین مسیر کسی حال ناخوشی داشت جوایبی حالش باشد سرپرست باید حواسش به تمامی اعضای گروه باشد سعی کند در جمع بچه‌ها باشد و احاطه و اداره گروه را خود به دست بگیرد مثلا خود سرپرست موضوعی راجعت مباحثه انتخاب کند که تسلط نسبی دارد تا هم از هدر رفت وقت جلوگیری شود و هم سرپرست در بحث و کنار اعضا حاضر است مسافران و اعضای گروه به طور ناخودآگاه از سرپرست الگوبرداری میکنند و این در صورتی ایجاد خواهد شد که اعضا حس دلسوزی مسئولیت پذیری و علاقه‌ی سرپرست را درک کنند و این‌ها همه و همه هم برای خود فرد موثر است و سفری به سوی نور برداشته و هم برای تشکل‌های بسیج دانشجویی که کارشان پرورش نیروی هم تراز جامعه است. نقش سرپرست انتخابی برای اردوهایمان را جدی بگیریم.

دانشگاه الزهرا:

برای اردو شهید شاخص انتخاب کردیم. چون زمان اردو مقارن با ایام فاطمیه بود شهید حمیدرضا تورجی زاده را انتخاب کردیم. که تبلیغات، ثبت نام، فضا سازی قطار و کلیت اردو با محوریت شهید شاخص بود. یکی از بچه‌های بسیج به عنوان راوی، مختص خاطرات شهید شاخص انتخاب شد که در اتوبوس‌ها از آن شهید خاطره‌گویی می‌کرد، در پایان

اردو هم کتابی درباره شهید شاخص اردو به بچه‌ها داده شد.

دانشگاه سمنان:

در مورد دریافت هزینه از دانشگاه باید بهشان بفهمانید که راهیان مخاطبش فقط بسیجی‌ها نیستند که بخواهد فقط جزو برنامه‌های بسیج بهش نگاه کنند. راهیان فقط مجربش بسیجی و حتی می‌توانید بگویید که حاضر هستید راهیان را مثلا بدهید انجمن برگزار کند. اصلا هم نترسید چون آگه حتی آگه دانشگاه بخواهد، هیچ ارگانی به بقیه تشکل‌ها مجوز برگزاری را نمی‌دهد. به همین خاطر دانشگاه نباید هزینه راهیان را به عنوان بودجه بسیج حساب کند بلکه به عنوان ابلاغیه وزارت علوم جزو برنامه‌های معاونت فرهنگی حساب می‌شود و باید تمام و کمال پولش را پرداخت کند و گرنه برا رئیس دانشگاه بد می‌شود. البته نه اینکه رئیس دانشگاه را تهدید کنید چون تعامل دوطرفه بهترین راه هست. خیلی خوبه که هر سال گزارش راهیان را به رئیس حضورا توضیح دهید و مخصوصا تحولاتی را که برای دانشجویها در این سفر اتفاق می‌افتد را برایش مثال بزنید مطمئن باشید بیشتر رئیس دانشگاه‌ها هم مثل ما آدم هستند و نرم می‌شوند. حالا بعضی از رؤسا استننا هستند که روش برخورد با آن‌ها متفاوت است.

دانشگاه قم:

در هر اتوبوس به جز مسئول اتوبوس ۴ خادم دیگر داشتیم که: پشتیبانی (توزیع وعده‌ها و میان وعده‌های غذایی) فرهنگی و کمک فرهنگی (توزیع بسته‌های فرهنگی - ارتباط گیری با زائرین - هماهنگی مبلغین و راویان - فضا سازی اتوبوس و...) کتابفروشی (توزیع بن کتاب و فروش کتاب)

پست کتابفروشی به نوعی زیر گروه فرهنگی بود این فرد عهده دار کتابفروشی سیار بود و وظیفه‌ی توضیح و تحویل بن کتاب (که جزئی از بسته فرهنگی اردو بود) را به بچه‌ها داشت. هم چنین مسئول فروش کتابهایی که فراتر از تعداد هر اتوبوس و برای فروش به همراه آورده بودیم.

تصمیم داشتیم در جهت جذب و به کار گیری زائرین پست شهردار اتوبوس هم داشته باشیم (شبییه پست شهردار در جبهه‌ها که مسئول نظافت و بود) قرار بود شهرداری اتوبوس را روزانه یک یا چند نفر دهیم و اولین شهردارها هم خود

خادمین اصلی باشند - جهت ریزش غرور و همچنین ترویج و تقویت روحیه مسئولیت پذیری در بچه‌ها - که متأسفانه این قسمت به دلیل ناهماهنگی‌هایی حذف شد.

صنعتی شریف:

نظر سنجی شفاهی: در واقع این نوع نظر سنجی، بهترین و مطمئن ترین نوع نظر سنجی است. برای این کار باید بعد از هر یادمان در مورد آن یادمان و مدعو و روایت گری و هیات و غذا و ... نظر سنجی بکنید. برای هر نظر سنجی هم حدودا در حالت عادی زمان ۱۵ - ۱۰ دقیقه کافی ست. پس متناسب با زمان آن مسیر باید نظر سنجی بکنید. نکته مهم نوشتن نظرات است، نوشتن باعث می‌شود که یادتان نرود از طرف دیگر اینکه بچه‌ها ببینند شما نظراتشان را می‌نویسید، میفهمند که برایتان مهم است و سعی می‌کنند جدی تر جواب بدهند. بنابراین حتما بنویسید، از شما تحویل می‌گیریم، خیلی به درد می‌خورند این نظرات.

دانشگاه زنجان:

برای تشکیل حلقه‌ها و گعده‌ها، با توجه به مخاطبین اردو، افراد را گروه بندی و برای هر گروه یک سرگروه انتخاب می‌کنیم که سرگروه از بچه‌های خودمان است و او کارهای بچه‌های حلقه‌ی خودش را پیگیری می‌کند و حلقه‌ها و گعده‌های مربوط به تیم خودش را پیگیری می‌کند. موضوع حلقه‌ها متناسب با مخاطب حلقه‌ها انتخاب می‌شود.

دانشگاه ارومیه:

خواهران جملات شهدا را می‌نویسند. ۶ یا ۷ تا جمله چند شهید که مخصوص چند منطقه‌ای است که می‌خواهیم به آنجا برویم. هر کدام هم یک نوع طراحی خاصی دارد. وقتی به مناطق خاصی می‌رسیم همانجا بین بچه‌ها پخش می‌کنیم. اینجوری اثر گذاری اش به نظر مون بیشتره تا اینکه همه‌را به جا بدهیم به بچه‌ها.





تحلیل انتخابات ۷ اسفند در گفت و گو با دکتر ابراهیم فیاض

تهران یک شهر استعمارزده است

دموکراسی در ایران به ابتذال کشیده شده است

تحلیل کنش های سیاسی اجتماعی در رویدادهای خاص؛ یکی از مباحثی است که همواره لازم است فراتر از جنجال های رسانه ای، از منظر اندیشه مورد توجه قرار گیرد. چه بسا یک کنش سیاسی تنها یک نشانه کوچک است از اتفاقاتی که ممکن است سال ها بعد به یک بحران تبدیل شود و باید با نگاهی سنجیده و بدون عینک های سیاسی و جناحی به منظور پیش گیری از چنین بحران های احتمالی مورد ارزیابی قرار گیرند. شهر تهران در انتخابات اخیر، خصوصا تحت شرایط خاص رفتار انتخاباتی «دعوی لیست ها» رفتاری متفاوت از سایر شهرهای کشور از خود نشان داد. بلافاصله پس از انتخابات برخی رفتار مردم را نشانه توسعه و بلوغ سیاسی تلقی کردند و با ابراز خرسندی، این مدل را الگویی برای سراسر کشور دانستند که باید در یک افق چندساله تبدیل به رفتار غالب مردم شود. اما آیا واقعا نگاه به انتخابات اخیر تهران و راهیافتگان آن به مجلس دهم نشانگر نوعی از توسعه یافتگی سیاسی است یا در بطن خود ما را به مسائل دیگری متوجه می سازد؟ سراغ دکتر ابراهیم فیاض، استاد علوم اجتماعی دانشگاه تهران رفتیم تا نشانه های رفتار اجتماعی اخیر مردم و نسبت آن با رفتارهای دولت و نخبگان سیاسی را بررسی نماییم.

در انتخابات اخیر هم همین گونه است. مردم تهران از روی تایید و اثبات اصلاحات به یک لیست رای ندادند و حتی اکثر افراد لیست را نمی شناختند، بلکه صرفا می خواستند به اصولگرایان «نه» بگویند. که دلیل این هم شرایط خاص تهران است.

اما آن چه ما باید از این انتخابات درس بگیریم آن است که دموکراسی اگر با تعقل همراه نشود، به ابتذال کشیده می شود. الان ما با یک مدل مبتذل دموکراسی سر و کار داریم. لیستی و قبیلگی رای دادن، بدون آن که بدانیم چه کسانی قرار است نمایندگان ما باشند، مدل مبتذلش

حضرت معصومه(س) حضور داشت و آن جا ایستاده بود و داشت دعا می خواند. از قضا من هم آنجا حضور داشتم. باور می کنید در میان آن جمعیت نه کسی او را شناخت و نه به او سلام کرد! فقط یک پیرمرد آن هم از باب سیادت به او سلام کرد.

همین انسان که تا دیشب ناشناخته بود، فردای آن روز به مشهورترین فرد سیاسی ایران تبدیل شد. در انتخابات ۸۴ هم همین بود، مردم مجددا برای نه گفتن به هاشمی، به احمدی نژاد رای دادند. اصلا احمدی نژاد را هیچ کس نمی شناخت.

به عنوان سوال نخست، لیست و لیستی رای دادن آیا به عنوان یک شاخص توسعه اجتماعی و تمایل مردم به شکل گیری یک ساختار حزبی و نظام مدرن سیاسی به حساب آورد؟

نه. در ایران دموکراسی های ما هیچ گاه اثباتی نبوده و همواره سلیبی بوده است. رای مردم ما همیشه رای منفی بوده است، نه رای مثبت. مردم ما در سال ۷۶ به خاتمی رای ندادند، بلکه به ناطق نوری که می خواست ادامه دهنده راه هاشمی باشد، نه گفتند. من یادم هست شب همان انتخابات آقای خاتمی در حرم

شده دموکراسی است. فقط هم به ایران اختصاص ندارد و در آمریکا و اروپا نیز همین شده.

خیلی جالب است که من میان رفقا و اساتید هر دوطیف اصولگرا و اصلاح طلب در روزهای گذشته عدم رضایت را مشاهده کردم. هر دو می گفتند به افرادی رای دادیم که اصلا به آن ها اعتقاد نداشتیم یا شبهات زیادی نسبت به آنان در ذهن مان بوده است. این، یعنی دموکراسی ما هم درگیر ابتذال شده است.

در چنین فرایند ناقص و معیوبی، شما «سریست» لیستی می شوید که انسان های بسیار قوی تر از خود شما داخل آن لیست هستند. خوب مشخص است چنین لیستی رای هم نخواهد آورد!

لذا باید عقلانیت پشت دموکراسی باشد و گرنه مبتذل می شود. ارسطو و افلاطون اگر ضدیت با دموکراسی می کردند دلیلش همین بود؛ اگر به آریستوکراسی و نخبه سالاری معتقد بودند، علتش این بود که این طبقه، «متفکر» هستند؛ اما عوام به معنای کلی اسیر تبلیغ و تهبیب و لجبازی هستند.

دیروز یکی از اساتید اصلاح طلب به خود من می گفت من به یکی از شاگردان خودم در یکی از لیست ها رای دادم در حالی که اندکی قبولش ندارم و تمام اکراه به او رای دادم. خوب توقع دارید کسانی که لیستی رای آورده اند و خودشان برای اقناع مردم تلاشی نکرده اند؛ داخل مجلس چه کنند؟ همین می شود که می بینید وسط جلسات مهم مجلس می خوابند یا دنبال همه چیز هستند جز استیفای حقوق مردم. ما سابقا داشتیم در مجلس ششم که نماینده حزب مشارکت خیلی راحت در جلسات می خوابید!

دموکراسی مبتذل باعث می شود لیستی که هیچ اقتصاددانی ندارد را راهی مجلس کند تا برای کمیسیون های اقتصادی مجلس بعد دچار بحران جدی شویم. همین دموکراسی اقتضا می کند افراد با ظاهر بزرگ و آرایش کرده و با دستکاری فوتوشاپ عکس های زیبایی از خود منتشر کند تا رای بیشتری بگیرد. در انتخابات شورای شهر ما هم که می بینید بازیگر و ورزشکار و خواننده از مردم رای می گیرند؛ نشانه ی همین است.

این دموکراسی مبتذل چه قدر به پوپولیسم نزدیک است؟

به نظر من چند سال است که در انتخابات های ما پوپولیسم شروع شده است و الان دیگر اوج آن است.

یک انقلاب اجتماعی در پیش است که باید فکری به حال دموکراسی کرد؛ از دل این نوع دموکراسی فقط نمایندگان بیرون خواهند آمد که دنبال کار کردن با موبایل و چرت زدن

در مجلس هستند نه کار جدی و پویایی.

این نشانه فاصله گرفتن نخبگان از جامعه است و فکری جدی باید به حالش کرد.

این مدل لیست دادن حتی به نظرم نوعی دموکراسی هدایت شده و مهندسی شده است. که علاوه بر ابتذال، خطرناک نیز هست. رفتارهای بعدی خیلی از این نمایندگان منتخب از قبل مشخص شده است. من شنیده ام که برای حضور برخی از همین افراد در لیست ها، چک ضمانتی ۵۰ میلیون تومانی یا ۵۰۰ میلیون تومانی از آن ها گرفته شده است که باعث شود بتوانند در آینده رفتارها را کنترل کنند؛ یعنی مثلا اگر در قضیه ریاست مجلس با جریان مطلوب آن ها هم راستایی نشان ندادند، آن مبلغ را به اجرا بگذارند. این نشانه انحطاط است.

چه قدر ابزارهای رسانه ای جدید که سطحی تر هستند به این انحطاط کمک کرده اند؟

الان جامعه ما وابسته به رسانه های اجتماعی بی اعتبار شده است. کتاب و فکر اصیل که بتوانند تبدیل به اندیشه افراد نخبه شود که توان مدیریت ۴ سال جامعه را داشته باشند؛ از بین رفته است و به نظر من ما خودمان زمینه را برای این کار فراهم کرده ایم. وقتی اقتصاد کتاب به شدت وحشتناک است و از طرفی یک موبایل قیمتی معادل چند کتاب معمولی را دارد، مشخص است که دیگر کسی کتاب دست نمی گیرد و حتی هر پسر ۱۰ ساله در فامیل هم یک گوشی موبایل خواهد داشت.

نخبگان هم وقتی مورد بی اهمیتی قرار می گیرند، مایوس می شوند. تکرار می کنم! با وضعیت رای آوردن اخیر این لیست بسیاری از نخبگان نا امید شده اند و من از هر دوطیف نخبگان اصولگرا و اصلاح طلب در این چند روز شنیدم که می گفتند آخر این ها چه کسانی هستند که رای آورده اند؟ و

متاسفانه این زمینه خروج نخبگان، یا خانه نشینی و مشغول شدن به کارهای صرفا فکری را فراهم می کند.

تحلیل شما از شرایط ویژه شهر تهران چیست؟ آیا از منظر هویت فرهنگی و اجتماعی این شهر دچار یک بحران است؟

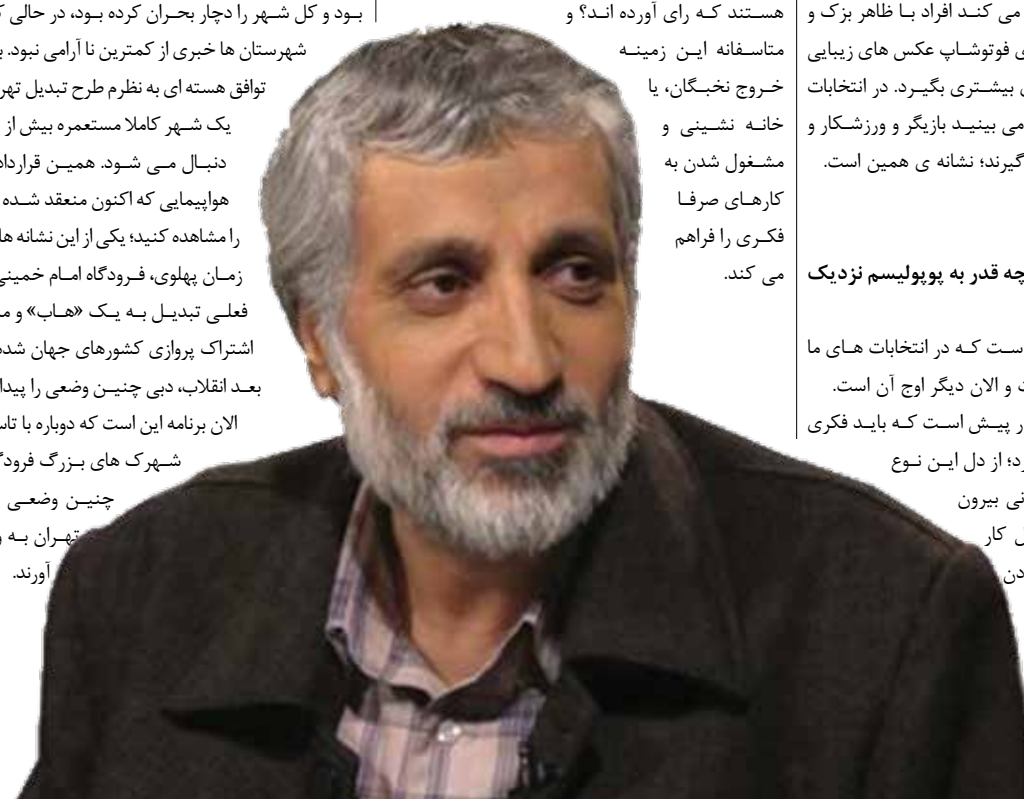
تهران یک شهر استعماری است. مثل ریودوژانیروی برزیل یا ژنو سوئیس. استعمار هر وقت به کشوری مسلط می شد، شهرهایی را به عنوان نقطه استراتژیک در اختیار می گرفت که به واسطه آن بتواند کل آن محیط را کنترل کند. فرانکفورت آلمان هم همین گونه است. من خاطرم هست زمان مرکل که تعدادی از جوانان آلمانی شاگرد من بودند، به شدت به او فحش می دادند و به حکومت شان بد و بیراه می گفتند و حتی معتقد بودند او را آمریکایی ها بر سر کار آورده اند.

تهران هم همین است و هیچ مناسبتی با کل شهرهای ایران ندارد. به نظر من تا تهران هست، استعمار هست. شما ببینید که همین شهر تهران چه میزان از پول مملکت را در خود می بلعد. کافی است شما میزان و کیفیت زباله های تهران را با شهرهای دیگر مقایسه کنید. در آماري که شهرداری داده بود، با میزان گواشتی که در زباله های تهران وجود دارد می توان ده ها هزار نفر گرسنه را سیر کرد. خوب این جز پول مفت نفت چیز دیگری نیست.

همه این ها حاصل اقتصاد تک محصولی است. نفتی که در تهران توسط دولت خرج می شود و این شهر را به یک قارچ انگلی وحشتناک تبدیل می کند که کشور را می بلعد. به طوری که شهرستان ها هر چه از تهران دورتر باشند، فقیرتر هستند.

اگر خود آگاهی شهرستانی ها شروع بشود، به نظر من جنگ آن ها با تهران شروع خواهد شد. جنگی که تا حدودی در سال ۸۸ هم قابل مشاهده بود. فتنه ای تهران را فرا گرفته بود و کل شهر را دچار بحران کرده بود، در حالی که در شهرستان ها خبری از کمترین نا آرامی نبود. بعد از

توافق هسته ای به نظرم طرح تبدیل تهران به یک شهر کاملا مستعمره بیش از پیش دنبال می شود. همین قراردادهای هواپیمایی که اکنون منعقد شده است را مشاهده کنید؛ یکی از این نشانه هاست. زمان پهلوی، فرودگاه امام خمینی (ره) فعلی تبدیل به یک «هاب» و مسیر اشتراک پروازی کشورهای جهان شده بود. بعد انقلاب، دبی چنین وضعی را پیدا کرد. الان برنامه این است که دوباره با تاسیس شهرک های بزرگ فرودگاهی چنین وضعی را در تهران به وجود آورند.



یک شهر مصرف زده و پتیرینی مثل دبی. شما نباید در اقتصادتان بتوانید ایرباس تولید کنید، بلکه باید آن را از ما بخرید و مصرف کنید و تبدیل به مسیر پرواز منطقه ای بشوید. طبیعتاً در بلند مدت تهران به یکی از بازارهای اصلی مصرفی جهان تبدیل می شود و مردم هم باید عادت کنند به خوردن فلان سانویچ و پوشیدن فلان برند لباس. اقتصاد تک محصولی، «تک شهری» به همراه می آورد. آن هم شهری که از نظر فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و رسانه ای به شدت وابسته است.

این وابستگی رسانه ای مردم تهران به خوراک رسانه ای جهانی چه قدر در انتخابات اخیر قابل مشاهده بود؟

در شهری که همه چیزش وابسته است، رسانه اش هم قاعدتاً وابسته می شود. به نظر من هدایت گری مردم در انتخابات اخیر در دست نخبگان داخل تهران نبود. این ها تبدیل به ابزار شده بودند. همان طور که در سال ۸۸ این ها ابزار بودند و جریان اصلی از بیرون هدایت می شد. این خطر همان «دموکراسی جهت یافته» است که باعث تغییر رفتار و کنش های اجتماعی می شود. در آلمان هم مرکل خیلی محبوب نیست اما آمریکا با قدرت رسانه ای خود پشت او می آید و باعث می شود رای بیاورد. در حالی که همین الان هم نخبگان به او فحش می شود. در انتخابات اخیر اصلاً «تفکر» وجود نداشت. این طنز تلخی است. اگر نظام می خواهد هویت خودش را حفظ کند، باید مجدداً نخبگان را به عرصه برگرداند.

در هر صورت باید اقرار کنیم فرایند ارتباطی و رسانه ای رسمی کشور در انتخابات اخیر شکست خورد؛ وگرنه رسانه های خارجی نباید می توانستند به این سادگی در داخل کشور، فکر و رای ایجاد کنند. ما نیاز به یک انقلاب رسانه ای در ایران در حوزه فکر و اندیشه داریم. وگرنه همین طور که پیش می رود مردم کم کم دچار یاس می شوند. یک روز آن گونه به اصولگرا رای می دهند و یک روز این گونه به اصلاح طلب. و همه هم شکست می خورند. هم هاشمی شکست خورد، هم خاتمی آن طور شکست خورد، هم احمدی نژاد آن گونه شکست خورد. و باید هشدار داد که برآیند این ها تبدیل به «بحران اقتدار» برای نظام می شود.

در حوزه اجتماعی این انتخابات چه تغییری در جامعه ایجاد می کند؟

اولین نتیجه همین انتخابات اخیر را من «از بین رفتن کامل اقتصاد مقاومتی» به عنوان یک مدل بومی و «رونز» می دانم. همین الان وزیری در کشور بر مصدر است که می گوید «قیمت گذاری، مارکسیستی است». چنین کسی نه سواد علمی دارد و نه اسلامی و هیچ نمی فهمد.



جالب است که این چنین حرف هایی زده می شود، از قم هیچ صدایی بلند نمی شود.

باب عدالت و ظلم را در فقه اسلامی بروند مطالعه کنند تا ببینند اسلامی چه حرف های مهمی در این زمینه دارد. خب چنین بی سوادهایی می آیند در این مملکت می شوند وزیر و وکیل. الان یک اقتصاد دان درست و حسابی از تهران به مجلس نرفته است. در چنین مجلسی چه کاری برای اقتصاد مقاومتی قرار است انجام شود؟ خب در این ساختار تولید داخلی دیگر شوخی است و ما روی مصرف کالاهای داخلی حساب ویژه باز کرده ایم. این که رئیس جمهور ما مشخصاً برای خرید ایرباس های فرانسوی به سفر می رود در حالی که این کارها در دنیا در سطح یک معاون وزیر است؛ نشان می دهد ما همانطور که رهبر انقلاب هشدار می دهند، قرار است در اقتصاد جهانی هضم شویم.

و در چنین اقتصادی، به عنوان منبع درآمد، احتمالاً به چیزی جز نفت احتیاج نداریم. این وابستگی به نفت ما را برمی گرداند به دولت هویدا. دولت هویدا همین بود و معتقد بود وقتی کالای ارزان تر در دنیا موجود است چرا باید در داخل تولید کنیم؟ می گویند حتی برای ساخت موشک و صنایع دفاعی پول خرج نکنیم و از دیگران بخریم. لابد اگر در معرض تهدید خارجی هم قرار گرفتیم قرار است آمریکا به فریاد ما برسد و به ما اسلحه بدهد. همان طور که به عراق و سوریه کمک کرد! خب این فرایند و وابستگی ما را حتی به خطر تجزیه کشور نزدیک می کند. دموکراسی رسانه ای وابسته در تهران که یک شهر استعماری است آغاز شده و قدم به قدم به انحطاط ما را نزدیک می شود. در ساختار سیاسی هم کم کم به احزاب بی خاصیت و فرمایشی دولت هویدا می رسمیم. حزب ملت ایران، حزب نوین و این مدل ساختارهای سیاسی طنز برسیم که در آن همه چیز جز نظر نخبگان موثر است. نظام باید زودتر تکلیف خود را با این وضعیت روشن کند.

در شرایط فعلی دولت ما چه قدر به این افول نقش

نخبگان کمک می کند؟

ما الان با یک دولت محافظه کار تقلیل گرا مواجه هستیم. و نقطه ثقل آن هم روی اقتصاد مستقر است. و اگر در این شرایط اقتصاد مقاومتی محل دقت واقع نشود به وابستگی همه جانبه نزدیک می شویم. این شرایط ما را در بلند مدت به «رادیکالیسم احمدی نژادی» خواهد کشاند. یعنی در یک افق میان مدت احتمالاً فردی تندتر از احمدی نژاد روی کار خواهد آمد که البته این بار ساختار نظام را به چالش می کشاند. یا حتی ادامه دولت روحانی با این عملکرد خطر بازگشت سلطنت سابق را به ذهن متبادر می کند. چون دولت فعلی با این فرمان اگر بخواهد جلو برود در نهایت مدل خاصی از شاهنشاهی را نشان می گیرد. همان طور که بعد از انقلاب مشروطه با گذر چندین سال، یک ساختار حکومتی دیگر (پهلوی) جایگزین شد. چرا که مردم با خود خواهند گفت اگر ما می خواستیم در ساختار قدرت جهانی هضم شویم اصلاً چرا باید این همه هزینه می دادیم و چرا این قدر جنگیدیم؟ اینجاست که نوعی پشیمانی شدید به وجود می آید. و حاصلش رسیدن به کسی است که شبیه کاری که احمدی نژاد کرد و در یک نقطه مقابل نظام و رهبری ایستاد، با درجه شدیدتر بخواهد بایستد. در آن زمان اسم فرصت طلبی را دموکراسی می گذاریم. کاری خطر بزرگ همین است.

برای مقابله با این شکل منحط دموکراسی چه باید کرد؟

در مقابل دموکراسی وارداتی باید نظام به شدت مقابله کند. رسانه ملی از همین امروز باید به نخبگان طیف های مختلف فضا بدهد و اجازه دهد نقد و آسیب شناسی کنند. رسانه ملی نباید اجازه بدهد، رسانه های خارجی اینقدر موفق باشند و در کشور هدایت فکری ایجاد کنند. یک انقلاب معرفتی و دانشگاهی نیاز داریم. در بهترین حالت این شرایط ما را تبدیل به یک ژاپن یا آلمان می کند. حتی به آن ها هم تبدیل نمی شویم. نشانه اش این که هاشمی آن اوایل می گفت من می خواهم ژاپن اسلامی درست کنم، بعد که دید شدنی نیست گفت مالزی اسلامی. بعد که دید این هم نمی شود گفت ترکیه ی اسلامی. یعنی صابون درست کنیم و به سایر کشورها صادر کنیم. یعنی جایی که ۶۰ سال پشت در اروپا ایستاده است و هنوز هم او را نمی پذیرند. شهرهایش هم به تفرجگاه بقیه کشورها تبدیل شده است. ایتالیایی ها برای توریسم به از میر برون، آلمانی ها برای تفریح به آنالی برونند. ما ایرانی ها هم برای تفریح به آنتالیا برویم. ساختار دولت فعلی و عملکرد آن در بهترین شرایط ما را به چنین چیزی سوق می دهد.

بسته پیشنهادی عیدانه از کتاب هایی که باید بخوانید!

بهار اندیشه در بهار طبیعت



خاطرات سیاسی - اجتماعی صادق طباطبایی

ناشر: عروج



خاطرات دکتر صادق طباطبایی یک مجموعه ۵ جلدی است که در حال حاضر سه جلد آن با عناوین «جنبش دانشجویی ایران»، «لبنان، امام صدر و انقلاب فلسطین» و «شکل گیری انقلاب اسلامی ایران» منتشر شده است. جلد اول از این مجموعه که با من و شما بیشتر سروکار دارد، در حوزه دین، اجتماع و سیاست، سیر تحصیلات او در آلمان، جنبش سیاسی اجتماعی انجمن های اسلامی دانشجویان فارسی زبان در خارج از کشور و نقش مرحوم سید احمد خمینی در شکل گیری انقلاب اسلامی تدوین شده است. سه جلد خاطرات صادق طباطبایی، دربرگیرنده بیش از ۴۰۰ عکس شخصی و خانوادگی، تصاویری از امام خمینی (ره)، مرحوم حاج احمد خمینی و تظاهرات دانشجویان مقیم خارج از کشور ضد رژیم پهلوی است که حتما پیش از این حتی برای یکبار هم چشمتان به آنها نخورده است! این مجموعه جلدهای چهارم و پنجمی هم در راه دارد که قرار است خاطرات درباره ایام فراندوم جمهوری اسلامی و شرح وقایع جنگ تحلیلی باشد که البته هنوز به زیور طبع نیاراسته گردیده است!



ایرانی ها چه رویایی در سر دارند؟

میشل فوکو - مترجم: حسین معصومی

ناشر: هرمس

موج فتنه: از جمل تا جنگ نرم

احمدحسین شریفی

ناشر: کانون اندیشه جوان

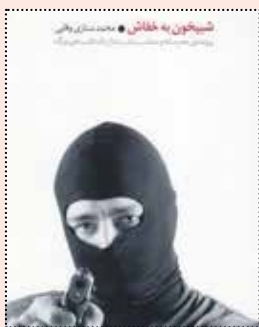
این کتاب با تکیه و تأکید بر سخن و سیره امام علی (ع) ابعاد گوناگون بحث فتنه را به اختصار می کاود. این کتاب شش فصل دارد که به ترتیب درباره مباحثی از قبیل مفهوم شناسی فتنه، شرایط و موقعیت های فتنه خیز، بسترهای اجتماعی ایجاد فتنه، شگردها و شیوه های فتنه گران برای ایجاد فتنه در جامعه، توضیح برخی از پیامدهای مثبت و منفی فتنه و در نهایت شیوه های مبارزه با فتنه بحث می کند؛ این اثر درواقع تطابق شرایط روز و کودتای مخملی در عصر حاضر با زمانه امام علی (ع) است. عناوینی نظیر «استفاده از شیوه های مبارزه نرم»، «استخدام چهره های موجه و مقدس»، «استفاده از شعرهای خوب و جذاب»، «سخن گفتن از اصول متعالی انسانی»، «نفی گذشته افتخارآمیز جامعه»، «تخریب احساسات»، «شبیه افکنی»، «تفرقه افکنی»، «جلب حمایت های خارجی»، «ایجاد سازمان های اجتماعی مردم نهاد»، «ایجاد فاصله میان مردم و حکومت» و «درآمیختن حق و باطل» از موضوعاتی اند که در این اثر به عنوان برخی از ویژگی های فتنه بررسی می شوند.

اصلا مگر می شود؟! مگر داریم؟! آخر فوکو را چه به ایران! اگر تا الان حتی فکرش را هم نکرده بودید که میشل فوکو درباره ایران و ایرانی ها کتاب دارد، از الان به بعد حتما فکرش را بکنید! این شخصیت از نظر فکری نه چندان دلچسب در سال ۱۳۵۷ در زمانی که هنوز انقلاب اسلامی به پیروزی نرسیده بود، به ایران سفر کرد؛ آن هم نه یکبار بلکه دوبار! کتابی که درحال معرفی کردن آن هستیم درواقع همه آن چیزی است که فوکو در آن دوبار در ایران دیده و شنیده است. فوکو اولین کسی است که انقلاب ایران را به معنای واقعی کلمه انقلاب می داند و بعد از انقلاب کشور فرانسه آن را در ردیف آن دسته از انقلاب های بزرگ دنیا به شمار می آورد که در آن معنویت با سیاست در هم تنیده شده اند. حالا وقت سورپرایز است! فوکو یک کتاب دیگر هم درباره ایران و انقلابش نوشته است که با نام «ایران روح دنیای بی روح» ترجمه شده است. توصیه می کنیم این دو کتاب را مطالعه کنید تا درک بهتری نسبت به نگاه متفکران خارجی به مقوله انقلاب اسلامی و حوادث آن پیدا کنید.



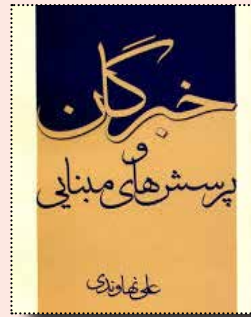
اسماعیل
امیر حسین فردی
ناشر: سوره مهر

در داستان «اسماعیل» شرح مبارزات یک جوان و شیفتگی او نسبت به انسانیت، آزادی و اسلام به تصویر کشیده شده است. اتفاقات این داستان در بستر انقلاب اسلامی شکل می‌گیرد. اسماعیل تهرانی است و بچه‌ی جنوب شهر؛ کمی شر و شور و اندکی متفاوت با دیگر هم‌سالانش. پدر رفتگرش را در کودکی از دست می‌دهد و مادر با داشتن خواستگاران متعدد تن به ازدواج نمی‌دهد تا با همه‌ی بضاعتش، پدرا نه به جا آورد آداب مادری را! اسماعیل در نوجوانی از درس بیزار می‌شود و به زور پایه‌ی ششم ابتدایی را تمام می‌کند. بعد به سبب گوشه‌گیری و سر به راهی سر از قهوه‌خانه در می‌آورد. چند سالی را به بیکاری و بطالت سپری می‌کند تا اینکه به مدد یک قاچاقچی! به استخدام بانک شاهی درمی‌آید. وضع خانواده را سامان می‌بخشد و به دختری از محله‌های مصفا‌ی جنوب شهر دل می‌بندد. عشقی که جنبه‌ی اثیری‌اش تا لحظات پایانی همراه مخاطب خواهد ماند. بعد از چند سالی که اسماعیل به عنوان کارمندی جزء، در نظام اداری مالی رژیم شاه خدمت می‌کند و درست در جایی که خواننده فکر می‌کند زندگی شیرین می‌شود، همه چیز به هم می‌ریزد. او با کشتی که در خود به سوی معنویات حس کرده و روند اتفاقات ریز و درشتی که برایش می‌افتد، خود را هم از خدمت در بانک شاهنشاهی محروم می‌کند و هم از مهر دختری که معشوقه‌اش شده است. سیب سرخ زندگی اسماعیل صنوبری در چرخ دوار خود به مسجد کشیده می‌شود و به کتابخانه‌داری و بعد از آن به مدیری قرض‌الحسنه می‌رسد و در مسیر انقلاب بر خلاف منشی‌های غالب روزگار خود، به روحانیت متمایل می‌شود. داستان با رسیدن به سالهای ۵۵ و ۵۶ به پایان نزدیک شده ولی به اتمام نمی‌رسد.



شبیخون به خفاش
محمد ستاری وفایی
نشر عماد فردا

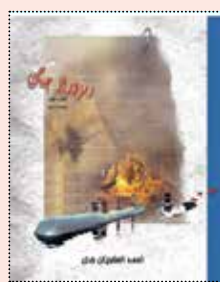
احتمالاً بیشترمان متولد دهه شصت هستیم و عمرمان خیلی به سال‌های قبل‌تر یعنی سال‌های دهه ۵۰ قد نمی‌دهد؛ روزهایی که هنوز اگرچه کلمه «فتنه» و هشجاری در برابر آن مانند امروز در وجودمان نهادینه نشده بود اما بودند فتنه‌هایی به معنای واقعی کلمه که ناجوانمردانه از هر سو نهال ظریف انقلاب را نشانه گرفته بودند؛ نشر عماد فردا کتابی را چاپ کرده که از فتنه‌ها و دسیسه‌هایی می‌گوید که ناپیدا و نانوشته‌اند! از سال ۵۸ می‌گوید؛ زمانی که دست‌های خیانت‌آتش‌نفاق را در آذربایجان شعله‌ور کرده بود؛ شبیخون به خفاش برای ما از تبریز می‌گوید، از کوچه پس‌کوچه‌های تبریز؛ از آسمانی که پر از خفاش شده بود و از مشت‌های کوبنده‌ای که این خفاش‌ها را مهار کردند.



خبرگان و پرسش‌های مبنایی
علی نهاوندی

ناشر: مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما

مسئله مجلس خبرگان و وظایف آن همواره در سال‌های بعد از انقلاب اسلامی خصوصاً در چندسال اخیر بسیار مورد مناقشه غرض ورزان و غرض‌ناورزان قرار گرفته است. شاید شما هم در دانشگاهتان صحبت‌ها و شبیه‌هایی درباره مجلس خبرگان شنیده باشید؛ خصوصاً در روزهای آخرین انتخابات که اوج تب و تاب‌های مجلس خبرگان بود. این کتاب از سه فصل «بررسی جایگاه ولایت فقیه و نقش حکم حکومتی در مدیریت جامعه»، «آشنایی با وظایف خبرگان...» و «پرسش‌هایی درباره اصول و مبانی مجلس خبرگان» تشکیل شده است. علی نهاوندی در پیشگفتار کتاب می‌نویسد: «نوشتاری که در پیش رو دارید، پرسش‌ها و پاسخ‌هایی است که در دوره انتخابات خبرگان رهبری نوشته شد و پس از مطالعه و ملاحظه اسنادهای حوزه و دانشگاه و اظهار نظر ایشان در روزنامه‌های کیهان و رسالت در سه شماره به چاپ رسید و در محیط‌های دانشگاهی به صورت جزوه منتشر شد.» در بخش دیگری از کتاب یکی از مسائل پرمناقشه حضور زنان در مجلس خبرگان مطرح می‌شود: «آیا عضویت بانوان مجتهد در مجلس خبرگان رهبری منع فقهی یا حقوقی دارد؟ آنچه برای مجلس خبرگان نیاز است، قدرت تشخیص مبانی فقهی رهبر و توانایی تعیین صداقت مطلوب و مناسب رهبری و همچنین تشخیص نیازهای علمی و عملی روز است تا «العالم بزمانه» باشد و با مسائل سیاسی روز نیز آشنا باشد. بنابراین، جنسیت و یا سن هیچ‌گاه منع فقهی و حقوقی را در پی ندارد، اگرچه از نظر فقهی، زنان نمی‌توانند عهده‌دار منصب ولایت و رهبری در جامعه باشند.» این کتاب در ۸۴ صفحه توسط اداره کل پژوهش‌های اسلامی رسانه‌های منتشر شده است.



رمز و راز جنگ
احمد اصغریان جدی
انتشارات دانشگاه شهید بهشتی

سخت‌ترین روزهای جنگ چه روزهایی بوده است؟ بحرانی‌ترین هفته‌های جنگ را چگونه پشت سر گذاشتیم؟ سخت‌ترین ماه‌های جنگ مربوط به چه ماه‌هایی بود و چرا برخی ماه‌ها در ذهن برخی از آدم‌های جبهه هنوز پررنگ‌تر در سایر ماه‌ها باقی مانده است؟ احمد اصغریان جدی در این کتاب دوجلدی برای ما داستان می‌گوید؛ داستانی واقعی از هم‌اوردی با پستی و بلندی اتفاقات جبهه و سرشاخ شدن با دشمن سفاک بعثی؛ در این کتاب تجربیات جنگ با زبانی شریین توضیح داده می‌شود و شاهکارهای مهندسی جنگ برای مخاطب بازتر م‌شود؛ مطالبی که در این کتاب با آن روبرو خواهید شد، به احتمال ۹۸ درصد برای اولین بار به چشم و گوش‌تان می‌خورد! آن دو درصدی هم که گفتیم محض احتیاط بود که شرط عقل است!



نقطه های آغاز در اخلاق عملی
آیت الله محمد رضا مهدوی کنی
ناشر: دفتر نشر فرهنگ اسلامی

حتما شما هم از جمله کسانی بوده اید که یا به دنبال استاد اخلاق گشته اید و یا مایوس از استاد حی و حاضر، در کتاب های اخلاق به دنبال راه رهایی از زنجیرهای نفسستان جستجوهای فراوان کرده اید. در این جستجو شما تنها نبوده اید؛ آن قدر جوان مانند شما به آیت الله مهدوی کنی مراجعه کرده بودند که ایشان تصمیم به ایراد یک سلسله سخنرانی در این زمینه گرفتند و کتاب حاضر متن درس های اخلاق ایشان به دور از هرگونه نظریه پردازی زائد است؛ کتابی که مانند یک نسخه عملی گام به گام دست ما را بگیرد و پای ما را در مسیر خودسازی ثابت قدم تر کند. البته خود آیت الله مهدوی در جایی از کتاب می گویند که «تحدید و مرزبندی در امور معنوی و جریانات مستمر کیفیت باطنی و اخلاقی بسیار دشوار است و طبقه بندی مورد نظر- که از معرفت فوق که از معرفت نفس آغاز شده و به زهد و قناعت ختم می شود- نسبت به افراد و اشخاص و شرایط، شدت و ضعف پیدا می کند و نمی توان نسخه ای واحد برای همه سالکان الهی ارائه تجویز نمود؛ چرا که اصول کلی حاکم بر اخلاق و مصادیق واجب و مستحب و حرام و مکروه و مباح برای همه یکسان نیست.» با این حال با در نظر گرفتن این نکته، مطالب را طوری بیان نموده اند که فطری ترین مسائل مطروحه برای هر شخص در نظر گرفته شود و مطالب قابل استفاده برای عموم علاقمندان و طالبان باشد.



کار باید تشکیلاتی باشد
(تشکل و کل تشکیلاتی در اندیشه مقام معظم رهبری)
ناشر: موسسه شهید کاظمی

کار تشکیلاتی چیست؟ بسیاری از ما جزو تشکل های زیادی ممکن است باشیم؛ اما واقعا چقدر با مفهوم تشکل آشنایی داریم؟ آیا صرف قرار گرفتن چند نفر کنار هم و تقسیم کار به معنای کار تشکیلاتی است؟ اصلا تشکیلات چه مزایایی دارد و چرا باید در این قالب کارهایمان را جلو ببریم؟ آیا تشکیلات همیشه خوب است؟ آفت شناسی کار تشکیلاتی از جمله رکود، عدم تحرک، موازی کاری، گم کردن هدف، راحت طلبی و غیره نیز از جمله نکاتی است که در این کتاب مطرح و تبیین شده است. به علاوه اینکه مدیر یک تشکیلات چگونه باید برای تشکیلات برنامه ریزی کند و براساس چه ملاک و معیارهایی باید افراد خود را مدیریت کند، نیز از جمله مواردی است که در این کتاب به خوبی بحث شده است. ضمن اینکه در پایان کتاب شما می توانید برای آشنایی هرچه کاربردی تر با مفهوم تشکیلات، چند نمونه های مصادیق های تشکل های موفق را مطالعه و از آنها الگوبرداری کنید. به طور خلاصه اگر مدعی کار تشکیلاتی هستید، حتما باید این کتاب را بخوانید!



کوله پستی
شقایق حقیقت جوی جوانمرد، سمیه فرنی
ناشر: آرما

دیگر دانشجوی خشک و خالی بودن و سرتان برای همیشه توی کتاب ماندن بس است! باید کوله پستی هایتان را پر کنید از تجربه های رنگارنگ؛ دیگر وقت شک ها و تردیدها گذشته است، باید بند کفش هایتان را محکم ببندید و قدم در راه های مطمئنی بگذارید که قبل از شما کسانی آن ها را رفته اند و از درستی آنها مطمئن شده اند. شاید هم هنوز هزاران راه نرفته باقی مانده که باید برویدشان و از تجربه هایتان به دانشجویان بعد از خودتان هم منتقل کنید. کتاب کوله پستی در حقیقت تجربه دانشجویانی مانند شماست که از کنار مسائل زندگی دانشجویی به سادگی نگذشته اند و حاصل آزمون ها و خطاهای خود را حالا می خواهند با شما به اشتراک بگذارند. با خواندن این کتاب شما فقط یک کتاب نمی خوانید؛ بلکه مخلوطی از کتاب های متفاوتی مانند «۵۰۰ نکته برای آموزشگران» تألیف فیل ریس، «رازهای موفقیت در دانشگاه» تألیف جاکوبز وهامین، «مهارت های مطالعه در دانشگاه» تألیف یآوری و «مطالعه موفق در هشت گام» تألیف پورشا نظری را مطالعه خواهید کرد. در بخشی از مقدمه این کتاب می خوانید: «به زبان خودمانی تر هندبوک به کتابهایی گفته می شود که اطلاعات پایه و فرمول های کلیدی هر حوزه ای را شامل می شود. در حقیقت هندبوک به شما یادآوری می کند که در آن حوزه تخصصی و پیرامون انجام یک عمل یا حل معضلی خاص چه کارهایی باید صورت بگیرد. در همین ابتدا باید خاطر نشان شویم که آنچه پیش روی شماست یک هندبوک است، هندبوکی برای انتقال مهارت های دانشجویی»



لحظه های انقلاب
محمود گل‌بدره ای
ناشر: عصر داستان



کتاب لحظه های انقلاب به شکل گزارش نویسی است و به معنای واقعی تلفیقی از روایت و قصه نویسی دارد و نکته قوی که در این کتاب مشاهده می شود نزدیک بودن به واقعیات است. این کتاب مستند گونه ای است از لحظه های اسطوره ای انقلاب مردم ایران که نویسنده با تمام کوشش و خون و عصب خود شخصا آزموده است. نویسنده سعی کرده با حفظ امانت و صداقت، تا آنجا که خود ناظر عینی حوادث بوده وقایع انقلاب را نقل کند. این کتاب همه انقلاب نیست و پیش از ۱۷ شهریور و تا انتصاب بازرگان ادامه دارد و تصویرسازی زیبایی دارد که ما را به آن روزگار می برد. در قسمتی از این کتاب می خوانیم:

«خمینی چه کرده خدا؟ لباسی که ۵۰ سال منفور بوده و هر که تنش بوده یا مسجد بوده یا سر قبر آقا بوده یا روضه می خوانده و تو وقتی توی فرودگاه می دیدی که چطور قرآن را بالا گرفته و سر عمامه پیچیده را تا کمر خم می کرده تا شاه از زیرش رد شود و برود سوئیس برای تعطیلات زمستانی... و چطور با عمامه بزرگش خم می شده و دست شاه را می بوسیده و در کنارش توی ضریح امام رضا می ایستاده و زیارت نامه می خوانده و اینجا و آنجا وعظ می کرده و شاه را دعا می کرده و سال تا سال هم حتی در یکی از خیابان های تهران چشمش به قد و قواره و عمامه و عبایش نمی خورده، حالا به هر طرف که بپیچی عمامه می بینی... این خمینی کیست؟»

مأموریت مخفی هایزر در تهران
خاطرات ژنرال آیزن هاور
ناشر: موسسه خدمات فرهنگی رسا

ارتش آمریکا یک ژنرال چهارستاره دارد که نامش در بین ایرانی ها معروف است؛ ژنرالی که در آخرین روزهای حکومت محمدرضا شاه به ایران سفر کرد تا با ارتش و دولت بختیار دست به دست هم دهند و جلوی وقوع انقلاب اسلامی را بگیرند. ژنرال آیزن هاور در خاطرات خود از قدرت طلبی آمریکا به هر قیمتی می گوید؛ تا آنجا که حتی دست نشانده خود محمدرضا را زمانی که بی مصرف دید، می خواست به گوشه ای پرت کند و حکومتی با رهبری بختیار بوجود آورد. حکومتی با صبغه نظامی که هر حرکت مردمی را سرکوب کند و درست در خدمت اهداف آمریکا باشد.



نامزد خوشگل من!
حمید داودآبادی

ناشر: موسسه شهید احمد کاظمی

کتاب های حمید داودآبادی نیاز به تعریف ندارد. از اسم کتاب هم می توانید بفهمید که چقدر حمیدآقای گل ما باصفا و باجنبه است! کتاب نامزد خوشگل من کتابی درباره دفاع مقدس است که به صورت مجموعه خاطراتی جذاب و کوتاه در قالب طنز نوشته شده است. کتاب متفاوت و کتاب های متفاوت دیگر این نویسنده را به هیچ وجه از دست ندهید!



حسینیه ارشاد به روایت ناصر میناچی

پژوهشگر: رسول جعفریان

ناشر: حسینیه ارشاد



حسینیه ارشاد یکی از مهم ترین و پرشورترین مکان های تجمع انقلابیون در زمان مبارزات انقلاب اسلامی است که از سخنرانی های پرشور شهید مطهری و دکتر شریعتی خاطرات زیادی را در دل خود جای داده است. در سال ۴۹ بین دکتر شریعتی و استاد مطهری اتفاقاتی می گذرد که منجر به جدا شدن استاد مطهری از حسینیه می گردد. بعد از انقلاب روشن شد که استاد مطهری در آن دوران نامه نگاری هایی داشت و این نامه ها منتشر شد. در جریان چاپ این نامه ها علت اصلی جدایی استاد از حسینیه ارشاد ناصر میناچی عنوان شده بود.

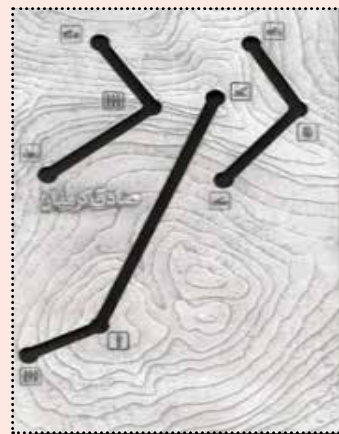
حال حجت الاسلام و المسلمین رسول جعفریان پای صحبت های ناصر میناچی نشسته و از لابلای خاطرات و شواهد آن روزها این اتفاق و اتفاقات دیگری که بر این حسینیه گذشته را واکاوی کرده است. ناصر میناچی یکی از بنیانگذاران حسینیه ارشاد است که به گفته شهید مطهری این شخص باعث شده بود تا حسینیه ارشاد انحصارا در خدمت دکتر شریعتی قرار گیرد. پاسخ به این مسائل و مسائلی مانند چگونگی شکل گیری حسینیه ارشاد، آدم های مهمی که به آنجا رفت و آمد داشتند، اتفاقات مهم و حواشی این اتفاق ها و مسائلی نظیر اینها را می توانید در کتاب به صورت مستند مطالعه نمایید. تا قبل از خواندن این کتاب از هرگونه نظر دادن درباره اختلافات بین شهید مطهری و دکتر شریعتی اکیدا اجتناب کنید!

درد

صادق کریمیار

ناشر: عصر داستان

رمان «درد» اثری مستند از جانبازی است که خاطرات خود را از سال ۶۳ تا پایان جنگ مکتوب می کند و موضوع آن جنگ اطلاعاتی ایران و عراق را بازگو می کند. این اثر روایتی از تلاش و همت دلاوران اطلاعات عملیات در عرصه دفاع مقدس است و در نوشتن آن از کمک های اطلاعاتی سردار شهید احمد سوداگر و جانباز محمد مهین خاکی استفاده شده است.



دخیل عشق

مریم بصیری

ناشر: عصر داستان

داستانی دراماتیک و برگرفته از الگو و اندیشه های دینی است که با روایتی از زندگی صبوره، بهیار دوران جنگ تحمیلی عراق علیه ایران آغاز می شود. داستان «دخیل عشق» از آسایشگاهی در شهر مشهد آغاز می شود و خواننده را درگیر زندگی دخترتری می کند که تمام زندگی اش را وقف خدمت به جانبازان کرده است. سرنوشت این بهیار بر اساس نذرش که ازدواج با یک جانباز و خدمت به اوست رقم می خورد. مریم بصیری در این کتاب، داستانش را با سرگذشت جانبازی به نام رضا پیش می برد که پاها و یک دست خود را در جبهه از دست داده است. جانباز شدن رضا باعث اختلاف بین پدر و مادر او می شود. پدر آن ها را ترک می کند و بعد از گذشت ده سال از پایان جنگ رضا به دلیل فوت مادر به آسایشگاه منتقل می شود.





تاریخ مستطاب آمریکا

محمدصادق کوشکی

کاریکاتورگست کتاب: مازیار بیژنی

ناشر: خیزش نو

این کتاب بامزه و البته جذاب در حقیقت نیازی به معرفی ندارد. هم صحبت ها و افکار دکتر محمدصادق کوشکی زبانزد عام و خاص است و هم مازیار بیژنی کاریکاتورهایش چشم زد عام و خاص! حقیقتش حیفمان آمد این کتاب را ما معرفی کنیم. استثنائاً برای این یکی می خواهیم بگذاریم خود کتاب خودش را معرفی کند:

«تاریخ ایالات متحده آمریکا خیلی جدی است! آن قدر جدی که حتی بخش ها و قسمت های شوخی آن هم جدی است! (تعجب نکنید! آن هایی که تاریخ را می شناسند، می دانند قسمت هایی از تاریخ هر جایی شوخی است! یعنی همه جای یک تاریخ نمی تواند جدی باشد! مثلاً ساختن مناره با کله ی مردم کرمان توسط آقامحمدخان قاجار به نظر شما شوخی نیست؟) و طبیعی است شوخی کردن با این تاریخ بسیار جدی، کار ساده ای نیست، چون آمریکایی ها بر خلاف ظاهرشان بیش از حد مجاز جدی اند! واقعاً چه جوری باید با تاریخ ملتی که اسطوره اش «کابوی»، نماد هویتی اش «غرب وحشی»، پیروزی شاخصش «انفجار بمب های اتمی در ژاپن»، غذای ملی اش همبرگر، عامل برتری اش «هزاران موشک و بمب هسته ای» و هنرمند اخراجی اش چارلی چاپلین است، شوخی کرد؟ (لا بد می دانید چاپلین سال های سال در تبعید زندگی کرد، چون مقامات آمریکا او را اخراج کرده بودند! او پس از جنگ جهانی دوم تا لحظه ی مرگش امکان زندگی در آمریکا را نیافت، چون بعضی فیلم هایش به مذاق سیاستمداران آمریکایی خوش نیامده بود.)

در کل ما که نفهمیدیم آخرش کتاب شوخی است یا جدی! ولی هر چیزی که هست حتماً چیز خوبی است!



توقف ممنوع

محمدجمال صدراعی

ناشر: موسسه روایت سیره شهدا

یک لحظه خود را در خاکریزهای جبهه ها تصور کنید! جایی که نه دیگر خبری از کت و شلوار پلوخوری است و نه دیگر تلفن همراه و تلگرامی وجود دارد که بتوانید از طریق آن با دوستانتان ارتباط برقرار کنید و از آنها کمک بخواهید! در زندگی انسان همواره در هر موقعیتی امکان بروز مشکلات و بحران هایی است که فقط باید با راه حل های خاص به سراغ حل آنها رفت. خلاقیت هایی که گاهی در یک لحظه به ذهن انسان ها می رسد و از ده ها راه حل علمی و آکادمیک موثرتر است! کتاب توقف ممنوع که از سوی معاونت پژوهشی مؤسسه روایت سیره شهدا در زمستان ۱۳۹۱ منتشر شده، گلچینی از خلاقیت های جوانان جنگو و شیردل ایرانی در جبهه های حق علیه باطل است. این مجموعه در واقع بازنویسی خاطراتی از خلاقیت ها و ابتکارات رزمندگان اسلام است که توانستند با اجرای آن ها گره های بزرگی از جنگ تحمیلی را باز کنند. جلوه هایی از خلاقیت، ابتکار بومی و تولید ملی که امروز چراغ راه ما در عرصه علم و فن آوری است.

این کتاب متشکل از چهار گفتار است که هر گفتار به توضیح موضوعاتی درباره دفاع مقدس پرداخته است که گفتار اول شامل درباره شهدای خلاق از شهید چمران گرفته تا شهید تهرانی مقدم است. گفتارهای سوم تا چهارم نیز شاهکارهای مهندسی سپاه در ایام جنگ تحمیلی مورد بررسی قرار گرفته و نسبت آن با مسائل عصر حاضر نیز سنجیده شده است.

قهوه قند پهلو: گزیده شعر طنز امروز

امید مهدی نژاد

ناشر: سوره مهر

این کتاب در واقع گردآوری و گزیده های ناب از طنز معاصر است که توسط امید مهدی نژاد گردآوری شده است. مجموعه ای پر از اشعار و نوشته های طنزآمیز هنرمندان معاصر که تقریباً از اواخر دوران مشروطه تا همین روزهایی که در آن زیست می کنیم را دربرمی گیرد. شما می توانید از اشخاصی مانند منوچهر احترامی، مهدی اخوان ثالث، ایرج میرزا، محمدابراهیم باستانی پاریزی، محمدتقی بهار، فریدون توللی، ابوتراب جلی، عماد خراسانی، علی اکبر دهخدا، ابوالفضل زرویی نصرآباد، محمدحسین شهریار، کیومرث صابری فومنی، عمران صلاحی و غیره کلی مطلب طنز بخوانید و به جای اینکه پول ده ها کتاب را بپردازید، یک کتاب بخرید و حالش را ببرید! در مقدمه این کتاب آمده است: «علاقه بعضی از طنزپردازان به عبور از خطوط قرمز است. بعضی هاشان اصلاً سرشان درد می کند برای دردسر. چشم دارند، می بینند که یک خط قرمز به چه پرتنگی کشیده اند سر راه؛ عدل می روند و پای شان را می گذارند روش. تازه بعضی ها که اصلاً می روند آن طرف خط قرمز و می نشینند و صفا می کنند. اصلاً هم توجه نمی کنند که فردا روزی که یکی مثل ما پیدا شد که خواست شعر طنزآمیز دست و پا کند، دستش توی حنا می ماند!»



روزهای زندگی پرویز شیخ طادی

آدم های سینمایی همیشه هرگاه خواسته اند تصویری از حوادث دفاع مقدس به نسل جوان ارائه دهند، دست به دامن صحنه سازی های خط مقدم و آتش و گلوله و رگبار آرپی جی شده اند؛ طوری که هرگاه صحبت از فیلم دفاع مقدس شود، همین تصاویر در ذهن ما رژه می روند؛ غافل از اینکه اینها همه جنگ بود اما جنگ، همه اینها نبود. پرویز شیخ طادی با ساختن فیلمی درباره پشت صحنه جنگ سعی کرده این قالب ذهنی نادرست را درهم بشکند و از زوایای تازه ای به جنگ نگاه کند و خفایای نابی را برای مخاطبش آشکار سازد. روزهای زندگی داستان یک بیمارستان صحرایی است که از طرف دشمن یعنی مورد حمله قرار می گیرد و به محاصره درمی آید. روزهای زندگی فیلمی جنگی نیست؛ فیلم ضد جنگی است که می خواهد برای ما از آدم هایی که در جنگ کمتر دیده شده اند حکایت کند.



خط ویژه مصطفی کیایی

این فیلم داستان آدم هایی است که همه ما روزانه از آنها می نالیم؛ آدم هایی که خونشان آن قدر از ملت قرمزتر است که می توانند بی مهابا هر مقداری که وام بخواهند را در لحظه بگیرند؛ آدم هایی که حتی در سیستم های اداری هم نفوذ دارند و کسی نمی تواند به سادگی حریف آنها شود. پرداخت فیلم خیلی قوی نیست؛ اما به عنوان اولین فیلم ساخته شده در زمینه نقد امتیازات ویژه و رانت ها برای گروه اندکی از آدم ها ارزش دیدن را دارد.



هور در آتش عزیز الله حمیدنژاد

هور در آتش از فیلم های مهجور سینمای دفاع مقدس است که اسمش را کمتر در رسانه ها تبلیغ کرده اند. این فیلم به داستان باباعقیل و پسرش رحمت می پردازد که با همدیگر راهی جبهه شده اند. باباعقیل که سن زیادی دارد، پشت جبهه می ماند و پسرش به خط مقدم می رود. بعد از مدتی پدر دلتنگ فرزند خویش می شود؛ آن قدر که دل را به دریا می زند و علیرغم ناتوانی راهی خط مقدم می شود. فیلم فضای عاطفه پدر و پسری را در اوج انجام تکلیف الهی به تصویر می کشد. ابراهیمی که اسماعیل خود را به قربانگاه فرستاده و خود نیز به او می پیوندد.



بسته سفارشی پیشنهادی از فیلم های دیدنی
این فیلم ها را ببینید!

محمدحسن هاشم خانلو
محمدجواد صابری

انیمیشن شاهزاده روم هادی محمدیان

این انیمیشن که تاکنون در چند کشور دنیا نیز به اکران درآمده است، اولین ساخته کارگردان خود می باشد که توانسته بین خانواده های ایرانی جا باز کند. فیلم ضمن روایت روابط بین مسلمانان و مسیحیان، به داستان دلدادگی حضرت نرجس خاتون مادر امام زمان (عج) به امام حسن عسکری (ع) می پردازد؛ موضوعی ناب که تقریباً می توان گفت هیچ اثری تا به حال در سینمای ایران به طور جدی به آن نپرداخته است. گرافیک زیبای فیلم و تصویرگری های زیبای آن با رنگ های جذاب جذابیت داستان فیلم می افزایشند و در مجموع پیشنهادی عالی برای یک فیلم دیدن به همراه جمع خانواده را رقم می زنند.



۱۹۵۸- نشانی از شر

این فیلم ساخته اورسن ولز است؛ کسی که فیلم های درخشانی همچون «همشهری کین» را در کارنامه خود دارد. بسیاری معتقدند که این فیلم بهترین فیلم ولز بعد از همشهری کین است. مضمون فیلم درباره رفتارهای فراقانونی و پنهانی پلیس به بهانه مبارزه با جرم در آمریکا است. داستان فیلم حول شخصیت یک بازرس ویژه ویژه مواد مخدر و یک کارآگاه آمریکایی خلافکار که در شرف بازنشستگی است شکل می گیرد.



۱۹۷۹- و عدالت برای همه

فیلمی ساخته نورمن جویسن در سال ۱۹۷۹ که در آن آل پاچینو در نقش یک وکیل که زندگی شرافتمندانه ای را در پیش گرفته، ظاهر می شود. مضمون این فیلم تلاش مذبوحانه ای یک وکیل برای پیدا کردن عدالت در دستگاه فاسد قضایی آمریکاست. این فیلم در واقع دوران افول تمدنی آمریکا را نشان می دهد؛ دورانی که در آن جان و شرافت و زندگی انسان ها به کلی ارزش خود را از دست داده و فساد قضایی سرتاسر دیوان های عالی آمریکا را فراگرفته است.



۲۰۱۲- اطلس ابر

در این فیلم علمی تخیلی انسان های مختلف در شش عصر متفاوت نشان داده می شوند. هدف اصلی از به تصویر کشیدن چنین امری القا کردن این مفهوم به مخاطب است که از مرزهای زمان و مکان، فرهنگ و نژاد و غیره فراتر برود و نوع انسان و انسانیت را فارغ از این ویژگی ها بررسی کند. داستان فیلم از سال ۱۸۴۹ شروع می شود و به ترتیب در سال های ۱۹۳۶ تا ۲۱۴۴ به صورت مقطعی ادامه می یابد. مقاطع زمانی این فیلم در مکان های متفاوت اقیانوس آرام، کمبریج، سانفرانسیسکو، لندن و سنئول سپری می شود. قسمت پایانی فیلم تحت عنوان آخرالزمان مطرح می شود که داستان آن ۱۰۶ سال پس از پایان یافتن دنیا رقم می خورد.





۲۰۰۵- ارباب جنگ

فیلم درباره دلال های اسلحه و واسطه های جنگ افزارها بین کشورهای مختلف عضو شورای امنیت است. داستان این فیلم واقعی است و بر اساس اتفاقاتی در اوایل دهه ۱۹۹۰ رقم خورده است. مضمون این فیلم فوق العاده است و صحت آن رسماً توسط سازمان عفو بین الملل تایید شده است. در این فیلم دلالتان اسلحه و جنگ افزار با کشورهای چین، روسیه، فرانسه، انگلستان و آمریکا در ارتباطند و با به وجود آوردن بهانه های واهی سعی در گرم کردن تنور جنگ در دنیا و به فروش رساندن محصولات جنگی خود دارند.



۲۰۱۰- غیر قابل تصور

گرگور جردن در فیلم خود می خواهد شکنجه وحشیانه متهمان توسط سیستم های دولتی امنیتی آمریکا را نشان دهد. فیلم حول شخصیت یک متهم، یک شکنجه گر و یک بازرس پلیس آمریکایی شکل گرفته است. شکنجه گر در این فیلم با هدایت بازرس پلیس تمام راه های ممکن برای شکنجه متهم را امتحان می کند تا به زور از او اعتراف بگیرد. روش های وحشیانه شکنجه در این فیلم شاید قلب شما را کمی آزرده کند!



۲۰۱۴- ۱۲ سال بردگی

۱۲ سال بردگی جدیدترین ساخته استیو مک کوئین است که بر پایه یک اتفاق در دنیای واقع ساخته شده است. این فیلم سرگذشت برده ای به نام سالومون نورتاب را روایت می کند که در قرن نوزدهم میلادی به همراه هزاران برده دیگر به بردگی گرفته شد و برای سال های متمادی رنج و سختی های زندگی بردگی را تحمل می کرد. کارگردان در این فیلم تمام محافظه کاری ها را کنار گذاشته و از واقعیت های صریح نژادپرستی و ظلم هایی که در اثر تبعیض نژادی بر انسان ها در غرب روا داشته می شود، پرده برداشته است. سفیدپوست ها در این فیلم با نیرنگ و ظلم سیاه پوستان را به استثمار خود در می آورند و از آنها برای رسیدن به مقاصد ننگین خود سواستفاده می کنند. سیاه پوستان در این فیلم حتی برای بهره مندی از کمترین حقوق زندگی خود نیز با سختی مواجه هستند.



۲۰۰۹- شهروند قانونمدار

فیلم درباره مردی است که گرفتار بی قانونی در دستگاه های ایالت متحده می شود؛ به گونه ای که جلوی چشمانش خانواده اش را می کشند اما او هیچ کاری نمی تواند بکند و دستگاه قضایی آمریکا نیز قاتل را مجازات نمی کند. اگر این فیلم را در دفاعاتی که از صدا و سیما پخش شده، ندیده اید حتما آن را در اولتی بگذارید. فیلمی خوش ساخت که سکانس پایانی آن فوق العاده است.



جزوه سپاه پاسداران انقلاب اسلامی مرکز فرهنگی وارثین دزفول

سپاه شجره طیبه انقلاب اسلامی است که بدنه آن نزدیک ترین افراد به خط ولایتند. مقام معظم رهبری در ۲۵ شهریور ۹۴ سخنرانی مهمی را در جمع فرماندهان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ایراد فرمودند؛ این سخنرانی را نمی توان یک سخنرانی معمول و صرفاً سازمانی دانست بلکه در واقع مخاطب این سخنرانی لشگریان مبارزه علیه جبهه کفر در جهان اسلام هستند. در این جزوه که نکات مهم آن هم سوتیترگذاری شده، مرزبندی اسلام با کفر و روش هموردی با جبهه باطل تشریح شده است.



کدام پیامبر فرموده دنیای خود را آباد نکنید؟! علیرضا پناهیان

این جزوه نهمین شماره از مجموعه جزوات زندگی بهتر است که در آن قرار است پای درس استاد علیرضا پناهیان بنشینیم و تمام تصورات نادرستی را که به اسام دین در ذهن ما بوجود آمده و آورده اند، اصلاح کنیم. شاید زیاد در گوش ما خوانده باشند که دنیا نابود شدنی است و ارزش وقت صرف کردن را ندارد؛ شاید زیاد شنیده باشیم که ثروت چیز خوبی نیست و در این جزوه ما با معنای واقعی زهد آشنا می شویم و یاد می گیریم که چگونه زهدی فعال داشته باشیم؛ یاد می گیریم که چگونه هم می توان نماز خواند و هم یک آدم مذهبی بود و در عین حال از دنیای خود نیز عقب نماند. در قسمتی از این جزوه می خوانیم: «زهد به این معنا نیست که زندگی شما آنچنان خراب باشد که نتوانی نیازهای خود و جامعه خود را تأمین کنی و قدرتمندان ثروتمند بر شما مسلط شوند! چه کسی گفته است که معنای زهد این است؟! در هیچ جلسه‌ای از جلسات مذهبی نبوده که ما درباره زندگی بهتر از نظر مادی در آن محدوده‌هایی که دین گفته سخن بگوییم، مگر اینکه با اعتراض‌هایی از سر جهالت مواجه شده‌ایم، و این خیلی موجب تأسف است...»



بسته سفارشی پیشنهادی از جزوه های خواندنی

جزوه های طلایی



بانک در جامعه اسلامی شهید محمدباقر صدر

فقه شیعه همواره رو به پویایی است و هیچ گاه در برابر مسائل جدید بی تفاوت نبوده است. مسئله اقتصاد و سرمایه داری که از مسائل عصر جدید بشریت است، مانند همه کشورها در کشور ما نیز دامنگیر ما شده است. اینکه چقدر روش های نوین اقتصادی به مبانی اسلام ناب محمدی نزدیک است و تا چه میزان می توان اقتصاد مدرن را مشروع دانست، از مباحثی است که علمای بزرگی مانند شهید سیدمحمدباقر صدر و استاد مطهری به خوبی درباره آن نظریه پردازی کرده اند. جزوه بانک در جامعه اسلامی، در اصل مقاله ای شهید محمدباقر صدر به زبان عربی است که توسط آقای جمال موسوی به فارسی برگردانده شده است و بعد از سی و اندی سال مورد استفاده علاقمندان قرار می گیرد. دیدگاه شهید صدر به مسئله اقتصاد و به طور خاص بانک، دیدگاهی دارای منظومه است؛ به این معنا که وی معتقد است بانک و اقتصاد مدرن باید وضعیتش در منظومه کلی اندیشه اسلامی معلوم باشد و نسبت آن با فقه و مختصاتش با اصول اساسی اسلام روشن باشد.



تقابل سه گفتمان در اداره کشور حجت الاسلام محمد مهدی میرباقری

همواره در عرصه مدیریت کشور گروه‌ها و احزاب و جریان‌های مختلفی مدعی توانایی اداره بهتر امور هستند و فکر می‌کنند که اگر این رشته را به دست بگیرند مشکلات کشور را به کلی می‌توانند حل کنند. عده‌ای هم می‌پندارند که مشکلات اداره کشور فقط در اختلاف نظرات سیاسی خلاصه می‌شود و فکر می‌کنند اگر یک سلیقه خاص سیاسی به قدرت برسد، اوضاع امور متفاوت خواهد شد. با برآیندگیری از مجموعه وضعیت به این نکته می‌رسیم که می‌توان این ادعاها را به تناسب برنامه‌ها و مختصات فکری جریان‌اتشان دسته‌بندی کرد و به چند گفتمان مشخص رسید. مدیریت کلان کشور موضوع همیشگی و پرچالشی است که افراد و گروه‌های مختلف با نظرات گوناگون به ارائه راهکار در آن می‌پردازند؛ افرادی که داعیه‌ی اسلام دارند و خود را از دلسوزان نظام معرفی می‌کنند، در عین حال تفاوت‌های بسیار زیادی در راهکارهایشان دیده می‌شود. قطعاً قسمت عمده‌ای از این تفاوت‌ها ریشه در نگاه به اسلام و کارکردهای دین دارد. جزوه «تقابل سه گفتمان در اداره کشور» جزوه‌ای غنی شده از کتاب «کالبد شکافی فرهنگی فتنه ۸۸» تالیف حجت الاسلام محمد مهدی میرباقری است. استاد میرباقری در این جزوه به تشریح قرائت‌های مختلف از اسلام می‌پردازد و مولفه‌های و با بیان نقاط اشتراک و افتراق آنها، نگاه روشنی از جریان‌های موجود برای اداره کشور ارائه می‌کند.



از خودباختگی اسلامی تا خودباختگی غربی در سینما دکتر مجید شاه حسینی

به راستی تعریف درست زنده نگه داشتن یاد شهید چیست؟ و به صرف نام بردن از شهید و گرفتن همایشی و یادواره‌ای، این امر محقق می‌شود؟ اصلاً مگر شهادت با آن همه رنج و لیاقت و سختی که جز به پاکان و شایسته‌گانش ندهند، می‌تواند با زحمت گرفتن یک همایش ساده برابری کند؟ مگر نه این است که سینما آینه تمام عیار جامعه است و هنر تصویرگر دردها و ارزش‌های جامعه خویش است؟ پس چگونه می‌توان راه شهدا را در قلمرو سینما زنده نگه داشت و ادامه داد؟ اصلاً شهید آوینی که خود عرصه‌های هنر و معنویت را زیر پر و بال خویش نگه داشته بود، چگونه درباره‌ی وارد کردن ارزش‌های دینی و مقدس به عرصه سینما می‌اندیشید؟ چه راهکارهایی را پیشنهاد داده بود؟ چقدر به تکنیک‌ها معتقد بود و چقدر به محتوا؟ بعد از شهید آوینی چه اتفاقاتی برای هنر افتاد؟ آیا هنر امروز دنباله‌رو همان افقی است که شهید آوینی در آن روزها به دنبال آن بود و تمام زندگی و هنرش را وقف آن کرده بود؟ دکتر مجید شاه حسینی در این جزوه می‌خواهد خودباختگی و پوچی غرب در عرصه هنر به خصوص سینما را برای مخاطب تشریح کند و در مقابل از زمینه‌های گسترده‌ای که برای ورود ما به عنوان دنباله‌روان شهدا در این عرصه وجود دارد، پرده بردارد. دکتر شاه حسینی معتقد است بعد از دفاع مقدس هنر به دست مناصب دولتی سپرده شد و نهادها مأمور تحقق ارزش‌ها در قالب هنر شدند؛ امری که نه تنها به گسترش مفاهیم ارزشی کمکی نکرد، بلکه شاید در نهایت به ضرر آن تمام شد.



دین داری و تبحر از منظر امیرالمؤمنین حسن رحیم پور ازغدی

این جزوه گفتاری از دکتر حسن رحیم پور ازغدی را در خود دارد که شماره اول از سری جزوه‌های «چند دقیقه برای تفکر» است. در این سخنرانی آفت‌های دین داری متحجرانه با استفاده از سخنان گرانبه‌ای امیرالمؤمنین (ع) تفسیر می‌شود و در مقابل دینداری واقعی و اسلام ناب محمدی توضیح داده می‌شود. استاد حسن پور با لحنی صریح و بیانی شفاف هرگونه مصلحت‌اندیشه‌ناجرا را کنار گذاشته و مصداق‌های عملی از دینداری متحجرانه در عصر حاضر را برای مخاطب تبیین می‌کند. در بخشی از متن جزوه می‌خوانیم: «ظواهر مذهب را تا جایی که برای شما ضرر ندارد رعایت می‌کنید، احکامی که برای شما زیاد هزینه ایجاد نمی‌کند را عمل می‌کنید اما ریشه‌ی پیوند را اسلام را گسسته اید...»



گشت و گذاری در حیات نورانی شهید مجید شهرباری مرکز فرهنگی وارثین دزفول

نمی‌دانم با شهید شهرباری چقدر آشنا هستیم؟ شاید یک تصویر کلی از او که دانشمند هسته‌ای بود و یک آدم اخلاقی که در قید و بندهای روزمره‌ای که هرکدام از ما برای خود درست کرده‌ایم، نبود. این تصاویر کلی چقدر برایمان ملموس شده‌اند؟ چقدر می‌توان از آنها رهنمودهای عملی دریافت نمود؟ و چگونه می‌توان شهید شهرباری‌های دیگر را شناخت و پرورش داد؟ می‌گفتند ترور شهید شهرباری اقدامی غیرجنگی برای توقف پیشرفت ایران بوده است و این چنین بود که به خیال خود راه ما را سد کردند؛ همان‌هایی که پس از شنیدن خبر ترور شهرباری، نفس راحتی کشیدند. این جزوه خواندنی نیست؛ زیستنی است.



مشکل اصلی قوه قضائیه است! رضا معبودی

وقتی به مسئله فساد و میزان وقوع جرایم نگاه می‌کنیم، در می‌یابیم که اتفاقاتی که روزانه در گوشه و کنار این کشور اتفاق می‌افتد و شاید خود ما هم تاکنون قربانی آنها شده باشیم، باید عوامل مختلفی داشته باشند. اینکه به یک مجرم دستبند بزنیم و یا مجرم دیگر را در زندان نگاه داریم تا تنبیهی برای خطایی که از آنها سرزده باشد، امری ستودنی است؛ چون بین اتفاق افتادن یک جرم و اتفاق نیفتادنش باید در جامعه تفاوتی احساس شود. اما آیا مسئله به همین جا ختم می‌شود و از ما سلب مسئولیت شده است؟ به عبارت دیگر آیا به تکلیف خود در برابر ریشه کن کردن جرم‌ها به این صورت می‌توانیم بگوییم عمل کرده ایم؟ آیا نمی‌توان گفت که پیشگیری فعالانه قبل از وقوع جرم در واقع راه اصلی ریشه کن کردن جرم‌ها است؟ چه عواملی باعث می‌شوند تا فردی اصلاً به سمت ارتکاب یک جرم کشیده شود؟ این جزوه با نگاهی به پهنه مسئولیتی قوه قضائیه می‌خواهد ما را متوجه این نکته کند که بخش عمده وظیفه اجرایی قوه قضائیه نه بعد از وقوع، که قبل از آن است.



نقد بسیج از درون وحید جلیلی

اصلاً مگر می‌شود بسیج را هم نقد کرد؟! عده‌ای فکر می‌کنند که بسیج و بسیجی همواره مصون از هر گونه خطا و اشتباهی اند. اصل این موضوع صحت دارد اما نه به این شکل؛ بلکه باید گفت که بسیج همواره شجره طیبه‌ای است که در آن خلل و فطوری نیست؛ اما مایی که به عنوان بسیجی وارد این مجموعه می‌شویم بالاخره انسانیم و با ظرفیت‌های متفاوت؛ هر چند حساب بسیج از بسیجی جداست، اما به هر حال بسیج بدون بسیجی معنا ندارد و به میزانی که بسیجی خودش ساخته باشد، این درخت گهربار تنومند خواهد شد؛ البته عکس این نکته نیز صادق است. در این جزوه قرار است وحید جلیلی حرف‌هایی را درگوشی به بسیجی‌ها بزند که شاید کمتر جایی شنیده باشند. گوشتان را نزدیک‌تر بیاورید تا رسانه‌های بیگانه این حرف‌ها را نشنوند! می‌خواهیم دو کلمه خودمانی حرف بزنیم؛ چرا که از پیامبران آموخته ایم که عیب‌های همدیگر را باید در گوش هم بگوییم...



متن‌های ترک خورده: سیری در مفهوم اومانیسیم و نگاه اسلامی به انسان سید مجید امامی

جایگاه انسان در منظومه هستی و نسبت او با سایر موجودات و مخلوقات همواره محل بحث متفکران غربی و اسلامی بوده است. عده‌ای قائل بر این هستند که همه چیز در خدمت انسان است و برای او آفریده شده است. عده‌ای هم معتقدند که انسان در خدمت مخلوقات است و باید آنها را به تکامل برساند. البته عده‌ای هم نگاه بینابینی دارند و با در نظر گرفتن جوانب امر معتقدند که اگرچه مخلوقات برای انسان آفریده شده‌اند، اما انسان نیز به خودی خود هدفی والا تر دارد که بهره‌مندی از مخلوقات را در خدمت آن هدف والا تر به کار می‌گیرد. شاید زیاد واژه اومانیسیم را شنیده باشیم، اما اینکه چه عواملی باعث شد تا متفکران در آن سوی کره زمین به این واژه برسند و برای آن اصالت قائل شوند، نیازمند دانستن پیش‌زمینه‌ای از دوره‌های مختلف غرب و اتفاقاتی است که در آن دوره‌ها افتاده است. چه آنکه بشر غربی همواره از محیط و اتفاقات پیرامونی خود تحت تأثیر بوده و بیشتر از آنکه نگاهی عمیق داشته باشد، تحت تأثیر احساسات خود از حوادث طبیعت و اتفاقات دنیای انسان‌ها بوده است. سید مجید امامی در این جزوه ضمن توضیح آنچه در مواجهه با نقد غرب نیازمندیم بدانیم، به نقد نگاه غربی به انسان و انسان‌محوری مطلق می‌پردازد.



خودآگاهی و استحمار دکتر علی شریعتی

پیامبران بزرگ مذهب را در اوج حقیقتش و عریان و راستین مطرح می‌کردند و مردم تشنه معنویت را به سوی سفره نورانی الهی فرا می‌خواندند. بعد از این دوران که جامعه از نعمت وجود فیزیکی پیامبران محروم شد، قدرت‌های استحمارگر و قدرت‌های ضد انسانی سعی کردند تا این میل طبیعی و فطری مردم را به سوی خود بکشانند و برای رسیدن به مطامع شخصی خود از آن سواستفاده کنند. چنانکه می‌بینیم که بعد از پیامبر گرامی اسلام (ص) با وجود بزرگمردانی مانند ائمه معصومین در بین مردم، افرادی پیدا شدند که خود را منتسب به وجود گرامی پیامبر اسلام کردند و از این رهرو می‌خواستند ریشه‌های خلافت و قدرت نامشروع خود را در جامعه اسلامی تنومند کنند. این چنین بود که سرنوشت مذهب را در دست گرفتند و به نام‌ها و عناوین مختلفی که مردم از آن عناوین تصور مثبت داشتند، مذهب ساخته خودشان را وسیله استحمار مردم کردند، هم استحمار فردی و هم استحمار اجتماعی. به خاطر اینکه مذهب به هر دو بعد فردی و اجتماعی انسان توجه دارد، بخصوص دین اسلام که هم «خودآگاهی انسانی» و هم «خودآگاهی اجتماعی» - هر دو - را با خودش دارد. این است که وقتی اسلام در تاریخ بعد از پیغمبر تسط عده‌ای وسیله استحمار می‌شود، بزرگترین مصیبت برای جامعه بشری به وجود می‌آید و در یک ضربه هم آگاهی انسانی را فلج می‌کند و هم آگاهی اجتماعی را؛ در این جزوه دکتر علی شریعتی چارچوب مواجهه با دین‌راه‌انگونه که هست، تشریح می‌کند.



**اشرافیت دولتمردان
محمد صادق کوشکی**

اشرافیت چیست و از کی به وجود آمد؟ چرا مفهومی به نام اشرافیت باید در یک جامعه به وجود بیاید و مردم در این بین چه نقشی در قبال سردمداران اشرافیت دارند؟ آیا اشرافیت صرفاً یک نمود ظاهری است که هر کسی لباس های آنچنانی پوشید و ماشین آنچنانی سوار شد، به او این برچسب را بزنیم؟ یا اینکه گستره فکری وسیع تری دارد؟ اشرافیت چگونه وارد یک شخص یا یک اجتماع می شود و برای مقابله با آن چه راهکارهایی وجود دارد؟ دکتر محمدصادق کوشکی می خواهد در این جزوه راهنمای ما باشد تا با عینک بهتر و نگاه دقیق تری به این مقوله وارد شویم و مسائل روز را مطابق با آن تحلیل کنیم.



**درس گفتار صوتی
«راز درماندگی»
حسن عباسی**

حسن عباسی این درس گفتار به بحث پیرامون علم غربی و علم دینی می پردازد و سعی می کند نگاه درستی را از هردو ارائه دهد. در «راز درماندگی» چگونگی داشتن نگاه توحیدی با تاملی بر عبارت «لا اله الا الله» توضیح داده می شود و راه های اینکه این شعار دینی به عرصه عمل کشانده شود و مفهوم کاربردی خود را یابد مورد بررسی قرار می گیرد. عباسی در قسمتی از سخنان خود می گوید: «دین ما اساساً از نفی شروع می شود یعنی لاله مقدم بر الا الله است. حضرت ابراهیم با بت پرستی ظاهری مبارزه کرد و در واقع تئوری شیطان را از بین برد اما دوباره شیطان هزار سال پیش، هنگام ظهور اسلام موفق شده بود که بت عینی را خدای مردم قرار دهد، البته این بار به این صورت که بتها را در کعبه قرار داد. این حیله شیطان بود که مردم را فریب دهد.»
این درس گفتار سلسله جلسات کارگاه آموزشی دوره والعصر است که صوت آن توسط موسسه علمی فرهنگی سدید آماده شده است.



**ضرورت نظام فکری
دکتر احسان بابایی**

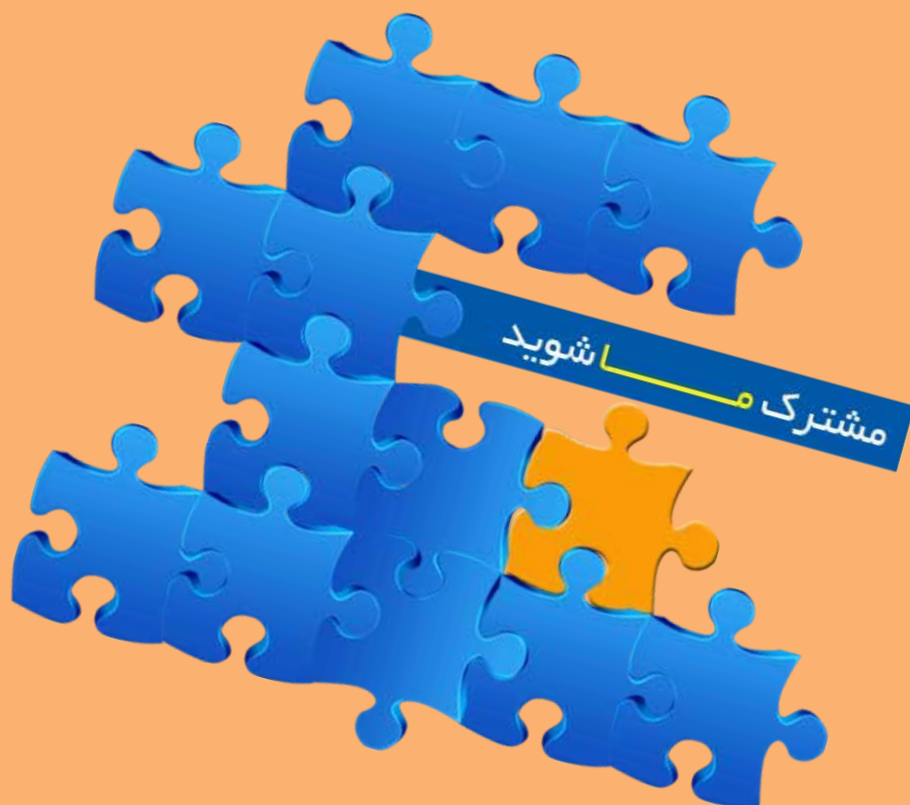
یک ساختمان بدون اسکلت می تواند دوام بیاورد؟ جملات و زینت های آجرها و مصالح حتی اگر از طلا و نقره و الماس باشند، می توانند نبود یک چارچوب محکم را برای یک بنا جبران کنند؟
معنای نظام فکری چیست؟ آیا می توان یک سری عقاید مشتت و پراکنده داشت و با آن ها در هر راهی قدم گذاشت؟ در هر کوره راه و هر طوفانی چقدر می توان به فکرها و تشخیص های خود تکیه کرد؟ معیار محکم بودن اندیشه ها و درست بودن تشخیص ها و تمایزها کجاست؟ دکتر احسان بابایی برای ما از ضرورت داشتن یک نظام فکری چارچوب مند می گوید. و اینکه اگر افراد این اسکلت بندی را در اندیشه شان نداشته باشند چه سردرگمی هایی در انتظارشان خواهد بود؟ در بخشی از این جزوه می خوانیم:

«تفاوت یک ذهن نظام مند و یک ذهن منظم، با یک ذهن نامنظم مثل تفاوت یک خانه نامنظم است با خانه منظم. اگر یک خانه نامنظم باشد؛ فرض بفرمائید در حیاط ۲۰ متری هیچ چیز سر جای خودش نباشد، ۵۰ تا پاره آجر وسط حیاط افتاده باشد، اگر دوباره آجر دیگر هم وسط حیاط بیفتد، صاحب خانه اصلاً متوجه نمی شود برای اینکه در این حیاط نظمی حاکم نیست، هر گزاره ای را می توانید وارد خانه ذهن یک آدم فاقد نظام فکری بکنید. اما اگر یک خانه ای منظم باشد، هر چیزی سر جای خودش باشد، بین اجزای مختلف، یک نظم منطقی وجود داشته باشد، اگر یک عنصر بیگانه وارد بشود، این فرد واکنش نشان می دهد، حساسیت نشان می دهد، سعی می کند رابطه این مؤلفه را و رابطه این آموزه را با آموزه های دیگر روشن بکند...»



**درس گفتار صوتی
«مسأله شناسی اقتصاد اسلامی در برابر اقتصاد متعارف»
عادل پیغامی**

این درس گفتار درباره مسائل روز اقتصاد و شیوه مواجهه با آنهاست که براساس مبانی اصیل انقلاب اسلامی انجام گرفته است. دکتر پیغامی چارچوب فکری انقلاب اسلامی را وسیع تر از آن می داند که در قید و بندهای اقتصاد تئوری پردازی شده غرب امروزی گرفتار شود. وی با اشاره به فقه پویای تشیع و ارزش های آرمانخواهانه انقلاب اسلامی به بررسی مشکلات اقتصاد امروزی می پردازد و فاصله ما تا اقتصادی بر مبنای اصول اسلام انقلاب را تشریح می کند. این درس گفتار حاصل دوره آموزشی علم و ایمان ۲ است که توسط موسسه علمی فرهنگی سدید منتشر شده است.



مفاتبین ۵۷ می توانند جهت دریافت اشتراک ماهیانه نشریه با پرداخت مبلغ ۱۵ هزار تومان مشترک پنج ماهه ۵۷ شوند. جهت اشتراک اطلاعاتی را که در فرم مربوطه در زیر آمده به آدرس ایمیل ماهنامه ۵۷ به نشانی 57mags@gmail.com ارسال نمایید. لازم به ذکر است در ازای مبلغ پرداختی، تا پنج شماره از نشریه (هر ماه یک شماره) ارسال خواهد شد. ضمناً جهت دریافت اطلاعات بیشتر و همچنین هماهنگی و ثبت نام اشتراک با بخش اشتراک و توزیع ۵۷ به شماره همراه و تلگرام ۰۹۱۲۴۵۱۴۵۸۷۱۴ تماس حاصل نمایید.

نام و نام خانوادگی: شماره ملی: دانشگاه محل تحصیل:

رشته تحصیلی: مقطع تحصیلی: سال ورود به دانشگاه:

سابقه فعالیت تشکیلاتی در: بسیج جامعه اسلامی انجمن اسلامی

دفتر تحکیم وحدت: هیئات دانشجویی کانون و انجمن های ادبی انجمن های علمی

شماره همراه: پست الکترونیک:

آدرس دقیق پستی جهت ارسال ماهنامه به همراه کدپستی:

آیا تمایل به ارائه یادداشت های خود جهت درج در ماهنامه را دارید؟



روزنامه الکترونیک ۵۷ آنلاین

دریافت روزنامه بالوگوی تشکل خود

به صورت روزانه

online57.ir



نویسندگان ۵۷ باشید!

مطالب، یادداشت ها و گزارش اتفاقات دانشگاه های

خود را با ما به اشتراک بگذارید. برای عضویت در باشگاه

نویسندگان ماهنامه ۵۷ از طریق شماره ۰۹۳۶۰۸۱۷۱۴۱

درخواست عضویت کنید



محصولات مرکز رسانه ای ۵۷

را در کانال تلگرام زیر دنبال کنید:

[Telegram.me/mag57online](https://t.me/mag57online)



mag57.ir

برای دریافت متن مطالب ماهنامه

و مشاهده نسخه الکترونیک

می توانید به این سایت مراجعه نمایید

ماهنامه ۵۷ را از مراکز پاتوق کتاب در

پاتوق کتاب	آدرس
اردبیل	اردبیل - سه راه دانش - خیابان اسماعیل بیگ - جنب بانک ایران زمین
ارومیه	ارومیه - خیابان دانش ۲ - نرسیده به باکری - جنب فروشگاه کوروش
اسکو	تهران - خیابان انقلاب - کوچه اسکو
اصفهان	اصفهان - چهارراه تختی - خیابان مسجد سید - روبروی بانک صادرات
ایلام	ایلام - خیابان ولایت (خ مسجد والی) - ساختمان سابق بانک قوامین
آذربایجان شرقی	تبریز - چهارراه آبرسانی، جنب مسجد طوی
البرز	کرج - چهارراه طالقانی - بعد از زیرگذر - به سمت میدان سپاه - جنب هلال احمر - ساختمان دی - طبقه
بوشهر	بوشهر - جنب حوزه علمیه - کتابسرای باران
تهران	تهران - چهار راه کالج
چهارمحال بختیاری	شهرکرد - خیابان ولی عصر ^(ع) - بالاتر از سه راه سینما
خراسان جنوبی	بیرجند - خیابان پاسداران - نبش پاسداران ۱۹ - پلاک ۵۴
خراسان رضوی	مشهد - چهارراه شهدا - خیابان آیت الله بهجت - نبش بهجت
خراسان شمالی	بجنورد
خوزستان	اهواز - خیابان نادری - پلاک ۶۷
زنجان	زنجان - خیابان امام - جنب امامزاده سید ابراهیم ^(ع)
فارس	شیراز - خیابان شهید فقیهی (صورتگر) - نبش خیابان معدل - پاتوق کتاب شیراز
فرهنگ و اندیشه	قم، - بلوار جمهوری - بعد از مرکز کامپیوتری نور - ساختمان نهاد رهبری در دانشگاه ها
قزوین	قزوین - چهار راه بنیاد شهید - روبروی بانک سپه و بانک مهر اقتصاد
قم	قم - خیابان شهداء - روبروی بیت رهبری
کرمان	کرمان - خیابان مطهری بین کوچه ۵۴ - ۵۶
کرمانشاه	کرمانشاه - چهارراه مدرس، خیابان پزشکان، پلاک ۲۲
گلستان	گرگان - مقابل پارک شهر - کوچه بوعلی
گیلان	رشت - خیابان امام خمینی ^(ع) - روبروی بانک رفاه
لرستان	خرم آباد - خیابان شهید مطهری - سه راه اول - روبروی بانک صادرات
مازندران	ساری - میدان شهدا - خیابان ۱۸ دی - روبروی مسجد امام حسین ^(ع)
مرکزی	اراک - خیابان امام خمینی ^(ع) - خیابان میرزای شیرازی (مسجد سیدها) - حوزه علمیه
مرکزی قم	قم - خیابان صفائیه - کوچه ۳۲ - پلاک ۳
هرمزگان	بندرعباس - خیابان دانشگاه - جنب موسسه اعتباری عسگریه - پاساژ کاکتوس
یاسوج	یاسوج - خیابان پزشک - بالاتر از داروخانه دکتر نیگبخت - جنب کفش ملی
یزد	یزد - بلوار منتظر قائم چهار راه فاطمی - کوچه گلشن

سراسر کشور می توانید دریافت نمایید

همراه نشر معارف	تلفن همراه	تلفن	مسئول	
۰۹۱۰-۷۷۵۵۱۷۸	۰۹۳۹-۳۹۲۶۲۴۸	۰۴۵-۳۳۲۶۰۳۱۴	ابراهیم زاده	
۰۹۱۰-۷۷۵۵۱۶۶	۰۹۱۴-۳۴۷۷۸۲۳	۰۴۴۳۲۲۵۴۶۴۱	حقانی	
۰۹۱۰-۷۷۵۵۱۵۸	۰۹۱۲-۸۰۲۲۰۸۰	۰۲۱-۶۶۹۷۹۵۰۸	حبیب زاده	
۰۹۱۰-۷۷۵۵۱۶۳	۰۹۱۲-۸۵۱۸۵۹۸	۰۳۱-۳۳۳۷۱۶۹۲	شریف	
۰۹۱۰-۷۷۵۵۱۸۸	۰۹۱۹-۹۲۷۷۵۵۶	۰۸۴-	تیموریان	
۰۹۱۰-۷۷۵۵۱۶۵	۰۹۱۲-۸۳۶۹۸۴۰	۰۴۱۳۳۳۶۸۷۳۱۱	پاسبانی	
۰۹۱۰-۷۷۵۵۱۷۱	۰۹۳۳-۸۱۷۸۸۸۱	۰۲۶-۳۴۴۸۶۲۵۷	مددی	یززمین
۰۹۱۰-۷۷۵۵۱۸۱	۰۹۱۷-۶۶۷۱۵۵۴	۰۷۷-۳۳۳۳۶۰۱۸	خدری	
۰۹۱۰-۷۷۵۵۱۵۸	۰۹۲۵-۴۳۴۰۶۰۲	۰۲۱-۸۸۹۱۱۲۱۲	حیدری	
۰۹۱۰-۷۷۵۵۱۸۳	۰۹۳۶-۴۷۵۲۱۱۲	۰۳۸-۳۲۲۴۳۲۲۲	جزایری	۰۳۸
۰۹۱۰-۷۷۵۵۱۸۷	۰۹۱۵-۴۹۶۸۶۷۶	۰۵۶-۳۲۴۲۰۰۷۸	حسینی	
۰۹۱۰-۷۷۵۵۱۶۰	۰۹۱۵-۱۱۲۶۳۵۴	۰۵۱-۳۲۲۲۰۱۱۹	طباطبایی	
۰۹۱۰-۷۷۵۵۱۸۴	۰۹۲۷-۳۷۰۷۱۷۴		باغ چقی	
۰۹۱۰-۷۷۵۵۱۶۴	۰۹۱۶-۳۲۱۸۰۴۵	۰۶۱۳-۲۲۳۸۰۰۰	صفاری	
۰۹۱۰-۷۷۵۵۱۸۲	۰۹۱۲-۷۵۲۷۴۳۲	۰۲۴-۳۳۳۶۶۴۲۵	رضا خانی	
۰۹۱۰-۷۷۵۵۱۶۱	۰۹۱۷۳۰۹۶۰۵۸	۰۷۱-۳۲۳۴۴۶۱۴	حسینی	
۰۹۱۰-۷۷۵۵۱۵۹	۰۹۱۹-۲۰۶۰۰۲۵	۰۲۵-۳۲۹۱۷۷۲۷	قاسمی	
۰۹۱۰-۷۷۵۵۱۷۹	۰۹۱۹-۳۸۸۷۵۴۶	۰۲۸-۳۳۳۶۲۸۰۶	طریقی	
۰۹۱۰-۷۷۵۵۱۵۹	۰۹۱۹-۳۱۶۰۱۹۶	۰۲۵-۳۷۷۳۵۰۰۳	ایرانش	
۰۹۱۰-۷۷۵۵۱۶۸	۰۹۳۹-۴۶۵۶۵۴۶	۰۳۴-۳۲۲۳۱۴۶۶	سلیم پور	
۰۹۱۰-۷۷۵۵۱۶۲	۰۹۱۸-۹۲۹۰۵۴۶	۰۸۳-۳۷۲۳۸۴۱۱	صفدری	
۰۹۱۰-۷۷۵۵۱۷۲	۰۹۱۱-۲۱۴۳۷۵۷	۰۱۷-۳۲۲۳۷۸۸۰	مرعشی	
۰۹۱۰-۷۷۵۵۱۷۰	۰۹۱۱-۳۴۷۶۴۰۰	۰۱۳-۳۳۳۱۰۱۷۴	رستگار	۰۱۳۳
۰۹۱۰-۷۷۵۵۱۷۴	۰۹۳۸-۹۶۸۹۸۸۴		احسانی	
۰۹۱۰-۷۷۵۵۱۶۷	۰۹۱۲-۶۸۹۱۷۲۵	۰۱۱-۳۳۲۵۳۰۲۰	زاهدی	
۰۹۱۰-۷۷۵۵۱۷۷	۰۹۱۸-۹۶۴۰۱۶۳	۰۸۶-۳۲۲۲۹۰۳۸	دارایی	
۰۹۱۰-۷۷۵۵۱۵۹	۰۹۳۶-۱۵۴۳۵۸۰	۰۲۵-۳۷۷۴۲۷۵۷	آل ابوب	
۰۹۱۰-۷۷۵۵۱۷۵	۰۹۱۷-۱۶۱۳۸۴۳	۰۷۶-۳۳۶۱۷۵۵۷	تقوی	
۰۹۱۰-۷۷۵۵۱۸۵	۰۹۱۷۱۴۸۵۲۳۵		پرهیزگاری	
۰۹۱۰-۷۷۵۵۱۸۰	۰۹۱۵-۵۲۲۱۸۲۸	۰۳۵-۳۶۲۴۰۵۵۰	سالکی	

کالک

گروه مدیریت دانشی شکل های دانشجویی
بخش ها : کالک tv - کالک تجربیات - کالک پشتیبان - کالک عملیاتی - کالک
مسئولیت
سایت: kalk.ir

هسته جریان سازی

تولید جزوات مطالعاتی جهت پشتیبانی محتوایی و فکری شکل های دانشجویی در
سه سطح نگارش سازی فکری و تشکیلاتی

تولید محتوای جریان ساز در قالب های مختلف برای شکل های دانشجویی

پشتیبانی دوره های شکل های دانشجویی در زمینه های : ارسال اساتید - طراحی
دوره های موضوعی - برگزاری کارگاه با موضوعات مختلف - تولید محتوا برای دوره
های تشکیلاتی شکل ها
سایت مدرسه : madresekalk.ir / شماره تماس : 09331251313

واحد ارتباطات

ارتباط گیری گسترده با شکل های دانشجویی - ایجاد شبکه گسترده و پویا در بین شکل های دانشجویی و توزیع
ترویج و مناسب محتوای تولید شده توسط واحد های قرارگاه به دانشجویان
سایت : madresekalk.ir / Telegram: me/qalkir / Instagram: madresekalk

گروه رسانه ای ۵۷

تولید محتوای جریان ساز برای شکل های دانشجویی
بخش ها : نشریه 57 - نشریه الکترونیکی 57 آنلاین - گروه مشاوره
نشریات دانشجویی
mag57.ir / online 57.ir / telegram.me/mag57online

واحد مطالعات

مدرسه کالک



قرارگاه شهید باقری
سازمان بسیج دانشجویی



پنجامه هفت

با دست پر به عید دیدنی بروید

پنجاه و هفت سین!



سبک زندگی تفریحاتی جوان مومن
با قصد قربت تفریح کنید



با سلحشور ۲۷ سال رفاقت داشتم
محتوا بیش از تکنیک برایش مهم بود



خودمان را عین جمهوری اسلامی ندانیم!
رهبری الگوی از تباط با همه طیف هاست



نتیجه انتخابات ۷ اسفند آرامش سیاسی است
برجام یک فرصت متوسط است



ما فقط می خواهیم روی صندلی برای دیگران سخنرانی کنیم
خدا فقط در شلمچه نیست!





پنجگاه هفت

www.online57.ir

پنجگاه و هفت روزانه بخوانید...

تلفن های تماس:

۰۹۳۵۹۱۷۲۷۵۷

۰۹۱۲۷۴۷۲۹۰۰

57magz@gmail.com

با ما در ارتباط باشید...

مشاوره رایگان تلفنی و آنلاین به نشریات تشکل های دانشگاه های سر اسر کشور
طراحی مجلات و محصولات تشکل های دانشجویی با تخفیف ویژه دانشجویی
برگزاری دوره های آموزشی رسانه در دانشگاه های سر اسر کشور

گروه مشاوره و طراحی دانشجویی ۵۷
ویژه تشکل های دانشجویی

حَوْلَ حَائِلَاتِ الْحَيَاةِ الْجَمِيلِ
يَأْمُرُ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ بِأَنْ يَحُولَ الْحَوْلُ وَالسَّوَالُ
يَأْمُرُ بِالْقُلُوبِ وَاللِّسَانِ وَالرِّهَابِ

